

### فهرست

۱۳	خطبه‌ی شعبانیه.....
۱۷	درباره‌ی کتاب.....
۲۱	آثار روزه.....
۲۱	مقدمه.....
۲۴	آثار روزه.....
۲۴	۱. آثار تربیتی.....
۲۴	تلطیف روح.....
۲۴	تقویت اراده.....
۲۵	کنترل غرایز.....
۲۶	روحیه‌ی ایثار و نوع دوستی.....
۲۷	۲. آثار بهداشتی.....
۳۱	گزیده‌های از احکام روزه.....
۳۱	انواع روزه.....
۳۳	عذر روزه‌خواری.....
۳۴	مبطلات روزه.....
۴۳	جنابت و استمناء.....

۴۸.....	قضای روزه.....
۵۰.....	روزه‌ی مسافر.....
۵۳.....	کفاره‌ی روزه.....
۵۸.....	زکات فطره.....
۶۹.....	پیرامون دعا.....
۷۰.....	آداب دعا.....
۷۳.....	موانع استجاب دعا.....
۷۳.....	دعاهای مستجاب.....
۷۴.....	رابطه‌ی دعا و تلاش.....
۷۷.....	گزیده‌ی ادعیه ماه مبارک رمضان.....
۷۷.....	دعاهای هنگام افطار.....
۷۷.....	تعقیبات نماز در ماه مبارک رمضان.....
۸۱.....	دعای افتتاح.....
۹۱.....	دعاهای سحر.....
۹۶.....	نماز مختصر در شب‌های ماه رمضان.....
۹۷.....	اعمال شبهای قدر.....
۹۷.....	اعمال مشترک.....
۹۸.....	اعمال شب نوزدهم.....
۹۹.....	اعمال شب بیست و یکم.....
۱۰۰.....	اعمال شب بیست و سوم.....
۱۰۳.....	دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان.....
۱۱۲.....	دعای شب عید فطر.....
۱۱۲.....	نماز عید فطر.....
۱۱۷.....	شرح دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان.....
۱۱۷.....	بررسی سند و نسخه‌های دعاهای هر روز.....
۱۱۹.....	دعای روز اول.....
۱۱۹.....	شخصیت صائمین.....

- ۱۲۰..... شخصیت عابد
- ۱۲۲..... مجرمین!
- ۱۲۲..... تسبیح موجودات جهان
- ۱۲۴..... شرایط عفو خداوند
- ۱۲۵..... دعای روز دوم
- ۱۲۶..... رضوان الله اکبر
- ۱۲۷..... آثار طبیعی خشم خداوند
- ۱۲۸..... اهمیت قرائت قرآن
- ۱۲۹..... دعای روز سوم
- ۱۳۰..... عوامل زیاد شدن فهم
- ۱۳۱..... جنون واقعی
- ۱۳۲..... دعای پر برکت
- ۱۳۳..... دعای روز چهارم
- ۱۳۴..... اقامه‌ی دین
- ۱۳۵..... خلوت ذکر خداوند
- ۱۳۶..... الهام شکر
- ۱۳۷..... انسان موجودی ضعیف
- ۱۳۸..... خدا میبیند!
- ۱۳۹..... دعای روز پنجم
- ۱۳۹..... استغفار برای دیگری
- ۱۴۱..... گستاخ در دعا!
- ۱۴۲..... رابطه‌ی رأفت و رحمت
- ۱۴۳..... دعای روز ششم
- ۱۴۳..... احساس تنهایی
- ۱۴۴..... حقیقت عذاب
- ۱۴۵..... موجبات رضایت خداوند
- ۱۴۷..... نجات از آتش

- ۱۴۸..... خداوند جامع همه‌ی صفات.....
- ۱۴۸..... دعای روز هفتم.....
- ۱۴۹..... استمداد از صبر و نماز.....
- ۱۵۰..... تفاوت لغزش و گناه.....
- ۱۵۱..... دوام ذکر.....
- ۱۵۲..... توفیق، نیاز مؤمن.....
- ۱۵۳..... انواع هدایت.....
- ۱۵۵..... دعای روز هشتم.....
- ۱۵۵..... توجه به ایتام.....
- ۱۵۶..... اهمیت اطعام.....
- ۱۵۷..... حقیقت سلام.....
- ۱۵۸..... رفاقت با خوبان.....
- ۱۶۰..... دعای روز نهم.....
- ۱۶۳..... توفیق اجباری!.....
- ۱۶۴..... ملاک کسب محبت خداوند.....
- ۱۶۵..... انگیزه و شوق.....
- ۱۶۶..... دعای روز دهم.....
- ۱۶۶..... راز توکل.....
- ۱۶۸..... رستگاری.....
- ۱۶۹..... قرب خداوند.....
- ۱۷۰..... حقیقت احسان (۱).....
- ۱۷۱..... دعای روز یازدهم.....
- ۱۷۲..... حقیقت احسان (۲).....
- ۱۷۴..... فسق اعتقادی.....
- ۱۷۵..... رابطه‌ی خشم خداوند و دوزخ.....
- ۱۷۷..... استغاثه‌ی موجودات هستی.....
- ۱۷۸..... دعای روز دوازدهم.....

- لباس عفت ..... ۱۷۸
- ارزش قناعت ..... ۱۸۰
- عدل و انصاف ..... ۱۸۲
- مقابله با ترس ..... ۱۸۳
- حقیقت عصمت ..... ۱۸۴
- اهمیت سوره‌ی ناس ..... ۱۸۵
- دعای روز سیزدهم ..... ۱۸۶
- طهارت بیرونی و دورنی ..... ۱۸۶
- قضا و قدر ..... ۱۸۸
- باید مسکین بود! ..... ۱۹۱
- دعای روز چهاردهم ..... ۱۹۳
- برخورد با لغزش‌ها ..... ۱۹۳
- ضعف انسان ..... ۱۹۶
- راز عزت مسلمانان ..... ۱۹۸
- دعای روز پانزدهم ..... ۲۰۰
- حقیقت خشوع ..... ۲۰۰
- سوره‌ی انشراح ..... ۲۰۲
- تأثیر تضرع برای دیگران! ..... ۲۰۳
- امنیت موجودات هستی ..... ۲۰۴
- حقیقت ترس از خدا ..... ۲۰۵
- دعای روز شانزدهم ..... ۲۰۶
- هماهنگ بودن با ابرار ..... ۲۰۶
- تفاوت ابرار با اشرار ..... ۲۰۷
- دار القرار ..... ۲۰۹
- دعای روز هفدهم ..... ۲۱۲
- ملاک عمل صالح ..... ۲۱۲
- حاجات ..... ۲۱۴

- چرا دعا؟!..... ۲۱۵.....
- گسترهی علم خداوند..... ۲۱۷.....
- ارزش صلوات..... ۲۱۹.....
- دعای روز هیجدهم..... ۲۱۹.....
- برکت سحر..... ۲۲۰.....
- فرازی سخت..... ۲۲۱.....
- حقیقت «بسم الله»..... ۲۲۲.....
- نور خداوند..... ۲۲۲.....
- حقیقت معرفت..... ۲۲۳.....
- دعای روز نوزدهم..... ۲۲۴.....
- برکت به چیست؟..... ۲۲۴.....
- قبول عمل..... ۲۲۶.....
- دعای روز بیستم..... ۲۲۹.....
- درب‌های بهشت..... ۲۲۹.....
- درب‌های دوزخ..... ۲۳۰.....
- رمضان بهار قرآن..... ۲۳۲.....
- سکینه..... ۲۳۳.....
- دعای روز بیست و یکم..... ۲۳۴.....
- عوامل رضایت..... ۲۳۵.....
- نفوذ شیطان..... ۲۳۶.....
- تنها بهشت جای آرامش..... ۲۳۸.....
- مشکل استجابت؟!..... ۲۳۹.....
- دعای روز بیست و دوم..... ۲۴۰.....
- ابواب فضل (شش نکته)..... ۲۴۱.....
- رمضان، ماه مبارک..... ۲۴۵.....
- اهمیت جلب رضایت خداوند..... ۲۴۷.....
- وسط بهشت کجاست؟..... ۲۴۷.....

- ۲۴۹..... اضطرار، شرط استجابت
- ۲۵۰..... دعای روز بیست و سوم.....
- ۲۵۱..... فضیلت شب قدر.....
- ۲۵۳..... زندگی آسان.....
- ۲۵۵..... عذرهای بنده!.....
- ۲۵۶..... اسباب ریزش گناه.....
- ۲۵۸..... جلوه‌های رأفت.....
- ۲۵۹..... دعای روز بیست و چهارم.....
- ۲۶۰..... رضایت از خداوند.....
- ۲۶۱..... آزار خداوندا!.....
- ۲۶۲..... ارزش یک روز بی‌معصیت!.....
- ۲۶۴..... دعای روز بیست و پنجم.....
- ۲۶۵..... تولی و تبرّی.....
- ۲۶۸..... ملاک سنی بودن!.....
- ۲۶۹..... مقام عصمت.....
- ۲۷۱..... دعای روز بیست و ششم.....
- ۲۷۱..... خداوند شکورا!.....
- ۲۷۳..... فلسفه‌ی استغفار اولیاء الله.....
- ۲۷۶..... شرایط قبول عمل.....
- ۲۷۷..... عوامل رسوایی.....
- ۲۷۹..... دعای روز بیست و هفتم.....
- ۲۸۰..... فلسفه‌ی وضو و غسل.....
- ۲۸۰..... رابطه‌ی عیب و گناه.....
- ۲۸۲..... تقوای قلب.....
- ۲۸۳..... لغزش اثر گناه!.....
- ۲۸۴..... دعای روز بیست و هشتم.....
- ۲۸۴..... نوافل ماه رمضان.....

- ۲۸۷.....مصداق تکریم انسان
- ۲۸۸.....چند راه به سوی خدا؟!۴
- ۲۹۰.....مصادیق افضل اعمال
- ۲۹۲.....خداوند فقط مال تو!!
- ۲۹۳.....دعای روز بیست و نهم
- ۲۹۳.....بارش رحمت
- ۲۹۵.....رابطه‌ی توفیق و عصمت
- ۲۹۶.....رهایی از وهم!
- ۲۹۷.....تفاوت رحمان و رحیم
- ۲۹۸.....دعای روز سی‌ام
- ۲۹۹.....رابطه‌ی تشکر و قبول
- ۳۰۰.....حقیقت شفاعت
- ۳۰۱.....الحمد لله رب العالمین
- ۳۰۴.....منابع
- ۳۰۵.....آثار نویسندگان



مؤمنین بزرگوار سلام علیکم!

حلول ماه مبارک رمضان را تبریک عرض می‌کنیم. آنقدر در این ماه باران خواهد بارید که هیچ کس گنهکار و آلوده نماند. درب‌های دوزخ بسته، درب‌های بهشت باز، شیطان در غل و زنجیر و ثواب‌های زیادی آماده شده است. آنقدر که خوابت عبادت و نفس کشیدن‌هایت تسبیح است! ما که همیشه میهمان خدای کریم هستیم! ولی در ماه رمضان میهمانی ویژه‌ای برقرار شده است!

برای درک بهتر ارزش این ماه بهتر است پای خطابه‌ی پر شور پیامبرعظیم الشان اسلام بنشینیم. این خطبه در جمعه یکی از ماه‌های شعبان ایراد شده است و امام علی (علیه‌السلام) آن را نقل نموده است:

### خطبه‌ی شعبانیه

سید بن طاوس قدس سرّه در «اقبال» از کتاب «بشارة المصطفی

لشيعه المرتضى» با استناد آن به «حسن بن علی بن فضال» از امام رضا از پدران‌ش، از امير المؤمنين - درود و سلام بر آنان - روايت نموده که حضرت فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روزی برای ما سخنرانی نمود و فرمود:

«مردم ماه خدا با برکت و رحمت و بخشش گناهان نزدیک است، ماهی که نزد خدا برترین ماه‌ها، روزهایش برترین روزها، شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌های آن بهترین ساعت‌هاست، ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده و شما را در این ماه از کسانی قرار داده‌اند که شایسته کرامت خدا هستند. نفس کشیدن شما در آن تسبیح و خوابیدنتان در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب است. پس با نیت‌هایی راست، و دل‌هایی پاک از خدا بخواهید شما را موفق به روزه آن، و خواندن کتابش نماید. بدبخت کسی است که از آمرزش خدا در این ماه بزرگ محروم شود. با تشنگی و گرسنگی خود در آن، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را بیاد آورید. به فقیران خود صدقه بدهید، بزرگان خود را در آن احترام کنید، کوچکترها را مورد رحمت خود قرار دهید و صله‌ی رحم بجا آورید. زبان‌های خود را حفظ کرده، دیدگان خود را از آنچه نگاه به آن حلال نیست و گوش‌های خود را از آنچه گوش دادن به آن حلال نیست، نگهدارید. با یتیمان مردم مهربانی کنید تا با یتیمان شما مهربانی شود.

به درگاه خداوند از گناهان خود توبه کنید. هنگام نماز دست‌هایتان را با دعا به طرف او بلند کنید، زیرا این وقت بهترین اوقات است و خداوند در آن هنگام با نظر رحمت به بندگانش نگاه

کرده و هنگامی که از او بخواهند و با او مناجات نمایند، جواب آنان را می‌دهد. و اگر او را صدا بزنند، به آنان لبیک می‌گوید. و اگر دعا کنند، دعایشان را مستجاب می‌کند.

مردم! شما زندانی اعمال خود می‌باشید، با استغفار خود را آزاد کنید. پشت‌هایتان از گناه سنگین است با طولانی نمودن سجده‌های خود آن را سبک نمایید. بدانید خداوند به عزت خود سوگند خورده است که سجده‌کنندگان و نمازگزاران را عذاب نکند و در روزی که مردم برای پروردگار جهانیان برمی‌خیزند، آنان را با آتش نترساند.

مردم! کسی که به مؤمن روزه‌داری افطار بدهد، ثواب آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته خود را دارد. عرض کردند: رسول خدا همه‌ی ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: از آتش بپرهیزید، گرچه با نیم‌دانده‌ی خرمایی. از آتش بپرهیزید، گرچه با جرعه‌ی آبی.

مردم! هر کدام از شما که اخلاق خود را در این ماه اصلاح کند، روزی که در صراط پاهای لغزد، جوازی بر صراط خواهد داشت. و هر کدام از شما که بر بنده و کنیز خود آسان بگیرد، خداوند در حساب بر او آسان خواهد گرفت، و کسی که شرّ خود را در آن باز دارد، خداوند در روزی که او را ببیند غضب خود را از او باز می‌دارد. کسی که یتیمی را بزرگ بدارد، خداوند در روزی که او را ببیند او را بزرگ خواهد داشت، و کسی که در این ماه صله‌ی رحم کند، خداوند روزی که او را ببیند او را به رحمت خود وصل می‌کند. کسی که در آن قطع رحم کند، خداوند روزی که او را ببیند رحمت خود را از او قطع خواهد نمود. و کسی که یک نماز مستحبی بخواند خداوند برای او

خلاصی از آتش می‌نویسد. و کسی که عمل واجبی انجام دهد ثواب کسی که هفتاد واجب را در ماهی غیر از این ماه انجام دهد، خواهد داشت. و کسی که در این ماه زیاد بر من صلوات بفرستد، روزی که ترازوها سبک است، خداوند ترازوی او را سنگین می‌نماید. و کسی که یک آیه از قرآن بخواند، مانند پاداش کسی که قرآن را در ماهی غیر از این ماه ختم کند، خواهد داشت.

مردم درهای بهشت در این ماه باز است، از پروردگار خود بخواهید آن را به روی شما نبندد، درهای جهنم نیز بسته است از پروردگار خود بخواهید آن را به روی شما باز نکند، شیاطین هم در زنجیرند، از پروردگار خود بخواهید آنان را بر شما مسلط نکند.

امیر المؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: برخاستم و عرض کردم رسول خدا برترین اعمال در این ماه چیست؟ فرمودند: ابا الحسن! برترین اعمال در این ماه دوری گزیدن از حرام‌های خدای عزیز و بزرگ است. سپس گریه کرد. عرض کردم چرا گریه می‌کنی؟! رسول خدا فرمود: علی! به خاطر حلال شمردن تو در این ماه است، گویا با تو هستم و تو برای پروردگارت نماز می‌خوانی و بدبخت‌ترین اولین و آخرین، همانند «پی‌کننده‌ی شتر ثمود» ضربه‌ای به جلو سرت می‌زند که موی صورتت با آنان رنگین می‌شود.

امیر المؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: عرض کردم: رسول خدا آیا در آن حال دینم سالم است؟ فرمود: آری، دینت سالم است. سپس فرمود: علی کسی که تو را بکشد مرا کشته و کسی که با تو دشمنی کند با من دشمنی نموده و کسی که به تو ناسزا بگوید، به من ناسزا گفته، زیرا تو مانند نفس من هستی روح تو از روح من و سرشت تو از

سرشت من است، خدای عزیز و بزرگ مرا آفرید، تو را نیز آفرید و مرا برگزید و تو را، من را برای پیامبری انتخاب نمود و تو را برای امامت اختیار کرد.

بنابراین کسی که امامت تو را انکار کند پیامبری من را انکار کرده. علی! تو وصی من، پدر فرزندانم، همسر دخترم و جانشین من در میان امتم در زندگی من و بعد از مرگ من هستی. امر تو امر من و نهی تو نهی من است. به کسی که مرا به پیامبری برانگیخته و مرا بهترین مردم قرار داد، قسم می‌خورم که تو حجت خدا بر خلق او و امین او بر رازش، و جانشین او در میان بندگانش می‌باشی.» از رساترین بشارت‌هایی که درباره‌ی ماه رمضان وارد شده، نفرین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر کسی که در آن آمرزیده نشود، می‌باشد، آنجا که فرمود: «کسی که ماه رمضان را بگذراند و آمرزیده نشود، خدا او را نیامرزد.» زیرا این نفرین با توجه به این که او به پیامبری برانگیخته شد تا رحمتی برای جهانیان باشد، مژده بزرگی برای گستردگی رحمت و عمومی بودن آمرزش در این ماه می‌باشد. و اگر غیر از این بود - با توجه به این که رحمتی برای جهانیان است - مسلمانی را، گرچه گناهکار باشد، نفرین نمی‌کرد!<sup>۱</sup>

\*\*\*\*\*

## درباره‌ی کتاب

آنچه در این مجموعه مطالعه می‌کنید در پنج فصل خدمت شما تقدیم شده است:

<sup>۱</sup> ترجمه المراقبات ص: ۲۱۱ مترجم آقای ابراهیم محدث بندرریگی.

**فصل اول** مقاله‌ای است در موضوع اثرات روزه‌داری که دفتر مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها آن را تنظیم نموده است.

**فصل دوم** حاوی احکام مربوط به روزه‌داری است که به صورت گزینشی آمده است. این بخش نیز توسط همان دفتر محترم جمع‌آوری شده است.

**فصل سوم** مقاله‌ای است فشرده و پر محتوا در موضوع آداب دعا و شرایط استجابت که بر اساس احادیث میزان الحکمه که توسط استاد محمدی ری‌شهری تنظیم گشته است تهیه شده، که امید است مورد توجه قرار گیرد.

**فصل چهارم** گزیده‌ای از ادعیه ماه مبارک رمضان است که ترجمه‌ی این ادعیه از نرم افزار «نور الجنان» برداشت شده است، این نرم افزار را مؤسسه‌ی علوم کامپیوتری اسلامی که زیر نظر رهبر معظم انقلاب اداره می‌شود تهیه نموده است.

**فصل پنجم** که قسمت اصلی این مجموعه را تشکیل می‌دهد شرح دعا‌های هر روز ماه مبارک رمضان است. برای شرح این ادعیه از آیات و روایات زیادی بهره گرفته شده است و مباحث عمیق و کاربردی فراوانی در آن گنجانیده شده است که امیدواریم مورد استفاده‌ی شما مؤمنین گرامی قرار گیرد.

در پایان از زحمات عزیزانی که ما از آثار آنها به‌خصوص در سه فصل نخست کتاب بهره بردیم جداً تشکر می‌شود.







## آثار روزه

## مقدمه

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

كما كتب على الَّذِينَ من قبلكم لعلَّكم تتَّقون<sup>۲</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که پرهیزکاری کنید».

«روزه» در لغت به معنای امساک و خودداری از هر چیز است و در اصطلاح فقه عبارت است از: «امساک و خودداری از موارد هشت‌گانه<sup>۳</sup> - از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب- به قصد انجام دادن

<sup>۲</sup> بقره: ۳۸۱.

<sup>۳</sup> خوردن و آشامیدن، نزدیکی، استمناء، دروغ بستن بر خدا و پیغمبر و جانشینان او، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح، اماله کردن با چیز روان و قی کردن.

فرمان خداوند».

شواهد فراوانی در تاریخ به چشم می‌خورد که روزه در میان یهود و مسیحیت و اقوام و ملت‌های دیگر نیز بوده است. آنان به هنگام مواجهه با غم و اندوه و توبه و طلب خشنودی خداوند، روزه می‌گرفتند تا با این کار در پیشگاه او اظهار عجز و تواضع نموده و به گناهان خود اعتراف کنند. از انجیل استفاده می‌شود که مسیح (علیه-السلام) چهل شبانه‌روز، روزه داشته است.<sup>۴</sup> قرآن مجید به صراحت بیان می‌کند: این فریضه‌ی الهی، در امت‌های پیشین نیز واجب بوده است.<sup>۵</sup> «روزه» عبادت است و باید برای انجام دادن فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد. این همان نیت روزه است و لازم نیست آن را از قلب خود بگذراند و یا بر زبان جاری کند. نیت برای روزه ماه رمضان و نذر معین، از اول شب تا اذان صبح و برای روزه غیر معین (مانند روزه قضا و نذر مطلق) از اول شب تا ظهر روز بعد است. نیت روزه مستحبی، از اول شب شروع شده و تمام روز ادامه دارد تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد.

اگر انسان از روی عمد و اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود و باید علاوه بر قضا، کفاره نیز بدهد. کفاره روزه دو ماه روزه است که ۳۱ روز آن باید پی در پی باشد و یا شصت فقیر را سیر کند و اگر به هر کدام یک مد (تقریباً ۷۵۰ گرم گندم یا جو یا مانند آنها) بدهد، کافی است. دادن پول به

<sup>۴</sup> تفسیر نمونه: ۳۳۶/۱

<sup>۵</sup> بقره: ۳۸۱.

فقیر کفایت نمی‌کند مگر اینکه اطمینان داشته باشد فقیر به وکالت از او، طعام خریده، سپس آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند. همچنین می‌تواند پول کفاره را به یکی از مراکز و نهادهای مطمئن بدهد که به مصارف یاد شده می‌رسانند (مانند دفاتر مراجع بزرگوار تقلید و کمیته امداد).

## آثار روزه

روزه ابعاد گوناگونی دارد و آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی در وجود انسان می‌گذارد که از همه مهم‌تر «بعد اخلاقی و فلسفه تربیتی» آن است.

### ۱. آثار تربیتی

#### تلطیف روح

روح انسان، همواره در حال تدبیر بدن است و بدن بدون تدبیر روح، مانند کشتی بدون ناخدا است. در ماه رمضان، به دلیل امساک از خوردن و آشامیدن و محدود کردن آن به ساعاتی مشخص و نیز کنترل حواس (مانند چشم، گوش و تمامی مجاری ورود اطلاعات به درون ذهن)، فراغت روح و نفس بیشتر فراهم می‌شود. فعالیت روح برای پرداخت به امور مادی و دنیوی کاهش می‌یابد و امکان پرداخت به امور معنوی بیشتر می‌شود. در نتیجه روح از لطافت بیشتری برخوردار می‌گردد.

روزه موجب آرامش دل‌ها است.<sup>۶</sup>

#### تقویت اراده

خداوند برنامه‌ی روزه‌داری را به گونه‌ای تنظیم کرده است که انسان باید در ساعت معینی، از خوردن و آشامیدن پرهیزد و در

<sup>۶</sup> امام باقر علیه السلام می‌فرماید: الصیام و الحج تسکین القلوب. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۳.

ساعت خاصی، می‌تواند آزادانه بخورد و بیاشامد و از لذت‌های حلال استفاده کند.

ملزم شدن انسان‌ها به اجرای دقیق این برنامه و تکرار آن طی یک ماه، تمرین بسیار مناسبی است برای عادت دادن نفس به اموری، غیر از آنچه در ماه‌های دیگر عادت کرده بود و این عمل، عزم و اراده انسان را تقویت می‌کند.

### کنترل غرایز

روزه‌دار باید در حال روزه- با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و سایر لذات (از قبیل لذت جنسی)، چشم‌پوشد و ثابت کند که او همچون حیوانات، در بند اسطبل و آب و علف نیست. او می‌تواند زمام نفس را به دست گیرد و بر هوس‌ها و شهوت‌های خود مسلط شود و این امر باعث می‌گردد که غرایز به کنترل او در آید و علاوه بر این، در بهره‌وری از آنها تعدیلی به وجود آید. خلاصه اینکه روزه، انسان را از عالم حیوانی ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می‌دهد.

تقوا و پرهیزگاری در تربیت اخلاق اسلامی یک مسلمان، نقش بسیار مهمی دارد و برای رسیدن به این صفت شایسته، بهترین عبادت روزه است. قرآن درباره‌ی آن می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۷</sup> یعنی، نتیجه و علت غایی روزه، تقوا از محارم الهی است.

وقتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در خطبه‌ی «شعبانیه»، فضایل ماه رمضان و روزه را برشمرد، امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) پرسید: بهترین

<sup>۷</sup> بقره: ۱۸۳.

اعمال در این ماه چیست؟ فرمود: «الورع عن محارم اللّٰه»<sup>۸</sup> پرهیز و اجتناب از معاصی و گناهان است.

بنابراین روزه، عامل بازدارنده‌ی از گناه و عامل سرکوب‌کننده‌ی نفس عصیانگر است. شخص با عمل به این دستور الهی، به خوبی روح تقوا و پرهیزگاری را در خویش زنده می‌کند زیرا با روزه، اصلاح نفس و تربیت آن، آسان‌تر می‌شود زیرا گرسنگی و دیگر محرومیت‌های روزه، شعله‌های سرکش غریزه‌های حیوانی و هواهای نفسانی را خاموش می‌سازد.

پُر شدن شکم زمینه بسیاری از ناهنجاری‌ها و تحریک شهوات، غوطه‌وری در حرام و ظهور خواهش‌های باطل در نفس می‌شود چنان که در حدیثی آمده است: «انی اخاف علیکم من البطن والفرج»<sup>۹</sup> من از شکم و شهوت بر شما بیمناک هستم. اگر شکم عقیف باشد و به قدر ضرورت اکتفا کند و از حرام و شبهه بپرهیزد، بدون شک دامن نیز عقیف می‌شود. عفت این دو عضو، زمینه بسیار خوبی برای نشاط معنوی و صفای دل و باطن ایحاد خواهد نمود.

### روحیه‌ی ایثار و نوع دوستی

انسان موجودی اجتماعی است و انسان کامل، کسی است که در همه‌ی ابعاد وجودی رشد کند. روزه، بُعد اجتماعی انسان را در کنار سایر ابعاد او رشد می‌دهد بدین صورت که درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است. با عمل به این دستور مذهبی، افراد متمکن وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس در می‌یابند و

<sup>۸</sup> عیون اخبار الرضا: ۲۶۶/۲

<sup>۹</sup> بحار الانوار: ۳۶۸/۱

به دنبال آن درک، به این نتیجه می‌رسند که باید به فکر بیچارگان و محرومان باشند. اگر توجه به حال گرسنگان، جنبه‌ی حسّی و عینی پیدا کند، اثر بیشتری دارد و روزه به این موضوع مهم اجتماعی، رنگ حسّی می‌دهد. با رشد این بعد اجتماعی، انسان نسبت به هم‌نوعان خود بی تفاوت نمی‌شود و دردهای فراگیر اجتماعی (مانند فقر و گرسنگی) را حس می‌کند و مصداق این سخن حکیمانه سعدی می‌شود که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
 چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
 به راستی اگر کشورهای ثروتمند جهان و اغنیا، چند روز از سال روزه بدارند و طعم گرسنگی را بچشند، باز هم این همه گرسنه در جهان خواهد بود؟ آیا میلیون‌ها انسان با سوء تغذیه و کمبود مواد غذایی مواجه خواهند شد؟

## ۲. آثار بهداشتی

بدون تردید در علم پزشکی، اثر معجزه آسای امساک، در درمان انواع بیماری‌های جسمانی و روانی به اثبات رسیده است. عامل بسیاری از بیماری‌ها، زیاده‌روی در خوردن غذاهای مختلف است. پیامبر خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «واعلم ان المعدة بیت الداء و ان الحمیة هی الدواء»<sup>۱۰</sup> معده مرکز و خانه هر دردی است و پرهیز از غذاهای نامناسب و زیاده‌خوری، اساس هر داروی شفابخش است. منشأ بسیاری از بیماری‌های روانی، افکار غلط، سوء ظن، گناه و

<sup>۱۰</sup> بحار الانوار: ۳۰۷/۵۸

شناخت غیرمعقول و غیرمنطقی است و روزه با ایجاد محدودیت‌هایی، هم معده و دستگاه گوارشی را تقویت می‌کند و هم با کنترل افکار و اجتناب از گناه، روان انسان را از آلودگی‌ها باز می‌دارد.

به عبارت دیگر روزه، زباله‌ها و مواد اضافی و جذب نشده بدن را می‌سوزاند و در واقع، بدن را «خانه تکانی» می‌کند و روح را با تلاوت قرآن و خواندن دعاهای ویژه تقویت می‌نماید. خلاصه اینکه با روزه، سلامتی جسمانی و روانی انسان تضمین می‌شود و بر همین اساس پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «صوموا تصحّوا»<sup>۱۱</sup> روزه بگیرد تا سالم شوید. روزه اگر با شرایطی که دارد گرفته شود، اثرات مهم تربیتی، اجتماعی و بهداشتی برای انسان دارد.

الکسی سوفورین (دانشمند روسی) روزه‌داری را طریق درمان بسیاری از بیماری‌ها- از جمله کم‌خونی، ضعف روده‌ها، رماتیسم، نقرس، بیماری‌های چشم، مرض قند و بیماری‌های کلیه و کبد- می‌داند.<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۱</sup> همان، ص ۲۵۵.

<sup>۱۲</sup> تفسیر نمونه: ۶۳۲/۱







## گزیده‌ای از احکام روزه

### انواع روزه

#### روزه‌های واجب

● پرسش ۱. روزه‌های واجب کدام است؟

روزه‌های واجب عبارت است از:

۱. روزه‌ی ماه رمضان،

۲. روزه‌ی کفاره،

۳. روزه‌ی قضا،

۴. روزه‌ی نذر و عهد و یمین،

۵. روزه‌ی استیجاری،

۶. روزه‌ی روز سوم اعتکاف،

۷. روزه‌ی جایگزین قربانی در حج تمتع.

● پرسش ۲. روزه‌های حرام کدام است؟

روزه‌های حرام (روزه‌هایی که نباید گرفت) عبارت است از:

۱. روزهی عید قربان،
۲. روزهی عید فطر،
۳. روزهی ایام تشریق برای کسی که در منا است،
۴. روزهی یوم الشک (روزی که نمی‌داند آخر شعبان است یا

اول

رمضان) به نیت ماه رمضان،

۵. روزهی سکوت،
۶. روزهی وصال (شب را نیز تا سحر روزه بگیرد)،
۷. روزهی مستحبی زن در جایی که با حق شوهر منافات داشته باشد،
۸. روزهی مستحبی فرزند در جایی که باعث آزار و اذیت پدر و مادر گردد،
۹. روزهی مریض و هر کس که روزه برای او ضرر دارد،
۱۰. روزهی مسافر، به جز مواردی که استثنا شده است.

روزه‌های مکروه

● پرسش ۳. روزه‌های مکروه کدام است؟

۱. روزهی روز عاشورا،
۲. روزهی روز عرفه برای کسی که او را از خواندن دعا باز

دارد،

۳. روزهی مستحبی مهمان بدون اجازه میزبان،

۴. روزه‌ی مستحبی فرزند بدون اجازه پدر و مادر.

### عذر روزه‌خواری

● پرسش ۴. برای چه کسانی روزه‌خواری جایز است؟

همه‌ی مراجع: بر چند دسته روزه واجب نیست، آنان عبارتند از:

۱. پیرمرد و پیرزنی که گرفتن روزه برای آنان مشقت دارد.
۲. زن بارداری که گرفتن روزه برای حمل یا خودش ضرر دارد.
۳. زن شیردهی که گرفتن روزه باری بچه یا خودش ضرر دارد.
۴. بیماری که گرفتن روزه برای او ضرر دارد.
۵. کسی که بیماری دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند.
۶. کسی که به سن بلوغ نرسیده است.
۷. زنی که خون حیض و نفاس می‌بیند.
۸. کسی که به مسافرت می‌رود و در جایی قصد اقامت ده روز نمی‌کند.
۹. دختری که به جهت ضعف بنیه، گرفتن روزه برای او مشقت فراوان و ضرر دارد.
۱۰. کسی که بی‌هوش است و یا در کما به سر می‌برد.
۱۱. دیوانگان.<sup>۱۳</sup>

<sup>۱۳</sup> توضیح المسائل مراجع، ۱۷۲۹، ۱۷۲۵، العروة الوثقی، ج ۲ کتاب الصوم، فصل فی طرق ثبوت الهال.

## مبطلات روزه

### خون لثه روزه‌دار

● پرسش ۵. گاهی از لثه‌هایم خون بیرون می‌آید و با آب دهان مخلوط

می‌شود، اگر آن را فرو ببرم روزه باطل می‌شود؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، صافی و نوری): اگر خون

لثه در آب دهان مستهلک شود، فرو بردن آن روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۱۴</sup>

آیات عظام تبریزی و صافی: اگر خون لثه در آب دهان مستهلک

شود بنا بر احتیاط واجب فرو نبرد و بیرون بریزد.<sup>۱۵</sup>

آیت‌الله نوری: فرو بردن آن جایز نیست هر چند در آب دهان

مستهلک شود.<sup>۱۶</sup>

### روزه‌دار و دندانپزشکی

● پرسش ۶. پر کردن دندان در ماه رمضان چگونه است؟

همه‌ی مراجع: پر کردن یا جرم‌گیری و کشیدن دندان در ماه

رمضان، برای پزشکان جایز است و برای شخص روزه‌دار زمانی جایز

است که مطمئن باشد خون یا آبی که به وسیله‌ی دستگاه وارد فضای

<sup>۱۴</sup> امام، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله فاضل و آیت‌الله مکارم، تعلیقات علی العروه، الفصل الرابع، م ۱ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۳ و دفتر آیت‌الله وحید، آیت‌الله بهجت.

<sup>۱۵</sup> آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۶۴۰ و دفتر آیت‌الله صافی.

<sup>۱۶</sup> آیت‌الله نوری، تعلیقات علی العروه، الفصل الرابع، م ۱.

دهان می‌شود، فرو نخواهد رفت.<sup>۱۷</sup>

#### خلط روزه‌دار

● پرسش ۷. آیا فرو بردن خلط، روزه را باطل می‌کند؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام بهجت و سیستانی): فرو بردن خلط - چنانچه به فضای دهان نیامده باشد - اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان برسد، احتیاط واجب آن است که فرو نبرد.<sup>۱۸</sup>

آیت‌الله بهجت: فرو بردن خلط اگر در حال غیر روزه امر عادی باشد و به فضای دهان نیز نیامده باشد، اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان برسد، احتیاط واجب آن است که فرو نبرد.<sup>۱۹</sup>

آیت‌الله سیستانی: فرو بردن خلط - چنانچه به فضای دهان نیامده باشد - اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان برسد، احتیاط مستحب آن است که فرو نبرد.<sup>۲۰</sup>

□ تبصره: مرز فضای دهان و حلق، مخرج حرف (خ) می‌باشد.

#### دود وسیله‌ی نقلیه

● پرسش ۸. گاهی انسان روزه‌دار در کنار وسیله نقلیه قرار می‌گیرد و

دود آن به حلق او می‌رسد آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

همه‌ی مراجع: اگر با این اعتقاد که دود غلیظ به حلقش نمی‌رسد در کنار وسیله نقلیه بایستد و به طور اتفاق دود به حلقش

<sup>۱۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۳۷۵۱ - ۳۸۵۱.

<sup>۱۸</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۸۰ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۵۸۸ و دفتر آیت‌الله خامنه‌ای.

<sup>۱۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۰۸۵۱.

<sup>۲۰</sup> همان، م ۰۸۵۱.

برسد روزه‌اش صحیح است.<sup>۲۱</sup>

### بخار حمام

● پرسش ۹. تنفس بخار آب در حمام، برای روزه‌دار چه حکمی دارد؟

همه‌ی مراجع: بخار آب حمام، روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۲۲</sup>

### عطر روزه‌دار

● پرسش ۱۰. آیا استفاده از عطر، شامپو، کرم و رژلب در ماه مبارک

رمضان مجاز است؟

همه‌ی مراجع: هیچ یک از موارد ذکر شده روزه را باطل نمی‌کند

مگر آنکه رژلب، وارد دهان شده و فرو داده شود.<sup>۲۳</sup>

### شستن سر روزه‌دار

● پرسش ۱۱. شستن سر در زیر شیر آب در حال روزه، چه حکمی دارد؟

همه‌ی مراجع (به‌جز آیت‌الله سیستانی): آنچه روزه را باطل می‌کند،

فرو بردن سر زیر آب است به طوری که یک مرتبه آب، همه‌ی سر را

فراگیرد اما شستن سر زیر شیر و زیر دوش اشکالی ندارد.<sup>۲۴</sup>

آیت‌الله سیستانی: بردن سر زیر آب روزه را باطل نمی‌کند و فقط

کراهت شدید دارد.

<sup>۲۱</sup> آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله نوری، تعلیقات علی العروة، ج ۲، المفطرات، السادس امام، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله فاضل و آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۰۵ آیت‌الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۱۱۳۲ و دفتر آیت‌الله خامنه‌ای.

<sup>۲۲</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۵۰۶۱.

<sup>۲۳</sup> العروة الوثقی، احکام المفطرات، فصل ۴ و ۵.

<sup>۲۴</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۰۸ و ۱۶۰۹ و ۱۶۱۰.



**نگاه روزه‌دار**

● پرسش ۱۲. اگر روزه‌دار به نامحرم نگاه کند، آیا روزه‌اش باطل

می‌شود؟

همه‌ی مراجع: خیر، روزه‌اش صحیح است.<sup>۲۵</sup>

□ تبصره: با این عمل از ثواب و ارزش روزه کاسته می‌شود از این رو واجب است چشم، گوش، زبان، قلب و همه‌ی اعضا، از ارتکاب خلاف و گناه حفظ شوند.

**مسواک زدن هنگام سحر**

● پرسش ۱۳. کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد، در روز غذای باقی مانده

در لای دندان فرو برده می‌شود، آیا لازم است هنگام سحر خلال یا مسواک کند؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر بداند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر فرو نرود، بنابر احتیاط واجب، باید قضای آن را به جا آورد.<sup>۲۶</sup>

آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی و فاضل: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر بداند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد،

<sup>۲۵</sup> دفتر همه‌ی مراجع.

<sup>۲۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۷۸ خامنه‌ای، اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۴۶۷.

روزه‌اش باطل می‌شود (هر چند چیزی از آن فرو نرود).<sup>۲۷</sup>

آیت‌الله مکارم: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر بداند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، بنابر احتیاط واجب، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد و غذا فرو رود، روزه را تمام کند و بعد از ماه رمضان قضا نماید.<sup>۲۸</sup>

آیت‌الله وحید: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر مطمئن باشد در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۲۹</sup>

#### دروغ گفتن روزه‌دار

##### ● پرسش ۱۴. چه نوع دروغی روزه را باطل می‌کند؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام بهجت، سیستانی و مکارم): دروغ بستن به خدا، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امامان (علیهم‌السلام) و بنابر احتیاط واجب پیامبران و جانشینان آنان و حضرت زهرا (علیها‌السلام).

آیت‌الله بهجت: دروغ بستن به خدا، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان (علیهم‌السلام)، پیامبران، جانشینان آنان و حضرت (علیها‌السلام).

آیت‌الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به خدا، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان (علیهم‌السلام).<sup>۳۰</sup>

آیت‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به خدا، پیامبر

<sup>۲۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۷۸ و سیستانی، تعلیقات علی العروة، ج ۲، المفطرات، م ۱.

<sup>۲۸</sup> مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۸۷۵۱.

<sup>۲۹</sup> وحید، توضیح المسائل، م ۶۸۵۱.

<sup>۳۰</sup> ر.ک: توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۹۶ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۴۰۶۱.

اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امامان (علیهم‌السلام)، پیامبران و جانشینان آنان و حضرت زهرا(علیها‌السلام).

### سحری و اذان

● پرسش ۱۵. کسی که در سحر تا پایان اذان غذا بخورد، روزه‌اش چه

حکمی دارد؟

همه‌ی مراجع: ملاک امساک برای روزه، طلوع فجر صادق است. بنابراین اگر با شروع اذان، اطمینان به طلوع فجر پیدا کند، نباید چیزی بخورد و اگر لقمه‌ای در دهان دارد، نباید فرو برد. اما اگر اطمینان به دخول وقت ندارد، می‌تواند چیزی بخورد.<sup>۳۱</sup>

□ تبصره: البته برای آنکه دچار شبهه بطلان روزه و وجوب قضا نشود، احتیاط آن است که چند دقیقه قبل از اذان صبح، از خوردن و آشامیدن امساک کند.

● پرسش ۱۶. اگر شخصی با اعتقاد به اینکه هنوز اذان صبح را نگفته‌اند،

مشغول سحری بشود؛ سپس متوجه گردد که اذان صبح گذشته است حکم روزه او چیست؟

همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله بهجت): اگر بدون بررسی و تحقیق در طلوع فجر، مشغول سحری شده، روزه‌اش باطل است و باید قضا کند.<sup>۳۲</sup>

<sup>۳۱</sup> توضیح‌المسائل مراجع، م ۷۴۲ و ۴۷۵۱.

<sup>۳۲</sup> امام، آیت‌الله نوری، آیت‌الله فاضل و آیت‌الله مکارم: تعلیقات علی العروة، ج ۳، فصل فیما تعلیق بالقضا، الاربع آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله وحید، آیت‌الله تبریزی، منهاج‌الصالحین، م ۱۰۲۳ آیت‌الله صافی، هدایة‌العباد، ج ۱، م ۱۳۳۶ و دفتر آیت‌الله خامنه‌ای.

آیت‌الله بهجت: اگر بدون بررسی و تحقیق در طلوع فجر مشغول سحری شده، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل است و باید قضا کند.<sup>۳۳</sup>

□ تبصره: فرد یاد شده با وجود اینکه روزه‌اش باطل شده، حق ندارد افطار کند بلکه باید تا شب از مفطرات امساک نماید.

### ضعف بدن روزه‌دار

● پرسش ۱۷. چشم من ضعیف است و می‌ترسم روزه برایم ضرر داشته

باشد، تکلیف من چیست؟

همه‌ی مراجع: اگر خوف ضرر عقلایی باشد، روزه بر شما واجب نیست و اگر تا ماه رمضان سال بعد بیماری ادامه یافت، قضا هم واجب نیست. تنها برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم، جو و یا آرد و را به عنوان کفّاره به فقیر بدهید.<sup>۳۴</sup>

□ تبصره: ملاک ضرر، تشخیص خود شخص است یعنی، همین اندازه که ترس شما نسبت به ضرر، عقلایی باشد، کافی است. احتمال ضرر گاهی از قول متخصص و زمانی از تجربه‌ی مریض‌های مشابه و گاهی از تجربه‌ی خود انسان، به دست می‌آید.

● پرسش ۱۸. هنگامی که روزه می‌گیرم، به شدت بدنم سست می‌شود و

نمی‌توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟

همه‌ی مراجع: این گونه ضعف و سستی‌ها تا حدودی لازمه‌ی روزه

<sup>۳۳</sup> آیت‌الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۲۳۱۱.

<sup>۳۴</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۳ و ۴۴۷۱.

است و برای نوع افراد پیش می‌آید و به جهت آن نمی‌توان روزه را خورد ولی اگر ضعف به قدری باشد که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.<sup>۳۵</sup>

□ تبصره: البته انسان می‌تواند در این شرایط به مسافرت برود (حداقل ۲۲ / ۵ کیلومتر) و روزه خود را بخورد و به وطن برگردد. در این صورت لازم نیست تا مغرب از خوردن و آشامیدن خودداری کند و بعد از ماه رمضان، قضای آن را به جا آورد و کفاره هم ندارد.

● پرسش ۱۹. ملاک در ضرر برای روزه گرفتن، تشخیص پزشک است یا

تشخیص خود شخص؟

همه‌ی مراجع: تشخیص خود بیمار ملاک است. همین اندازه که ترس نسبت به ضرر عقلایی باشد، کافی است. خوف ضرر گاهی از قول متخصص و زمانی از تجربه مریض‌های مشابه و گاهی از تجربه خود انسان، به دست می‌آید.<sup>۳۶</sup>

● پرسش ۲۰. اگر انسان شک داشته باشد که روزه برایش ضرر دارد یا

نه؛ ولی پزشک او را از گرفتن روزه منع می‌کند، تکلیف چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، صافی، فاضل و نوری: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد.<sup>۳۷</sup>

<sup>۳۵</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۳۸۵۱.

<sup>۳۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۴۳ و ۱۷۴۴ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۷۵۳ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۵۱ و ۲۵۷۱.

<sup>۳۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۴۳، ۱۷۴۴ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۷.

آیات عظام تبریزی و وحید: در فرض یاد شده اگر پزشک، متخصص و مورد اعتماد باشد، باید به گفته‌اش عمل کند.<sup>۳۸</sup>

آیت‌الله مکارم: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد، و اگر با تجربه خودش دریافته که ضرر ندارد، باید روزه بگیرد. در صورت شک، می‌تواند یکی دو روز را تجربه کند و بعد طبق دستور بالا عمل نماید.<sup>۳۹</sup>

آیات عظام بهجت و سیستانی: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، می‌تواند روزه نگیرد.<sup>۴۰</sup>

### باطل کردن روزه

● پرسش ۲۱. آیا جایز است، روزه مستحبی را باطل کنیم؟

همه‌ی مراجع: آری، اشکال ندارد ولی اگر بعد از ظهر باشد، مکروه است.<sup>۴۱</sup>

● پرسش ۲۲. آیا کسی که روزه قضا گرفته، می‌تواند آن را به جهتی باطل

کند؟

همه‌ی مراجع: اگر پیش از ظهر باشد، اشکال ندارد ولی خوردن آن بعد از ظهر جایز نیست و اگر چنین کند، باید کفاره بدهد و مقدار آن

<sup>۳۸</sup> تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۴۳ و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۳۰۱.

<sup>۳۹</sup> مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۷۱.

<sup>۴۰</sup> سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۰۳۲ بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۷۱.

<sup>۴۱</sup> العروة الوثقی، ج ۲، اقسام الصوم، م ۱.

پرداخت ده مد طعام به فقیر (هر کدام یک مد) است.<sup>۴۲</sup>

## جنابت و استمناء

### جنابت قبل از اذان

● پرسش ۲۳. شخص جنبی که در ماه رمضان قبل از اذان صبح، به آب

دسترسی ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

همه‌ی مراجع: اگر تا پیش از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، تیمم بدل از غسل کند و روزه‌ی او صحیح است. بعد از اذان در صورت دسترسی به آب، برای نماز صبح غسل کند و در غیر این صورت، با تیمم نماز صبح خود را بخواند.<sup>۴۳</sup>

### تاخیر غسل جنابت

● پرسش ۲۴. اگر در شب ماه رمضان، جنب شویم و تا نزدیک اذان صبح

غسل را به تأخیر اندازیم و سپس تیمم کنیم؛ آیا روزه صحیح است؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام صافی و وحید): در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است) ولی چنانچه قبل از اذان صبح تیمم کنید، روزه صحیح است.<sup>۴۴</sup>

آیات عظام صافی و وحید: در این فرض (هر چند تأخیر غسل، گناه است) بنابر احتیاط واجب تیمم کنید و روزه بگیرید و قضای آن

<sup>۴۲</sup> العروة الوثقی، ج ۲، الفصل السادس، فیما یوجب القضا و الکفاره، م ۱ و توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۶۱.

<sup>۴۳</sup> دفتر همه‌ی مراجع.

<sup>۴۴</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۲۱ آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۳۷۱ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۸۱۶۱.

را نیز به جا آورید.<sup>۴۵</sup>

### جنابت روزه‌دار

● پرسش ۲۵. اگر شخصی بعد از نماز صبح، محتمل شود و تا غروب غسل

نکند، آیا اشکالی به روزه او وارد می‌شود؟

همه‌ی مراجع: خیر، لازم نیست فوری غسل کند و روزه‌ی او

صحیح است ولی برای نماز باید غسل کند.<sup>۴۶</sup>

### فراموشی غسل جنابت

● پرسش ۲۶. اگر در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کنیم و پس از

چند روز یادمان بیاید، چه تکلیفی داریم؟

همه‌ی مراجع: باید نمازها و روزه آن چند روز را قضا کنید ولی

کفاره ندارد.<sup>۴۷</sup>

● پرسش ۲۷. کسی که مدتی روزه گرفته و نماز خوانده است و بعد

بفهمد جنب بوده، تکلیف او چیست؟

همه‌ی مراجع: اگر متوجه اصل جنابت نبوده، روزه‌های او صحیح

است ولی باید نمازها را قضا کند.<sup>۴۸</sup>

<sup>۴۵</sup> آیت‌الله وحید، توضیح‌المسائل، م ۱۶۲۹ و آیت‌الله صافی، توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۲۶۱.

<sup>۴۶</sup> توضیح‌المسائل مراجع، م ۲۳۶۱.

<sup>۴۷</sup> توضیح‌المسائل مراجع، م ۲۲۶۱.

<sup>۴۸</sup> امام، استفتاءات، ج ۱، روزه، س ۳۱ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۹۵ نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۹ تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۱۰۷ فاضل. جامع‌المسائل، ج ۱، س ۵۵۸ بهجت، وسیلة‌النجاه، ج ۱، م ۱۰۸۹ سیستانی و تبریزی، منهاج‌الصالحین، م ۹۸۵ دفتر: وحید، مکارم صافی، هدایة‌العباد، ج ۱، م ۲۸۲۱.



**روابط زناشویی روزه‌دار**

● پرسش ۲۸. آیا ملاعبه با همسر - به جز نزدیکی - در حال روزه جایز

است؟

همه‌ی مراجع: اگر بدون قصد بیرون آمدن منی با همسر خود ملاعبه کند - چنانچه اطمینان دارد منی از او خارج نمی‌شود - اشکال ندارد و روزه هر دو نیز صحیح است هر چند اتفاقاً از او منی بیرون آید.<sup>۴۹</sup>

**استمنای روزه‌دار**

● پرسش ۲۹. اگر کسی به عمد روزه‌ی خود را در ماه مبارک رمضان، به

وسیله‌ی استمنای باطل کند، چه حکمی دارد؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی و صافی): علاوه بر قضا، بنابر احتیاط واجب، باید «کفاره‌ی جمع» که عبارت است از: ۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر، بپردازد.<sup>۵۰</sup>

آیات عظام خامنه‌ای و سیستانی: علاوه بر قضا، کفاره دارد و بنابر احتیاط مستحب «کفاره‌ی جمع» (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد.<sup>۵۱</sup>

آیت‌الله صافی: علاوه بر قضا، باید «کفاره‌ی جمع» (۶۰ روز روزه و

<sup>۴۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۹۵ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ و دفتر امام، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله بهجت.

<sup>۵۰</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۵ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۶۶۲ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۷۶۱.

<sup>۵۱</sup> همان، م ۱۶۶۵ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۷.

اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد.<sup>۵۲</sup>

● پرسش ۳۰. در جوانی گاهی در ماه رمضان استمنا می‌کردم؛ ولی به هیچ وجه از حرمت آن آگاهی نداشتم و نیز نمی‌دانستم که روزه را باطل می‌کند، تکلیف من چیست؟

آیات عظام خامنه‌ای، بهجت و فاضل: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی‌داده‌اید، کفاره واجب نیست ولی باید روزه‌هایی را که با حال جنابت گرفته‌اید، قضا کنید.<sup>۵۳</sup>

آیات عظام امام، صافی و نوری: اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی‌داده‌اید، کفاره واجب نیست ولی بنابر احتیاط واجب، باید روزه‌هایی را که با حال جنابت گرفته‌اید، قضا کنید.<sup>۵۴</sup>

آیات عظام تبریزی و وحید: باید روزه‌هایی را که با حال جنابت گرفته‌اید، قضا کنید ولی کفاره واجب نیست.<sup>۵۵</sup>

آیت‌الله سیستانی: پرداخت کفاره واجب نیست و اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی‌داده‌اید، قضای روزه‌ها نیز واجب نیست.<sup>۵۶</sup>

آیت‌الله مکارم: بنابر احتیاط واجب باید روزه‌هایی را که با حال

<sup>۵۲</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۵۶۶۱.

<sup>۵۳</sup> آیت‌الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۱۱۰۹، ۱۱۱۷ آیت‌الله فاضل، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۷۱۸.

<sup>۵۴</sup> امام، تحریر الوسیلة، ج ۱، فیما یجیب الامساک فیہ، م ۱۸، فیما یترتب علی الافطار، م ۱ آیت‌الله صافی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۳۱۱، ۱۳۱۸ آیت‌الله نوری، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس.

<sup>۵۵</sup> آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله وحید: منهاج الصالحین، کفارة الصوم، تتمیم.

<sup>۵۶</sup> آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، کفارة الصوم، تتمیم.

جنابت گرفته‌اید، قضا کنید ولی کفارہ واجب نیست.<sup>۵۷</sup>

● پرسش ۳۱. کسی که به حرمت استمنا در ماه رمضان آگاهی داشته؛ ولی

نمی‌دانسته روزه را باطل می‌کند، تکلیف او چیست؟

همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله مکارم): در فرض یاد شده، باید روزه‌هایی که در آن استمنا کرده، قضا کند و کفارہ هم بدهد.<sup>۵۸</sup>

آیت‌الله سیستانی: پرداخت کفارہ واجب نیست و اگر جهل به حدی باشد که احتمال باطل شدن روزه را نمی‌داده است، قضای روزه‌ها نیز واجب نیست.<sup>۵۹</sup>

آیت‌الله مکارم: در فرض یاد شده، بنابر احتیاط واجب روزه‌هایی که در آن استمنا کرده، قضا کند و کفارہ هم بدهد.<sup>۶۰</sup>

● پرسش ۳۲. شخصی که به حرمت استمنا آگاهی نداشته و بدون غسل،

نماز و روزه می‌گرفته، چه حکمی دارد؟

آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، مکارم و وحید: نماز و روزه‌هایی را که در حال جنابت انجام داده، باید قضا کند.<sup>۶۱</sup>

<sup>۵۷</sup> آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۸۵۶۱.

<sup>۵۸</sup> آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله وحید، منهاج‌الصالحین، کفارہ الصوم، تتمیم امام خمینی، آیت‌الله فاضل، آیت‌الله نوری، تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث، السادس دفتر آیات عظام خامنه‌ای، صافی و بهجت.

<sup>۵۹</sup> آیت‌الله سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، کفارہ الصوم، تتمیم.

<sup>۶۰</sup> آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۵۸، ۱۶۵۹ تعلیقات علی العروة، الفصل الثالث و السادس.

<sup>۶۱</sup> آیت‌الله تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۱۰۷ و منهاج‌الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴ آیت‌الله وحید، منهاج‌الصالحین، ج ۲، بعد از م ۱۰۰۴ و دفتر آیت‌الله مکارم و آیت‌الله بهجت.

آیات عظام امام و نوری: روزه‌ها صحیح است و قضا ندارد ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده است، باید قضا کند.<sup>۶۲</sup>

آیت‌الله بهجت: نمازهایی را که در حال جنابت انجام داده، باید قضا کند و روزه‌ها را نیز بنا بر احتیاط واجب به جا آورد.<sup>۶۳</sup>

آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل: اگر در یاد گرفتن مسائل کوتاهی نکرده است، روزه‌ها صحیح است و قضا ندارد ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده است، در هر حال باید قضا کند.<sup>۶۴</sup>

## قضای روزه

### فراموشی قضای روزه

● پرسش ۳۳. در ماه رمضان مدتی روزه نگرفته‌ام، اما تعداد روزه‌ها را

فراموش کرده‌ام؛ وظیفه‌ام چیست؟

همه‌ی مراجع: می‌توانید به مقدار حداقل اکتفا کنید یعنی، هر مقدار از روزه‌ها را که یقین دارید کمتر از آن نبوده، قضا کنید و بیش از آن لازم نیست.<sup>۶۵</sup>

<sup>۶۲</sup> امام خمینی، استفتاءات، ج ۱ روزه، س ۳۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۹۴ و آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۹.

<sup>۶۳</sup> دفتر آیت الله بهجت.

<sup>۶۴</sup> آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۵۵۸ و دفتر آیت الله صافی و آیت الله وحید.

<sup>۶۵</sup> دفتر همه‌ی مراجع

### تاخیر قضای روزه

● پرسش ۳۴. کسی که به واسطه‌ی بیماری نتوانسته روزه‌های ماه رمضان

را بگیرد، اگر چند سال قضای آن را به تأخیر اندازد، تکلیف چیست؟  
همه‌ی مراجع: اگر بیماری او در میان سال خوب شد، باید روزه‌ها را قضا کند و اگر به سال‌های بعد انداخت، علاوه بر قضای روزه، باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد اما اگر بیماری او تا سال بعد ادامه یافت- به طوری که نمی‌تواند قضا کند- فقط باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.<sup>۶۴</sup>

### بیماری و قضای روزه

● پرسش ۳۵. کسی که چند سال مریض بوده و نتوانسته روزه‌ی ماه

رمضان و قضای آن را به جا آورد، تکلیفش چیست؟  
همه‌ی مراجع: در سالی که بهبود یابد، اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد، باید قضای سال آخر را به جا آورد ولی قضای سال‌های گذشته لازم نیست و تنها باید برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.<sup>۶۷</sup>

● پرسش ۳۶. کسی که در قضای روزه ماه رمضان خود، سهل انگاری

کرده و اکنون به جهت بیماری، نمی‌تواند آنها را به جا آورد، تکلیف چیست؟

همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله سیستانی): اگر در قضای روزه‌ها سهل انگاری کرده و اکنون نمی‌تواند تا رمضان آینده آنها را به جا آورد، باید

<sup>۶۴</sup> توضیح المسائل مراجع، ۱۷۰۵، ۱۷۰۹ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۱۳، ۱۷۱۱.

<sup>۶۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۳، ۱۷۰۷ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۱۱، ۱۷۱۵.

برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و هر زمان توانایی پیدا کرد، باید روزه‌ها را قضا کند.<sup>۶۸</sup>

**آیت‌الله سیستانی:** اگر در قضای روزه‌ها سهل انگاری کرده و اکنون نمی‌تواند تا رمضان آینده آنها را به جا آورد، بنابر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و هر زمان توانایی پیدا کرد، باید روزه‌ها را قضا کند.<sup>۶۹</sup>

## روزه‌ی مسافر

### مسافرت ماه رمضان

● **پرسش ۳۷.** آیا می‌شود در ماه رمضان مسافرت کرد؟ حکم روزه

چگونه است؟

**همه‌ی مراجع:** مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است به خصوص قبل از بیست و سوم.<sup>۷۰</sup>

### فرار از روزه

● **پرسش ۳۸.** آیا می‌شود در ماه رمضان، برای فرار از روزه مسافرت

کرد؟

**همه‌ی مراجع:** مسافرت کردن در ماه رمضان - هر چند به عنوان فرار از روزه باشد - اشکال ندارد ولی این امر تا قبل از روز بیست و

<sup>۶۸</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۶ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۱۴ بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۱۷۳ دفتر: خامنه‌ای.

<sup>۶۹</sup> سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۶۰۷۱.

<sup>۷۰</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۱۵ و ۱۷۰۳ و العروة الوثقی، فصل ۶ م ۲۵ و فصل ۱۰، م.

سوم مکروه است.<sup>۷۱</sup>

● پرسش ۳۹. آیا می‌توانیم نذر کنیم که روزه ماه رمضان و یا قضای آن را در سفر به جا آوریم؟

همه‌ی مراجع: خیر، این نذر صحیح نیست.<sup>۷۲</sup>

● پرسش ۴۰. کسی که پیش از ظهر تصمیم به مسافرت دارد، تکلیف روزه‌ی او چه می‌شود؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و سیستانی): اگر پیش از ظهر مسافرت کند، روزه‌اش باطل است ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد.<sup>۷۳</sup>

آیت‌الله تبریزی: اگر از سر شب تصمیم بر سفر داشته و پیش از ظهر مسافرت کند، روزه‌اش باطل است ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد و اگر پیش از ظهر تصمیم بر مسافرت گرفته، بنابر احتیاط واجب باید روزه بگیرد.<sup>۷۴</sup>

آیت‌الله سیستانی: اگر پیش از ظهر مسافرت کند، بنابر احتیاط واجب باید روزه‌اش را افطار کند ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد.<sup>۷۵</sup>

● پرسش ۴۱. کسی که در ماه رمضان مسافرت کرده، آیا علاوه بر قضا،

<sup>۷۱</sup> العروة الوثقی، ج ۲، شرایط وجوب الصوم، م ۴ و ۶.

<sup>۷۲</sup> آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۵۸۱ آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۲۲۱۱.

<sup>۷۳</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱ وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۲۹ دفتر: خامنه‌ای.

<sup>۷۴</sup> تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱.

<sup>۷۵</sup> سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱.

باید کفاره هم بدهد؟

همه‌ی مراجع: خیر، تنها قضای روزه‌ها واجب است و کفاره ندارد ولی اگر قضای روزه‌ها را تا ماه رمضان سال بعد به تأخیر اندازد، به جهت تأخیر، باید برای هر روز یک مد طعام کفاره بدهد.<sup>۷۶</sup>

#### مقدار مسافت شرعی

● پرسش ۴۲. مقدار مسافت شرعی چند کیلومتر است؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، بهجت، فاضل، صافی و نوری: مسافت شرعی تقریباً ۵ / ۲۲ کیلومتر است.<sup>۷۷</sup>

آیت‌الله مکارم: مسافت شرعی تقریباً ۵ / ۲۱ کیلومتر است.

آیات عظام تبریزی، سیستانی و وحید: مسافت شرعی تقریباً ۲۲ کیلومتر است.<sup>۷۸</sup>

● پرسش ۴۳. آیا مسافر می‌تواند روزه‌ی مستحبی بگیرد؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: خیر، گرفتن روزه‌ی مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و لازم است روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.<sup>۷۹</sup>

آیات عظام بهجت، صافی و فاضل: خیر، گرفتن روزه‌ی مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن

<sup>۷۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۵ وحید، توضیح المسائل، م ۳۱۷۱.

<sup>۷۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۲۱.

<sup>۷۸</sup> آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله وحید، منهاج الصالحین، م ۴۸۸.

<sup>۷۹</sup> امام، نوری، تقلیقات علی العروة، ج ۲، شرایط صحة الصوم، الخامس دفتر: خامنه‌ای.



حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و بهتر است روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.<sup>۸۰</sup>

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: خیر، گرفتن روزه‌ی مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و احتیاط واجب آن است که روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.<sup>۸۱</sup>

## کفّاره‌ی روزه

### شرط وجوب کفّاره

● **پوشش ۴۴.** روزه‌ها را از روی عمد نگرفتیم؛ ولی نمی‌دانستم افزون بر قضا، کفّاره هم دارد، آیا در این فرض کفّاره واجب می‌شود؟  
همه‌ی مراجع: آری، افزون بر قضای روزه‌ها، باید کفّاره نیز بدهید و ناآگاهی از کفّاره، باعث سقوط آن نمی‌گردد.<sup>۸۲</sup>

● **پوشش ۴۵.** اگر پرداخت کفّاره‌ی روزه برای شخصی که روزه‌اش را به طور عمد افطار کرده، ممکن نباشد (یعنی به واسطه‌ی بیماری نمی‌تواند روزه بگیرد و از نظر مالی هم توانایی ندارد)، تکلیفش چیست؟

<sup>۸۰</sup> فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، شرایط صحة الصوم، الخامس بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۱۱۴۱ صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۱۸.

<sup>۸۱</sup> تبریزی، سیستانی، وحید، منهاج الصالحین، الصوم، م ۱۰۲۶ مکارم، تعلیقات علی العروة، شرایط صحة الصوم، الخامس.

<sup>۸۲</sup> آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، کفّارة الصوم آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۸۲۲ و دفترهمه.

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای، صافی، تبریزی و وحید): هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.<sup>۸۳</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای: باید هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و بنابر احتیاط استغفار نیز بکند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل به گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.<sup>۸۴</sup>

آیت‌الله صافی: هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و استغفار کند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.<sup>۸۵</sup>

آیات عظام تبریزی و وحید: بنابر احتیاط واجب، باید هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و استغفار کند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.<sup>۸۶</sup>

● پرسش ۴۶. کسی که اکنون نمی‌تواند کفّاره‌ی افطار عمدی بپردازد،

چنانچه در آینده متمکن شد، آیا باید جبران کند؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای و مکارم): بنابر احتیاط

واجب هر وقت متمکن شد، باید کفّاره را بدهد.<sup>۸۷</sup>

<sup>۸۳</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰.

<sup>۸۴</sup> خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۸۱۱.

<sup>۸۵</sup> صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰.

<sup>۸۶</sup> تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۶۸.

<sup>۸۷</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۶۸.

آیات عظام خامنه‌ای و مکارم: تکلیف از او ساقط است و لازم نیست کفّاره بدهد.<sup>۸۸</sup>

● پرسش ۴۷. روزه‌هایی که در اوایل سن تکلیف به جا نیاورده‌ام، علاوه بر قضا کفّاره هم دارد؟

همه‌ی مراجع: هر مقدار از روزه‌ها را که نگرفته‌اید، باید قضا کنید و افزون بر آن، برای هر روز نیز باید کفّاره بدهید یعنی، دو ماه روزه بگیرید یا شصت فقیر را سیر کنید و یا به هر کدام یک مد (تقریباً ده سیر طعام گندم یا جو و مانند آن) به آنها بدهید.<sup>۸۹</sup>

#### شصت روز روزه

● پرسش ۴۸. آیا قضای روزه‌ی ماه رمضان و کفّاره‌ی آن، باید پی در پی انجام گیرد؟

همه‌ی مراجع: لازم نیست قضای روزه‌ها پی در پی باشد ولی در کفّاره - چنانچه گرفتن دو ماه روزه را اختیار کند- باید یک ماه تمام و یک روز آن را از ماه دیگر پی در پی بگیرد.<sup>۹۰</sup>  
□ تبصره: آیت‌الله مکارم پی در پی بودن کفّاره روزه را احتیاط واجب می‌داند.

● پرسش ۴۹. کسی که کفّاره‌ی روزه را تا چند سال به تأخیر اندازد، آیا چیزی بر مقدار آن افزوده می‌شود؟

<sup>۸۸</sup> مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰ خامنه‌ای، اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۸۱۲.

<sup>۸۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰ وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۶۸.

<sup>۹۰</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۱ وحید، توضیح المسائل، م ۱۶۶۹ العروة الوثقی، ج ۲، صوم الکفّاره، م ۱ احکام القضاء، م ۷.

همه‌ی مراجع: خیر، چیزی بر آن افزوده نمی‌شود.<sup>۹۱</sup>

● پرسش ۵۰. کسی که کفّاره‌ی روزه به گردن دارد، آیا می‌تواند آن را به

تأخیر اندازد؟

همه‌ی مراجع: آری، پرداخت کفّاره فوری نیست ولی نباید در

تأخیر آن سهل‌انگاری و کوتاهی کرد.<sup>۹۲</sup>

#### اطعام شصت فقیر

● پرسش ۵۱. آیا کفّاره‌ی روزه را می‌توان به واجب‌النفقه پرداخت؟

همه‌ی مراجع: کفّاره‌ی روزه را نمی‌توان به واجب‌النفقه داد ولی

پرداخت آن به خویشاوندان اشکال ندارد.<sup>۹۳</sup>

● پرسش ۵۲. آیا پول کفّاره را نیز می‌توان به فقیر داد؟

همه‌ی مراجع: دادن پول کفّاره به فقیر کفایت نمی‌کند- خواه

کفّاره‌ی مریض باشد یا کفّاره‌ی افطار عمدی- مگر اینکه اطمینان

داشته باشد، فقیر به وکالت از او، طعام می‌خرد و آن را به عنوان

کفّاره قبول می‌کند.<sup>۹۴</sup>

<sup>۹۱</sup> العروة الوثقی، ج ۲، الصوم، الفصل السادس، م ۲۱.

<sup>۹۲</sup> همان، ج ۲، فی ما تعلیق بالكفّاره، م ۲۲.

<sup>۹۳</sup> امام، تحریر الوسیله، ج ۲، الکفّارات، م ۱۸ صافی، هدایة العباد، ج ۲، الکفّارات، م ۱۸ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۲۹۶ تبریزی و وحید، منهاج الصالحین، الکفّارات ۱۵۸۰ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۷۷۳ دفتر: خامنه‌ای، نوری، بهجت و فاضل.

<sup>۹۴</sup> سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۷۷۶ صافی، هدایة العباد، ج ۲، الکفّارات، م ۲۰ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، الکفّارات، م ۲۰ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۱ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۲۹۱ و دفتر: فاضل، وحید، نوری، تبریزی و بهجت.

● **پرسش ۵۳.** آیا پرداخت پول کفّاره به نهادهایی مانند بهزیستی و کمیته امداد، کفایت می‌کند؟

**همه‌ی مراجع:** اگر اطمینان دارد که نهادهای یاد شده، پول کفّاره را با رعایت شرایط شرعی، به مصرف طعام برای فقیران می‌رسانند، کفایت می‌کند.<sup>۹۵</sup>

● **پرسش ۵۴.** آیا غیر سید، می‌تواند کفّاره‌ی روزه را به سید بدهد؟  
**همه مراجع (به جز آیت‌الله صافی):** آری، اشکال ندارد ولی بهتر (احتیاط مستحب) است، به سید ندهد.<sup>۹۶</sup>  
**آیت‌الله صافی:** بنابر احتیاط واجب، غیر سید نمی‌تواند کفّاره‌ی روزه را به سید بدهد.<sup>۹۷</sup>

● **پرسش ۵۵.** کفّاره‌ی روزه‌ی زن، بر مرد است یا بر زن؟  
**همه‌ی مراجع:** کفّاره در موارد یاد شده، بر خود زن واجب است و در صورتی که زن درآمد ندارد، کفّاره از او ساقط است.<sup>۹۸</sup>

#### کفّاره روزه و روزه مستحبی

● **پرسش ۵۶.** آیا کسی که کفّاره‌ی روزه دارد، می‌تواند روزه‌ی مستحبی

<sup>۹۵</sup> سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۷۷۶ صافی، هدایة العباد، ج ۲، الکفّارات، م ۲۰ امام، تحریرالوسیله، ج ۲، الکفّارات، م ۲۰ خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۸۰۱ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۲۹۱ دفتر: فاضل، وحید، نوری، تبریزی و بهجت.

<sup>۹۶</sup> امام، تحریرالوسیله، ج ۲، الصدقه، م ۳ تبریزی، وحید، منهاج الصالحین، الصدقه، م ۱۲۲۳ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۶۰۴ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۶۰۲.

<sup>۹۷</sup> صافی، هدایة العباد، ج ۲، الصدقه، م ۳.

<sup>۹۸</sup> آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۳۱۳ آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۸ و دفتر همه‌ی مراجع.

بگیرد؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، تبریزی و نوری: خیر، با داشتن کفّاره‌ی روزه، گرفتن روزه‌ی مستحبی جایز نیست.<sup>۹۹</sup>

آیات عظام صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب، با داشتن کفّاره‌ی روزه، گرفتن روزه‌ی مستحبی جایز نیست.<sup>۱۰۰</sup>

آیات عظام بهجت و سیستانی: آری، با داشتن کفّاره‌ی روزه، گرفتن روزه‌ی مستحبی اشکال ندارد.<sup>۱۰۱</sup>

## زکات فطره

شرط وجوب

● پرسش ۵۷. آیا پرداخت زکات فطره بر کسی که توان مالی ندارد،

واجب است؟

همه‌ی مراجع: اگر فقیر باشد، زکات فطره بر او واجب نیست و اگر سه کیلو گندم و مانند آن و یا قیمت آنها را دارد، مستحب است آن را به عنوان زکات فطره بدهد و چنانچه افرادی تحت تکفل دارد، می‌تواند آن را به قصد فطره، بین نفرات خانواده دست‌گردان کنند و بهتر است نفر آخر، آن را به کسی بدهد که از خودشان نباشد.<sup>۱۰۲</sup>

<sup>۹۹</sup> امام و نوری، تعلیقات علی العروة، ج ۲ شرایط صحة الصوم، م ۳ تبریزی، منهاج الصالحین، ۱۰۳۵ دفتر: خامنه‌ای.

<sup>۱۰۰</sup> مکارم و فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲ شرایط صحة الصوم، م ۳ وحید، منهاج الصالحین، ۱۰۳۵ صافی، هدایة العباد، ج ۱، م ۱۳۵۵.

<sup>۱۰۱</sup> بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۱۴۹ سیستانی، منهاج الصالحین، ۱۰۳۵.

<sup>۱۰۲</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۲ العروة الوثقی، ج ۲، زکاه الفطره، الفصل الاول.

● **پرسش ۵۸.** آیا زکات فطره برای دانشجویی که در خوابگاه سکونت

دارد، واجب است؟

**همه‌ی مراجع:** اگر مخارج او را پدر و مادر می‌دهند و نان خور

ایشان محسوب می‌شود، بر عهده‌ی آنها است و اگر دانشجو مستقل

است، بر عهده‌ی خودش می‌باشد.<sup>۱۰۳</sup>

#### مقدار زکات فطره

● **پرسش ۵۹.** مقدار زکات فطره چقدر است؟

**همه‌ی مراجع:** شخص باید برای خودش و کسانی که نان خور او

محسوب می‌شوند، برای هر نفر سه کیلو از خوراک مردم (مانند

گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و یا مانند اینها) و یا پول یکی

از آنها را به مستحق بدهد.<sup>۱۰۴</sup>

#### زمان پرداخت

● **پرسش ۶۰.** زمان کنار گذاشتن فطره و پرداخت آن چه موقع است؟

**همه‌ی مراجع:** اگر نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب

باید پیش از نماز بدهد یا کنار بگذارد و اگر نماز عید نمی‌خواند، تا

ظهر روز عید فطر مهلت دارد.<sup>۱۰۵</sup>

● **پرسش ۶۱.** آیا جایز است پیش از ماه رمضان، فطره را به فقیر داد؟

**همه‌ی مراجع:** خیر، کفایت نمی‌کند ولی می‌تواند آن را به عنوان

<sup>۱۰۳</sup> العروة الوثقی، ج ۲، زکات الفطره، فصل ۲، م ۲.

<sup>۱۰۴</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۱ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۰۸.

<sup>۱۰۵</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۲۹ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۴۶ دفتر: خامنه‌ای.

قرض به او بدهد و در روز عید فطر، طلب خود را بابت فطره حساب کند.<sup>۱۰۶</sup>

#### زکات بر عهده‌ی مرد

● پرسش ۶۲. اگر زن به جهت نیاز شوهر، در تأمین مخارج زندگی کمک کند؛ چه کسی باید زکات فطره آنها را بدهد؟  
همه‌ی مراجع: اگر زن نان‌خور شوهر محسوب شود، باید شوهر در صورت توانایی زکات فطره خود و همسرش را بدهد و اگر زن نان‌خور شوهر و کس دیگری نباشد، باید خودش زکات فطره‌اش را بدهد.<sup>۱۰۷</sup>

#### پدري که زکات نمی‌دهد!

● پرسش ۶۳. پدري که زکات فطره نمی‌دهد، تکلیف زن و فرزند او چه می‌شود؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام سیستانی و مکارم): بر آنان تکلیفی نیست و لازم نیست فطره بدهند.<sup>۱۰۸</sup>  
آیات عظام سیستانی و مکارم: احتیاط واجب آن است که اگر می‌توانند، خودشان فطره بدهند.<sup>۱۰۹</sup>

#### زکات فطره‌ی میهمان

● پرسش ۶۴. میهمانی که بعد از اذان مغرب شب عید فطر به خانه انسان

<sup>۱۰۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۲۵ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۴۲ دفتر: خامنه‌ای.

<sup>۱۰۷</sup> العروة الوثقی، ج ۲، زکاة الفطره، الفصل الثانی، م ۳.

<sup>۱۰۸</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۶ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۲۳.

<sup>۱۰۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۶.



بیاید، تکلیف فطره‌اش چه می‌شود؟

همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله سیستانی): فطره او بر عهده صاحب خانه نیست.<sup>۱۱۰</sup>

آیت‌الله سیستانی: اگر نان خور او محسوب شود، بنابر احتیاط واجب فطره‌ی او بر عهده صاحب خانه است.<sup>۱۱۱</sup>

● پرسش ۶۵. اگر میهمان فطره‌ی خودش را بدهد، آیا از عهده‌ی صاحب خانه ساقط می‌شود؟

همه‌ی مراجع: اگر با اجازه صاحب خانه از طرف او فطره‌ی خودش را بدهد، از عهده‌ی میزبان ساقط می‌شود.<sup>۱۱۲</sup>

● پرسش ۶۶. آیا خوردن افطاری از سوی میهمان، تأثیری در وجوب زکات فطره دارد؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام صافی و بهجت): خیر، ملاک آن است که میهمان نان‌خور صاحب خانه محسوب شود و خوردن افطاری، هیچ تأثیری در حکم ندارد.<sup>۱۱۳</sup>

آیت‌الله صافی: اگر میهمان نان‌خور صاحب خانه محسوب شود و یا افطاری صرف کند (هر چند نان خور محسوب نشود)، زکات فطره‌ی

<sup>۱۱۰</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۷ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۱۴ دفتر: خامنه‌ای.

<sup>۱۱۱</sup> سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۷.

<sup>۱۱۲</sup> تبریزی، استفتاءات، س ۷۸۲ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۶۳۷ مکارم و بهجت، توضیح

المسائل مراجع، م ۲۰۰۶ دفتر: همه.

<sup>۱۱۳</sup> نوری، تعلیقات علی العروة، زکاة الفطره، الفصل الثانی تبریزی، استفتاءات، س ۷۸۳ خامنه‌ای،

استفتاء، س ۸۸۸ سیستانی، وحید، منهاج الصالحین، زکاة الفطره، م ۱۱۷۲ بهجت، وسیلة النجاه، ج

۱، م ۱۳۴۸ فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۴۷۲.

او بر صاحب خانه واجب است.<sup>۱۱۴</sup>

آیت‌الله بهجت: اگر میهمان نان خور صاحب خانه محسوب شود و به قصد خوردن افطاری آمده باشد هر چند برای او مانعی پیش آید که نتواند غذا صرف کند زکات فطره‌ی او بر صاحب خانه واجب است.<sup>۱۱۵</sup>

#### دادن زکات به فقیر

● پرسش ۶۷. آیا چند فطره را می‌توان به یک فقیر داد؟

آیات عظام امام، فاضل، مکارم و نوری: بنابر احتیاط واجب، نباید به یک فقیر بیشتر از مخارج سالش فطره بدهند.<sup>۱۱۶</sup>

آیت‌الله بهجت: نباید به یک فقیر، بیشتر از مخارج سالش فطره بدهند.<sup>۱۱۷</sup>

آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: آری، اشکال ندارد.<sup>۱۱۸</sup>

● پرسش ۶۸. آیا پدر می‌تواند زکات فطره را به فرزند خود که محتاج

است، بدهد؟

همه‌ی مراجع: اگر فرزندان فقیر باشند، بر پدر و مادر واجب است

که مخارج آنان را بپردازند و نمی‌توان چیزی از زکات فطره به آنها

<sup>۱۱۴</sup> صافی، هدایة العباد، ج ۱، م، ۱۵۸۰.

<sup>۱۱۵</sup> بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۳۴۸.

<sup>۱۱۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۱۸.

<sup>۱۱۷</sup> بهجت، همان، م ۲۰۱۸.

<sup>۱۱۸</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۱۸ و وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۳۵.

داد.<sup>۱۱۹</sup>

- پرسش ۶۹. آیا زکات فطره را می‌توان به خانواده فقیر غیر متدین داد؟  
همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله بهجت): در زکات فطره، عدالت گیرنده لازم نیست ولی به کسی که آشکارا گناه کبیره انجام می‌دهد، نباید زکات فطره داد.<sup>۱۲۰</sup>
- آیت‌الله بهجت: در زکات فطره، عدالت گیرنده لازم نیست ولی به کسی که آشکارا گناه کبیره انجام می‌دهد، نباید زکات فطره داد مگر به قدر ضروریات او و خانواده‌اش.<sup>۱۲۱</sup>

#### زکات دانشجو

- پرسش ۷۰. آیا پدر می‌تواند زکات فطره را به فرزند دانشجوی خود که محتاج است، بدهد؟  
همه‌ی مراجع: اگر فرزندان فقیر باشند، پدر و مادر باید مخارج واجب آنان را بپردازند و نمی‌توان چیزی از زکات فطره به آنها داد.<sup>۱۲۲</sup>

#### مصرف فرهنگی زکات

- پرسش ۷۱. آیا جایز است زکات فطره را در امور فرهنگی و مذهبی که باعث نشر معارف دین می‌شود صرف کرد؟

<sup>۱۱۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۴۸ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۹۴۴ آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۰۸۸.

<sup>۱۲۰</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۱۶، ۱۹۴۶ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۳۳.

<sup>۱۲۱</sup> بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۶۴۹۱، ۴۱۰۲، ۲۰۱۶.

<sup>۱۲۲</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۴۸ و خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۸۰.

آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل و نوری: صرف زکات فطره در راه نشر معارف دین اشکال ندارد ولی بهتر است آن را به فقیر بدهند.<sup>۱۲۳</sup>

آیات عظام سیستانی، مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب، باید فطره را به فقیر داد.<sup>۱۲۴</sup>

### تبدیل زکات

● پرسش ۷۲. اگر شخص فطره را کنار بگذارد، می‌تواند از آن استفاده کند و بعد به جای آن مال دیگری بگذارد؟  
همه‌ی مراجع: خیر، باید همان را که کنار گذاشته، برای فطره بدهد.<sup>۱۲۵</sup>

### توبه‌ی عدم پرداخت زکات فطره

● پرسش ۷۳. اگر کسی فطره نهد و کنار هم نگذاشته باشد، تکلیفش چیست؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی و بهجت): گناه کرده است و احتیاط واجب آن است که در آینده- بدون اینکه نیت ادا و قضا کند- فطره را بدهد.<sup>۱۲۶</sup>  
آیات عظام خامنه‌ای و تبریزی: گناه کرده است و باید در آینده - بدون اینکه نیت ادا و قضا کند- فطره را بدهد.<sup>۱۲۷</sup>

<sup>۱۲۳</sup> خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۹۳ توضیح المسائل مراجع، م ۵۲۹۱، ۲۰۱۴.

<sup>۱۲۴</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۲۵، ۲۰۱۴ وحید، توضیح المسائل، م ۱۳۰۲، ۱۹۴۲.

<sup>۱۲۵</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۲ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۴۹ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۸۵.

<sup>۱۲۶</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۱ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۴۸.

<sup>۱۲۷</sup> تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۱ خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۴۳.

آیت‌الله بهجت: گناه کرده است و احتیاط مستحب آن است که در آینده آن را قضا کند.<sup>۱۲۸</sup>

#### انتقال زکات فطره

● پرسش ۷۴. آیا جایز است فطره را در شهر دیگری بدهیم؟

همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله بهجت): اگر در محل و شهر خودش مستحق پیدا نشود، می‌تواند آن را به شهر دیگری ببرد.<sup>۱۲۹</sup>

آیت‌الله بهجت: می‌تواند فطره را به شهر دیگری ببرد هر چند در شهر خودش مستحق پیدا شود.<sup>۱۳۰</sup>

<sup>۱۲۸</sup> بهجت، توضیح المسائل مراجع، ۲۰۳۱.

<sup>۱۲۹</sup> توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۵ خامنه‌ای، استفتاء، س ۸۵۷ وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۵۲.

<sup>۱۳۰</sup> بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۵.









### پیرامون دعا

در سوره‌ی غافر آیه ۶۰ این چنین می‌خوانیم:  
 وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
 سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ.

ترجمه: و این چنین فرمود پروردگار شما ؛ مرا بخوانید تا  
 استجابت کنم برای شما، آنانی که از عبادت من استکبار بجویند با  
 خواری به دوزخ داخل خواهند شد.

استکبار از عبادت، بنا بر روایات شیعه، روی‌گردانی از « دعا »  
 است.

بعضی از انسان‌ها تصوّر می‌کنند همه چیز به دست آن‌ها و تحت  
 قدرت آن‌هاست، لذا خود را بی‌نیاز از دعا می‌دانند و حال آن‌که  
 هیچ نیرویی در جهان هستی نیست و هیچ تغییری تحقق پیدا  
 نمی‌کند مگر آن‌که از خداوند است (لا حولَ و لا قوَّةَ الا بالله).

بر این اساس انسان هرچه بیشتر در مقابل قدرت خداوند فروتن

باشد، بیشتر به دعا روی آورده و همه‌ی امور کوچک و بزرگ، مادی و معنوی زندگی خود را با دعا پوشش می‌دهد و تنها امید به آنچه نزد خداست داشته و از آنچه نزد غیر اوست قطع امید می‌نماید.

انسان فروتن، هرچند برای کمال مادی و معنوی خود برنامه‌ریزی می‌کند، ولی تنها اعتماد به مقدرات خداوند داشته و به او توکل می‌کند. و این اعتماد و توکل را با دعا، نشان می‌دهد.

«دعا» برای استمداد مداوم از خداوند در انجام همه‌ی کارها و «ذکر» برای التزام دل به یاد مداوم خداوند، باعث می‌شود تا انسان همیشه حرکتی رو به جلو داشته باشد، از حرکت باز نمانده و عقب نرود.

### آداب دعا<sup>۱۳۱</sup>

- ۱- بسم الله گفتن در ابتدای دعا. دعایی که در ابتدای آن نام خدا باشد رد نخواهد شد.
- ۲- ستایش نمودن خداوند. دعایی که قبل از آن حمد خداوند نباشد سرانجامی نخواهد داشت.
- ۳- درود بر پیامبر و آل او. دعا، راه به سوی آسمان ندارد مگر این که با صلوات همراه باشد.
- ۴- شفیع قرار دادن پیامبر و آل او. زمانی که از خداوند چیزی خواسته می‌شود در ابتدای آن گفته شود: خدایا تو را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین قَسَمَت می‌دهم که خواسته‌ام را

<sup>۱۳۱</sup>مباحث مربوط به دعا بر اساس احادیث کتاب میزان الحکمه ج: ۲ ص: ۸۵۷ تنظیم شده است.

برآورده سازی.

۵- اقرار به گناه. تا اقرار به گناه صورت نپذیرد و تقصیر مشکلات را انسان خود به گردن نگیرد خداوند او را برای حل مشکلات کمک نخواهد کرد.

۶- زاری نمودن و دست‌گدایی دراز کردن. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وقتی دعا می‌نمودند دستانشان را همچون فقیری که دستش را برای گرفتن غذا دراز می‌کند، دراز می‌نمودند.

۷- به جای آوردن دو رکعت نماز. گرفتن وضوی نیکو و نمازی با رکوع و سجود کامل زمینه‌ی استجاب دعا را آماده می‌کند.

۸- کوچک نشمردن چیزی از دعا. لزوماً دعای مستجاب دارای شرایط خاصی نیست لذا نباید دعا‌های معمولی را که در حالات معمولی خوانده می‌شود کم‌اهمیت شمرد.

۹- بزرگ نشمردن خواسته. اگر همه‌ی انسان‌ها یک چیز را بخواهند خداوند آن خواسته را اجابت نموده و ذره‌ای از ملکش کاسته نخواهد شد.

۱۰- بلند همتی در طرح خواسته‌ها. وقتی انسان می‌تواند از خداوند بخواهد که او را با پیامبر تا منازل بالای بهشت همراه نماید، دیگر نباید دعایش را به چند خواسته‌ی مادی محدود سازد.

۱۱- تعمیم دعا. کسی که ابتدا برای چهل مؤمن دعا نماید و بعد خواسته خود را مطرح نماید، دعایش را به اجابت نزدیک نموده است.

۱۲- طرح دعا‌های فردی در خفا و دعا‌های اجتماعی در جمع. دعای پنهانی هفتاد برابر دعای آشکار به اجابت نزدیک‌تر است. و از طرفی اگر چهل مؤمن نسبت به دعایی متفق باشند از یکدیگر جدا

نمی‌شوند مگر این که دعاهای آن‌ها مستجاب می‌شود.

- ۱۳- انتخاب وقت‌ها و زمان‌های خاص برای دعا. مثل: بعد از نمازهای واجب، وقت نزول باران، وقت بروز آیاتی مثل کسوف و خسوف، وقت سحر، هنگام عیادت مریض، بین اذان و اقامه، بعد از قرائت قرآن، شب و روز جمعه، در محل قبور ائمه (علیهم السلام).
- ۱۴- اصرار در دعا. خداوند دوست ندارد که مردم با اصرار خواسته‌هایشان با یکدیگر مطرح کنند! ولی این خصلت را برای خودش بسیار دوست می‌دارد.

### شرایط استجاب دعا

- ۱- معرفت نسبت به خداوند. چگونه دعای کسی مستجاب شود و حال آن که کسی را که می‌خواند نمی‌شناسد؟! معرفت خداوند به این است که انسان یقین داشته باشد خداوند این قدرت و مهربانی را دارد که درخواست او را اگر به مصلحتش باشد یقیناً برآورده سازد.
- ۲- تلاش نمودن در مسیر تحقق استجاب دعا. کسی که تنها دعا می‌کند و عمل مربوط به آن را انجام نمی‌دهد مانند تیرانداز بدون کمان است.
- ۳- داشتن درآمد حلال. بنده‌ای که دستش را سوی خداوند بلند می‌کند ولی درآمد حرام دارد، دعایش مستجاب نخواهد شد. زیرا در حال انجام گناهی است که از آن توبه ننموده است.
- ۴- حضور قلب و شکستن دل. خداوند دعای کسی را که قلبش مشغول جایی دیگر است قبول نخواهد نمود.

### موانع استجاب دعا

- ۱- گناهانی که بعد از دعا انجام می‌گیرد. خداوند بعد از گناه بنده، به فرشته‌ای که مسئول استجاب دعای اوست می‌فرماید: خواسته‌اش را برآورده نکن! زیرا او خود را در معرض خشم من قرار داده است.
- ۲- ستمی که باعث نفرین مظلوم شود. خداوند به ستمگری که دعا نموده است می‌فرماید: من چگونه دعای تو را مستجاب کنم و حال آن که کسی دیگر مشغول نفرین کردن توست؟!
- ۳- مخالفت مضمون دعا با مصلحت دعا کننده. خداوند هیچ‌گاه حکمت خودش را به خاطر استجاب یک دعا نقض نمی‌کند.
- ۴- توجه به امکان و یا جلیت مضمون دعا. مثلاً اگر انسان از خداوند بخواهد که او را محتاج دیگران نکند! این دعا مستجاب نخواهد شد؛ زیرا انسان‌ها چاره‌ای جز استفاده از امکانات یکدیگر ندارند. بلکه باید از خداوند خواست تا او را محتاج انسان‌های پست نکند.
- ۵- کند شمردن استجاب. خداوند بعد از دعای بنده‌ی خویش، در پی استجاب دعای اوست البته تا زمانی که او عجله نکند.

### دعاهای مستجاب

- ۱- دعای امام برای امت خویش.
- ۲- دعای پدر برای فرزند نیکوکار.
- ۳- نفرین پدر برای فرزند نافرمان.
- ۴- نفرین مظلوم برای ظالم.
- ۵- دعای مؤمن برای مؤمنی دیگر.

۶- دعای کودکان بی گناه.

### رابطه‌ی دعا و تلاش

انسان برای رسیدن به هر هدفی، نیازمند به ارزیابی هدف - از نظر صحت آن - و پیدا نمودن ابزار مناسب برای رسیدن به آن هدف است. برای آن ارزیابی و یافتن این ابزار باید از خداوند کمک خواست. اهداف انسان ممکن است صحیح نباشد آن وقت ضرورت دارد از آن فاصله گرفته شود. البته بسیاری از مواقع این اهداف صحیح است و باید آن‌ها را پی گرفت و این، نیازمند عزم جدی است. جدی شدن این عزم را باید از خدا خواست.

ممکن است انسان تلاش زیادی بکند و با وجود صحیح بودن هدف و درست بودن ابزار تلاش‌های او به نتیجه نرسد. باید از خداوند نتیجه‌دهی این تلاش‌ها را در خواست نمود.

به هر حال حرف اول و آخر را خدا می‌زند. باید از خداوند خواست تا دل ما را راضی به رضای او نماید.

آری دعا با زندگی پرتلاش و عقلانی انسان‌ها عجین شده است.







## گزیده‌ی ادعیه ماه مبارک رمضان

### دعاهای هنگام افطار

۱. اللَّهُمَّ لَكَ صُئْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.<sup>۱۳۲</sup>
۲. بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُئْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْ (فَتَقَبَّلْهُ) مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.<sup>۱۳۳</sup>

هنگام برداشتن لقمه اول:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي.<sup>۱۳۴</sup>

### تعقیبات نماز در ماه مبارک رمضان

۱. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَّا

<sup>۱۳۲</sup> خدایا برای تو روزه گرفتم و به روزی تو افطار می‌کنم و بر تو توکل دارم.

<sup>۱۳۳</sup> به نام خدا. خدایا برای تو روزه گرفتیم و به روزی تو افطار کردیم پس از ما قبول کن زیرا که تو شنوای دانایی.

<sup>۱۳۴</sup> به نام خداوند بخشاینده مهربان ای وسیع آمرزش بیمارز مرا.

أَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ سَعَةِ رِزْقٍ<sup>۱۳۵</sup> وَ لَا تُخَلِّنِي مِنْ تِلْكَ  
 الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ<sup>۱۳۶</sup> وَ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ  
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَكُنْ لِي<sup>۱۳۷</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ<sup>۱۳۸</sup> مِنْ  
 الْفَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدَلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ  
 الْحَرَامِ<sup>۱۳۹</sup> الْمُبْرُورِ حَجَّتُهُمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ  
 سَيِّئَاتُهُمْ<sup>۱۴۰</sup> وَ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عَمْرِي (فِي طَاعَتِكَ) وَ  
 تُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي<sup>۱۴۱</sup> وَ تُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَاتِي وَ دِينِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ<sup>۱۴۲</sup>

۲. اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورِ<sup>۱۴۳</sup> اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ  
 أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ<sup>۱۴۴</sup> اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرْيَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ

<sup>۱۳۵</sup> خدایا مرا روزی کن حج بیت الحرام در این سال و در همه سال مادامی که  
 عمرم را باقی داری با آسایش و عافیت و وسعت رزق.  
<sup>۱۳۶</sup> و مرا دور مدار از آن موقف‌های عالی و مشاهد مشرفه.  
<sup>۱۳۷</sup> و زیارت قبر پیغمبرت که درودت بر او و بر آلش باد و در جمیع احتیاجات  
 دنیا و آخرت یاری کن.  
<sup>۱۳۸</sup> ای خدا از تو درخواست می‌کنم که در آنچه از قضا و قدرت اموری را در شب  
 قدر حتمی قرار دادی.  
<sup>۱۳۹</sup> که دیگر برگشت و تغییر و تبدیل نخواهد داشت که مرا از آن حجاج بیت  
 الحرامت قرار دهی.  
<sup>۱۴۰</sup> که حجتشان پسندیده و سعیشان پذیرفته و گناهانشان آمرزیده است و اعمال  
 بدشان بخشیده شده است.

<sup>۱۴۱</sup> و قرار ده در قضاو قدرت که عمر مرا طولانی و رزقم را وسیع.

<sup>۱۴۲</sup> و امانات و قرضم را ادا فرمایی این دعا را اجابت فرما ای پروردگار عالم.

<sup>۱۴۳</sup> ای خدا تو بر اهل قبور نشاط و سرور عطا کن.

<sup>۱۴۴</sup> خدایا هر فقیری را بی‌نیاز گردان خدایا هر گرسنه را سیر گردان.

مَدِينِ<sup>۱۴۵</sup> اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ  
 أَسِيرٍ<sup>۱۴۶</sup> اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ<sup>۱۴۷</sup> اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ  
 مَرِيضٍ اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ اللَّهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ<sup>۱۴۸</sup> اللَّهُمَّ  
 اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ أَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۱۴۹</sup>

۳. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي<sup>۱۵۰</sup>

۴. يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ<sup>۱۵۱</sup> الَّذِي لَيْسَ  
 كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ<sup>۱۵۲</sup> وَ هَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَ كَرَمَتِهِ وَ شَرَفَتِهِ  
 وَ فَضَلَّتُهُ عَلَى الشُّهُورِ<sup>۱۵۳</sup> وَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَ هُوَ  
 شَهْرُ رَمَضَانَ<sup>۱۵۴</sup> الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى

<sup>۱۴۵</sup> خدایا هر برهنه را لباس پوشان خدایا دین هر مدیونی را ادا فرما.

<sup>۱۴۶</sup> خدایا هر گمگینی را دلشاد ساز خدایا هر غریبی را به وطن باز رسان خدایا  
 هر اسیری را آزاد گردان.

<sup>۱۴۷</sup> خدایا مفسد امور مسلمانان را اصلاح فرما.

<sup>۱۴۸</sup> خدایا هر مریض را شفا عنایت کن خدایا به غنای خود جلو فقر ما را ببند  
 خدایا بدیهای حال ما را به خوبی صفات خودت تغییر ده.

<sup>۱۴۹</sup> خدایا دین ما را ادا فرما و فقر ما را بدل به غنا و بی‌نیازی گردان که تو ای  
 خدا بر هر چیز توانایی.

<sup>۱۵۰</sup> خدایا من به راستی تو را می‌خوانم چنانچه مرا بدان امر فرمودی پس تو هم  
 مرا اجابت فرما چنانچه وعده‌ام دادی.

<sup>۱۵۱</sup> ای خدای بلند مقام ای بزرگوار ای آمرزنده ای مهربان تویی خدای بزرگ.

<sup>۱۵۲</sup> که هیچ مثل و مانندی ندارد و به گفتار و کردار خلق شنوا و بیناست.

<sup>۱۵۳</sup> و این ماه است که مقامش را عظیم کردی و کرامت و شرافت و فضیلتش بر  
 سایر ماهها دادی.

<sup>۱۵۴</sup> و این ماه است که روزه‌اش بر من واجب گردانیدی و این ماه رمضان است.

وَالْفُرْقَانَ<sup>۱۵۵</sup> وَجَعَلْتَ فِيهِ نَبِيَّةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ<sup>۱۵۶</sup> فَيَا ذَا  
 الْمَنِّ وَلَا يُمَنُّ عَلَيْكَ مِنْ عَلَيَّ بِفَكَكَ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ<sup>۱۵۷</sup> فَيَمَنْ تَمَنَّ عَلَيْهِ  
 وَأَدْخَلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۱۵۸</sup>

<sup>۱۵۵</sup> که در آن قرآن را نازل فرمودی برای راهنمایی مردم و روشن کردن راه هدایت و جدا نمودن حق از باطل.

<sup>۱۵۶</sup> و شب قدر را در این ماه مقرر داشتی که آن شب بر هزار ماه برتری دادی.

<sup>۱۵۷</sup> پس ای خدایی که بر همه منت داری و هیچکس بر تو منت ندارد بر من منت گزار در میان آن همه بندگان که منت گزارده‌ای و از آتش دوزخ نجات بخش.

<sup>۱۵۸</sup> و به بهشت ابدت داخل گردان به حق رحمت بی‌پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم.

## دعای افتتاح

خواندن این دعا هر شب ماه مبارک رمضان مستحب است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ<sup>۱۵۹</sup> وَ  
 أَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ العُفُوِّ وَ الرَّحْمَةِ<sup>۱۶۰</sup> وَ أَشَدُّ  
 الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَ النَّقِمَةِ وَ أَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ  
 الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعُظْمَةِ<sup>۱۶۱</sup> اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا  
 سَمِيعُ مِدْحَتِي<sup>۱۶۲</sup> وَ أَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَ أَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي<sup>۱۶۳</sup> فَكَمْ  
 يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا وَ هُمُومٍ (عُمُومٍ) قَدْ كَشَفْتَهَا<sup>۱۶۴</sup> وَ عَثْرَةٍ قَدْ  
 أَقْلَنْتَهَا وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا<sup>۱۶۵</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ  
 يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ<sup>۱۶۶</sup> وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

<sup>۱۵۹</sup> ای خدا من افتتاح ستایش را به حمد تو می‌کنم و به نعمت و احسانت راه حق و صواب را می‌جویم.

<sup>۱۶۰</sup> و یقین دارم که تو مهربانترین مهربانان عالمی در موضع عفو و بخشش.  
<sup>۱۶۱</sup> و سخت‌ترین منتقمی در مقام عقاب و انتقام و بزرگ‌ترین جبارانی در جای بزرگی و کبریایی.

<sup>۱۶۲</sup> ای خدا تو به ما اجازه دادی که به درگاهت دعا کنیم و حاجت طلبیم پس ای خدای شنوا سپاس مرا بپذیر.  
<sup>۱۶۳</sup> و دعایم اجابت فرما و از لغزشم به کرم‌ت درگذر.

<sup>۱۶۴</sup> که چه بسیار تو غصه و اندوهها را برطرف کرده‌ای و هم و غمها را زایل ساخته‌ای

<sup>۱۶۵</sup> و لغزشها بخشیده‌ای و رحمتها منتشر بر خلق نموده‌ای و زنجیرهای بلا را در هم گسسته‌ای.

<sup>۱۶۶</sup> ستایش خدای را که جفت و فرزندی نگرفته و او را شریکی نیست در ملک وجود.

وَلِيٍّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلٰى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا<sup>۱۶۷</sup> اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي اَمْرِهِ<sup>۱۶۸</sup> اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ (شَبِيهَ) لَهُ فِي عَظَمَتِهِ<sup>۱۶۹</sup> اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَ حَمْدُهُ الظَّاهِرِ بِالْاَكْرَمِ مَجْدُهُ<sup>۱۷۰</sup> الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ<sup>۱۷۱</sup> وَلَا تَزِيدُهُ (يَزِيدُهُ) كَثْرَةُ الْعَطَاءِ اِلَّا جُودًا وَ كَرَمًا اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيْزُ الْوَهَّابُ<sup>۱۷۲</sup> اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ قَلِيْلًا مِنْ كَثِيْرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِيْ اِلَيْهِ عَظِيْمَةٍ<sup>۱۷۳</sup> وَ غِنَاكَ عَنْهُ قَدِيْمٌ وَ هُوَ عِنْدِيْ كَثِيْرٌ وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيْرٌ<sup>۱۷۴</sup> اَللّٰهُمَّ اِنْ عَفُوْكَ عَن ذَنْبِيْ وَ تَجَاوُزِكَ عَن خَطِيْئَتِيْ وَ صَفْحِكَ عَن ظُلْمِيْ وَ سَتْرِكَ عَلٰى (عَن) قَبِيْحِ

<sup>۱۶۷</sup> و قدرت کاملش بی‌نیاز از یار و مددکار است و بزرگترین تکبیر و ستایش را سزاوار است ستایش خدا است به جمیع اوصاف کمالیه‌اش بر تمام نعمتهای بی‌شمارش.

<sup>۱۶۸</sup> ستایش خدا راست که در ملکش هیچ ضد و مخالفی ندارد و در امر و فرمانش خصمی کشمکش نتواند.

<sup>۱۶۹</sup> ستایش خدا را که در آفرینش او را شریک نباشد و در بزرگی و بزرگواری او را مانند نیست.

<sup>۱۷۰</sup> سپاس خدای راست که امرش در خلق نافذ و اوصافش آشکار و مجد و بزرگواریش به لطف و کرمش دیدار است.

<sup>۱۷۱</sup> و دست عنایتش به جود و بخشش بر خلق گشاده گنجینه‌های رحمتش نقصان نپذیرد.

<sup>۱۷۲</sup> و کثرت عطا و بخشش جز بر جود و کرامتش نیفزاید که او بسیار با عزت و اقتدار و بخشش است.

<sup>۱۷۳</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم اندکی از بسیار حاجتم را با آنکه به او سخت حاجتمندم.

<sup>۱۷۴</sup> و تو از آن حاجت از ازل بی‌نیاز بودی و همان قلیل حاجت نزد من بسیار است و برای تو ادایش سهل و سان.

عَمَلِي<sup>۱۷۵</sup> وَ حِلْمِكَ عَنْ كَثِيرٍ (كَبِيرٍ) جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا  
 (خَطَايَا) وَ عَمْدِي<sup>۱۷۶</sup> أَطْمَعِنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ  
 مِنْكَ<sup>۱۷۷</sup> الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَ عَرَّفْتَنِي مِنْ  
 إِجَابَتِكَ<sup>۱۷۸</sup> فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَ أَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَ لَا وَجِلًا  
 مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ (بِهِ) إِلَيْكَ<sup>۱۷۹</sup> فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي (عَلَيَّ) عَتَبْتُ  
 بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَ لَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ  
 الْأُمُورِ<sup>۱۸۰</sup> فَلَمْ أَرِ مَوْلَى (مُؤَمَّلًا) كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَيْمٍ مِنْكَ عَلَى يَأ  
 رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلَى عَنكَ<sup>۱۸۱</sup> وَ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَ تَتَوَدَّدُ  
 إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ<sup>۱۸۲</sup> فَلَمْ (تُمْ لَمْ) يَمْنَعَكَ ذَلِكَ  
 مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَ التَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَ

<sup>۱۷۵</sup> ای خدا آمرزش تو از گناهم و گذشتت از خطاهایم و بخششت از ظلمم و پرده پوشیت بر عمل زشتم.

<sup>۱۷۶</sup> و حلم و بردباریت بر جرم و گناه بسیارم که به عمد یا خطا کردم.

<sup>۱۷۷</sup> مرا به طمع انداخت که از تو درخواست کنم چیزی را که استحقاق آن ندارم.  
<sup>۱۷۸</sup> و تو به لطف و رحمتت روزیم گردانیدی و قدرتت را در آن به من نشان دادی و اجابتت را شناساندی.

<sup>۱۷۹</sup> تا با دل مطمئن تو را خواندم و با انس و رغبت و بی ترس مهابت از تو حاجت طلبیدم و با ناز و دلالت بر تو آنچه می خواستم تقاضا کردم.

<sup>۱۸۰</sup> و اگر دیر حاجتم برآوردی از نادانی بر تو عتاب کردم در صورتی که تأخیر حاجتم مرا بهتر بوده چون تو انا به عاقبت امور خلقی.

<sup>۱۸۱</sup> پس من هیچ مولای کریمی را بر بنده لئیمی صبورتر از تو بر خود ندیدم ای پروردگار من تو مرا دعوت می کنی من از تو روی می گردانم.

<sup>۱۸۲</sup> تو محبت افزون می سازی و من با تو به خشم می آیم و با من دوستی و شفقت می فرمایی و من از جهل می پذیرم که گویا مرا بر تو حق نعمت و منت است (نه تو را بر من).

كَرَمِكَ<sup>۱۸۳</sup> فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَ جُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ  
كَرِيمٌ<sup>۱۸۴</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسْخِرِ الرِّيَّاحِ فَالِقِ  
الْإِصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۱۸۵</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ<sup>۱۸۶</sup> وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْتِهِ فِي  
غَضَبِهِ وَ هُوَ قَادِرٌ (الْقَادِرُ) عَلَى مَا يُرِيدُ<sup>۱۸۷</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بَاسِطِ  
الرِّزْقِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ<sup>۱۸۸</sup> وَ الْفَضْلِ (وَ التَّفَضُّلِ) وَ  
الْإِنْعَامِ (الْإِحْسَانِ) الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَ قَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَ  
تَعَالَى<sup>۱۸۹</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَ لَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ<sup>۱۹۰</sup> وَ لَا  
ظَهِيرٌ يُعَاوِدُهُ قَهْرَ بَعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءِ وَ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءُ فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ

<sup>۱۸۳</sup> و این ناسپاسی من مانع از افاضه رحمت و احسانت بر من نشد و از فضل و جود و کرمت نکاست.

<sup>۱۸۴</sup> پس به حال این بنده نادانت ترحم کن و به فضل و احسانت بر او ببخش که تو بسیار با بخشش و کرمی.

<sup>۱۸۵</sup> ستایش مخصوص خداست که مالک ملک است و روان ساز کشتیهای عالم و مسخر کننده بادهای و پدید آورنده بحگهان از شب حکم فرمای روز جزا و پروردگار عالمیان.

<sup>۱۸۶</sup> ستایش خدا را بر حلم او پس از علمش و ستایش خدا را بر عفو او پس از قدرتتش.

<sup>۱۸۷</sup> و ستایش خدا را بر حلم و بردباری طولانی او در مقام غضبش در صورتی که بر هر چه خواهد توانا است.

<sup>۱۸۸</sup> ستایش مخصوص خداست که آفرینندهی خلق و گسترانندهی خوان روزی بر خلق و پدید آورندهی صبحگاهان و احب جلال و بزرگواری.

<sup>۱۸۹</sup> و فضل و انعام آن خدایی که از نظرها دور است و دیده نخواهد شد و به همه نزدیک است ناظر رازهای نهران است اوست بزرگوار و بلند مرتبه.

<sup>۱۹۰</sup> ستایش مخصوص خدایی است که نه کسی که مقابلش به خصومت برخیزد و نه شریکی که مانندش باشد.



مَا يَشَاءُ<sup>۱۹۱</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَ  
 أَنَا أَعْصِيهِ<sup>۱۹۲</sup> وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ  
 أُعْطَانِي<sup>۱۹۳</sup> وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَّانِي وَبَهْجَةٍ مُوْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَأُثْنِي  
 عَلَيْهِ حَامِدًا وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحًا<sup>۱۹۴</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا  
 يُعْلَقُ بَابُهُ وَلَا يَرُدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ (يُخَيِّبُ) أَمَلُهُ<sup>۱۹۵</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي (يُنَجِّي) الصَّالِحِينَ (الصَّادِقِينَ)<sup>۱۹۶</sup> وَيَرْفَعُ  
 الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ  
 آخِرِينَ<sup>۱۹۷</sup> وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ

<sup>۱۹۱</sup> و نه معینی که مددکار او شود عزیزان در مقابل عزتش همه مقهورند و بزرگان همه در پیشگاه عظمتش روتن و خاضعدن و قدرت کاملش بر هر چه خواهد رسا است.

<sup>۱۹۲</sup> ستایش خدا را که چون او را ندا کنم جواب دهد و هر عیب و نقص را بر من بیپوشاند در حالی که مرتکب عصیت او هستم.

<sup>۱۹۳</sup> و مرا نعمت بزرگ می‌بخشد و شکرش نمی‌گزارم پس چه بسیار موهبت و بخشش گرانبها مرا عطا کرد.

<sup>۱۹۴</sup> و چه امور هولناک سخت را از من دفع کرد و شادمانیهای شگفت‌انگیز را نمودارم ساخت پس من هم او را ستایش ثنا گویم و به پاکی منزله از هر عیب بودن یاد کنم.

<sup>۱۹۵</sup> ستایش مختص خدایی است که پرده‌ای که او نهد کس ندرد و دری که او بگشاید کس ننبدد کسی که از او را خواست کند مردود نشود و هر که به او چشم امید دارد محروم نخواهد گشت.

<sup>۱۹۶</sup> ستایش خدا را که ترسناکان را ایمنی بخشد و صالحان را نجات دهد.

<sup>۱۹۷</sup> و ضعیفان را بلند گرداند و گردنکشان را خوار سازد پادشاهان را هلاک سازد و دیگران را بجای آنان بنشاند.

نَكَالِ الظَّالِمِينَ<sup>۱۹۸</sup> صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ  
 الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱۹۹</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَ سَكَّانُهَا وَ تَرْجُفُ  
 الْأَرْضُ وَ عَمَّارُهَا<sup>۲۰۰</sup> وَ تَمُوجُ الْبِحَارُ وَ مَنْ يَسِيحُ فِي غَمَرَاتِهَا<sup>۲۰۱</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ  
 الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنُهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ<sup>۲۰۲</sup> الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
 يَخْلُقُ وَ لَمْ يَخْلُقْ وَ يَرْزُقُ وَ لَا يَرْزُقُ وَ يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ<sup>۲۰۳</sup> وَ يُمِيتُ  
 الْأَحْيَاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ  
 شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۲۰۴</sup> اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ وَ  
 صَفِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَيْرَتِكَ (خَلِيلِكَ) مِنْ خَلْقِكَ وَ حَافِظِ سِرِّكَ<sup>۲۰۵</sup> وَ  
 مُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَزْكَى وَ أَنْمَى وَ

<sup>۱۹۸</sup> ستایش خدای را که درهم شکننده سرکشانست و هلاک کننده ستمکاران است و دریابنده گریزندگان و به کیفر رساننده ظالمان.

<sup>۱۹۹</sup> فریادرس فریاد خواهان است و مرجع حاجت نیازمندان و محل اعتماد اهل ایمان.

<sup>۲۰۰</sup> ستایش خدای را که آسمان و ساکنانش از ترس او می‌نالند و زمین و اهلهش بر خود می‌لرزند.

<sup>۲۰۱</sup> و دریا و هر که در اعماقش شناور است جوشان و خروشانند.

<sup>۲۰۲</sup> ستایش خدای را که ما را به این (دین توحید) هدایت کرد و اگر ما را خدا راهنمایی نمی‌کرد ما خود به آن هدایت نمی‌یافتیم.

<sup>۲۰۳</sup> ستایش مخصوص خداست که خلق می‌کند و کسی او را خلق نکرده و روزی می‌دهد و خود روزی نمی‌خواهد طعام می‌خوراند و خود از طعام مستغنی است.

<sup>۲۰۴</sup> زنده‌ها را می‌میراند و مرده‌ها را زنده می‌سازد و خود زنده‌ی ابدی است هر خیر و نیکی‌یی بدست اوست و او بر هر چیز تواناست.

<sup>۲۰۵</sup> خدایا درود فرست بر محمد بنده مقربت و رسول و امین وحیت و برگزیده و حبیب و مختار تو از خلق و حافظ سر تو.

أَطِيبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْنَى<sup>۲۰۶</sup> وَ أَكْثَرَ (أَكْبَرَ) مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ (خَلَقِكَ)<sup>۲۰۷</sup> وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ أَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ<sup>۲۰۸</sup> اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ عَلِيٌّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۲۰۹</sup> عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ<sup>۲۱۰</sup> وَ صَلِّ عَلَيَّ الصَّدِّيقَةَ الطَّاهِرَةَ فَاطِمَةَ (الزَّهْرَاءَ) سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ<sup>۲۱۱</sup> وَ صَلِّ عَلَيَّ سِبْطِي الرَّحْمَةَ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ<sup>۲۱۲</sup> وَ صَلِّ عَلَيَّ أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ<sup>۲۱۳</sup> وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ<sup>۲۱۴</sup> وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفَ الْهَادِيَ

<sup>۲۰۶</sup> و رساننده رسالتت به خلق بر او فرست درودی افزونتر و خوبتر و نیکوتر و کاملتر و خالصتر و نامی و مؤثرتر و خوشتر و پاک و پاکیزه‌تر و بلند مرتبه‌تر.

<sup>۲۰۷</sup> درودی بیش از آنچه درود و برکت و رحمت و تهنیت و تحیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصت.

<sup>۲۰۸</sup> و پیغمبران و رسولانت و خاصان اهل کرامت و عزتت از میان خلق.

<sup>۲۰۹</sup> خدایا درود فرست بر علی پیشوای اهل ایمان و وصی پیغمبر خدای جهانیان.

<sup>۲۱۰</sup> و بنده خاص و ولی و دوستدار تو و برادر رسالت و حجت بر خلق تو و آیت و نشانه‌ی بزرگت و خبر با شأن و عظمتت.

<sup>۲۱۱</sup> و درود فرست بر صدیقه‌ی طاهره حضرت فاطمه سیده زنان عالم.

<sup>۲۱۲</sup> و هم درود فرست بر دو سبط پیغمبر رحمت و دو پیشوای هدایت حضرت حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشت.

<sup>۲۱۳</sup> و هم درود فرست بر امامان و پیشوایان اسلام حضرت علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد.

<sup>۲۱۴</sup> و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی و علی بن محمد النقی.

الْمَهْدِيَّ<sup>۲۱۵</sup> حُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً  
 دَائِمَةً<sup>۲۱۶</sup> اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وُلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ<sup>۲۱۷</sup> وَ  
 حُفَّهُ (وَ اخْفُفَّهُ) بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ  
 الْعَالَمِينَ<sup>۲۱۸</sup> اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي  
 الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ<sup>۲۱۹</sup> مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ  
 أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا<sup>۲۲۰</sup> اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ  
 أَعْزِزْ بِهِ وَ انصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا<sup>۲۲۱</sup> وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا  
 يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا<sup>۲۲۲</sup> اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ  
 نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ<sup>۲۲۳</sup> اللَّهُمَّ إِنَّا

<sup>۲۱۵</sup> و حسن بن علی العسکری و خلف او امام هادی و مهدی.

<sup>۲۱۶</sup> اینها حجت‌های تو بر بندگان هستند و امین‌های تو در شهر و دیار عالم درود بسیار و دایم بر آنان فرست.

<sup>۲۱۷</sup> خدایا درود فرست بر ولی خود صاحب الامر امام قائم منتظر.

<sup>۲۱۸</sup> و او را به سپاه فرشتگان مقربت فراگیر و به روح القدسش مؤید بدار ای پروردگار عالمین.

<sup>۲۱۹</sup> خدایا او را مقرر فرما تا دعوت به کتاب آسمانی تو کند و به ترویج دین تو قیام فرماید و او را خلیفه خود در زمین گردان چنانکه پیشینیان او را امام و خلیفه گردانیدی.

<sup>۲۲۰</sup> و او را تمکین ده برای حفظ دین او که پسندت و خوف او را پس از این مدت بدل به ایمنی گردان تا تو را بپرستد و هیچ به تو شرک نیاورد.

<sup>۲۲۱</sup> خدا او را عزت بخش و ما را به ظهورش عزیز گردان و او را یاری کن و ما را به او یاری فرما و او را نصرت کامل با عزت و اقتدار بخش.

<sup>۲۲۲</sup> و به آسانی جهان را به دست او فتح کن و از جانب خود او را سلطنت و قدرت عنایت فرما.

<sup>۲۲۳</sup> خدایا به دست او دینت را و سنت پیغمبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند.

نَرَعْبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ  
 أَهْلَهُ<sup>۲۲۴</sup> وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ وَ  
 تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ<sup>۲۲۵</sup> اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَ  
 مَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَاهُ<sup>۲۲۶</sup> اللَّهُمَّ الْمُمَّ بِهِ شَعْنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صَدَعْنَا وَ ارْتُقْ  
 بِهِ فَتَقْنَا وَ كَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا<sup>۲۲۷</sup> وَ اعْزِزْ (اعِزَّ) بِهِ ذِلَّتَنَا وَ اغْنِ بِهِ عَائِلَنَا وَ اقْضِ  
 بِهِ عَنَّا مُغْرَمِنَا (مَغْرَمِنَا)<sup>۲۲۸</sup> وَ اجْبِرْ بِهِ فَقْرَنَا وَ سُدِّ بِهِ خَلَّتَنَا وَ يَسِّرْ بِهِ  
 عُسْرَنَا وَ بَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ فَكِّ بِهِ أَسْرَنَا<sup>۲۲۹</sup> وَ أَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَ أَنْجِزْ  
 بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَ اعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا<sup>۲۳۰</sup> وَ بَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا  
 وَ الْآخِرَةِ آمَالَنَا وَ اعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا<sup>۲۳۱</sup> يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ أَوْسَعَ

<sup>۲۲۴</sup> خدایا ما از تو امید و اشتیاق داریم که دولت با کرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلس را به آن عزت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

<sup>۲۲۵</sup> و ما را در آن دولت حقه اهل دعوت به طاعتت و از پیشوایان راه هدایت قرار دهی و به واسطه آن بزرگوار به ما کرامت دنیا و آخرت عطا فرمایی.

<sup>۲۲۶</sup> خدایا آنچه از حق که ما را به آن شناسا کردی بعمل آن هم وادار کن و آنچه نشناخته‌ایم به معرفتش برسان.

<sup>۲۲۷</sup> خدایا پریشانی ما را به آن جمع گردان و پراکندگی امور ما را به وجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه‌های ما را اتحاد بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان. <sup>۲۲۸</sup> و ذلت ما را به وجودش بدل به عزت ساز و نیاز ما را بدل به بی‌نیازی گردان

و دین ما را به برکتش ادا فرما.

<sup>۲۲۹</sup> و فقر ما را جبران فرما و نقص ما را مسدود ساز و مشکلات ما را به برکتش آسان گردان و به وجود او ما را روسفید گردان و اسیران ما را آزاد ساز.

<sup>۲۳۰</sup> و حاجت‌های ما روا گردان و وعده‌هایی که دادی منجز گردان و به برکتش دعا‌های ما مستجاب و درخواست‌های ما عطا فرما.

<sup>۲۳۱</sup> و به آرزوهایی که در دنیا و آخرت داریم برسان و به ما فوق آنچه مایلیم عطا فرما

الْمُعْطِينَ أَشْفَ بِهِ صُدُورَنَا وَ أَذْهَبَ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا<sup>۲۳۲</sup> وَ أَهْدِنَا بِهِ لِمَا  
 اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ  
 مُسْتَقِيمٍ<sup>۲۳۳</sup> وَ أَنْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوَّنَا إِلَهَ الْحَقِّ (الْخَلْقِ)  
 آمِينَ<sup>۲۳۴</sup> اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَةَ  
 وَ لَيْنًا (إِمَامِنَا)<sup>۲۳۵</sup> وَ كَثْرَةَ عَدُوَّنَا وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ  
 الزَّمَانَ عَلَيْنَا<sup>۲۳۶</sup> فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ( آلِ مُحَمَّدٍ ) وَ أَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ  
 بِفَتْحٍ مِنْكَ تَعْجَلُهُ وَ بِضَرٍّْ تَكْشِفُهُ<sup>۲۳۷</sup> وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ وَ  
 رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبَسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ<sup>۲۳۸</sup>

<sup>۲۳۲</sup> ای بهترین سؤال شدگان و وسیع نظرتر از همه عطا کنندگان و به برکت او دردهای باطنی ما را شفا بخش به او خشم دل‌های ما را فرو نشان.  
<sup>۲۳۳</sup> و به وجودش ما را با همه اختلاف که شده است به حق به التفاتت هدایت فرما که تو البته هر که را خواهی به راه راست هدایت می‌فرمایی.  
<sup>۲۳۴</sup> و به ظهور او ما را نصرت بخش بر دشمنان توو دشمنان ما ای خدای به حق این دعا را به کرمست مستجاب فرما.  
<sup>۲۳۵</sup> بارالها ما به درگاه تو شکایت می‌کنیم از فقدان پیغمبرت صلوات الله علیه و آله و از غیبت امام.  
<sup>۲۳۶</sup> ما و بسیاری دشمن ما و کمی عدد ما و فتنه‌های سخت بر ما و غلبه محیط روزگار بر ما.  
<sup>۲۳۷</sup> پس درود بر محمد و آلش فرست و ما را در همه‌ی این امور یاری کن به فتح عاجلی از جانب خود و برطرف ساختن رنج و سختی.  
<sup>۲۳۸</sup> و نصرت با اقتدار و عزت و سلطنت حقه که تو آشکار گردانی و رحمتی از توجهت که بر همه ما شامل گردد و لباس عافیت که ما را ببوشاند به حق رحمت نامنتهایت ای مهربانترین مهربانان عالم.

## دعاهای سحر

۱. يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي إِلَيْكَ فَرَعْتُ وَ بِكَ اسْتَعْنْتُ<sup>۲۳۹</sup> وَ بِكَ لُدْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَ لَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَأَغْنِنِي وَ فَرِّجْ عَنِّي<sup>۲۴۰</sup> يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>۲۴۱</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي<sup>۲۴۲</sup> وَ رَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ<sup>۲۴۳</sup> يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَ يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَ يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَ يَا غَايَتِي فِي رِعْبَتِي<sup>۲۴۴</sup> أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَ الْآمِنُ رَوْعَتِي وَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاغْفِرْ لِي

<sup>۲۳۹</sup> ای آنکه هنگام بلا و رنج ملجأ و پناه و در سختیها فریادرس منی من به درگاه تو می‌نالم و تو را فریادرس می‌دانم.

<sup>۲۴۰</sup> و به تو پناه آورده‌ام نه به کسی دیگر جز تو و از دری جز درگاهت گشایشی نمی‌طلبم پس تو ای خدا به فریادم رس و عقده‌های قلبم بگشا.

<sup>۲۴۱</sup> ای آنکه عمل اندک و ناچیز بندگان را می‌پذیری و از گناهکاران بسیار می‌گذری از من هم این عمل کم را بپذیر و از گناهان بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده‌ای.

<sup>۲۴۲</sup> ای خدا من از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد و یقینی کامل تا بدانم که به من جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید.

<sup>۲۴۳</sup> و مرا در زندگانی به هر چه قسمت کردی راضی و خوشنود ساز ای مهربانترین مهربانان عالم.

<sup>۲۴۴</sup> ای قوت و ذخیره روز رنج و غم من ای یار و یاور روز سختی من و ای ولی نعمت من ای منتهای آرزوی من.

خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۲۴۵</sup>

۲. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بِهِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبِهَائِكَ كُلَّهُ<sup>۲۴۶</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلَّهُ<sup>۲۴۷</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلَّهُ<sup>۲۴۸</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلَّهَا<sup>۲۴۹</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيْرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلَّهُ<sup>۲۵۰</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

---

<sup>۲۴۵</sup> تویی که عیب و زشتیهای مرا می پوشانی و از هر چه هراسان و بیمناکم ایمن می سازی و لغزشهایم را عفو کرده و از خطاهایم در می گذاری ای خدا جرم و خطایم را ببخش ای مهربانترین مهربانان عالم.

<sup>۲۴۶</sup> خدایا من از تو درخواست می کنم به حق نورانی ترین مراتب انوارت در صورتی که تمام مراتب آن نورانی است خدایا پس درخواست می کنم به حق تمام مراتب نورانیتت.

<sup>۲۴۷</sup> خدایا از تو درخواست می کنم به حق نیکوترین مراتب جمالت در صورتی که تمام مراتب جمالت نیکو است خدایا پس درخواست می کنم به حق تمام مراتب جمالت.

<sup>۲۴۸</sup> خدایا از تو درخواست می کنم به حق عالی ترین مراتب جلالت در صورتیکه تمام مراتب جلالت عالیست خدایا پس از تو درخواست میکنم به حق تمام مراتب جلالت.

<sup>۲۴۹</sup> خدایا از تو درخواست میکنم به حق بزرگترین مراتب عظمتت در صورتی که تمام مراتب عظمتت بزرگ است خدایا پس درخواست می کنم به حق تمام مراتب عظمتت.

<sup>۲۵۰</sup> خدایا از تو درخواست می کنم به حق روشنترین مراتب نورت در صورتی که تمام مراتب نورت روشن است خدایا پس از تو درخواست می کنم به حق تمام مراتب نورت.



رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ  
 كُلِّهَا<sup>۲۵۱</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِّهَا وَ كُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا<sup>۲۵۲</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَ  
 كُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ<sup>۲۵۳</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
 مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَ كُلُّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ  
 كُلِّهَا<sup>۲۵۴</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا<sup>۲۵۵</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا وَ  
 كُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا<sup>۲۵۶</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ

---

<sup>۲۵۱</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به وسیعترین مراتب رحمتت در صورتی که تمام مراتب رحمتت وسیع است خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب رحمتت.

<sup>۲۵۲</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به کاملترین کلمات در صورتی که جمیع کلمات کامل است خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام کلمات.

<sup>۲۵۳</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به عالیترین مراتب کمالت در صورتی که تمام مراتب آن عالی است خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب کمالت.

<sup>۲۵۴</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به بزرگترین نامهایت در صورتی که تمام نامهایت بزرگ است خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام نامهایت.

<sup>۲۵۵</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به عالیترین مراتب عزتت در صورتی که تمام مراتب آن عالی است خدایا پس از تو درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب عزتت.

<sup>۲۵۶</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نافذترین مراتب مشیتت در صورتی که تمام مراتب آن نافذ است خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب مشیتت.

قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا<sup>۲۵۷</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
 مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِذُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ  
 كُلِّهِ<sup>۲۵۸</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ وَكُلِّ قَوْلِكَ رَضِي اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ<sup>۲۵۹</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ  
 وَكُلِّهَا (وَكُلِّ مَسَائِلِكَ) إِلَيْكَ حَبِيبَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ  
 كُلِّهَا<sup>۲۶۰</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفُ اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ<sup>۲۶۱</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَ  
 كُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ<sup>۲۶۲</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
 مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَآخِرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ

<sup>۲۵۷</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به آن قدرت کاملت که بر همه اشیاء احاطه دارد در صورتی که تمام مراتب قدرتت احاطه بر اشیاء دارد خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب قدرتت.

<sup>۲۵۸</sup> خدایا درخواست می‌کنم به حق نافذترین مراتب علمت در صورتی که تمام مراتب علمت نافذ است خدایا پس درخواست میکنم به حق تمام مراتب علمت.

<sup>۲۵۹</sup> خدایا از تو درخواست میکنم به حق پسندیده‌ترین سخنهایت در صورتی که تمام سخنهایت پسندیده است خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام سخنهایت.

<sup>۲۶۰</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق محبوبترین حاجتی که برآورده‌ای در صورتی که تمام حاجتها که برآورده‌ای محبوب است خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام حاجاتی که رآورده‌ای.

<sup>۲۶۱</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به شریفترین مراتب شرافتت در صورتی که تمام مراتب آن شریف است خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب شرافتت.

<sup>۲۶۲</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به ابدیتین مقام پادشاهیت در صورتی که تمام آن ابدی است خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مقام پادشاهیت.

كَلِّهِ<sup>۲۶۳</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوكَ عَالِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كَلِّهِ<sup>۲۶۴</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ  
 قَدِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كَلِّهِ<sup>۲۶۵</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ  
 بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا<sup>۲۶۶</sup> اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ  
 وَحَدِّهِ وَجَبْرُوتٍ وَحَدِّهَا<sup>۲۶۷</sup> اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي (بِهِ) حِينَ  
 أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ<sup>۲۶۸</sup> هر حاجت که داری از خدا بطلب که ان شاء  
 الله برآورده است.

---

<sup>۲۶۳</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نیکوترین مراتب ملکیت در صورتی که  
 تمام مراتب آن نیکو است خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام مراتب ملکیت.  
<sup>۲۶۴</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق عالیترین مراتب بلندت در صورتی که  
 تمام مراتب آن عالی است خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام مقامات بلندت.  
<sup>۲۶۵</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق قدیم‌ترین احسان‌هایت در صورتی که  
 تمام احسان‌هایت قدیم است خدایا پس درخواست می‌کنم به تمام احسان‌هایت.  
<sup>۲۶۶</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق گرامیترین آیاتت در صورتی که تمام  
 آیاتت گرامی است خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام آیاتت.  
<sup>۲۶۷</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق هر چه که در آن شأن و جبروت جمع  
 است و به حق هر شأنی تنها و هر جبروتی تنها.  
<sup>۲۶۸</sup> خدایا از تو درخواست می‌کنم به حق آن چیزی که اگر تو را به آن چیز  
 بخوانم اجابت می‌کنی پس تو دعایم اجابت فرما ای خدا.

## نماز مختصر در شب‌های ماه رمضان

مستحب است در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید:

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِیْظٌ لَا یَعْفُلُ<sup>۲۶۹</sup> سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِیْمٌ لَا یَعْجَلُ<sup>۲۷۰</sup>

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَسْهُوُ<sup>۲۷۱</sup> سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا یَلْهُوُ<sup>۲۷۲</sup>. پس

بگوید تسبیحات اربع ( سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

أَكْبَرُ ) را هفت مرتبه پس بگوید: سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ يَا عَظِیْمُ

اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ<sup>۲۷۳</sup> پس ده مرتبه صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل

او (علیهم السلام).

<sup>۲۶۹</sup> منزّه است آن خدایی که او حافظ است و غفلت نکند.

<sup>۲۷۰</sup> منزّه است آن خدایی که او مهربان است و شتاب نکند.

<sup>۲۷۱</sup> منزّه است آنکه او همیشه برپا و ثابت است و از یاد نبرد.

<sup>۲۷۲</sup> پاک و منزّه است آنکه او جاوید است و ساحت کبریایش دور از لهُو و بازی

است.

<sup>۲۷۳</sup> منزّهی تو منزّهی تو منزّهی تو ای خدای بزرگ گناه بزرگم را ببامرز.

## اعمال شب‌های قدر

### اعمال مشترک

۱. اول غسل است علامه مجلسی (رحمه‌الله‌علیه) فرموده که غسل این شب‌ها بهتر است مقارن غروب آفتاب انجام بگیرد.

۲. دو رکعت نماز است در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید بخواند و بعد از فراغ هفتاد مرتبه **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** بگوید.

۳. مصحف شریف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید: **اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَ بِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَ بِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَّخْتَهُ فِيهِ** <sup>۲۷۴</sup> **وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ** <sup>۲۷۵</sup>. آن‌گاه ده مرتبه بگوید:

**يَا اللَّهُ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِمُحَمَّدٍ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بَعَلِي، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِفَاطِمَةَ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِالْحَسَنِ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِالْحُسَيْنِ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بَعَلِي، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِنِ الْحُسَيْنِ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ دِهْ مَرْتَبِه: بِالْحُجَّةِ،** پس هر حاجت که دارد طلب کند.

۴. قرآن مجید را بگشاید و در مقابل خود بگذارد و بگوید: **اللَّهُمَّ**

<sup>۲۷۴</sup> خدایا به حق این قرآن و به حق کسی که به او فرستادی آن را و به حق هر مؤمنی که در آن او را ستودی.  
<sup>۲۷۵</sup> و به حق تو بر آنها که احدی شناساتر به حق تو از خودت نیست.

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنزَّلِ وَمَا فِيهِ<sup>۲۷۶</sup> وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَ  
 أَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَىٰ وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَىٰ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ  
 النَّارِ<sup>۲۷۷</sup> پس هر حاجت که دارد بخواهد.

۵. امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند.

۶. این شبها را احیا بدارد.

۷. دعای جوشن کبیر را بخواند.

### اعمال شب نوزدهم

۱. صد مرتبه: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

۲. صد مرتبه: اللَّهُمَّ اَعْنُ قَتْلَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

۳. این دعا را بخواند: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ

الْمَحْتُمِ<sup>۲۷۸</sup> وَ فِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الْقَضَاءِ  
 الَّذِي لَا يَرُدُّ وَ لَا يَبْدَلُ<sup>۲۷۹</sup> أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ  
 حَجَّتْهُمُ الْمَشْكُورِ سَعِيَّتُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ<sup>۲۸۰</sup> وَ اجْعَلْ

<sup>۲۷۶</sup> بار خدایا من از تو درخواست می‌کنم به کتاب نازل شده تو و به حق آنچه در  
 آن است.

<sup>۲۷۷</sup> و در آن نام بزرگ و نامهای نیکوی توست و آنچه بیم و امید است که مرا از  
 آزادشدگان خود از آتش قرار دهی.

<sup>۲۷۸</sup> بار خدایا مقرر فرما در قضا و قدرت از امر حتمی که کسی را از آن گریزی  
 نیست.

<sup>۲۷۹</sup> در آنچه جدا کنی از امور حکیمانه در شب قدر و در قضایی که تغییر  
 نمی‌کند و رد و بدل نمی‌شود.

<sup>۲۸۰</sup> که بنویسی مرا از حاجیان بیت‌الحرمت آنان که حششان قبول و کوشش آنان  
 قدر دانی شود و آمرزیده گردد گناهانشان و جبران شود بدکرداری‌هایشان.

فِيمَا تَقْضَىٰ وَ تَقْدَرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي <sup>۲۸۱</sup> حاجت خود را ذکر نماید.

### اعمال شب بیست و یکم

۱. خواندن این دعا: أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ <sup>۲۸۲</sup> أَوْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ لَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ <sup>۲۸۳</sup> این دعا در تمام شب‌های دهه‌ی آخر ماه رمضان خوانده می‌شود.

۲. دعای مخصوص شب بیت و یکم: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ <sup>۲۸۴</sup> وَ اقْسِمْ لِي حَلِمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ وَ هُدًى تَمُنُّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَ غِنًى تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ فَقْرٍ <sup>۲۸۵</sup> وَ قُوَّةً تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ وَ عِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَنْ كُلِّ ذُلٍّ <sup>۲۸۶</sup> وَ رِفْعَةً تَرْفَعُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ ضَعْفَةٍ وَ أَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ خَوْفٍ وَ عَافِيَةً تَسْتُرُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ بَلَاءٍ <sup>۲۸۷</sup>

<sup>۲۸۱</sup> و مقرر فرما در آنچه قضا و قدر داری که دراز باشد عمرم و فراخ کنی بر من روزیهم را.

<sup>۲۸۲</sup> پناه می‌برم به جلال وجه کریمت که بگذرد از من ماه رمضان.

<sup>۲۸۳</sup> یا برآید سپیده دم از این شب بر من و من در پیشگاه تو بر خود گناه یا پیگردی داشته باشم که مرا بر آن عذاب فرمایی.

<sup>۲۸۴</sup> ای خدا بر محمد و آل محمد درود فرست.

<sup>۲۸۵</sup> و مرا حلمی روزی گردان که به آن حلم درگاه جهالت را به روی من ببندی و هدایتی نصیب کن که به منت و عنایتت هر گونه ضلالت را از من دور گردانی و بی‌نیازی عطا کن که در فقر را از هر سویی بر من مسدود کنی.

<sup>۲۸۶</sup> و نیرویی بخش که هر ضعف و ناتوانی را از من بازگردانی و عزتی مرحمت فرما که هر ذلت و خواری را مبدل به بزرگواری فرمایی.

<sup>۲۸۷</sup> و رفعت مقامی بخش که مرا از هر پستی و حقارت حفظ گرداند و آن ایمنی

وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ كُلَّ يَقِينٍ وَ يَقِينًا تُذْهِبُ بِهِ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ<sup>۲۸۸</sup> وَ دُعَاءً  
 تَبْسُطُ لِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ  
 السَّاعَةَ يَا كَرِيمٍ<sup>۲۸۹</sup> وَ خَوْفًا تَنْشُرُ (تُبَسِّرُ) لِي بِهِ كُلَّ رَحْمَةٍ وَ عِصْمَةٍ  
 تَحُولُ بِهَا بَيْنِي وَ بَيْنَ الذُّنُوبِ<sup>۲۹۰</sup>  
 حَتَّى أَفْلِحَ بِهَا عِنْدَ الْمُعْصُومِينَ عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ.<sup>۲۹۱</sup>

### اعمال شب بیست و سوم

۱. قرائت سوره‌های عنکبوت و دخان.
۲. قرائت سوره قدر هزار مرتبه.
۳. تکرار زیاد دعای سلامتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف):  
 اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ<sup>۲۹۲</sup> فِي

عطا کن که به آن ایمنی ترس و خوفی را از من دور سازی و عافیتی کرامت کن  
 که هر بلا و مصیبت را از من دور گردانی.  
<sup>۲۸۸</sup> و علمی عطا فرما که درگاه هر یقین را به روی من بگشایی و یقینی ده که  
 هر شک و ریب را به آن از دلم زایل گردانی.  
<sup>۲۸۹</sup> و حال دعایی اجابت کن که به اجابت قرین گردانی در همین شب و در  
 همین ساعت همین ساعت همین ساعت ای خدای با لطف و کرم.  
<sup>۲۹۰</sup> خوف خود را در دلم فرا دار که به واسطه آن هر گونه رحمت را برایم منتشر  
 گردانی و مرا عصمتی از خطا و گناه بخش که به آن میان من و گناهانم حایل  
 سازی.  
<sup>۲۹۱</sup> تا آنکه به آن عصمت نزد معصومان مظفر و سرفراز باشم به حق رحمت  
 بی پایانت ای مهربانترین مهربانان عالم.  
<sup>۲۹۲</sup> خدایا بوده باش برای ولایت حجة بن الحسن (ع) صلوات بر او و بر پدران او.



هَذِهِ السَّاعَةَ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا<sup>۲۹۳</sup> وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.<sup>۲۹۴</sup>

۴. دعای مخصوص شب بیست و سوم: يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ جَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ<sup>۲۹۵</sup> وَ رَبِّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْجِبَالِ وَ الْبِحَارِ وَ الظُّلَمِ وَ الْأَنْوَارِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ<sup>۲۹۶</sup> يَا بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ<sup>۲۹۷</sup> يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ<sup>۲۹۸</sup> لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبْرِيَاءُ وَ الْأَلَاءُ<sup>۲۹۹</sup> أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ<sup>۳۰۰</sup> وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ إِحْسَانِي فِي عَلِيِّينَ وَ إِسَاءَتِي مَغْفُورَةً<sup>۳۰۱</sup> وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تَرْضِيَنِي بِمَا

<sup>۲۹۳</sup> در این ساعت و در هر ساعت سرپرست و نگهدار و پیشوا و یاور.

<sup>۲۹۴</sup> و راهنما و دیده‌بان تا او را در زمینت (به سلطنت) بنشانی به رغبت مردم و بهره دهی او را مدت بسیار.

<sup>۲۹۵</sup> ای خدای شب قدر و ای آنکه مقام شب قدر را بهتر از هزار ماه گردانیدی.

<sup>۲۹۶</sup> و ای خدای شب و روز و کوه و دریا و ظلمت و نور و زمین و آسمان.

<sup>۲۹۷</sup> ای آفریننده ای صورت آفرین ای با مهر و عطوفت و نعمت ای خدا ای

مهربان.

<sup>۲۹۸</sup> ای خدا ای قائم و نگهدار ای خدای آفریننده بدایع ای خدا ای خدا ای خدا.

<sup>۲۹۹</sup> نامهای نیکو مخصوص توست و نشانهای مقام بلند و بزرگی و هر انعام و

احسان به تو اختصاص دارد.

<sup>۳۰۰</sup> از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

<sup>۳۰۱</sup> و نام مرا در این شب در صف اهل سعادت ثبت فرمایی و روح مرا با شهیدان

محشور سازی و طاعتم را در مقام علیین رسانی و از اعمال زشتم درگذری.

قَسَمْتَ لِي<sup>۳۰۲</sup> وَ آتَانَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ  
النَّارِ الْحَرِيقِ<sup>۳۰۳</sup> وَ ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ<sup>۳۰۴</sup> وَ  
الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا وَقَّعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ<sup>۳۰۵</sup>.

۵. اللَّهُمَّ اَمُدُّ لِي فِي عُمْرِي وَ أَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَ أَصِحِّ لِي  
جِسْمِي<sup>۳۰۶</sup> وَ بَلِّغْنِي أَمَلِي وَ إِن كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَامْحِنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَ  
اَكْتُبْنِي مِنَ السَّعْدَاءِ<sup>۳۰۷</sup> فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَيَّ نَبِيِّكَ  
الْمُرْسَلِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ<sup>۳۰۸</sup> يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ  
الْكِتَابِ<sup>۳۰۹</sup>.

۶. غیر از غسل اول شب، غسلی نیز در آخر شب کند.

<sup>۳۰۲</sup> و مقام یقینی که هرگز از قلبم جدا نشود و ایمانی که هر شک را از من دور  
سازد به من عطا کنی و به هر چه نصیبم فرموده‌ای راضی و خشنودم سازی.  
<sup>۳۰۳</sup> و ما را در دنیا هر چه نیکو است و در آخرت هر چه نیکو است عطا فرمایی و  
از آتش سوزان دوزخ نگاهداری.  
<sup>۳۰۴</sup> و در این ماه مرا ذکر و شکر و شوق لقای خود.  
<sup>۳۰۵</sup> و توبه و انابه به درگاهت نصیب گردانی و هر آنچه محمد و آل محمد را  
توفیق عطا فرمودی موفق سازی.  
<sup>۳۰۶</sup> ای خدا مرا عمر طولانی ده و رزقم را وسیع گردان و تنم را سالم بدار.  
<sup>۳۰۷</sup> و به آرزوهایم نایل ساز و اگر نام من در دفتر اهل شقاوت است محو گردان و  
از اهل سعادت رقم زن.  
<sup>۳۰۸</sup> که تو در کتاب آسمانی که بر پیغمبر مرسل خود که رحمتت بر او و آل او باد  
فرستادی.  
<sup>۳۰۹</sup> فرمودی خدا هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند و اصل  
کتاب آفرینش نزد اوست هر تصرف و تغییری در عالم تواند داد.

## دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان

روز اول: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ نَبِّهْنِي فِيهِ عَنِ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ.<sup>۳۱۰</sup>

روز دوم: اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نَقِمَاتِكَ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۳۱۱</sup>

روز سوم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَ التَّنْبِيَةَ وَ بَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَ التَّمْوِيهِ<sup>۳۱۲</sup> وَ اجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ.<sup>۳۱۳</sup>

روز چهارم: اللَّهُمَّ قَوِّبْنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ أَدِقِّنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ<sup>۳۱۴</sup> وَ أَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَ احْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ

<sup>۳۱۰</sup> خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه روزه داران حقیقی قرار ده و اقامه نماز مرا مانند نمازگزاران واقعی مقرر فرما و مرا از خواب غافلان هوشیار ساز و هم در این روز جرم و گناهم را ببخش ای خدای عالمیان و از زشتیهایم عفو فرما ای عفو کننده از گناهکاران عالم.

<sup>۳۱۱</sup> خدایا مرا در این روز به رضا و خشنودیت نزدیک ساز و از خشم و غضبت دور ساز و برای قرائت آیات قرآنت موفق گردان به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان عالم.

<sup>۳۱۲</sup> خدایا در این روز مرا هوش و بیداری نصیب فرما و از سفاهت و جهالت و کار باطل دور گردان.

<sup>۳۱۳</sup> و از هر خیری که در این روز نازل می‌فرمایی مرا نصیب بخش به حق جود و کرمت ای جود و بخشش دارترین عالم.

<sup>۳۱۴</sup> خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را به من بچشان.

وَسِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ.<sup>۳۱۵</sup>

روز پنجم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ<sup>۳۱۶</sup> وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَاكَ الْمُقْرَبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۳۱۷</sup>

روز ششم: اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسَيِّئَاتِ نَقِمَتِكَ<sup>۳۱۸</sup> وَزَخْزَخِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَ أَيْدِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِيِينَ.<sup>۳۱۹</sup>

روز هفتم: اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ جَبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ ارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ.<sup>۳۲۰</sup>

روز هشتم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ وَ اِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ اِنْشَاءَ

<sup>۳۱۵</sup> و برای ادای شکر خود به کرمت مهیا ساز و در این روز به حفظ و پرده پوشی مرا از گناه محفوظ دار ای بصیرترین بینایان عالم.

<sup>۳۱۶</sup> خدایا مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان قرار ده و از بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما.

<sup>۳۱۷</sup> و هم در این روز مرا از دوستان مقرب درگاه خود قرار ده به حق لطف و رأفت ای مهربانترین مهربانان عالم.

<sup>۳۱۸</sup> ای خدا مرا در این روز به واسطه ارتکاب عصیان تو مساز و به ضرب تازیانه قهرت کیفر مکن.

<sup>۳۱۹</sup> و از موجبات خشم و غضب دور گردان به حق احسان و نعمتهای تو به خلق ای منتهای آرزوی مشتاقان.

<sup>۳۲۰</sup> ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه نماز یاری کن و از لغزشها و گناهان دور ساز و ذکر دایم نصیبم فرما به حق توفیق بخشی خود ای رهنمای گمراهان عالم.

السَّلَامَ وَ صُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مَلْجَأَ الْأَمَلِينَ.<sup>۳۲۱</sup>

روز نهم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ اهْدِنِي فِيهِ لِإِبْرَاهِيمَ السَّاطِعَةِ<sup>۳۲۲</sup> وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَاقِينَ.<sup>۳۲۳</sup>

روز دهم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ<sup>۳۲۴</sup> وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ.<sup>۳۲۵</sup>

روز یازدهم: اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَ كَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ<sup>۳۲۶</sup> وَ حَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَ النَّيْرَانَ بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.<sup>۳۲۷</sup>

<sup>۳۲۱</sup> ای خدادر این روز مرا ترحم به یتیمان و اطعام به گرسنگان و افشاء و انتشار سلام در مسلمانان و مصاحبت نیکان نصیب فرما به حق انعامت ای پناه آرزومندان عالم.

<sup>۳۲۲</sup> ای خدا مرا نصیبی از رحمت و اسعه خود عطا فرما و به ادله روشن خود هدایت فرما.

<sup>۳۲۳</sup> و پیشانی مرا بگیر و بسوی رضا و خشنودی که جامع (هر نعمت) است سوق ده به حق دوستی و محبتت ای آرزوی مشتاقان.

<sup>۳۲۴</sup> ای خدا مرا در این روز از آنان که بر تو توکل کنند و نزد تو فوز و سعادت یابند قرار ده.

<sup>۳۲۵</sup> و مرا از آنان که مقربان درگاه تو باشند قرار ده به حق احسانت ای منتهای آرزوی طالبان.

<sup>۳۲۶</sup> ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من و فسق و معاصی را ناپسند من قرار ده.

<sup>۳۲۷</sup> و در این روز خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان به یاری خود ای فریادرس فریاد خواهان.

روز دوازدهم: اللَّهُمَّ زَيَّنِي فِيهِ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ  
الْقَنُوعِ وَالْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ<sup>۳۲۸</sup> وَآمِنِّي فِيهِ  
مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ.<sup>۳۲۹</sup>

روز سیزدهم: اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ  
عَلَى كَاتِبَاتِ الْأَقْدَارِ<sup>۳۳۰</sup> وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا  
قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ.<sup>۳۳۱</sup>

روز چهاردهم: اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِنِي فِيهِ مِنْ  
الْخَطَايَا وَالْهَفْوَاتِ<sup>۳۳۲</sup> وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِكَ  
يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ.<sup>۳۳۳</sup>

روز پانزدهم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي

<sup>۳۲۸</sup> ای خدا در این روز مرا به زیور ستر و عفت نفس بیارای و به جامه قناعت و کفاف بپوشان و به کار عدل و انصاف بدار.

<sup>۳۲۹</sup> و از هر چه ترسانم مرا ایمن ساز به نگهبانی خود ای نگهدار و عصمت بخش خدا ترسان عالم.

<sup>۳۳۰</sup> ای خدا در این روز مرا از پلیدی و کثافات پاک ساز و بر حوادث خیر و شر قضا و قدر صبر و تحمل عطا کن.

<sup>۳۳۱</sup> و بر تقوی و پرهیزکاری و مصاحبت نیکوکاران موفق دار به یاری خود ای مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان.

<sup>۳۳۲</sup> ای خدا در این روز مرا به لغزشهایم مؤاخذه مفرما و عذر خبط و خطاهایم

ببپذیر  
<sup>۳۳۳</sup> و مرا هدف تیر بلاها و آفتها قرار مده به حق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام.

بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.<sup>۳۳۴</sup>

روز شانزدهم: اللَّهُمَّ وَقِّئِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ<sup>۳۳۵</sup> وَ آوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى (فِي) دَارِ الْقَرَارِ بِالْهِتِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.<sup>۳۳۶</sup>

روز هفدهم: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ أَقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَ الْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَ السُّؤَالِ<sup>۳۳۷</sup> يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۳۳۸</sup>

روز هیجدهم: اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَ نَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ<sup>۳۳۹</sup> وَ خُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ.<sup>۳۴۰</sup>

<sup>۳۳۴</sup> ای خدا در این روز طاعت بندگان خاشع خود را نصیب من گردان و شرح صدر ای ایمنی دل‌های ترسان.

<sup>۳۳۵</sup> ای خدا در این روز مرا بر موافقت نیکان مردان فروتن خدا ترس را به من عطا فرما به حق امان بخشی خود عالم موفق بدار و از رفاقت اشرار جهان دور گردان.

<sup>۳۳۶</sup> و مرا در بهشت دار القرار به رحمت منزل ده به حق الهیت و معبودیت ای خدای عالمیان.

<sup>۳۳۷</sup> ای خدا در این روز مرا به اعمال صالح راهنمایی کن و حاجتها و آرزوهایم برآورده ساز ای کسی که نیازمند به شرح و سؤال بندگان نیستی.

<sup>۳۳۸</sup> ای خدایی که به سراپر خلق است آگاهی درود فرست بر محمد و آل اطهار

او.<sup>۳۳۹</sup> ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار و متنبه ساز و دل‌م را به روشنی انوار سحر منور گردان.

<sup>۳۴۰</sup> و تمام اعضاء را برای آثار و برکات این روز مسخر فرما به حق نور خود ای روشنی بخش دل‌های عارفان.

روز نوزدهم: اللَّهُمَّ وَفَّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ ٣٤١ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ. ٣٤٢

روز بیستم: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَأَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيْرَانِ ٣٤٣ وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ. ٣٤٤

روز بیست و یکم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا ٣٤٥ وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَ مَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ. ٣٤٦

روز بیست و دوم: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ ٣٤٧ وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَ أَسْكِنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ

٣٤١ ای خدا در این روز بهره مرا از برکاتش وافر گردان و بسوی خیراتش راهم را سهل و آسان ساز.

٣٤٢ و از حسنات مقبول آن مرا محروم مساز ای راهنمای بسوی دین حق آشکار.

٣٤٣ ای خدا در این روز به روی من درهای بهشتها بگشا و درهای آتش دوزخ

ببند.

٣٤٤ و مرا توفیق تلاوت قرآن عطا فرما ای فرود آورنده وقار و سکینه بر دلهای اهل

ایمان.

٣٤٥ ای خدا در این روز مرا بسوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن و شیطان را

بر من مسلط مگردان.

٣٤٦ و بهشت را منزل و مقام قرار ده ای برآورنده حاجات طالبان.

٣٤٧ ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرمات بگشا و بر من برکات را

نازل فرما.



جَنَاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.<sup>۳۴۸</sup>

روز بیست و سوم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصِرِّ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ<sup>۳۴۹</sup> وَاقْبَلْ مَعَاذِي وَحُطِّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ يَا رءُوفًا بَعَادِهِ الصَّالِحِينَ<sup>۳۵۰</sup> ۳۵۱

روز بیست و چهارم: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ<sup>۳۵۲</sup> وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ أُطِيعَكَ وَلَا أُغْصِيكَ يَا جَوَادَ جَوَادِ السَّائِلِينَ.<sup>۳۵۳</sup>

روز بیست و پنجم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنَّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ.<sup>۳۵۴</sup>

روز بیست و ششم: اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ

<sup>۳۴۸</sup> و بر موجبات رضا و خوشنودیت موفقم بدار و در وسط بهشت‌هایت مرا مسکن ده ای پذیرنده دعای مضطر پریشان.

<sup>۳۴۹</sup> ای خدا در این روز فضیلت لیلۃ القدر را نصیب من گردان و تمام‌امور و کارهای مشکل مرا آسان گردان.

<sup>۳۵۰</sup> در رابطه جابجایی دعای روز بیست و سوم و بیست و هفتم در بخش سند دعاهاى هر روز توضیح ارائه شده است.

<sup>۳۵۱</sup> و عذرهايم بپذیر و وزر و گناهم محو و نابود ساز ای رثوف و مهربان در حق صالحان.

<sup>۳۵۲</sup> ای خدا در این روز از تو درخواست می‌کنم آنچه را که رضای تو در اوست و به تو پناه می‌برم از آنچه تو را ناپسند است.

<sup>۳۵۳</sup> و از تو توفیق می‌خواهم که در این روز همه را به فرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم ای جود و عطا بخش سؤال‌کنندگان.

<sup>۳۵۴</sup> ای خدا مرا در این روز محب دوستانت و عدو دشمنانت قرار ده و در راه و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبرانت بدار ای عصمت بخش دل‌های پیغمبران.

مَعْفُوراً<sup>۳۵۶</sup> وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولاً وَ عَيْبِي فِيهِ مَسْتُوراً يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ.<sup>۳۵۶</sup>  
 روز بیست و هفتم: اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ  
 الْعُيُوبِ<sup>۳۵۷</sup> وَ امْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُدْنِيِّينَ.<sup>۳۵۸</sup>  
 روز بیست و هشتم: اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَ أَكْرِمْنِي فِيهِ  
 بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ<sup>۳۵۹</sup> وَ قَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا  
 يَشْغَلُهُ الْإِحْاحُ الْمُلْحِينِ.<sup>۳۶۰</sup>

روز بیست و نهم: اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَ ارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ  
 الْعِصْمَةَ<sup>۳۶۱</sup> وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيماً بَعْبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۳۶۲</sup>

---

<sup>۳۵۵</sup> ای خدا در این روز سعیم را (در راه طاعتت) بپذیر و گناهانم را در این روز  
 ببخش  
<sup>۳۵۶</sup> و عملم را مقبول و عیبم را مستور گردان ای بهترین شنوای دعای خلق.  
<sup>۳۵۷</sup> ای خدا در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک  
 ساز.  
<sup>۳۵۸</sup> و دلم در آزمایش رتبه دل‌های اهل تقوی بخش ای پذیرنده عذر لغزش‌های  
 گناهکاران.  
<sup>۳۵۹</sup> ای خدا در این روز به اعمال نافله و مستحبات مرا بهره وافر عطا فرما و به  
 حاضر و آماده ساختن مسائل در حقم کرم فرما.  
<sup>۳۶۰</sup> و وسیله مرا بین وسایل و اسباب به سوی حضرتت نزدیک ساز ای خدایی که  
 سماجت و الحاح بندگان تو را باز نخواهد داشت.  
<sup>۳۶۱</sup> ای خدا در این روز مرا به رحمت خود درپوشان و هم توفیق و حفظ از  
 گناهان روزی فرما.  
<sup>۳۶۲</sup> و دلم را از تاریکی‌های شکوک و اوهام باطل پاک دار ای خدای مهربان بر اهل  
 ایمان.

روز سی‌ام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَيَّ مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ  
 الرَّسُولُ مُحْكَمَةً<sup>۳۶۳</sup> فُرُوعُهُ بِالأَصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ  
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۳۶۴</sup>

---

<sup>۳۶۳</sup> ای خدا در این روز روزه مرا با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده که پسند  
 حضرتت و پسند رسولت گردد.

<sup>۳۶۴</sup> و فروع آن را به واسطه اصول آن محکم اساس گردان به حق سید ما حضرت  
 محمد (صل الله علیه وآله وسلم) و آل اطهارش و ستایش خدای را که پروردگار  
 عالمیان است.

## دعای شب عید فطر

ده مرتبه بگوید: يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالْعَطِيَّةِ  
 يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ<sup>۳۶۵</sup> صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً وَ  
 اغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَى فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ.<sup>۳۶۶</sup> این ذکر شریف شب جمعه نیز  
 خوانده می شود.

## نماز عید فطر

نماز عید فطر دو رکعت است در رکعت اول حمد و سوره اعلی  
 بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر این قنوت را  
 بخواند:

اللَّهُمَّ (أَنْتَ أَهْلُ) أَهْلِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعُظْمَةِ<sup>۳۶۷</sup> وَأَهْلِ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ  
 وَأَهْلِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلِ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ<sup>۳۶۸</sup> أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ  
 الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً<sup>۳۶۹</sup> وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَ  
 شَرَفاً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ<sup>۳۷۰</sup> وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي

<sup>۳۶۵</sup> ای خدایی که فضل و کرمت بر خلق دایم است و دو دست عطا و بخشش به  
 جانب بندگان دراز است ای صاحب بخششهای بزرگ.

<sup>۳۶۶</sup> درود فرست بر محمد و آلش که در اصل خلقت و فطرت بهترین خلقند ای  
 خدای بلند مرتبه در همین شب گناه ما را ببخش.

<sup>۳۶۷</sup> ای خدا ای که عظمت و کبریایی شایسته و مخصوص توست.

<sup>۳۶۸</sup> وجود و بخشش و جلال و جبروت به تو اختصاص دارد و لایق عفو و رحمت  
 و سزاوار ترس از عصیان و آمرزش گناهان تویی.

<sup>۳۶۹</sup> از تو درخواست می کنم به حق این روز که برای مسلمین عید قرار دادی.

<sup>۳۷۰</sup> و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و زیادت مقام گردانیدی درخواست  
 دارم که درود بر محمد و آلش فرستی.

كُلُّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ<sup>۳۷۱</sup> وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ  
 أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ<sup>۳۷۲</sup>  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ فِيهِ  
 مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ الْمُخْلِصُونَ<sup>۳۷۳</sup> پس تکبیر ششم بگوید  
 و به رکوع رود و بعد از رکوع و سجود برخیزد به رکعت دوم و بعد از  
 حمد سوره و الشمس بخواند پس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر  
 تکبیری آن قنوت را بخواند و چون فارغ شد تکبیر پنجم گوید و به  
 رکوع رود پس نماز را تمام کند.

<sup>۳۷۱</sup> و مرا هم در هر سعادت‌ی که محمد و آل محمد را داخل گردانیدی داخل سازی.

<sup>۳۷۲</sup> و از هر بدی که محمد و آل محمد را خارج ساختی مرا نیز خارج گردانی که درود بر محمد و آل او باد.

<sup>۳۷۳</sup> ای خدا من از تو درخواست می‌کنم بهتر چیزی را که بندگان شایسته‌ات از تو درخواست کردند و پناه می‌برم به تو از آنچه بندگان صالحت به تو پناه بردند.









## شرح دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان

### بررسی سند و نسخه‌های دعا‌های هر روز

ادعیه‌ی هر روز ماه مبارک رمضان را دو نفر از بزرگان شیعه در کتاب‌های خود ذکر نموده‌اند: سید بن طاوس در کتاب «الاقبال بالاعمال السنه» و ابراهیم بن علی عاملی کفعمی در دو کتاب «بلد الامین» و «المصباح».

سید بن طاووس این ادعیه را بدون سند ذکر نموده است ولی کفعمی راوی این ادعیه را ابن عباس معرفی می‌کند که او از پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل نموده است.

بین نسخه اقبال و کفعمی اختلافاتی از نظر الفاظ وجود دارد و همچنین دعای بیست و هفتم و دعای بیست و نهم در دو نسخه‌ی دعا جابه‌جا نقل شده است.

ما این دعا را از نسخه اقبال نقل می‌کنیم تا هماهنگ با

مفاتیح الجنان باشد زیرا مرحوم شیخ عباس قمی نیز از نسخه اقبال نقل نموده است.

فراز نخست دعای روز بیست و هفتم درباره‌ی فضیلت شب قدر است و شب قدر بنابر روایت شیعه در سه شب پنهان است که مهم‌ترین آن شب بیست و سوم است. اما این شب بنابر احادیث اهل سنت شب بیست و هفتم است. بنابر احتمال قوی این جابه‌جایی به خاطر تقیه صورت گرفته است. به همین خاطر مناسب‌تر است که دعای روز بیست و هفتم با دعای روز بیست و سوم تعویض شود. ما در این کتاب این دو دعا را جابه‌جا ذکر نموده‌ایم. شیخ عباس قمی (رحمة الله علیه) نیز این نظر را در مفاتیح الجنان تأیید می‌کند.

درباره‌ی هر یک از دعاها هر روز ثواب‌های زیادی نقل شده است که تنها کفعمی آنها را نقل نموده است. ما این ثواب‌ها را در پاورقی ذکر نموده‌ایم و اکیداً تأکید می‌کنیم نباید درباره‌ی این ثواب‌ها استبعاد نمود و آنها را دور از ذهن دانست زیرا اولاً خداوند کریم است، چرا ذهن انسان بخل کند؟! ثانیاً با توضیحاتی که در ذیل فرازهای این دعاها داده شده است به این حقیقت بیشتر پی برده می‌شود که معرفت نسبت به ادعیه و ایجاد مقدمات برای استجابات آنها، کاری بس سترگ است که نتیجه‌ی آن رسیدن به مراحل‌ی از کمال است که دارا شدن این ثواب‌ها را از استبعاد خارج می‌کند.

## دعای روز اول

« اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ تَبَهَّئِي فِيهِ  
عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ  
الْمُجْرِمِينَ <sup>۳۷۴</sup> »

ترجمه: خدایا روزه‌ی مرا در این روز مانند روزه‌ی روزه داران حقیقی  
قرار ده و اقامه‌ی نماز را مانند نماز گزاران واقعی مقرر فرما و مرا از  
خواب غافلان هوشیار ساز و هم در این روز جرم و گناهم را ببخش ای  
خدای عالمیان و از زشتی‌هایم عفو فرما ای عفو کننده از گناهکاران عالم!

۱.۱ \* « اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ » خدایا روزه‌ی مرا در

این روز مانند روزه‌ی روزه داران حقیقی قرار ده!

### شخصیت صائمین

صائمین کسانی هستند که بیشتر روزهای سال را روزه هستند و  
به این عنوان شهرت دارند. مشخص است که بسیاری از مؤمنین  
به‌خاطر ضرورت‌های زندگی و یا پایین بودن درجه ایمانشان  
نمی‌توانند این چنین باشند. در این دعا از خداوند خواسته شده است  
که با روزه روز اول ماه مبارک رمضان، نام ما را در زمره‌ی صائمین  
قرار بده! صائمین کسانی هستند که آتش دوزخ بر آنها حرام است.

<sup>۳۷۴</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند یک میلیون حسنه به او داده و  
یک میلیون درجه او را بالا برده و از او یک میلیون گناه محو نماید.

به «مالک» فرشته نگهبان دوزخ گفته شده است: «یا مالک أغلق ابوابَ الجحیمِ عَنِ الصَّائِمینِ، ای مالک! درب‌های دوزخ را روی روزه‌داران ببند!» زیرا روزه سبب می‌شود تا شهوت و خشم و دیگر زشتی‌ها که تمامی آنها به این دو بر می‌گردد سراغ روزه‌دار نیاید و لذا همه‌ی راه‌ها و درب‌های دوزخ به روی او بسته خواهد بود.

۱.۲ \* « قِیَامِی فِیهِ قِیَامَ الْقَائِمِینَ » و اقامه‌ی نماز را مانند نماز گزاران

واقعی مقرر فرما!

### شخصیت عابد

قائمین کسانی هستند که از هر فرصتی برای عبادت استفاده می‌کنند مدام در حال عبادت هستند آنچنان که امام علی (علیه‌السلام) شبانه‌روز هزار رکعت نماز می‌خواند. همانطور که مشغول کار بود نماز مستحبی را نیز می‌خواند. لازم به توضیح است که در نماز مستحبی در حال حرکت رعایت قبله لازم نیست و می‌توان به‌جای رکوع و سجده تنها با سر اشاره نمود.

قرآن اصحاب خاص پیامبر اسلام را این چنین توصیف می‌کند:

« تَرَاهُمْ رُكْعًا سُّجْدًا یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِیْمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ

أَثْرِ السُّجُودِ » (فتح: ۲۹)

« كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ » (ذاریات: ۱۷)

به خود پیامبر هم می‌فرماید: « قُمْ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِيلًا » (مزل: ۲)

انسان‌های معمولی توان این میزان از عبادت را ندارند لذا از خداوند در روز اول ماه مبارک رمضان می‌خواهند که خداوند عبادات آنها را در این ماه همانند عبادت اولیای خاصش قرار دهد.

۱.۳ \* « وَ تَبَّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ » و مرا از خواب غافلان

هوشیار ساز!

امام صادق (علیه‌السلام) در مصباح الشریعه (ص: ۴۴) می‌فرماید: « نَمُّ نَوْمِ الْمُعْتَبِرِينَ وَ لَا تَمُّ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ فَإِنَّ الْمُعْتَبِرِينَ مِنَ الْأَكْيَاسِ يَنَامُونَ اسْتِرَاحَةً وَ لَا يَنَامُونَ اسْتِبْطَاراً وَ قَالَ النَّبِيُّ ص تَنَامُ عَيْنَايَ وَ لَا يَنَامُ قَلْبِي. » در هنگام خواب، باید خواب تو مانند خواب اهل عبادت باشد. به تحقیق که اهل عبادت که اهل علم و کیاست‌اند، به قدر ضرورت و از برای قوت عبادت و دفع کسالت، خواب می‌کنند، نه از روی طغیان و خواهش نفس. حضرت رسول (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرموده‌اند که در هنگام خواب، چشمم در خواب است ولی دلم بیدار.

در فراز سوم از دعای روز اول بنده این چنین از خداوند می‌خواهد که خدایا! من را از خواب غفلت بیدار کن! نه هنگام خواب جزء غافلین باشم و نه هنگام بیداری. اگر گوشتی بر تن ما می‌روید و یا لبخندی بر لبانمان می‌نشیند همه به‌خاطر غبار غفلتی است که روی قلب ما را پوشانده است. در حدیث است که اگر حیوانات آنچه شما انسان‌ها از برزخ و قیامت و جهنم و بهشت می‌دانید می‌دانستند بدن‌هایشان به شدت نحیف و لاغر می‌شد و در حدیث دیگر از خندیدن در قبرستان و یا هنگام تشیع جنازه به شدت نهی شده است و آن را نشان غفلت بسیار زیاد دانسته است.

۱.۴ \* « وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ » و هم در این روز جرم و گناهم را

ببخش!

## مجرمین!

مجرمین در قرآن کسانی هستند که گناهان در آنها موجب تزلزل اعتقادی شده و آنچنان را در مقابل پذیرش حقیقت لجوج شده‌اند که به هیچ وجهی حاضر به تسلیم در مقابل حقیقت نمی‌شوند.

مجرمین در دنیا روی آرامش را نمی‌بینند، اگر برای دیگران از آسمان باران می‌بارد بر اینان انگار که سنگ می‌بارد (اعراف: ۸۴) آنها مشکلات زندگی‌شان را به خداوند نسبت می‌دهند لذا در یک چرخه‌ی خطرناکی فرو می‌غلطند: آنها به خاطر هوسرانی‌هایشان گناه می‌کنند و گناه موجب مشکلاتی برای آنها می‌شود، آنها این مشکلات را از خداوند می‌دانند و نسبت ستمگری!! می‌دهند و نه فقط براساس هوس که هم بر اساس لجاجت بر گناهان خویش می‌افزایند. اینطور است که درب‌های بهشت را به روی خود آنچنان می‌بندند که اگر شتری از روزن سوزنی داخل شود آنها هم می‌توانند داخل بهشت شوند. (اعراف: ۴۰)

جرم‌هایی که انسان مرتکب می‌شود سبب می‌گردد تا انسان از احقاق حقّی که او به آن پشت نموده است کراهت داشته باشند و از ابطال باطلی که او به آن روی نموده است دلخوش ندارد. (انفال: ۸)

۱.۵ « يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ » ای خدای عالمیان!

## تسبیح موجودات جهان

همه‌ی موجودات جهان هستی تسبیح‌گو و ترانه سرای ذات اقدس

« إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ » (اسراء: ۴۴)

از رعد گرفته آن زمان که می‌غرَد « يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ » (رعد: ۱۳)  
 تا آسمان‌ها و زمین « تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ » (اسراء: ۴۴)  
 تا هرکس که در آسمان‌ها و زمین است « يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ  
 مَا فِي الْأَرْضِ » (جمعه: ۱)

فرشتگان « وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ » (شوری: ۵)  
 و پرندگان « الطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ » (نور: ۴۱)  
 و کوه‌ها « إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ » (ص: ۱۸)  
 و خورشید و ماه و ستارگان و درختان و جانوران « أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ  
 يَسْجُدُ لَهُ ... الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ » (حج: ۱۸)

و اما انسان او چه می‌کند؟ او از به‌خاطر سوء استفاده از نیروی  
 اختیار و تبعیت از هوس‌ها و وسوسه‌ها از یاد خداوند و لذت تسبیح او  
 باز مانده است. خداوند به شدت انسان را ملامت می‌کند که: ای  
 انسان! چه چیز تو را نسبت به پروردگار کریمت اینقدر مغرور ساخته  
 است؟! « يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ » (انفطار: ۶) و به‌خاطر  
 ناسپاسی‌اش بر او مرگ می‌فرستد: « قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ » (عبس: ۱۷) هر  
 چند زیاد هستند انسان‌هایی که به تسبیح خداوند مشغول هستند  
 ولی تأسف برای آن گروه بیشتری است که مستحق عذاب الهی  
 شده‌اند. « أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ ... كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ »  
 (حج: ۱۸)

<sup>۳۷۵</sup> و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند]؟  
 همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند  
<sup>۳۷۶</sup> ما کوه‌ها را با او (حضرت داوود) مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان  
 خداوند را نیایش می‌کردند.

۱.۶ \* «وَاَعْفُ عَنِّي» و زشتی‌هایم را عفو فرما!

### شرایط عفو خداوند

عفو خداوند زمانی شامل حال انسان می‌شود که انسان نیز اهل عفو باشد. به پاس قدرتی که خداوند به شما داده است از آنها که در حق شما بدی کرده اند بگذرید. در حدیث آمده است عفو، شکر قدرت است. قرآن می‌فرماید عفو کردن به تقوا نزدیک‌تر است. روح تقوا انسان را به عفو کردن وا می‌دارد. زیرا هراس از خداوند و هراس از گناهان خود و نیاز مبرم به عفو خداوند انسان را وا مر دارد تا گناهان دیگران را عفو کند. انسان متقی تفضل خداوند را به خودش فراموش نمی‌کند. خداوند قدرت انتقام را عطا کرده است و حال خود او می‌گوید از این قدرت بهتر است استفاده نکنی: «أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره: ۲۳۷)

البته خداوند دستور به عفو نمی‌دهد این حق هر فردی است که بدکاران در حق خودش را مجازات کند ولی از طرفی هم خداوند تضمین نمی‌کند خودش نیز از حق مجازات کردن بدکاران بگذرد. و این بسیار هراس انگیز است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور: ۲۲)

۱.۷ \* «يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ» ای عفو کننده از گناهکاران عالم!

<sup>۳۷۷</sup> و سرمایه‌داران و فراع دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند، و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشايد؟ و خدا آمرزنده مهربان است.



همان‌گونه که قبلاً اشاره شد «جرم» گناهی است که در قلب نفوذ کرده و موجب تزلزل اعتقادی شده است. لذا عفو از مجرم بالاترین نوع بخشش خداوند است. زیرا قرآن ورود مجرمین به بهشت را سخت‌تر از ورود شتر به روزن سوزن می‌داند. (اعراف: ۴۰) ولی قدرت کریمانه‌ی خداوند هر ناممکنی را ممکن می‌سازد به شرط آن‌که انسان مغرور، در مقابل این همه جود و کرم سر فرود آورد و خاضعانه از او بخواهد که از جرمش درگذرد.

انسانی که هراس از خداوند دارد به همه‌ی گناهانش به چشم «جرم» نگاه می‌کند درست مثل شخصی که به سلامتی‌اش بسیار اهمیت می‌دهد، این شخص کوچکترین مرضش را مثل سرطانی می‌پندارد که باید به زودی آن را درمان نماید. لذا در این دعا با وجودی که هنوز انسان گنهکار، جزء مجرمین قرار نگرفته است ولی خود را جزء آنها می‌پندارد و این به خاطر ترس زیادش از خداوند است.

## دعای روز دوم

«اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَيَّ مَرْضَاتِكَ وَ جَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نَقِمَاتِكَ وَ وَفَّقْنِي فِيهِ لِتِقْرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۳۷۸</sup>

ترجمه: خدایا مرا در این روز به رضا و خشنودیت نزدیک ساز و از خشم و غضبت دور ساز و برای قرائت آیات قرآنت موفق گردان به حق

<sup>۳۷۸</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند به ازای هر گامی که در کل عمرش برداشته است عبادت یک سال را به او می‌دهد، سالی که روزهایش را روزه داشته و شبهایش را عبادت نموده است!

رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان عالم!

۲.۱ \* «اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ» خدایا مرا در این روز به رضا و

خشنودیت نزدیک ساز!

### رضوان الله اکبر

در این فراز انسان از خداوند می‌خواهد تا او را به انجام دادن آنچه موجب رضایت خداوند می‌شود نزدیک گرداند. یعنی اسباب اعمال صالح و خالص را برای او مهیا سازد و به تعبیر دقیق‌تر به او «توفیق» دهد. خداوند با رحمت‌های گوناگونی که به انسان دارد زمینه‌ی خوب بودن را در سطحی گسترده برای انسان مهیا می‌کند؛ این انسان است که باید از این همه رحمت درست استفاده نماید.

رسیدن به رضایت خداوند بالاترین غایت و هدفی است که هر انسانی آن را باید پی بگیرد. قرآن رضوان خداوند را بزرگتر از بهشت می‌داند.

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

(توبه: ۷۲)

ممکن است کسانی وارد بهشت شوند و در پایین‌ترین قسمت آن جای گیرند ولی خداوند از آنان دل‌خوشی نداشته باشد. چنانچه در حدیث است کسی که غیبت کند و گناهی دیگر نداشته باشد اگر خداوند او را روز قیامت ببخشد وارد بهشت می‌شود ولی خداوند با او

سخن نمی‌گوید!

۲.۲ \* «جَنَّبِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نَقْمَاتِكَ» و از خشم و غضبت دور ساز!

### آثار طبیعی خشم خداوند

خشم خداوند موجب می‌شود تا نعمت‌های خداوند برای انسان تبدیل به نعمت و عذاب شود. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان بزرگترین نعمت و آیت بزرگ الهی برای آنها که به او کافر شدند و یا منافقانه اظهار ایمان کردند بزرگ‌ترین عذاب شد.

وقتی باران بر لجنزار ببارد بوی تعفن آن بیشتر منتشر می‌گردد. برخورد ناصحیح با نعمت‌های خداوند و پاس نداشتن آنها سبب خشم خداوند می‌شود و این خشم اثر تکوینی و عکس‌العمل طبیعی برخورد ناصحیح با نعمت‌ها است. شما وقتی از ماشین درست استفاده نکنید با تصادفی که می‌کنید، نعمت ماشین را برای خودت تبدیل به نعمت و عذاب نموده‌اید و این اثر خشم خداوند است.

در این فراز انسان از خداوند می‌خواهد تا توفیق پیدا کند تا از نعمت‌ها آن‌گونه که رضایت خداوند است استفاده کند زیرا در غیر این صورت خشم طبیعت در امور مادی و خشم ملائک در امور غیر مادی دامنش را خواهد گرفت.

آنانی که استفاده‌ی صحیح از مواهب مادی و معنوی نکنند، زندگی سخت و مرگ سخت‌تری خواهند داشت، فرشتگان به هنگامی که جانشان را می‌گیرند بر پشت و روی آنها خواهند زد زیرا آنها به دنبال خشم خداوند بوده و از تبعیت رضوان خداوند اکراه داشته‌اند.

«فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهُهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا

أَسْخَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۲۷ و ۲۸)

۲.۳ \* «وَقَفَّيْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ» و برای قرائت آیات قرآنت موفق

گردان!

### اهمیت قرائت قرآن

«قرآن» به معنای خواندی است. قرآن نام کتابی است که هیچ وقت از خواندنی بودن ساقط نمی‌شود. هر کتابی با چند بار خواندن دیگر خواندنی نیست. ولی قرآن برای همه‌ی انسان‌ها از پایین‌ترین مراتب ایمان تا بالاترین آنها، در دنیا و در آخرت و بهشت نه تنها همچنان خواندی است بلکه همه‌ی رشدها هم با همین خواندن تحقق پیدا می‌کند زیرا در آخرت به انسان گفته می‌شود: «اقْرَأْ وَارْقُ» (کافی: ۶۰۶/۲) بخوان و بالا برو.

در ماه مبارک رمضان هر آیه قرآن برابر با ختم کل قرآن در غیر این ماه ثواب دارد. این مصداق بزرگی از ضیافت خداوند است. قرآن می‌فرماید: «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل: ۲۰) آنچه ممکن است از قرآن بخوانید. از آیه به خوبی برداشت می‌شود که برای تلاوت قرآن نیاز به وقت زیاد نیست؛ اگر مثلاً یک دقیقه وقت درید که بتوانید تنها چند آیه از قرآن را بخوانید این کار را بکنید. قرآن کوچکی را با خود همراه داشته باشید و از اندک فرصت‌های شبانه‌روز خود استفاده کنید و قرآن را تلاوت کنید. آرام آرام آنچنان آیات الهی به جان شما می‌نشیند و تصورش را هم نمی‌توانید بکنید و در ضمن از بسیاری از گناهان گوش و زبان هم ایمن خواهید شد زیرا عطش تلاوت

نمی‌گذارد شما فرصتی برای گفتن‌ها و شنیدن‌های غفلت‌زا داشت باشید.

ماه مبارک رمضان بهار قرآن است در این ماه به‌خصوص تلاوت سوره‌ی قدر به تعداد هزار مرتبه در هر شب این ماه، به‌خصوص شب‌های قدر توصیه شده است.

۲.۴ \* « بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ » به حق رحمت ای مهربان‌ترین

مهربانان عالم!

چون خداوند ارحم الراحمین است، بنده این جسارت و امید را پیدا می‌کند تا از او هر چه می‌خواهد بخواهد. و الا هر کریمی دارای ظرفیت محدودی برای برآوردن خواسته دیگران است حتی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم به فقرا می‌فرمودند: امکانات ما همین مقدار است خداوند شما را بی‌نیاز کند. هیچ کریمی نمی‌تواند کسی را بی‌نیاز کند جز خداوند زیرا او از همه‌ی رحم آوردنگان، مهربان‌تر است.

ارحم الراحمین بودن خداوند جای هر گونه ناامیدی را بسته است. تنها کسانی ناامید می‌شوند که معتقد به « ارحم الراحمین » بودن خداوند نباشند. قرآن تنها کفار را ناامید می‌داند. حضرت یعقوب به پسرانش گفت: « در جستجوی یوسف باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید زیرا تنها گروه کافران از رحمت خداوند ناامید می‌گردند:

« لَا يَبْتَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ » (یوسف: ۸۷)

## دعای روز سوم

« اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَ التَّنْبِيَةَ وَ بَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَ التَّمْوِيهِ وَ

اجْعَلْ لِي نَصِيْبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيْهِ بِجُودِكَ يَا اَجُوْدَ الْاَجُوْدِيْنَ»<sup>۳۷۹</sup>

ترجمه: خدایا در این روز مرا هوش و بیداری نصیب فرما و از سفاقت و جهالت و کار باطل دور گردان و از هر خیری که در این روز نازل می‌فرمایی مرا نصیب بخش به حق جود و کرمتم ای جود و بخشش دارترین عالم!

۳.۱ \* «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذَّهْنَ وَ التَّنْبِيْهَ» خدایا در این روز مرا هوش و

بیداری نصیب فرما!

«ذهن» به معنای فهم و «تنبیه» به معنای آگاهی است. در این فراز انسان از خداوند می‌خواهد تا فهم و آگاهی را به او روزی کند. رزق اختصاص به امور مادی ندارد بلکه مصداق اصلی رزق امور غیر مادی است زیرا وقتی انسان در اموری غیر مادی چیزی در بساط نداشته باشد هر چند هم در امور مادی دارای مکنتم و ثروت باشد نمی‌تواند استفاده درستی از مواهب مادی خداوند ببرد.

### عوامل زیاد شدن فهم

در احادیث توصیه‌هایی برای زیاد نمودن قدرت فهم شده است مثل: خوردن سرکه بخصوص قبل از غذا و انار خصوصا همراه با پوست سفید آن، عسل هنگام ناشتا، جویدن کندور، خوردن به، خوردن مویز (کشمش سیاه) در حالت ناشتا. و از طرفی از خوردن

<sup>۳۷۹</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند برای او در فردوس (قسمت بالای بهشت) خانه‌ای بسازد که هزار اطاق از نور دارد، در هر اطاقش هزار تخت وجود دارد، روی هر تخت یک حوری قرار دارد. بر او هر روز هزار فرشته با هدایایی از ناحیه خداوند وارد می‌شوند.

زیاد گوشت شکار و گوشت گاو نهی شده است زیاد باعث کندی ذهن می‌شود.

انسانی که دارای ذهن قوی است، خود تنبه پیدا کرده و مطلب را می‌گیرد به همین خاطر گفته شده است: «العاقل یکنیه الاشارة و الجاهل لا یکنیه المنارة»

۳.۲ \* «بَاعِدُنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ» و از سفاهت و جهالت و کار

باطل دور گردان!

سفاهت به معنای بی‌خردی و تمویه به معنای قاطی کردن مسائل است. سفاهت اختصاص به بلاهت‌های مادی و بی‌خردی‌های امور دنیوی ندارد بلکه قرآن هر کسی را که از دین تبعیت نکند را سفیه خوانده است: «مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره: ۱۳۰) هر یک از دو گروه دین‌داران و بی‌دین‌ها یگدیگر را نسبت به سفاهت می‌دهند (بقره: ۱۳) ولی نهایتاً این انبیا و پیروانشان هستند که ثابت کردند بیشترین عقل را داشته‌اند زیرا فریب شیطان را نخوردند.

### جنون واقعی

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از محلی می‌گذشتند مشاهده کردند مردم دور شخصی که بر زمین افتاده بود جمع شدند، حضرت سؤال کردند برای چه اطراف این شخص جمع شده‌اید؟ پاسخ دادند او دیوانه‌ای است که مصروع است و غش نموده است. حضرت فرمودند: او دیوانه نیست. مریض است، آیا به شما اطلاع دهم که حقا مجنون کیست؟ پاسخ دادند: بله ای رسول خدا! حضرت فرمود: دیوانه کسی است با غرور راه می‌رود آن‌گونه که وقتی می‌خواهی به اطراف بنگرد

تنها به دو طرف شانهاش نگاه می‌کند و هنگام حرکت شانهاش را تکان می‌دهد! از خداوند بهشت را آرزو دارد ولی او را معصیت می‌کند کسی از شرش ایمن نیست و کسی هم به خیر او امیدی ندارد. این واقعا دیوانه است ولی این فرد مریض است. (خصال: ۳۳۲/۱)

۳.۳ \* «اجْعَلْ لِي نَصِيْبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيْهِ» و از هر خیری که در این

روز نازل می‌فرماید مرا نصیب بخش!

### دعای پر برکت

حضرت موسی وقتی یکی از فرعونیان را کشت مجبور شد از شهر بگریزد، در مسیرش به عده‌ای برخورد کرد که اطراف چاه آبی گوسفند خود را آب می‌داند و دخترانی را دید که آنها هم می‌خواستند گوسفندانشان را آب دهند ولی حضور مردان اطراف چاه مانع این کار بود. ایشان جلو آمد و درخواست کرد که بگذارند او گوسفندانشان را آب دهد. وقتی از کارش فارغ شد به سایه دیواری رفت و نشست. نه پولی داشت و نه روی این که از دختران طلب مزدی کند. گریزان از شهر، تنها، خسته و گرسنه لبانش به دعا حرکت کرد و گفت: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص: ۲۴) خدایا من نیازمند خیر هستم که به سویم می‌فرستی.» خداوند دعای ساده‌ی موسی را آن‌چنان استجابت کرد که دارای شغلی شد آن‌هم با کارفرمایی همچون شعیب پیامبر و بعد هم با یکی از دختران شعیب ازدواج کرد و گوسفندان زیادی را با خود همراه نمود و بعد در کنار کوه طور وقتی رفته بود تا برای خانواده‌اش که در تاریکی صحرا



سرگردان بودند و از سرما بر خود می‌لرزیدند آتش بیاورد، به پیامبری مبعوث شد و مأمور شد تا در هیبت پیامبر به شهری که از آن گریخته بود برگردد و بنی اسرائیل را نجات دهد.

خداوند همه‌ی خیرها را به او ارزانی داشت. خدایا ما به همه‌ی خیرهایی که بر همه‌ی بندگان فرو می‌ریزی نیازمند و فقیر هستیم. درب خانه کریم چند چیز نخواه! همه چیز بخواه زیرا به او در رابطه با هر خیری مورد امید است: «یا ارجوه لکل خیر»

خدایا من به ادامه‌ی همه‌ی آنچه به من داده‌ای و اعطای هر آنچه به من نداده‌ای و خیر من است نیازمندم!

۳.۴ \* «بِجُودِكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ» به حق جود و کرم‌ت ای جود و

بخشش دارترین عالم!

هر بخششگری را در ذهن خود تصور کنید و برایش افسانه سرایی نماید حتی اگر در دنیا وجود هم نداشته باشد باز خداوند از او بخشش بیشتری دارد. زیرا گنجینه‌هایش نه تمامی دارد و برای مهربانی‌اش نیز پایانی نیست و نیاز ما به بخشش او هم حدی نمی‌شناسد پس همه چیز آماده است تا ما از او همه چیز بخواهیم که هیچ چیز بدون جود او به ما نمی‌رسد. ما حقی نداریم. آنچه او به ما می‌دهد لطفی است که در حق ما روا می‌دارد.

دعای روز چهارم

«اللَّهُمَّ قَوِّبْنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ أَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ أَوْزِعْنِي فِيهِ

لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ وَ أَحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ»<sup>۳۸۰</sup>

ترجمه: خدایا مرا در این روز برای اقامه و انجام فرمانت قوت بخش و حلاوت و شیرینی ذکرت را به من بچشان و برای ادای شکر خود به کرمت مهیا ساز و در این روز به حفظ و پرده پوشی مرا از گناه محفوظ دار ای بصیرترین بینایان عالم.

۴.۱ \* «اللَّهُمَّ قَوِّبِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ» خدایا مرا در این روز برای

اقامه و انجام فرمانت قوت بخش!

### اقامه‌ی دین

قرآن می‌فرماید: « أَقِيمُوا الدِّينَ. » (شوری: ۱۳) همه‌ی اوامر خداوند را باید برپا داشت! به این معنی که تنها صرف انجام دستورات خداوند خواسته‌ی او را برآورده نمی‌سازد بلکه باید اوامر حضرتش را برپا داشت. برپا داشتن به معنای استفاده از همه‌ی قوا و استعداد و نشاط برای انجام اوامر است. مثل این که گفته می‌شود: « اقم الصلوة»، نمی‌گوید: «اقرأ الصلوة» نماز خواندنی نیست برپا داشتنی است. روزه گرفتنی نیست، برپا داشتنی است. امر به معروف تنها تذکر دادن در قالب چند جمله نیست. باید همه‌ی همت را بر این گذاشت که تذکرات اثر کند لذا برای این امر باید نقشه کشید و مقدماتی را آماده ساخت و از خداوند استمداد طلبید تا بتوان انسانی را که دچار منکر شده است و از معروف باز مانده است هدایت کرد و به راه آورد.

<sup>۳۸۰</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند در بهشت جاویدان به او هزار تخت عطا می‌کند که روی هر تخت حوریه قرار دارد.

اقامه‌ی اوامر خداوند روحی است که باید در همه‌ی طاعاتمان دمیده شود تا اطاعت به نقطه‌ی اوج خودش برسد. آن جور که امامان بزرگوار ما خداوند را اطاعت می‌کردند و همچون امام حسین (علیه‌السلام) که برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود، باید در همه‌ی حوزه‌های اطاعتی، قیام نمود.

۴.۲ \* «أَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ» حلاوت و شیرینی ذکر را به من

بچشان!

### حلاوت ذکر خداوند

در حدیث است که خداوند می‌فرماید: من اولین چیزی که از انسان معصیتکار می‌گیرم شیرینی مناجات با من است. معصیت هر چه بیشتر شود مزه‌ی خوش ذکر بیشتر از بین خواهد رفت تا آنجا که نه تنها مزه‌ای نمی‌ماند که فرد حتی از شنیدن نام خداوند مشمئز می‌شود. « إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ<sup>۳۸۱</sup> » (زمر: ۴۵)

این فراز از دعا در واقع تعبیری دیگری از این دعا است که: خدایا گناهانم را بیامرز و آثار شوم آن را از بین ببر و حجاب بین خودت و من را از میان بردار تا عبادت من را خسته نکند و ذکر از قلب و زبانم نیافتد.

در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: « يَا مَنْ ذُكِرُهُ حُلُو. ای کسی که یادش شیرین است.» حال چه اتفاق افتاده است که اینچنین نیست!

<sup>۳۸۱</sup> و چون خدا به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، منزجر می‌گردد، و چون کسانی غیر از او یاد شوند، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند.

باید کاری کرد، این مصیبت بزرگی است!

۴.۳ \* «أَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ» برای ادای شکر خود به

کرمت مهیا ساز!

### الهام شکر

«اوزعنی» یعنی به من الهام کن عشق و علاقه را در من به وجود بیاور. شکر کردن نیازمند علاقه‌ی خاص است. نیازمند به امداد غیبی است. همیشه شکر سخت‌تر از صبر بوده است. زیرا خیلی‌ها به تجربه دریافته‌اند که هنگام مصیبت چاره‌ای جز صبر و شکیبایی ندارند و اگر بی‌تابی کنند کار بدتر می‌شود. ولی شکر چیزی نیست که بشود به تجربه و قدرت عقل عادی به آن رسید. عموم انسان‌ها وقتی به نعمتی می‌رسند خصوصا اگر این نعمت بعد از یک محرومیت به سراغشان آمده باشد، حدود را رعایت نکرده و برای خود مجاز می‌شمارند تا هرچه می‌خواهند انجام دهند. و حال آن که دوام نعمت به این است که انسان جلوی شادمانی و ذوق‌زدگی افراطی خودش را بگیرد تا دچار اسراف و تبذیر و هنجار شکنی نشود.

قرآن در توصیف حال انسانی که به چهل سال می‌رسد می‌گوید که این انسان در این مقطع سنی به این دعا می‌رسد که: «خدا یا به من الهام نما تا شکر نعمتت را به‌جا آورم» إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ (احقاف: ۱۵) رسیدن به سن چهل، رسیدن به حدی از کمال است که انسان راه‌های مختلفی برای رسیدن به اهدافش طی نموده است و راه و بی‌راهه‌ی آن را دریافته است انسان در این سن از الهام سخن می‌گوید یعنی دریافته است جز

با مدد الهی نمی‌تواند از حق شکر نعمت‌های او برآید.

۴.۴ \* « اِحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ » در این روز به حفظ و پرده

پوشی مرا از گناه محفوظ دار!

### انسان موجودی ضعیف

امام علی (علیه‌السلام) در آغاز نامه‌یشان به امام حسن (علیه‌السلام) برای معرفی انسان تعبیری دارند از آن جمله: « غَرَضِ الْأُسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَةِ الْمَصَائِبِ ... وَ حَلِيفِ الْهُمُومِ وَ قَرِينِ الْأُحْزَانِ وَ نُصْبِ الْأَقَاتِ ... (نامه- ۳۱ نهج البلاغه) » انسان هدف بیماری‌ها و در گرو حوادث روزگار و تیر خورده‌ی مصیبت‌ها ... و همراه اندوه‌ها و از نزدیکان غصه‌ها و در معرض آفت‌هاست.

این تعبیر حکایت از وضعیت تزلزل‌پذیری انسان در مقابل حوادث دارد و بیان‌کننده ابعاد ضعیفی است که خداوند می‌فرماید انسان بر مبنای همین ضعف خلق شده است که: « خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (نساء: ۲۸) »

انسان در کنار حوادث زیادی که شاهد وقوع آن است بسیاری دیگر از این حوادث را که از کنار او می‌گذرد و به او اصابت نمی‌کنند را نمی‌بیند. یکی از وظایف عمده‌ی فرشتگان این است که انسان‌ها را از حوادث مختلف نجات دهند.

صدقه می‌تواند در بکارگیری ملائک جهت حفظ بیشتر از حوادث بسیار کارساز باشد. حتی در حدیث آمده است که صدقه هفتاد بلا را از انسان دفع می‌کند.

۴.۴ \* « يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ » ای بصیرترین بینایان عالم!

### خدا می بیند!

دیدن برای آگاه شدن هست. مثلاً گفته می شود فلانی تیزبین است یعنی مسائل را با دقتی بیشتری می بیند و می داند. وقتی گفته می شود خداوند « ابصر الناظرین » است یعنی همه ی درون ما را و انگیزه های ناپیدای ما را در انجام کارها و گفتن سخن ها می داند و می بیند. بعضی وقت ها ما آگاهی خود را از راه نقل کردن دیگران به دست می آوریم و حتی وقتی شاهد قضیه هستیم باز همه ی زوایای مسئله را نمی توانیم مورد مشاهده قرار دهیم و این یا به خاطر ذهنیت از پیش ماست که مانع قضاوت صحیح و حتی دیدن درست ما می شود و یا به خاطر پیچیدگی مسئله مورد مشاهده است که به صرف دیدن نمی توان به یک جمع بندی درستی درباره ی آن رسید. بنابراین ناظرین خود دارای مراتبی از آگاهی هستند.

خداوند در میان همه ی بینندگان و مشاهده کنندگان و تیزبینان بصیرتی بیشتر دارد زیرا اولاً از هیچ ذهنیتی برخوردار نیست و چون تا اعماق درونی انسان ها را می بیند و می داند، هیچ مسئله ای برای او غامض نیست.

حال وقتی ما خداوند را با نام « ابصر الناظرین » مورد خطاب قرار می دهیم و از او می خواهیم تا ما را حفظ کند، یعنی او چون آگاهی اش به ما و حوادث پیچیده روزگار در حد اعلای آن است پس اگر اراده کند به خوبی می تواند از پس محافظت ما برآید.

## دعای روز پنجم

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ  
وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ »<sup>۳۸۲</sup>

ترجمه: خدایا مرا در این روز از توبه و استغفار کنندگان قرار ده و از  
بندگان صالح مطیع خود مقرر فرما و هم در این روز مرا از دوستان مقرب  
درگاه خود قرار ده به حق لطف و رأفت ای مهربانترین مهربانان عالم!

۵.۱ \* « اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ » خدایا مرا در این روز از توبه

و استغفار کنندگان قرار ده!

استغفار به معنای طلب غفران است و غفران به معنای پوشش  
می‌باشد. پوشش گناه به معنای جلوگیری از اثربخشی گناه است.  
گناه دارای آثار بسیار مخربی در امور مادی و معنوی می‌باشد؛  
وقتی گناهی آرمزیده شود یعنی دیگر این آثار را ندارد. یکی از  
خواسته‌هایی که باید قویا مورد تعقیب قرار گیرد محفوظ ماندن از  
آثار شوم گناهان است.

## استغفار برای دیگری

وقتی صحبت از آثار شوم گناه می‌شود لزوماً از آثار شوم گناه  
خود سخن نمی‌گوییم بلکه ممکن است برای دیگران از استغفار را  
انجام دهیم زیرا آثار گناه تنها مربوط به شخص گناه کننده نمی‌شود

<sup>۳۸۲</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند در بهشت یک میلیون ظرف به  
او می‌دهد که در هر ظرف یک میلیون نوع غذا است!

خداوند می‌فرماید: « وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً (انفال: ۲۵) از فتنه‌ای که تنها دامن ستمگران را نمی‌گیرد بر حذر باشید.» وقتی جایی آتش می‌گیرد تر و خشک باهم می‌سوزند. وقتی شخصی در منزلی گناه می‌کند همه‌ی اهل آن خانه دچار نقص معنوی و صدمات مادی می‌شوند. در واقع استغفار برای دیگران گامی است در راستای امر به معروف و نهی از منکر زیرا خلاصی از آثار گناه سبب خواهد شد تا فرد رو به معروف آورده و از منکر فاصله بگیرد. استغفار اولیای خداوند می‌تواند دارای این چنین توضیحی باشد. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در هر مجلسی که می‌نشستند ۷۰ بار استغفار می‌کردند.

۵.۲ \* « وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْفَاتِيْنِ » و از بندگان صالح

مطیع خود مقرر فرما!

الگو گرفتن از انسان‌های ارزشمند مهم‌ترین توصیه در راستای خودسازی است. وقتی از خداوند خواسته می‌شود که خدای ما را جزء انسان‌های صالح و اهل عبادت قرار بده در واقع این وظیفه را برای خود بیشتر مورد تأکید قرار داده‌ایم که باید به دنبال ارزیابی خود نسبت به ملاک‌های صلاح و فساد باشیم. کدام کار ما اشکال دارد. راه از بین بردن این اشکالات چیست.

خداوند در سوره‌ی آل‌عمران آیه‌ی ۱۱۴ امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در انجام کارهای خوب را جزء صفات انسان‌های صالح می‌شمارد.

و دومین نکته‌ای که در این درخواست وجود دارد این است که با



این دعا و به‌خاطر ایجاد زمینه‌ی استجابت آن باید دوستان پیرامون خود را مورد ارزیابی دقیق قرار دهیم و آنانی که صالح نیستند و با عبادت میانه‌ی خوبی ندارند طرد کنیم زیرا اگر این کار صورت نگیرد هیچ وقت توفیق رفاقت و آشنایی با انسان‌های صالح نصیبمان نمی‌شود. خداوند انبیای بزرگوار را جزء انسان‌های صالح معرفی می‌کند « وَ زَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ (انعام: ۸۵) » آیا می‌توان هم با آنها که در خط انبیا حرکت می‌کنند رفیق بود هم با دیگران؟!

۵.۳ \* « وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ » و هم در این روز مرا از

دوستان مقرب درگاه خود قرار ده!

این فراز از دعا در مرحله‌ی استجابت بعد از فراز قبلی است یعنی ابتدا ما از خداوند می‌خواهیم که جزء دوستان صالح و عابد او باشیم و بعد از او می‌خواهیم که در میان دوستان ما را به خودت نزدیکتر نما!

### گستاخ در دعا!

در خانه‌ی کریم باید گستاخ بود و هیچ خواسته‌ای را افزون بر کرم او ندانست. بودن از مقربان درگاه خدا خواسته‌ای است که خود خداوند در قرآن به ما آموخته است؛ آنجا که در بیان صفات «عباد الرحمن» می‌فرماید: « وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِمَنْتَقِينَ إِمَامًا (فرقان: ۷۴) » متقی بودن خواسته‌ی بزرگی

<sup>۳۸۳</sup> پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان

است زیرا گرمی‌ترین انسان‌ها نزد خداوند متقین هستند ولی در این آیه «عباد الرحمن» درخواست امامت برای متقین و پیشوایی این گروه برتر را از خداوند مسئلت می‌کنند.

دوستی با خداوند هرچه بیشتر شود شوق نشاط به اطاعت از خداوند و زشت‌انگاری معصیت بیشتر می‌شود تا آنجا که اگر آنی غفلت انسان را بگیرد به محض هوشیاری از زیادی شرم حضور، جانش به لبش آمده و می‌میرد آن‌گونه که در حدیث آمده است.

۵.۴ \* « بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ » به حق لطف و رأفت ای

مهربان‌ترین مهربانان عالم!

### رابطه‌ی رأفت و رحمت

رأفت بر ضد قساوت است. کسی که قساوت دارد مثل سنگ سخت است چیزی در آن اثر نمی‌کند. وقتی خشمگین می‌شود هیچ چیز او را آرام نمی‌کند نه عذری را می‌پذیرد و نه کسی را می‌بخشد. خداوند رئوف است یعنی خشمگین می‌شود و زود راضی می‌گردد. خیلی از امور خشم خداوند را از بین می‌برد. مثلاً در حدیث آمده است: کسی که والدین خود را خوشنود سازد به سرعتی که کارد تیز در ران گوسفند فرو رفته و به استخوان می‌رسد، می‌تواند خداوند را از خود خوشنود سازد.

یکی از مصادیق « ارحم الراحمین » بودن خداوند همین رأفت اوست. حتی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با آن همه مهربانی که داشتند نمی‌توانستند بعضی از گناهان انسان‌ها را تحمل کنند که حتی در قضیه‌ای به شخصی که جنازه‌ی دختری را از قبر بیرون

آورده بود و با او زنا نموده بود از نزد خود راندند و فرمودند: از نزد من بیرون برو چرا که ممکن است عذابی بر تو نازل شود که دامن من را هم بگیرد ولی او توبه کرده بود لذا خداوند پیامبرش را مورد توبیخ قرار داد و فرمود: این شخص گناه من را انجام داده است نه گناه تو را! نباید او را از نزد خود می‌راندی!

### دعای روز ششم

« اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ وَلَا تَضْرِبْنِي بِسَيِّئَاتِ نِقْمَتِكَ وَ زَحْرُخْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ بِمَنْكَ وَ أَيَّادِيكَ يَا مُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ »<sup>۳۸۴</sup>

ترجمه: ای خدا مرا در این روز به واسطه ارتکاب عصیان تو خوار مساز و به ضرب تازیانه قهرت کیفر مکن و از موجبات خشم و غضبت دور گردان به حق احسان و نعمت‌های تو به خلق ای منتهای آرزوی مشتاقان!

۶.۱ \* « اللَّهُمَّ لَا تَخْذُلْنِي فِيهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَتِكَ » ای خدا مرا در این روز

به واسطه ارتکاب عصیان تو خوار مساز!

### احساس تنهایی

خُذْلان به معنای تنها شدن و بدون یاور ماندن است. یکی از آثار مهم معصیت احساس تنهایی و به دنبال آن افسردگی است که دامن

<sup>۳۸۴</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند به او چهل هزار شهر می‌دهد که در هر شهری یک میلیون خانه وجود دارد و در هر خانه هزار تخت است هر تختی هزار ذراع (هر ذراع نیم متر) طول دارد؛ روی هر تخت یک حوری وجود دارد که دارای هزار رشته موی بافته است که هر رشته آن را هفتاد خادم حمل می‌کنند!

فرد را می‌گیرد.

احساس تنهایی دردی است که به جان همه‌ی افراد جوامع انسانی افتاده است. متأسفانه به‌جای کشف درست علت این احساس تنهایی و افسردگی، علت‌های نابجایی معرفی می‌شود در نتیجه درمان‌های غیر مربوطی نیز تجویز می‌گردد و مشخص است که نه تنها بر این احساس شوم کسی فائق نمی‌آید که بیشتر دچار سرخوردگی می‌شود.

انسان‌ها به دنبال عزت و محبوبیت هستند ولی غافل از این حقیقت هستند که این عزت تنها از آن خداوند و پیامبران و آنهایی است که در مسیر آنهایند و به باید‌ها و نباید‌های آنها توجه می‌کنند. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقین: ۸) خداوند به همه‌ی آنها که به دنبال عزت هستند و بخصوص به آنانی که می‌خواهند با ایجاد ارتباط دوستانه با کفار، عزیز شوند می‌فرماید: همه‌ی عزت نزد خداوند است. «أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹) «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰)

۶.۲ \* «وَلَا تَصْرِبْنِي سِيسَاطٍ تَقَمَّتِكَ» و به ضرب تازیانه قهرت کیفر

مکن!

### حقیقت عذاب

دست نوازش خداوند می‌تواند تبدیل به دستی برای سیلی شود! بنابر آنچه قبلاً توضیح داده شد دست همان دست است یعنی این که نعمت‌ها می‌توانند نقش نعمت را هم بازی کنند. آب در عین اینکه که زلال است و روح انسان را جلا می‌بخشد

می‌تواند بسیار مخرب باشد. مهم آن است که ما با نعمت‌های خداوند چگونه برخورد کنیم.

دعای فوق تعبیری دیگر از این خواسته است که خدایا توفیق استفاده‌ی درست از نعمت‌ها را به من ارزانی دار! تا خود به دست خود آنها را تبدیل به عذاب نکنم.

آتش در ذات خود شر نیست. نور و گرمی می‌بخشد. حضرت موسی آتشی کنار کوه دید و رفت که از آن مقداری بردارد، او سوی آتش رفت و در نهایت پیامبر شد. وقتی نعمت‌ها معکوس می‌شوند و نعمت و عذاب می‌گردند، آن وقت همین آتش می‌شود عذابی هولناک! فرصت‌ها را تبدیل به تهدید نکنیم و از سهمی که در دنیا برای رشد داریم کمال بهره را ببریم « لَا تُنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا » (قصص: ۷۷) آن وقت است که تازیانه‌ی عذاب بر ما فرود نخواهد آمد.

۶.۳ \* « وَ زُحْرِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ » و از موجبات خشم و

غضب دور گردان!

### موجبات رضایت خداوند

قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ زُحْرِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران:

۱۸۵) دور شدن از آتش دوزخ و وارد شدن به بهشت نهایت فوز و رستگاری است که یک انسان می‌تواند به آن دست یابد.

خروج از دوزخ و ورود به بهشت دارای موجبات و عللی است. این گونه نیست که خداوند بدون توجه به موجبات و علل، اراده کند و شخصی را به دوزخ و دیگری را به بهشت ببرد. جهان هستی دارای نظامی علی- معلولی و مبتنی بر اصولی متقن است.

اسلام دینی است که آمده است تا انسان را نسبت به علل رضایت‌مندی و موجبات ناخرسندی خداوند آشنا سازد تا بعد از شناخت از این امور، تلاش کند تا رضایت خداوند را به دست آورد و از ناخرسندی او دوری گزیند.

ادیان تحریف شده در این علل و موجبات دست برده‌اند. چیزهایی را موجب دوری از خشم خداوند و دوزخ معرفی می‌کنند که هیچ واقعیت ندارد مثلاً قرآن قوم یهود را دارای تفکراتی انحرافی در این زمینه معرفی می‌کند که تصورشان بر این است کسی که عمرش زیاد باشد خداوند او را عذاب نمی‌کند. «يَوْمَ أَخَذَهُمْ لَوِيْعَمْرُ الْاَلْفِ سَنَةٍ وَا مَا هُوَ بِمُرْخَزِجِهِ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُعَمَّرَ (بقره: ۹۶)»<sup>۳۸۵</sup> متأسفانه همین اعتقاد را در احادیثی که به شیعه نسبت داده شده است هم می‌بینیم که خداوند از عذاب نمودن آنها که سنشان از ۶۰ سال بیشتر شده است شرم می‌کند!

۶.۴ \* «بِمَنْكٍ وَاٰیٰدِيْكَ» به حق احسان و نعمت‌های تو به خلق!

«مَنْ» به نعمت‌های بزرگ می‌گویند. در زبان فارسی «مَنْ» واحدی سنگین برای اندازه‌گیری است. «ایادی» جمع «ایدی» و «ایدی» جمع «ید» به معنای دست است. «ید» به معنای قدرت است ولی صیغه‌ی جمع الجمع - ایادی -، بیشتر استعمال در نعمت دارد. ایادی حکایت از دستان بسیار خداوند برای بخشندگی می‌کند. «مَنْ» بزرگی نعمت را می‌رساند و «ایادی» فراوانی آن را.

<sup>۳۸۵</sup> هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت.

## نجات از آتش

دور شدن از معصیت و عذاب و خشم خداوند نیازمند به استمداد از نعمت‌های بزرگ خداوند و عطا‌های اوست. توسل به «منّ و ایادی» اهمیت این خواسته و دعا را می‌رساند که از اهمیت بالایی برخوردار است. بلکه مهم‌ترین خواسته همین است که انسان از دوزخ در امان باشد. امام حسین (علیه‌السلام) در انتهای دعای عرفه بعد از آن‌همه ثنای خداوند در حالی که در صحرای عرفات زیر تابش آفتاب ایستاده است و از چشمانش اشک همچون آبی که از روزن مشک جاری است جریان دارد به خداوند عرضه می‌دارد که: «خدایا من خواسته‌ای دارم که اگر آن را اجابت نمودی باکی ندارم دیگر خواسته‌هایم اجابت نشود و اگر این خواسته‌ام مورد قبول واقع نشود دیگر برایم مهم نیست و نفعی به حالم ندارد که دیگر خواسته‌هایم اجابت شده است؛ آن خواسته‌ی من این است که من را از دوزخ برهانی.» *أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الْتِي إِن أُعْطِيتِهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِن مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.*

۶.۵ \* « يَا مُتَّهَى رَغْبَةَ الرَّاعِبِينَ » ای منتهای آرزوی مشتاقان!

انسان با توجه به فطرت کمال خواهی‌اش مدام به سوی زیبایی‌ها و کمال‌ها جذب می‌شود. البته بسیاری از انسان‌ها به‌خاطر جهل و غرور، زیبایی‌های عمیق و اصیل و ماندگار را فدای زیبایی‌های سطحی و مجازی و رو به زوال می‌کنند و هرچه قرآن می‌گوید دنیا سرای فریب است و بهره‌ی آن کم است کمتر انسان‌ها به خود می‌آیند.

## خداوند جامع همه‌ی صفات

خداوند جامع همه‌ی صفات کمال و جمال است و آنچه از زیبایی و کمال که خداوند به بندگانش داده است، سرچشمه‌اش نزد خود اوست. دعای جوشن کبیر را که مطالعه کنید بیشتر این جامعیت را احساس خواهید کرد. به سه فراز از این دعا توجه کنید: « يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ \* يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمُطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُودِينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْسِنِينَ \* يَا نِعَمَ الْحَسِيبُ يَا نِعَمَ الطَّيِّبُ يَا نِعَمَ الرَّقِيبُ يَا نِعَمَ الْقَرِيبُ يَا نِعَمَ الْمُجِيبُ يَا نِعَمَ الْحَبِيبُ يَا نِعَمَ الْكَفِيلُ يَا نِعَمَ الْوَكِيلُ يَا نِعَمَ الْمَوْلَى يَا نِعَمَ النَّصِيرِ.»

بر این اساس است که در فراز آخر دعای روز ششم می‌گوییم خدایا تو نهایت غایت رغبت و میل و شوق و محبت و عشقی. « يَا سُورَ الْعَارِفِينَ يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ يَا أُنَيْسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَابِينَ يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَا فُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرَجَّ عَنِ الْمَعْمُومِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.»

## دعای روز هفتم

« اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ جَنَّبْنِي فِيهِ مِنْ هَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ



ارزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ <sup>۳۸۶</sup>»

ترجمه: ای خدا مرا در این روز بر روزه و اقامه‌ی نماز یاری کن و از لغزش‌ها و گناهان دور ساز و ذکر دایم نصیبم فرما به حق توفیق بخشی خود ای رهنمای گمراهان عالم!

۷.۱ \* «اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ» ای خدا مرا در این روز بر

روزه و اقامه‌ی نماز یاری کن!

### استمداد از صبر و نماز

قرآن به ما دستور می‌دهد تا از صبر و نماز کمک بگیریم. صبر در احادیث به روزه تعبیر شده است؛ روزه بارزترین مصداق صبر است. چه این که دیگر مصداق صبر فشاری از بیرون است که انسان باید در مقابل آن شکیبایی کند و بی‌تابی نکند ولی در روزه هیچ فشاری نیست. این خود انسان است که تصمیم گرفته است تا خود را از لذت محروم کند.

در دو آیه‌ی قرآن این مسئله مطرح شده است: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره: ۴۵) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) چنانچه مشاهده می‌کنید در آیه‌ی نخست درباره‌ی نماز گفته شده است که جز بر دل آنها که در مقابل خداوند خاشع و فروتن هستند و هراس و محبت او را در دل خود راه داده‌اند سنگین می‌نماید. و در آیه دوم درباره‌ی صبر

<sup>۳۸۶</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند به او در بهشت چیزی را می‌دهد که به شهداء و سعاداء و اولیاءش عطا می‌کند!

گفته شده است که خداوند همراه با صابران است و آنها را تنها نمی‌گذارد و در این تحمّل و شکیبایی کمکشان می‌کند. طبق دستور قرآن، در فراز نخست دعای روز هفتم انسان از خداوند می‌خواهد تا او را در روزه که همان صبر است و در قیام و عبادت که شاخص‌ترین آن نماز است یاری کند. ماه مبارک رمضان دارای بیشترین اعمال عبادی است که یکی از مهم‌ترین این اعمال هزار رکعت نماز در طول این ماه است. توضیح این نماز در ذیل دعای بیستم و هشتم آمده است.

۷.۲ \* « وَ جَنَّبُنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ » و از لغزش‌ها و گناهان دور

ساز!

### تفاوت لغزش و گناه

عرب به چیزی که در هوا معلق ماده باشد مانند پر می‌گوید: «هفا الشيء في الهواء». به همین مناسبت به لغزش‌های زبان هفوات لسان گفته می‌شود.

لغزش خطایی است که سهوا انجام گرفته است و هیچ قصدی در کار نبوده است. فرض کنید کسی که زیاد حرف می‌زند و یا زیاد شوخی می‌کند طبیعی است سخنان باطل و یا آزار دهنده و یا زشتی برزبان‌ش جاری می‌شود. به همین خاطر در اسلام به سکوت خیلی توصیه شده است زیرا انسان از بسیاری از لغزش‌ها ایمن خواهد شد.

«اثم» به معنای کندی و تأخیر است. کسی که نسبت به خیر و خوبی با کندی برخورد کند و انجام آنها را به تأخیر بیندازد در واقع اعمال زشت را جایگزین آن می‌سازد. در همه‌ی فرصت‌های خیرورزی

انسان اگر شتاب نکند « يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ » (آل عمران: ۱۱۴) و از دیگران در انجام خوبی‌ها پیشی نگیرد « فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ » (بقره: ۱۴۸) یقیناً دچار ارتکاب زشتی‌ها می‌شود. بر همین اساس خداوند در قرآن اثم را در مقابل برّ و خوبی قرار می‌دهد. « تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (مائده: ۲) »

کسی که در احسان به دیگران کندی کند دچار بخل می‌شود و کسی که در خیرخواهی نسبت به دیگران تعجیل نکند دچار حسادت خواهد شد.

۷.۳ \* « وَ ارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ » و ذکر دایم نصیبم فرما!

### دوام ذکر

هر انسانی زمانی که دستش از زمین کوتاه بشود به آسمان چنگ می‌زند و از خداوند استمداد می‌طلبد. خصوصا زمانی که نشانه‌های مرگ را مشاهده می‌کند. همه‌ی تأسف قرآن از همین است که چرا انسان در وقت مشکل به یاد خدا می‌افتد و در دیگر حالات زندگی یادی از خداوند نمی‌کند. « فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرِيَةً آمَنَتْ فَتَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا (یونس: ۹۸) چرا هیچ امتی وقتی ایمان نیاورد که ایمانش برایش نفعی بیخشد؟! فرعون نیز وقتی داشت غرق می‌شد گفت که به پروردگار موسی ایمان آوردم خداوند فرمود: الان؟! (یونس: ۹۰ و ۹۱) »

دوام ذکر خداوند یعنی انسان به این مرحله از کمال برسد که هیچ قدرتی را برای خود قائل نبوده و همه را از ناحیه خداوند بداند و لذا برای هرکاری هرچند کوچک از او استمداد بطلبد زیرا: «لا حول و

لا قوة الا بالله العلی العظيم، بحول الله و قوته اقوم و اقعده.»

از مصادیق دوام ذکر، گفتن « بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای هر کاری است.

همچنین احادیث، مصادق بارز «ذکر کثیر» را که بارها در قرآن آمده است، تسبیحات حضرت زهراء (علیها السلام) دانسته‌اند.

۷.۴ \* «تَوْفِيقِك» به حق توفیق بخشی خود!

### توفیق، نیاز مؤمن

امام جواد(علیه السلام) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ تَوْفِيقٍ مِنْ اللَّهِ وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَاقْبُولٍ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ» (تحف العقول ص: ۴۵۸) مؤمن نیازمند سه خصلت است: توفیقی از ناحیه‌ی خداوند و موعظه‌گری از دورن خودش و پذیرش از کسی که او را خیرخواهی می‌کند. توفیق به معنای هماهنگ شدن همه‌ی اسباب برای انجام کار نیک است. مثلاً امکان استفاده از رأی یک اندیشمند نشان توفیق اعلان شده است و یا امکان کسب مال از راه حلال مصداقی دیگری برای «توفیق من الله» شمرده شده است.

خداوند ممکن است ما را به خاطر زشتی‌هایمان موفق به انجام کارهای صالح نکند و این فرصت را به دیگران دهد. این مسئله اختصاص به افراد ندارد بلکه مربوط به جمعیت‌ها نیز می‌شود. خداوند مردم زمان پیامبر اسلام را تهدید می‌کند که اگر به ایشان ایمان نیاورده و از او اطاعت نکنید شما را به گروهی دیگر که مثل شما نیستند تبدیل خواهد نمود. «إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالِكُمْ» (محمد: ۳۸) طبق حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قوم

سلمان دارای این توفیق شدند که جای مردم صدر اسلام را گرفته و رسالت اسلام ناب را بر دوش گرفتند. آری! ایرانیان تنها طلایه‌داران اسلام ناب در سرار جهان هستند. این بزرگ‌ترین توفیق است! مثلاً با همه‌ی وعده‌ای که به خود داده‌ایم تا شب‌های قدر به نحو احسن عبادت کنیم اما مشکلی پیش می‌آید و ما مجبور می‌شویم این سه شب را نه آن‌گونه که انتظارش را داشته‌ایم سپری نماییم. ما هرچند در همه‌ی کارهایمان نیازمند به توفیق هستیم ولی این نیاز را بیشتر در کارهای صالحی که جنبه‌ی کفایی داشته احساس می‌کنیم. کارهای کفایی، اعمالی هستند که یک یا چند نفر برای انجام آن کافی است و زمانی که انجام گرفت دیگری کاری برای انجام باقی نمی‌ماند.

علت این که خداوند می‌خواهد ما در کارهای خیر شتاب نموده و از یکدیگر پیشی بگیریم، این است که با شوقی که از خود برای انجام کار نیک نشان می‌دهیم در واقع از خداوند درخواست می‌کنیم که گناهان ما را بخشیده و نگذارد این گناهان مانع توفیق ما برای انجام کارهای صالح گردد.

۷.۵ \* « يَا هَادِيَ الْمَضَلِّينَ » ای رهنمای گمراهان عالم!

### انواع هدایت

هدایت به دو قسم تقسیم می‌شود: هدایتی که خداوند انجام می‌دهد و هدایتی که انبیا و جانشینان انبیا و دیگر صالحین انجام می‌دهند. هدایتی که دیگران انجام می‌دهند ارائه طریق و آدرس دادن است. مثل کاری که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انجام داد؛ اسلام

عزیز را ارائه نمود و با آن راه را از چاه در همهی ابعاد زندگی مادی و معنوی نشان داد. وقتی انسان متوجه راه از بی‌راهه شد می‌تواند راه را انتخاب کند و می‌تواند ناسپاسی نموده و بی‌راهه را برگزیند. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (نساء: ۳)» در انتخاب راه دین هیچ اجباری نیست. دین تنها جنبه آموزش داشته و انسان را نسبت به راه و چاه زندگی آگاه می‌سازد و آموزش هیچ‌گاه نمی‌تواند به زور انسان را وادارد تا به آن ملتزم گردد. «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره: ۲۵۶)»

اما هدایتی که خداوند مستقیماً خودش آن را انجام می‌دهد ایصال الی المطلوب است. یعنی تنها آدرس نمی‌دهد بلکه به شخص این توفیق را می‌دهد که به مطلوب برسد. این که ما در سوره‌ی حمد از خداوند می‌خواهیم که ما را به راه مستقیم هدایت کن نه به راه مغضوبین و ضالین منظور همین هدایت است. و الا هدایت عمومی که انجام گرفته و دیگر نیازی نیست ما از خداوند آن را بخواهیم. اصلاً هدایت عمومی چیزی نیست که انسان‌ها از خداوند بخواهند بلکه این هدایت عمومی را خداوند جزء وظایف خودش می‌داند.

هر جا هدایت عمومی است یا خداوند آن را نسبت به دیگران می‌دهد و یا از ضمیر (نا) یعنی ما استفاده می‌کند. ولی زمانی که هدایت اختصاصی مراد است آن را تنها به خودش نسبت می‌دهد. هدایت اختصاصی مثل علم لدنی و رزق من حیث لا یحتسب است که اختصاص به کسانی دارند که از هدایت عمومی بیشترین بهره را برده‌اند حال از خداوند می‌خواهند تا با هموار نمودن راه کمال آنها را توفیق دهد به بالاترین درجات رشد نائل آیند. بر همین اساس هدایت

عمومی مال همه‌ی مردم است. « شَهْرُ رَمَازَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ » (بقره: ۱۷۵)<sup>۳۸۷</sup> ولی هدایت اختصاص تنها برای متقین است « ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ » (بقره: ۲)

### دعای روز هشتم

« اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْيَتَامِ وَإِطْعَامَ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مُلْجَأَ الْآمِلِينَ »<sup>۳۸۸</sup>

ترجمه: ای خدادر این روز مرا ترحم به یتیمان و اطعام به گرسنگان و افشا و انتشار سلام در مسلمانان و مصاحبت نیکان نصیب فرما به حق انعامت ای پناه آرزومندان عالم!

۸.۱ \* «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْيَتَامِ» ای خدا در این روز مرا ترحم به

یتیمان نصیب فرما!

### توجه به ایتام

یکی از کارهای صالحی که انسان باید از خداوند بخواهد تا به او توفیق انجامش را در به خصوص در ماه مبارک رمضان بدهد این است که نسبت به ایتام مهربانی کند و وسیله‌ای برای رساندن رحمت‌های خداوند به ایتام باشد.

<sup>۳۸۷</sup> ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است

<sup>۳۸۸</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند عملش را همراه با عمل هزار صدیق بالا می‌برد. (صدیق راستگو و راست کردار است).

خداوند نسبت به همه‌ی انسان‌ها مهربان است و چون او غالباً با اسباب آموزش را در جهان سامان می‌بخشد، به انسان‌های خاصی توفیق سبب بودن را عنایت می‌کند. به همین خاطر در حدیثی از فقرا به رسولان و پیک‌های خداوند یاد شده است. و باز به همین سبب است که امام باقر (علیه‌السلام) وقتی پولی به فقیر می‌دانند آن را پس گرفته و می‌بوسیدند و دوباره به فقیر برمی‌گردانند و می‌فرمودند خداوند صدقات را می‌گیرد « أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ » (توبه: ۱۰۴) <sup>۳۸۹</sup> لذا پول صدقه وقتی به دست فقیر می‌رسد تبرک شده و جا دارد انسان آن را ببوسد!

بالاخره ایتمام را خداوند مورد رحمت خود قرار می‌دهد چنانچه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم یتیم بود و خداوند آنچنان او را مورد رحمت قرار داد که به مقام « قَابَ قَوْسَيْنِ وَ أَدْنَى <sup>۳۹۰</sup> » (نجم: ۹) رسید. ولی این حضرت ابوطالب بود که این توفیق یافت تا ایشان را سرپرستی کند!

۸.۲ \* «وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ» و اطعام به گرسنگان!

### اهمیت اطعام

آماده نمودن غذا و خوراندن آن به دیگران یکی دیگر از کارهای صالح است که ضرورت دارد به‌خصوص در ماه مبارک رمضان صورت

<sup>۳۸۹</sup> آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را

می‌گیرد

<sup>۳۹۰</sup> پیامبر اسلام در شب معراج به آنچنان قرب معنوی نسبت به خداوند دست یافت که به اندازه نزدیکی دو سر کمان به یکدیگر و حتی نزدیک‌تر به ساحت ربوبی نزدیک شد!



گیرد. در اطعام طعام لازم نیست حتماً به نیازمند و یا خویشاوندان غذا خورانده شود و حتی لازم نیست به هنگام غذا دادن، کار صالح دیگری کنار آن مثل مرثیه خوانی و وعظ و خطابه انجام گیرد زیرا صرف غذا دادن دارای ارزش است.

انسان با اطعام طعام جانشین خداوند شده است زیرا خداوند در همه‌ی وعده‌ها روزی بندگانش را می‌دهد. بعضی با ستم به دیگران مانع رسیدن این روزی می‌شوند و بعضی وسیله‌ای برای رسیدن این روزی می‌گردند. آنها که وسیله‌ی ظهور اسماء خداوند هستند - که در اینجا منظور اسم رازق است - آنها خلیفه خداوندند. در مقابل آنها که از ظهور اسماء خداوند جلوگیری می‌کنند «طاغوت» می‌باشند.

انسان با درخواست توفیق اطعام طعام از خداوند می‌خواهد نه تنها طاغوت نباشد که خلیفه‌ی او گردد. ایمان به خداوند در گرو کفر و بیزاری از طاغوت بودن است. «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره: ۲۵۶)

۸.۳ \* «وَأَفْشَاءَ السَّلَامِ» و افشا و انتشار سلام در مسلمانان!

### حقیقت سلام

«سلام علیکم» به عنوان شعار بین المللی مسلمانان برگرفته از نام «سلام» خداوند است. این نام آنقدر شیرین است که بهشتیان بیشترین سخنی که در بهشت می‌گویند به زبان جاری ساختن همین نام است «لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيْمًا، إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا» (واقع:

۲۵ و ۲۶) <sup>۳۹۱</sup> «

افشای سلام به معنای بر زبان جاری ساختن این نام خداوند در هر دیداری است. گفتن این نام مقدس باید همراه نشاط و معنویت باشد. باید شخص بداند چه نام پر فیضی را دارد بر زبان می‌آورد! اگر این معرفت حاصل شود آن وقت نه تنها در سلام کردن بر دیگران سبقت می‌جوید بلکه بعد از ملاقات با دیگران و سلام نمودن، معصیتی اتفاق نمی‌افتد.

سلام از سلامتی می‌آید. کسی که سلام می‌کند برای مخاطب خود آرزوی سلامتی و به‌روزی می‌کند. لذا بعد از سلام کردن نمی‌تواند کاری انجام دهد و یا حرفی بزند که باعث رنجش شود؛ این با آرزوی سلامتی در تضاد است. کسی که به دیگری سلام می‌کند و بعد به غیبت می‌پردازد، باعث شده است تا کسی را که برایش آرزوی سلامتی کرده است شنونده غیبت شود و کسی که شنونده غیبت است چه بسا گناهی بیشتر از غیبت کننده را در پرونده‌ی خود به ثبت رسانده است. آیا با گناهکار کردن فردی و آلوده ساختن آن می‌توان گفت که فرد در سلام کردن نیت خیر داشته است؟!

۸.۴ \* « وَ صُحْبَةَ الْكِرَامِ » و مصاحبت کریمان!

### رفاقت با خوبان

مصاحبت با کریمان توفیقی است که به هرکسی دست نمی‌دهد. کریم کسی است که آنچه از احسان در حق دیگری انجام می‌دهد

<sup>۳۹۱</sup> در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه [سخنی] گناه‌آلود. سخنی جز سلام و درود نیست.

وظیفه‌ای می‌داند که باید آن را به انجام برساند.

رفاقت با کریم انسان را کریم می‌سازد چون همه‌ی خصلت‌ها ابتدا از رفاقت‌ها شروع می‌شود. در حدیثی آمده است که اگر خداوند اراده کند تا به کسی خیری برسد برای او رفیقی صالح را بر می‌گزیند و در مقابل هم اگر قرار باشد شری به کسی برسد از طرف رفیق ناصالح به او خواهد رسید.

هر چند خداوند در ابتدا نسبت به همه‌ی انسان‌ها قصد خیررسانی دارد ولی این انسان‌ها هستند که با کردار نادرست خود سبب می‌شوند تا اطرافشان را انسان‌های نادرست گرفته و از مصاحبت با انسان‌های صالح محروم شوند.

این فراز از دعا تعبیری دیگری از این خواسته است که خدایا با آمرزش گناهان ما زمینه‌ی رفاقت ما را با خوبان و صالحان آماده ساز! رفاقت با صالحان نه تنها آرزوی ما که آرزوی خود صالحان نیز بوده است لذا خداوند از قول حضرت یوسف و حضرت ابراهیم نقل می‌کند که: «الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف: ۱۰۱، شعراء: ۸۳)

#### ۸.۵ \* «بَطْوَلِك» به حق انعامت!

«طول» به نعمت‌هایی گفته می‌شود که امتداد دارد و طولانی است.

در دعای روز هشتم، خواسته‌هایی مطرح شده است که در صورت تداوم است که می‌تواند با ارزش باشد. رسیدگی به وضعیت ایتام کاری نیست که به یک‌بار سرزدن به آنها امکان پذیر باشد و یا اطعام طعام باید به صورت یک رویه و سنت درآید تا موجب تحول روحی فرد گردد و همچنین افشای سلام ادبی است که باید به صورت عادت

درآید و همدمی با کریمان هم یک همراهی مداوم در زندگی است. همه‌ی این خواسته‌ها نیازمند نعمتی استوار است. لذا دعا کننده با تمسک به طول و نعمت‌های درازمدت خداوند، این خواسته‌ها را مطرح می‌کند.

### ۸.۶ \* « يَا مُلْجَا الْأَمَلِينَ » ای پناه آرزومندان!

آرزو همیشه با هراس توأم است. هراس برای محقق نشدن آرزو. آرزوهای انسان پناهی جز واقعیات ندارند یعنی برای محقق شدن حتما باید با واقعیات زندگی این اجازه را بدهند تا آرزویی محقق شود. فلسفه‌ی دعا ایجاد امیدواری در انسان است. انسان وقتی می‌بیند واقعیات زندگی‌اش هیچ راهی برای تحقق آرزوهایش نگذاشته است قطعاً ناامید شده و زندگی‌اش از حرکت باز می‌ایستد زیرا زندگی با آرزو جریان می‌یابد.

خداوند پناه همه آرزومندان و ناامید شدگان است. انسان در واقع با دعا کردن و اتصال به مبدأ هستی می‌خواهد واقعیات پیرامونش را دور بزند و انتظار دارد به وسیله‌ی دعا معجزه‌های اتفاق افتد. زندگی انسان‌ها بارها و بارها توسط همین معجزات دوباره به چرخش درآمده است.

### دعای روز نهم

« اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ اهْدِنِي فِيهِ لِبِرَاهِينِكَ »

السَّاطِعَةِ وَ خُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلَ الْمُشْتَأِقِينَ»<sup>۳۹۲</sup>

ترجمه: ای خدا مرا نصیبی از رحمت و اسعه‌ی خود عطا فرما و به ادله روشن خود هدایت فرما و پیشانی مرا بگیر و بسوی رضا و خشنودی که جامع (هر نعمت) است سوق ده به حق دوستی و محبتت ای آرزوی مشتاقان!

۹.۱ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيْبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ» ای خدا مرا نصیبی

از رحمت و اسعه‌ی خود عطا فرما!

هیچ کس نمی‌تواند دریافت کننده‌ی همه‌ی رحمت خداوند باشد زیرا رحمت خداوند از وسعتی بی انتها برخوردار است و انسان تا ابدیت از این رحمت‌ها بهره می‌برد.

اگر انسان در وقت نیاز مورد رحمت خداوند واقع شود و میزانی از آن نصیبش گردد دیگر با هیچ مشکلی مواجه نخواهد شد. همه‌ی مشکلات به خاطر محرومیت از رحمت خداوند است. وقتی رحمت الهی باشد آن وقت همه‌ی مشکلات تبدیل به اجر و ثواب خواهد شد و از هر شری خیری کثیر شامل حال انسان می‌گردد. محرومیت از رحمت خداوند همان مطرود شدن و ملعون گشتن است که از آن به خداوند پناه می‌بریم.

۹.۲ \* «وَاهْدِنِي فِيهِ لِإِبْرَاهِيمَ السَّاطِعَةِ» به ادله‌ی روشن خود هدایت

فرما!

<sup>۳۹۲</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند ثواب اعمال قوم بنی اسرائیل را به او می‌دهد.

قرآن می‌فرماید: « وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَاءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ » (یوسف: ۲۴) ۳۹۳

دقت در این آیه ما به نکات قابل تأملی رهنمون می‌سازد:  
دیدن «برهان رب» موجب شد تا حضرت یوسف از اظهار هوس به زلیخا در امان بماند.

اظهار علاقه به زلیخا و پاسخ گفتن به هوس او مصداق بارز فحشا بود. فحشا زشتی‌هایی است که بسیار رسوا کننده باشد.

عفت حضرت سبب شد تا خداوند از او سوء را نیز برگرداند یعنی خداوند مانع از این شد که زلیخا بتواند به او ضربه بزند هر چند حضرت به زندان رفت ولی زندان باعث شد تا حضرت یارانی در آن بیابد و بعد به کمک همین یارانش بتواند در مسئولیت اقتصادی که بعداً به عهده گرفت موفق عمل نماید.

«برهان رب» هدیه‌ی خداوند به حضرت بود زیرا او بنده‌ای خالص بود. خداوند به بندگان خالصش کمک می‌کند تا از شدائد زندگی و فتنه‌های مختلف به سلامت عبور کنند.

آنچه در این دعا از خداوند خواسته می‌شود این است که خدایا من را از «برهان رب» محروم نساز و به وقت نیاز آن را به کمکم بفرست.

گاهی برهان را عقل ارائه می‌دهد و گاهی خداوند این کار را می‌کند. تفاوت بین این دو همان تفاوت بین دو نوع از هدایت است که

۳۹۳ و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

قبلا به آن اشاره شد (رجوع کنید به دعای روز هفتم فراز پنجم). انسان بعد از التزام به برهان عقل به شرع رهنمون می‌شود و در لواء شرع به پارسایی می‌رسد و آن‌گاه خداوند او را تحت حمایت خاص خود قرار می‌دهد و در مواقع لزوم برهان خودش را به او می‌نماید. برهانی که همان یقین است.

۹.۳ \* « وَ خُذْ نِصَائِي إِلَىٰ مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ » و پیشانی مرا بگیر و به‌سوی رضا و خوشنودی که جامع (هر نعمت) است سوق ده!

### توفیق اجباری!

«نصیه» به موهای جلوی سر می‌گویند. وقتی این قسمت از موی سر توسط کسی گرفته شود به‌خاطر درد وارد شده و تقریبا عدم توانایی برای هرگونه دفاعی به هر طرف که او را بکشاند خواهد رفت. مضمون این دعا همان توفیق اجباری است که با واژه‌ی آن آشنا هستیم. توفیق اجباری یعنی فراهم شدن زمینه‌ای برای انجام کارهای صالح؛ هر چند در ابتدا با یک نوع اکراه و رودرواسی همراه باشد! جوّ دوستان می‌تواند انسان را به کارهای مختلفی وادار نماید. حال اگر این دوستان جزء پرهیزکاران باشند انسان وقتی درون آنها قرار می‌گیرد ناخودآگاه کمک می‌شود تا خوب باشد و پرهیزکار گردد. اصلا تعاونی که خداوند در ایجاد ارزش‌ها مورد تأکید قرار می‌دهد از همین سنخ است. «تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)

منظور از «الْجَامِعَةِ» در «مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ» این است که رضوان

خداوند جمع کننده همه‌ی خوبی‌ها است. وقتی خداوند از انسان راضی باشد و او را بپسندد و قبول کند این حکایت از جامعیت انسان می‌کند. حکایت از این دارد که همه‌ی زیبایی‌ها را انسان دارا شده است. خلیفه‌ی خداوند در زمین باید مظهر همه‌ی کمالات خداوند باشد. لذا است که مؤمن جامع همه‌ی صفات کمال است. خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه معروف به «خطبه‌ی همام» را مطالعه کنید و ببینید خداوند از چه مؤمنی خوشنود است! آری خشنودی خدا جامع همه‌ی صفات ارزشی است.

۹.۴ \* «بِمَحَبَّتِكَ» به حق دوستی و محبت!

### ملاک کسب محبت خداوند

مضامین دعای روز نهم با استمداد از محبت خداوند مورد درخواست قرار گرفته است.

محبت خداوند شامل همه‌ی انسان‌ها نمی‌شود. هر چند رأفت و دلسوزی خداوند شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۴۳) در قرآن عده‌ای از انسان‌ها مورد محبت او قرار گرفته‌اند و گروهی دیگر از محبت او خارج هستند. خداوند گناهکارانی که توبه نمی‌کنند دوست ندارد به‌خصوص: تجاوزگران، ناسپاسان، کافرین، ظالمین، متکبرین، فخر فروشان، خائنین، مفسدین، مسرفین و سرمستان را. و از طرفی اهل احسان را دوست دارد به‌خصوص: توابین، متطهرین، متقین، صابرین، متوکلین و عدالت پیشگان را.

مضامین دعای روز نهم دارای درجه‌ای از اهمیت است که تنها انسان‌هایی که تلاش نموده‌اند تا در نزد خداوند جایگاهی پیدا کنند



آن را درخواست می‌کنند. به‌خصوص فراز آخر این دعا حکایت از این حقیقت دارد.

۹.۵ \* « يَا أَمَلُ الْمُشْتَأِقِينَ » ای آرزوی مشتاقان!

### انگیزه و شوق

شوق در انسان هیچ زمان سطح ثابتی ندارد. به شدت متغیر و متزلزل است زیرا مواردی که انسان نسبت به آنها شوق دارد امور مادی است. وقتی انسان نسبت به امور مادی آرزویی را دارد و شوقی در او تشکیل می‌شود و بعد این شوق تشدید شده و فرد به هر وسیله که شده خودش را به آرزویش می‌رساند شوق اولیه‌اش فروکش می‌کند. شوق تنها وسیله و انگیزه برای تلاش بوده است و وقتی تلاش به ثمر نشست و یا کلا فرد ناامید از تلاش شد طبیعی است دیگر وظیفه‌ای برای ماندن ندارد. بر همین اساس است که عشق‌های رنگی با وصال از بین می‌رود و حتی ممکن است تبدیل به نفرت شود. اما امور معنوی این چنین نیست زیرا این امور مادی نبوده و حدّ و مرزی ندارد. در نتیجه انسان نمی‌تواند به آن احاطه پیدا کند در نتیجه حس کمال خواهی انسان همچنان مشتعل باقی مانده و شوق از پرداختن به این امور نه تنها کاسته نشده که بیشتر و بیشتر می‌شود.

به همین خاطر است که خداوند به عنوان مصداق اکمل و اساس همه‌ی امور معنوی شوق برانگیزترین آرزویی است که هر انسانی می‌تواند آن را تجربه کند. شوق و عشقی که هیچ پایانی ندارد و بیشتر و بیشتر انسان را شعله‌ور می‌سازد!

قرآن محبت شدت یافته و به تعبیر دیگر عشق را تنها از آن

مؤمنین به خداوند می‌داند زیرا غیر از خداوند نمی‌تواند محبت انسان را تبدیل به عشق کند. آنچه از عشق درباره‌ی غیر خداوند شنیده می‌شود تنها نامی از عشق را با خود یدک می‌کشد چون تنها در بعضی از علائم مانند عشق حقیقی خود را نشان می‌دهد. «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵) ۳۹۴.

## دعای روز دهم

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقْرَبِينَ إِلَيْكَ بِإِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ» ۳۹۵

ترجمه: ای خدا مرا در این روز از آنان که بر تو توکل کنند و نزد تو فوز و سعادت یابند قرار ده و مرا از آنان که مقربان درگاه تو باشند قرار ده به حق احسانت ای منتهای آرزوی طالبان.

۱۰.۱ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ» ای خدا مرا در این روز

از آنان که بر تو توکل کنند قرار ده!

## راز توکل

۳۹۴ برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند  
۳۹۵ هر کس در این روز این دعا را بخواند همه موجودات برای او استغفار می‌کنند.

توکل به معنای وکیل گرفتن است. توکل به خداوند به معنای وکیل قرار دادن او در حل مشکلات است.

زندگی همیشه همراه با رنج است «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَيْدٍ» (بلد: ۴) لذا انسان در دنیا با انواع مشکلات روبه‌رو می‌شود و بسته به نوع برخورد با مشکلات یا از حجم آنها می‌کاهد و یا بر آنها می‌افزاید که البته انسان‌ها غالباً بر مشکلاتشان می‌افزایند.

دین مجموعه‌ای از راه‌ها برای فائق آمدن بر انواع مشکلات است. دین اسلام برای همه‌ی دردها درمان دارد و برای همه‌ی بن‌بست‌ها راه برون رفتی را تدارک دیده است. در احادیث وارد شده است که:

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ»

توکل به معنای این است که با اعتماد به خداوند حل مشکلات را به او بسپاریم و به توصیه‌های او که در اسلام عزیز آمده است توجه کنیم تا خداوند هم در مشکلات معرفتی و اعتقادی راه برون رفتی از آن را برایمان مشخص نماید «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹) و هم در مشکلات جاری زندگی روزنی به رویمان بگشاید «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۲)

البته اتکال به عقل در حل مشکلاتی که او می‌تواند از عهده‌ی حلشان برآید نیز توکل به خداوند است زیرا عقل حجت و پیامبر باطنی است؛ منتها باید قدرت عقل را محدود دانست و مدام آن را با ملاک شرع مورد بررسی قرار داد که مبادا صدای هوس با زبان عقل شنیده شود! و آیات شیطانی به جای آیات الهی به قلب ما وارد شود!

۱۰.۲ \* «وَأَجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ» و نزد تو فوز و سعادت

یابند قرار ده!

## رستگاری

«فوز» به معنای رسیدن به مرحله‌ای است که انسان احساس کند آرزوهایش محقق شده است.

نهایت فوز را قرآن دور شدن از دوزخ و وارد شدن به بهشت می‌داند: «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ» (آل عمران: ۱۸۵) اگر انسان غایت فوز و رستگاریش را بهشت بداند در زندگی تلاش می‌کند تا به این آرزوی بزرگش دست یابد.

ولی غالب انسان‌ها آرزوهایشان محدود به همین دنیا است. منافقان در صدر اسلام در رفتن به جهاد تعلل می‌کردند ولی وقتی مؤمنین به جهاد رفته و در جنگ پیروز شده و غنائمی را بدست می‌آوردند می‌گفتند: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (نساء: ۷۳) بسیاری از مردم تحقق آمال دنیوی را فوز عظیم می‌دانند. پس آنها نمی‌توانند از خداوند به طور جدی بخواهند که فوز اصیل و حقیقی را شامل حالشان سازد.

برای رسیدن به بهشت و بالاتر از آن به رضوان خداوند، که فوز عظیم است (توبه: ۷۲) باید در دنیا آرزوهای معنوی را جایگزین آرزوهای مادی نمود. آرزوهایی مثل: توفیق اطاعت از خداوند و پیامبر او (نساء: ۱۳)، مهاجرت و جهاد در راه خداوند (توبه: ۱۰۰) نثار جان و مال در راه خداوند (توبه: ۱۱۱) یافتن نیروی تقوا و باز داشتن خود از بدی‌ها (غافر: ۹).

در واقع این دعا جهت آرزوی انسان را تصحیح می‌کند و می‌گوید

به دنبال چیزی باشد که نزد او فوز است. با تأکید بر قید «لدیک» در فراز دعا.

۱۰.۳ \* « وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَّقِينَ إِلَيْكَ » و مرا از آنان که مقربان

درگاه تو باشند قرار ده!

### قرب خداوند

انسان‌ها یا رو به خدایند و یا پشت به خداوند. ذکر و نسیان، توجه و اعراض، قرب و بعد، رحمت و لعنت همه واژگانی است که برای تبیین این حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال خداوند مثال نور است «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵)

قرب به او باعث از بین رفتن تاریکی‌ها در وجود انسان می‌شود. در نتیجه انسان بصیرت پیدا نموده و از همه‌ی زشتی‌هایی که مربوط به تاریکی است نجات می‌یابد.

البته هیچ‌کس به قرب کامل نائل نمی‌شود، مهم این است که انسان در رسیدن به قرب خداوند از دیگران پیشی گرفته و از نور او بیشترین بهره را بگیرد: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (بقره: ۱۰ و

(۱۱)

تنها قرب خداوند است که ایجاد نور در انسان می‌کند «مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور: ۴۰) هیچ راهی غیر از آن برای رهیدن از ظلمت وجود ندارد. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)

رسیدن به نور قرب خداوند بدون عمل به اسلام عزیز امکان پذیر

نیست « أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ » (زمر: ۲۲)

۱۰.۴ \* « بِإِحْسَانِكَ » به حق احسانت!

### حقیقت احسان (۱)

احسان رفع نیاز قبل از اظهار آن است. احسان گواراترین نوع کمک به دیگران است.

خداوند محسن است به معنای این که احتیاجات انسان‌ها را قبل از این که آنها از او بخواهند برآورده می‌سازد. در دعای ماه رجب می‌خوانیم: « يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ آمَنْ سَخَطَهُ عِنْدَ (مِنْ) كُلِّ شَرٍّ ۳۹۶ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ ۳۹۷ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنَّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً ۳۹۸ »

آنچه در دعای روز دهم از خداوند خواسته‌ایم با توسل به نام محسن مطرح نموده‌ایم. خداوند قبل از این که از او بخواهیم خود وکالت ما را بر عهده گرفته و بسیاری از مشکلات ما را حل نموده است. او بهشت برینش را از همینک برای پارسایان آماده نموده و زینت داده است « أُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ » (شعراء ۹۰) خدای محسن، با آمرزش بسیاری از گناهان ما قبل از این که ما از بخواهیم زمینه قرب به خودش را برای ما فراهم ساخته است. خدای ما خوب خدایی است، « إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ » هرچند ما بد بنده‌ای هستیم!

<sup>۳۹۶</sup> ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم و نزد هر شری از خشم او

ایمنی می‌جویم.

<sup>۳۹۷</sup> ای آنکه عطا می‌کنی بسیار را به کم ای آنکه هر که سؤال کند عطا می‌کنی.

<sup>۳۹۸</sup> ای آنکه به هر که سؤال نکند و تو را هم نشناسد باز از لطف و رحمت عطا

می‌کنی.

۱۰.۵ \* « يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ » ای منتهای آرزوی طالبان!

انسان مدام در حال جستجو است و به دنبال رشد بیشتری و وضعیتی بهتر و کمالی افزون‌تر است.

البته این که گفته شده است: «جوینده یابنده است» در امور دنیایی کلیت ندارد ولی در امور اخروی و معنوی حقیقت همین است. « مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا » (شوری: ۲۰) ۳۹۹

انسان در دنیا به دنبال چیزی می‌گردد که هیچ‌گاه به همه‌ی آن نمی‌رسد<sup>۴۰۰</sup>. او به دنبال آرامش است. آرامش تنها در یاد خداوند است: « أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » (رعد: ۲۸)

بر این اساس جویندگان و کمال خواهان تنها باید به دنبال خدا باشند و در پی ذات اقدسش حیران باشند که به همین خاطر نام او الله است. الله مألوهی است که دیگران، واله و حیران او هستند!

### دعای روز یازدهم

« اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَ كَرِّهْ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ وَ حَرِّمْ عَلَيَّ »

<sup>۳۹۹</sup> کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم  
<sup>۴۰۰</sup> لذا در آیه فوق خداوند می‌فرماید هرکس به دنبال دنیا باشد ما قسمتی از او را به خواهیم داد! با توجه به «من» در «منها» که به معنای تبعیض است

فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرَانَ بَعْوَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ<sup>۴۰۱</sup>»

ترجمه: ای خدا در این روز احسان و نیکویی را محبوب من و فسق و معاصی را ناپسند من قرار ده و در این روز خشم و آتش قهرت را بر من حرام گردان به یاری خود ای فریادرس فریاد خواهان!

۱۱.۱ \* «اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي فِيهِ الْإِحْسَانَ» ای خدا در این روز احسان و

نیکویی را محبوب من نما!

### حقیقت احسان (۲)

احسان را قبلاً معنا کردیم و گفتیم به معنای رفع نیاز قبل از اظهار آن است.

خداوند در سوره‌ی حجرات آیه ۷ می‌فرماید: «لَكِنَّ اللَّهَ حَبِّبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» با توجه به این که خداوند در این آیه محبوب گردانیدن ایمان و مکروه نمودن فسق و معصیت را کاری انجام شده از طرف خودش برای مؤمنین می‌داند چگونه است که در این دعا همین محبوبیت و مکروهیت را دوباره مؤمنین از خداوند می‌خواهند؟

محبوبیت ایمان و احسان و ناخوش داشتن کفر و فسق و عصیان در برهه‌ای از زمان - در صدر اسلام و در ده سال نخست هجرت - محقق شد و اسلام ریشه دواند و همه شبه جزیره عربستان را درنورید ولی این نعمت بزرگ توسط مسلمانان به درستی پاس داشته نشد. هر

<sup>۴۰۱</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند برایش یک حج مقبول به همراه پیامبر اسلام و یک عمره با اهل بیت ایشان نوشته می‌شود. هر حج با پیامبر . عمره با اهل بیت ایشان برابر با هفتصد هزار حج و عمره با دیگران است.



نعمتی نیازمند به محافظت و پاسداری دارد و الا باز پس گرفته می‌شود. آیا مسلمانان بعد از شهادت پیامبرشان با پشت کردن به مظهر ایمان که امام علی(علیه‌السلام) باشد و با رو کردن به دیگران که مصداق اکمل کفر و قسوق و عصیان باشد نعمت هدایت را پاس داشتند؟! متأسفانه همه‌ی امت‌ها پس از ایمان به پیامبرشان در آزمون اقرار به ولایت جانشین پیامبر خود مردود می‌شدند و به همین خاطر شریعتی که آورده شده بعد با تحریف همراه می‌شد و گمراهی دوباره سایه شومش را می‌گستراند.

ما در این دعا از خداوند می‌خواهیم که ما را در راه هدایت ثابت قدم بدارد و همچنان ایمان و احسان را در نظرمان زیبا جلوه داده و با پناه دادن ما و محافظت از شر شیطان هیچ چیز از کفر و معصیت و فسق در نظر ما جلوه نکند و زیبا ننماید.

خداوند در قرآن بیش از همه به محسنین اظهار محبت نموده است لذا در پنج جای قرآن مضمون این آیه وجود دارد که: « وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ » بر همین اساس رحمت خداوند بیشتر به محسنین نزدیک است: « إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ » (اعراف: ۵۶)

یکی از مصادیق مهم احسان گذشتن از خطای دیگران قبل از عذرخواهی آنها است. توجه به این نکته بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی را سامان می‌بخشد: « فَأَغْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ » (مائده: ۱۳)

در اسلام احسان به والدین از اهمیت خاصی برخوردار است. اصلا یکی از تمایزات اسلام با دیگر ادیان و مکاتبی داعیه‌ی رستگاری انسان را دارند همین احسان به والدین به عنوان توصیه مهم برای

برون رفت از مشکلات عدیده است.

خداوند در قرآن هر جا مسئله احسان به والدین را مطرح نموده است، قبل از آن مسئله‌ی توحید و نفی شرک را مطرح کرده است. احسان به والدین و توجه کافی در کمک به آنها همراه با تکریم شخصیتشان ادعای موحد بودن انسان را به خوبی به اثبات می‌رساند. زیرا برای اثبات توحید، شکرگذاری نعمت‌های او و به خصوص تشکر از والدین که واسطه‌ی نعمت وجود هستند تنهاترین راه است. گرچه طبق احادیث، والدین معنوی که پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امام علی (علیه‌السلام) باشند از اولویت نخست برای احسان برخوردار هستند.

عزیزان در این ماه مبارک از احسان غفلت نکنیم زیرا هنگام مرگ هرچه از خداوند بخواهیم که ما را برگرداند تا جزء محسنین گردیم سودی ندارد: «أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَءَايَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ<sup>۴۰۲</sup>» (زمر: ۵۸ و ۵۹)

۱۱.۲ \* « وَ كَرَّةٌ اِلٰى فِیهِ الْفُسُوْقَ وَ الْعِصْيَانَ » و فسق و معاصی را ناپسند

من قرار ده!

## فسق اعتقادی

فسق در فرهنگ قرآن به معنای انحراف در عقیده است. لذا در

<sup>۴۰۲</sup> یا چون عذاب را ببیند، بگوید: اگر بار دیگر به دنیا باز می‌گردیدم، از نیکوکاران می‌شدم. آری، آیات من برای تو نازل شد و تو گردنکشی کردی و از کافران بودی.

این فراز از دعا هم انحراف اعتقادی و هم انحراف رفتاری مورد نظر قرار گرفته است.

ریشه همه‌ی انحرافات تمایل به انحراف است. تا زمانی این تمایل از بین نرود عصمت از گناه و انحراف در انسان به وجود نمی‌آید. حضرات معصومین (علیهم‌السلام) به این نقطه از کراهت و انزجار نسبت به گناه رسیده‌اند لذا بدون آن که نیروی عصمت آنها را مجبور به تقوا کند آنها خود راه تقوی را برگزیده‌اند درست مثل این که ما هیچ تمایلی نسبت به خوردن آب کثیف نداریم بلکه نسبت به این عمل متنفر و منزجر هم هستیم.

استجابت این فراز از دعا متوقف بر استجابت قسمت نخست این دعا است؛ زیرا تا احسان نزد ما محبوب نشود و ما رو به احسان نیاوریم زشتی گناه نزد ما آشکار نشده و همچنان فریب شیطان را خورده و کارهای زشتمان نزدمان جلوه خواهد داشت.

۱۱.۳ \* « وَ حَرَّمُ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَ النَّيْرَانَ » و در این روز خشم و آتش

قهرت را بر من حرام گردان!

### رابطه‌ی خشم خداوند و دوزخ

آتش دوزخ همان خشم خداوند است که اینگونه ظهور پیدا نموده است.

در این دعا سخط و خشم خداوند به همراه خصوصیت شعله‌وری دوزخ آورده شده است تا این حقیقت را گوشزد نماید که بهشت و دوزخ و اصلا همه‌ی هستی مظهر اسماء خداوند است. وقتی باران می‌بارد دعا مستجاب است. چرا؟ زیرا باران نشان مهربانی خداوند

است. پس باید از این فرصت استفاده نموده و با خداوند خواسته‌ها مطرح شود.

خداوند هم بهشت را و هم دوزخ را به خود نسبت می‌دهد « وَ ادْخُلِي جَنَّتِي » (فجر: ۳۰)، « نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ » (همزه: ۶) هر چه از عمر بهشت و دوزخ بگذرد ارحم الراحمین بودن خداوند و اشد المعاقبین او بیشتر در آنها جلوه خواهد کرد و بر شکوه نعمت‌های بهشتی و دردناکی عذاب‌های دوزخی اضافه خواهد شد! و چون جهان آخرت را نه‌ایتی نیست و همچنین عمق اسماء خداوند دارای حدی نبوده و بی‌منتها است لذا سرور در بهشت و اندوه در دوزخ پایانی نداشته و هیچ عادی و تکرار نمی‌شود.

یکی دیگر از رابطه‌های «سخت» و «نیران» این است که وقتی انسان در دنیا مواظب خشم خداوند نباشد زندگی خود را جهنمی می‌سازد که شعله‌هایش درون او را می‌سوزاند. همان‌گونه که انسان معاصر، زندگی خویش را به جهنمی تبدیل نموده است!

#### ۱۱.۴ \* « بَعُوْنِك » به یاری خود!

مضامین دعای روز یازدهم با توسل به اسم معین خداوند مورد درخواست قرار گرفته است. معین یعنی کمک کننده.

به کمک خداوند انسان این توفیق را پیدا می‌کند تا اهل احسان به دیگران باشد و با این احسان به دیگران کمک کند تا بر مشکلاتشان فائق آیند. خداوند با کمک به محسن شدن انسان‌ها همه را به یاری یکدیگر ترغیب می‌کند و همچنین با بیدار نگه داشتن وجدان انسان‌ها جلوی سرکشی آنها را گرفته و آنها را از ستم به یگدیگر باز می‌دارد.

خداوند به حلم و فرو نشانیدن خشمش نمی‌گذارد تا زندگی انسان‌ها سراسر دوزخی شود که در آن هیچ گیاه ایمانی نروید و هیچ سرو انسانی‌تی رشد کند. اینها همه کمک‌های خداوند به بشریت است. هر چند با این همه بعضی از انسان‌ها آنقدر سرکش هستند که کمک خداوند را پس زده و با لئامت و پستی از زشتی‌های خود متأسف نبوده بلکه به آن می‌بالند.

۱۱.۵ \* « يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ » ای فریادرس فریاد خواهان!

### استغاثه‌ی موجودات هستی

غوث به معنای نجات دادن و مورد حمایت قرار دادن شخصی است که به شدت دچار سختی شده است؛ آنقدر سخت که او را به فریاد وا داشته است.

در آیات زیادی از قرآن به این حقیقت تصریح شده است که وقتی حلقه‌ی بلا در زندگی انسان تنگ و تنگتر می‌شود و او به سختی ناامید شده و از هراس بی‌کسی فریاد می‌کشد و بدون آن که کسی را مد نظر داشته باشد تنها فریاد می‌کشد، خداوند در کار او گشایش ایجاد می‌کند و به فریادش می‌رسد هرچند پس از حل مشکل او حلال مشکلش را فراموش می‌کند و باز با انحراف از اصول انسانیت و ایمان خود را دچار مشکلات جدیدی می‌سازد و چرخه همچنان ادامه می‌یابد. « قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُّلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ، قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ

تُشْرِكُونَ<sup>۴۰۳</sup>» (انعام: ۶۳ و ۶۴)

## دعای روز دوازدهم

«اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقَنُوعِ وَالْكَفَافِ وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ وَآمِنِّي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِنِينَ»<sup>۴۰۴</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا به زیور ستر و عفت نفس بیارای و به جامه‌ی قناعت و کفاف بپوشان و به کار عدل و انصاف بدار و از هر چه ترسانم مرا ایمن ساز به نگهبانی خود ای نگهدار و عصمت بخش خدا ترسان عالم!

۱۲.۱ \* «اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسُّتْرِ وَالْعَفَافِ» ای خدا در این روز مرا به

زیور ستر و عفت نفس بیارای!

## لباس عفت

<sup>۴۰۳</sup> بگو: چه کسی شما را از وحشتهای خشکی و دریا می‌رهاند؟ او را به زاری و در نهان می‌خوانید که اگر از این مهلکه ما را برهاند، ما نیز از سپاسگزاران خواهیم بود. بگو: خداست که شما را از آن مهلکه و از هر اندوهی می‌رهاند، باز هم بدو شرک می‌آورید.

<sup>۴۰۴</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند آثار سوء کارهای خوب و بدش در گذشته و در آینده پوشیده می‌شود (لِيُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ) و خداوند بدیهایش را تبدیل به خوبیها می‌کند.

لباس انسان را علاوه بر این که از سرما و گرما محافظت می‌کند او را زیبا نیز می‌نماید.

رسوایی آنچنان انسان را نزد خودش و نزد دیگران زشت می‌کند که هیچ زیبایی نمی‌تواند در مقابل آن مقابله نموده و از شدت زشتیش بکاهد. بلکه هر چه زیبایی ظاهری و موقعیت اجتماعی بیشتر باشد به وقت رسوایی زشتی انسان بیشتر موجب آزار و اشمئزاز می‌شود. خداوند بلعم باعورا را تشبیه به سگی می‌کند که در همه حال له له می‌زند! او به حدی از رشد رسیده بود که مستجاب الدعوه شده بود ولی با همراهی طاغوت زمانش بر علیه پیامبری برخاست که خود به او گرویده بود! (اعراف: ۱۷۶)

در این دعا از خداوند خواسته می‌شود اولاً زشتی‌هایی که از ما سر زده است بپوشان تا گندایش ما را رسوا نسازد و ثانیاً از درون قدرتی در ما به وجود بیاورد تا دیگر سوی این زشتکاری‌ها نرویم.

عفت به معنای قدرتی درونی برای پرهیز از اموری است که رسوایی به بار می‌آورد. بیشتر عفت در مورد کنترل شکم پرستی و شهوت‌رانی بکار می‌رود. در روایتی از امام باقر (علیه‌السلام) آمده است که خداوند به هیچ چیزی همچون باز داشتن شکم و قوای جنسی از گناه، پرستیده نشده است! « مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِقَةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ » (کافی: ۸۰/۲۲)

انسان با افکار مادی خودش با نادیده گرفتن امور معنوی برای زینت خود تنها به دنبال آرایش‌های مادی و جلوه‌های دنیایی می‌رود غافل از آن که در نزد اهل دنیا نیز حضرت یوسف زمانی زیبایی‌اش چند چندان شد که درخواست زلیخا را رد کرد و زندان را بر آنچه او و

دیگران به سویش دعوتش می کردند ترجیح داد: « رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ  
مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ » (یوسف: ۳۳)

هر دعایی را باید در پی استجابتش بود. در پی استجابت بودن این دعا به این است که خود زمینه‌ی رسوایی خودمان را فراهم نسازیم به این معنا که رازمان را به احدی نگوییم و آنچنان وقیح عمل نکنیم که خداوند هم با این که ستار العیوب است دیگر پوششمان ندهد و همچنین با مبارزه با نفس سرکش هوس‌های شکمی و شهوی خود را سرکوب نماییم و وقتی عزم خود را برای این منظور جزم نمودیم و مقدمات این مبارزه آماده ساختیم آن وقت از خداوند بخواهیم ما را در این امر موفق نموده و کمکمان کند. از خود حرکتی نشان ندهیم برکتی را شاهد نخواهیم بود!

۱۲.۲ \* « وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ » و به جامه‌ی قناعت و

کفاف بپوشان!

### ارزش قناعت

انسان‌های قانع سریع‌تر از دیگران می‌گویند: «بس است» و انسان‌های حریص دیرتر از دیگران می‌گویند: «بس است».

غالباً انسان‌ها حریص هستند. در مواد خوراکی، پوشاک، لوازم منزل، کیفیت منزل مسکونی، وسایل نقلیه، جایگاه اجتماعی، میزان درآمد، بکارگیری خشم و شهوت، فخر فروشی، داشتن قدرت جسمی و ... در همه‌ی این مواد حریص هستند و دیر قانع شده و یا اصلاً قانع نمی‌شوند. دهانشان را جز خاک گور پر نمی‌سازد! انسان‌ها در فرصت طلایی زندگی دنیا که باید برای آخرت خود توشه بر دارند تا لب گور



مشغول سرگرمی به همین تکاثر و زیاده طلبی‌های مادی هستند.  
 «أَلْهَيْتُكُمْ التَّكَاثُرُ، حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (تکاثر: ۲)»

گرچه قناعت همه‌ی کمال نیست و ممکن است با بعضی از زشتی‌ها جمع شود و انسان باید علاوه بر داشتن خصلت قناعت، دیگر خصلت‌های ارزشی را نیز در خود ایجاد نماید ولی روحیه‌ی قناعت سبب می‌شود تا عیوب انسان نزد دیگران آشکار نشود و عزت او حفظ گردد. و در مقابل حرص انسان را عریان و زشت نزد دیگران جلوه می‌دهد.

انسان‌ها اگر در امور مادی به بالا دست خود نگاه نکنند بلکه خود را با پایین دست‌ها مقایسه کنند احساس دارایی می‌کنند و از حرص مادی‌یشان کاسته می‌شود و در امور معنوی خود را با بالاتر از خودشان بسنجند احساس عقب ماندگی نموده و حرص معنوی خود را تقویت می‌کنند. حرص مادی و حرص معنوی در تقابل با یکدیگر قرار دارند. هر کدام بیشتر باشد، دیگری کمتر خواهد بود.

خداوند به پیامبرش هشدار می‌دهد که: « لا تُعْجِبِكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ » (توبه: ۸۵)، « لا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى ما مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى » (طه: ۱۳۱)

هر چه انسان در دنیا از امکانات رفاهی بیشتر برخوردار باشد و توان برآوردن هوس‌هایش را بیشتر داشته باشد، آزمون‌های الهی را برای خودش سخت تر می‌نماید و بیشتر دچار فتنه می‌گردد.

انسان قانع حتی در مقابل دنیای دنیاداران شگفت زده نیز نمی‌شود. چه رسد به این که این دنیا را هوس کند و بعد بخواهد هوسش را محقق سازد.

۱۲.۳ \* « وَ اَحْمِلْنِي فِيهِ عَلَيِ الْعَدْلِ وَ الْاِنْصَافِ » و مرا به کار عدل و

انصاف بدار!

## عدل و انصاف

عدل، اعتدال و میانه‌روی است و انصاف به معنای دیگران را مثل خود انگاشتن است.

عدل در سه حوزه‌ی اعتقاد و اخلاق و اعمال قابل مصداق‌یابی است.

عدل در اعتقاد مطابق با صواب و حقیقت است به معنای این که کسی که عادلانه می‌اندیشد یعنی به آنچه درست است و حقیقت دارد معتقد است و آن را اظهار می‌دارد. عدالت در قضاوت در حوزه عدل اعتقادی قابل طرح است.

عدل در اخلاق به معنای نفی افراط و تفریط در خلقیات نفسانی است مثل شجاعت که میانه بین گستاخی (تهور) و ترس (جُبْن) است. همه‌ی فضائل اخلاقی، میانه‌ی بین دو رذیله اخلاقی هستند.

عدل در اعمال به معنای ستم نکردن است. که هم شامل گفتار می‌شود و رفتار. عدالت در گفتار همان صدق و راستگویی است و عدالت در رفتار همان انصاف و مواسات است.

«انصاف» و بعد «مواسات» و همچنین «به یاد خداوند بودن در همه‌ی حالات روحی» سه عنوان برای سخت‌ترین کارهایی هستند که خداوند انسان‌ها را به آن مأمور ساخته است (کافی: ۱۴۵/۲).

انصاف به معنای این است که برای دیگران بپسند هر آنچه برای خود می‌پسندی و برای آنها نپسند هر آنچه برای خود نمی‌پسندی. و این کاری بس سخت و سترگ است و لذا به عنوان «سید الاعمال» از

آن نام برده شده است.

۱۲.۴ \* « وَ آمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ » و از هر چه ترسانم مرا ایمن

ساز!

### مقابله با ترس

حزن و ترس دو خصلتی است که خاکسترش بر سر همه‌ی انسان‌ها نشسته است.

اندوه، ترس از گذشته است و ترس، اندوه بر آینده می‌باشد. ترس هراسی است که به‌خاطر نگرانی نسبت به حوادث آینده در انسان شکل می‌گیرد. و اندوه باقیمانده هراسی است که از حوادث ناگوار گذشته در جان‌ش جا خوش کرده است.

برای فائق آمدن بر ترس و اندوه باید با حوادث به صورت عینی و واقعی برخورد کرد. حادثی که در دنیا برای انسان اتفاق می‌افتد بیشتر ذهنی و وهمی است. به عبارت دیگر حوادث تلخ و شیرین دنیا قبل از آمدنشان بیشتر یک حادثه هستند تا وقتی که می‌آیند. انتظار این حوادث رنج آورتر و یا لذت بخش‌تر از خود این رویدادها می‌باشند. زیرا دنیا حقیقتی پست دارد. نه رنجشش عمق دارد و نه لذتش.

اما آخرت بر عکس دنیا است. هر آنچه از رنج‌های آخرت که در تصور بیاید واقعیت آن بسیار بیشتر هولناک‌تر است. و همچنین در سرورهای آخرت نیز بسیار لذت‌بخش‌تر از چیزی است که تخیل می‌شود.

اسلام عزیز انسان را نسبت به حقیقت عوامل ترس در دنیا و

آخرت آن‌گونه آشنا می‌کند که انسان بعد از چندی نسبت به عوامل ترس‌های دنیوی شجاع شده و کمتر این عوامل در او ترس ایجاد می‌کنند و در مقابل نسبت به ترس‌های اخروی هراسان و ترسان شده و احتمال ضعیف دوزخی شدن نیز به سختی دچار وحشت می‌شود. بد مردمانی هستند آنها که ترسوی دنیا و گستاخ آخرت هستند! به‌راستی ما بد مردمانی هستیم! خدایا نجاتمان بده که سخت به نجات تو نیازمندیم!

با پناه بردن به تعالیم خداوند و تفکرات توحیدی می‌توان شجاعت را در خود تقویت نمود و ترس را از خود زدود و نسبت به شرور دنیوی ایمن شد آن‌گونه که در سوره فلق آمده است. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْأَلْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»

۱۲.۵ \* «بِعِصْمَتِكَ» به نگرهبانی خود!

### حقیقت عصمت

خواسته‌های در این دعا با تمسک به اسم عاصم مطرح شده است.

عصمت بیشتر نگهداری‌های روحی و درونی است در مقابل محافظت که بیشتر مربوط به بازدارایی‌های بیرونی است.

با دقت در مضامین دعای روز دوازدهم در می‌یابیم که قناعت و عدالت و امنیت در تقابل با حرص و ظلم و ترس قرار دارد. برای بهره‌مندی از صفات ارزشی و رهایی از خصلت‌های مقابل آنها ما به شدت نیازمند یک عصمت درونی هستیم، عصمتی که ما را از ذهنیات وهمی خارج کند و با واقعیت دنیا آشنا سازد.

ما وقتی فکر می‌کنیم لذت در داشتن بیشتر است و زمانی که فکر می‌کنیم ستم ما را زودتر به اهدافمان می‌رساند تا عدالت، و زمانی که فکر می‌کنیم با پیروی از ترس می‌توانیم از شرور دنیوی رهایی یابیم. ما دچار وهم شده‌ایم و اصلاً فکر نکردیم.

لذت در «به اندازه داشتن» است. عدالت ما را زودتر به اهدافمان می‌رساند. اصلاً با ستم هیچ هدفی محقق نمی‌شود و تنها با شجاعت می‌توان به امنیت رسید. ملتی که از ابرقدرت‌های پوشالی می‌ترسد او همیشه خواهند ترسید حتی اگر مدرن‌ترین اسلحه‌های جهان را داشته باشد.

۱۲.۶ \* «يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ» ای نگهدار و عصمت بخش خدا ترسان

عالم!

### اهمیت سوره‌ی ناس

سوره‌ی ناس برای رهایی از ترس‌های معنوی و سوره فلق برای رهایی از ترس‌های مادی نازل شده است. در سوره‌ی ناس با تمسک به سه نام رب، مالک و اله از وسوسه که تنهاترین علت ترس‌های معنوی است به خداوند پناه برده می‌شود. علت تمسک به این نام نیز به‌خاطر این است که شیطان از با وسوسه‌ای که می‌کند می‌خواهد در انسان نسبت به ربوبیت و مالکیت و در نهایت نسبت به الوهیت خداوند انسان را دچار تردید نموده و در ادامه انسان را نسبت به اسماء ذات مقدس منکر سازد.

در سوره فلق با تمسک به نام رب الفلق که به معنای پروردگار صبح است، روح امید و زندگی را در انسان زنده نموده و به این وسیله

او را از شرارت‌های موجودات جهان هستی و از آن جمله انسان‌های فریب کار (غاسق) و مشکل ساز (نفاثات) خصوصا حسودان ایمن دارد. همه‌ی عوامل ترس انسان‌ها در این دو سوره خلاصه شده است. این مختصر جای توضیح بیشتر درباره‌ی مضامین این دو سوره نیست می‌توانید خود در این باره به مطالعه بپردازید و تفکر کنید یقیناً تأثیر زیادی در احساس امنیت شما خواهد داشت.

### دعای روز سیزدهم

«اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ وَصَبِّرْنِي فِيهِ عَلَى كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ»<sup>۴۰۵</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا از پلیدی و کثافات پاک ساز و بر حوادث خیر و شر قضا و قدرت صبر و تحمل عطا کن و بر تقوی و پرهیز کاری و مصاحبت نیکوکاران موفق دار به یاری خود ای مایه‌ی شادی و اطمینان خاطر مسکینان.

۱۳.۱ \* «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ» ای خدا در این روز مرا از

پلیدی و کثافات پاک ساز!

### طهارت بیرونی و دورنی

منظور از «دنس» آلودگی‌های باطنی و منظور از «الاقذار» آلودگی‌های ظاهری است.

<sup>۴۰۵</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند به تعداد هر سنگ و کلوخی به او حسنه داده شده و به همین تعداد در بهشت به او درجه داده می‌شود.

طهارت از دنس و آلودگی درونی دارای دو مصداق شاخص است: طهارت رفتاری و طهارت قلبی.

اما طهارت رفتاری: از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که: مؤمن زمانی اعمال خود را نیکو کند خداوند هر عملش را هفتصد برابر می‌کند زیرا خداوند می‌فرماید: « وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ »؛ بنابراین اعمال خود را نیکو کنید! اعمالی که برای ثواب، انجامشان داده‌اید. از امام سؤال شد که نیکو کردن عمل به چه معناست؟ حضرت پاسخ دادند: زمانی که نماز می‌خوانی رکوع و سجده‌ها را نیکو کن و زمانی که روزه می‌داری خودت را از آنچه روزه‌ها را فاسد می‌کند نگهدار و زمانی که حج می‌گذاری نسبت به محرّمات حج و عمره تقوا داشته باش! هر عملی که برای خدا انجام می‌دهی باید از آلودگی‌ها پاکیزه باشد. (مستدرک الوسائل ۴/۴۴۳)

اما طهارت قلبی: امام صادق (علیه‌السلام) در مصباح الشریعه (ص: ۱۶۰) می‌فرمایند: وقتی خداوند کسی را با نور تأییدش به مقام عصمت برساند و توفیقات نیکویی برایش تدارک ببیند قلبش را از آلودگی پاک می‌نماید لذا معرفت و تقوا هیچ‌گاه از او دور نمی‌شود. البته طهارت قلبی در مصداق اکمل آن طبق آیه تطهیر<sup>۴۰۶</sup>، اختصاص به ائمه‌ی معصومین دارد ولی شیعیان ایشان نیز می‌توانند هر کدام به میزان تلاش خود و استمداد از ذات ربوبی بهره‌ای از این تطهیر داشته باشند.

طهارت از اقدار و آلودگی‌های ظاهری به شدت مورد تأکید اسلام

<sup>۴۰۶</sup> إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب: ۳۳)

ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.

است؛ آن‌گونه که التزام به آن نیازمند به توفیق از ناحیه‌ی خداوند است لذا در دعای روز سیزدهم این خواسته مطرح شده است که: «خدایا من را از آلودگی‌ها تطهیر فرما!»

مسواک زدن، استحمام نمودن، استنجاء (تطهیر دو مخرج مدفوع و ادرار)، اجتناب از نجاسات، عطر زدن، پوشیدن لباس نظیف و پاکیزه از مهم‌ترین عناوین در حوزه نظافت و بهداشت در منابع اسلامی است.

پیامبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «بِئْسَ الْعَبْدُ الْقَادُورُ» (کافی: ۴۳۹/۶) فردی که کثیف است بد بنده‌ای است! و امام علی (علیه‌السلام) نیز در فرمایشی دیگر می‌فرمایند: با آب بوی تند عرقی که باعث آزار دیگران می‌شود پاکیزه کنید. خود را مدام مورد بررسی قرار دهید، زیرا خداوند از فردی که کثیف و چرک است نفرت دارد، کسی که همنشینانش از او به‌خاطر کثیفی‌اش دوری می‌کنند. (وسائل‌الشیعه: ۲۴۶/۱)

۱۳.۲ \* « وَ صَبْرُنِي فِيهِ عَلَي كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ » و بر حوادث خیر و شر

قضا و قدرت صبر و تحمل عطا کن!

### قضا و قدر

در کائنات و همه‌ی اجزای جهان هستی مقدرات الهی جریان دارد.

مقدرات الهی برای بعضی خیر و برای بعضی شر به همراه دارد. یکی از مباحث مهم اعتقادی بحث «قضاء و قدر» است. قضاء یعنی



حکم و قدر یعنی اندازه. برای هر چیزی برای به‌وجود آمدن و رشد کردن و تغییر کردن و از بین رفتن آن اندازه و قدر خاصی وجود دارد. اندازه‌ای که تعیین می‌کند موجودات جهان در چه زمان و در چه مکان و با چه شرایطی و به چه مقدار تغییر را قبول کرده و از چه میزان تغییر سرباز زده و چگونه مسیر رشدشان را طی نمایند. منتها همه‌ی این اندازه‌ها بدون حکم نهایی که از طرف خداوند صادر می‌شود باعث تحولی در جهان نمی‌شود.

مثلا مردم با رأیی که می‌دهند شخصی را به عنوان رییس جمهور انتخاب می‌کنند ولی تا ولی فقیه این رأی را تنفیذ نکند برای انتخاب مردم ارزشی وجود ندارد. میزان رأی مردم است ولی این میزان در حد یک پیشنهاد است. این ولی فقیه است که باید به پیشنهاد و انتخاب مردم مهر صحت بزند. انتخاب مردم، «قدر» است و نتفیذ رهبری «قضاء» است.

وجود مقدرات در جهان هستی موجب شده است تا بشر به علم دست یابد. اگر اساس جهان طبق قدر و نظمی برپا نبود هیچ گزاره‌ای شکل نمی‌گرفت و در نتیجه علمی به‌وجود نمی‌آید.

وقتی گفته می‌شود یک لیتر آب در صد درجه حرارت به جوش می‌آید این نشان اندازه‌ای است که برای جوش آمدن آب وجود دارد. منتها علم حجابی بزرگ است! به این معنا که انسان تصور می‌کند دست خداوند بسته است و طبیعت کار خودش را می‌کند! و خداوند توانی برای تغییر حوادثی که خود آنها را نظم بخشیده است ندارد!!

قرآن به نقل از یهود می‌گوید: « اینان دست خدا را بسته

می‌دانند! دست خودشان بسته باد! دستان خداوند باز است! و هر طور که بخواهد به بندگانش روزی می‌دهد. قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مائده: ۶۴)

«قدر» قانون خداوند است؛ ولی هیچ قانونی بدون مشیت و حکم او جریان پیدا نمی‌کند. این حقیقت امید زیادی را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد و باب دعا را به سوی انسان‌ها می‌گشاید.

مقدرات و قوانین موجود در جهان هستی به هیچ موجودی اجازه‌ی تخلف نمی‌دهد و انسان بر اساس اشتباهاتی که مرتب می‌شود طبیعت او را مجازات می‌کند.

آنچه در این فراز از دعا از خداوند خواسته می‌شود این نیست که خدایا بر خلاف مقدرات حکم کن تا من آسیب نبینم بلکه می‌گوید من به مقدرات احترام می‌گذارم ولی به من این صبر را عنایت کن تا بتوانم مشکلاتی که قوانین جهان برای من فراهم می‌سازد تحمل کنم و با بررسی درست حوادث زندگی تجربه‌ی کافی به دست آورده و از تکرار حوادث ناخوشایند جلوگیری کنم.

۱۳.۳ \* « وَ وَفَّقَنِي فِيهِ لِتَقِي وَ صَحْبَةِ الْأَبْرَارِ » و بر تقوی و پرهیزکاری

و مصاحبت نیکوکاران موفق دار!

تنها راه برای این انسان مورد تکریم و احترام خداوند باشد تقوی است. « إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ » (حجرات: ۱۳)

پرداختن به عبادات و همه‌ی کارهای صالح و فراگیری علم و معرفت همه و همه در خدمت تقوا است. اگر نتیجه آنها فزونی تقوا و ترک گناه نباشد هیچ ثمری ندارد.

برای متقی شدن باید از بهداشت محیطی استفاده کرد. بهداشت محیطی به معنای زندگی کردن در میان انسان‌هایی است که خوبند و تلاش می‌کنند تا بهتر باشند و کارهای ناشایست مرتکب نشوند و اگر زشتی از آنها سر زد آن را جبران نمایند.

مصاحبت با ابرار به انسان کمک می‌کند تا سراغ زشتی‌ها نرود. اصلاً انسان بدون کمک افراد نیکوکار جامعه نمی‌تواند به تقوا برسد. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (مائده: ۲)

#### ۱۳.۴ \* «بِعَوْنِكَ» به یاری خود!

آنچه در این دعا از خداوند خواسته می‌شود با توسل به اسم معین انجام می‌گیرد.

تطهیر از آلودگی‌ها، قدرت تحلیل درست حوادث زندگی همراه با صبر و شکیبایی و توفیق برای یافتن یاورانی ایمانی برای رشد در مسیر تقوا و پارسایی تنها به کمک خداوند قابل تحقق است.

هر چه اهداف معنوی انسان بیشتر باشد و درباره‌ی آنها جدی‌تر پی‌گیر باشد بیشتر احساس نیازمندی به خداوند می‌کند و حریصانه‌تر به دعا می‌پردازد.

#### ۱۳.۵ \* «يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ» ای مایه شادی و اطمینان خاطر

مسکینان!

**باید مسکین بود!**

شادی وقتی به اوج خودش برسد چشم انسان نوری خاص از خود

ساطع می کند و انگار که روشن می شود!

وجود ذات مقدس خداوند آنچنان سروری در انسان به وجود می آورد که می شود این سرور را از چشمان او خواند. ولی آیا همه ی انسان ها این سرور را درک می کنند؟ خیر! ملاک در تجربه این سرور میزان احساس نیاز به خداوند است. مسکین کسی است که فقر او را خانه نشین نموده است. اگر این احساس در انسان به وجود بیاید که بدون کمک او توان انجام هیچ کاری را ندارد آن وقت خداوند را رگ حیاتی خودش می داند و مثل هوا از تنفس آن شادمان می گردد.

اما اگر انسان به توانمندی های خودش مغرور شود، احساس نیاز به خداوند نمی کند و خداوند را وجودی تشریفاتی در جهان خلقت می پندارند، در نتیجه دیگر چه انتظاری است که او نسبت به خداوند احساس زندگی و سرور داشته باشد؟!

در دعاها بارها انسان خود را این گونه معرفی می کند: «أَنَا عَبْدُكَ الْخَاضِعِ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الْمُهِينُ الدَّلِيلُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْعَلِيلُ الْمُحْتَاجُ.»

هرچه احساس انسان هنگام معرفی خود در آستان خداوند حقیقی تر و جدی تر باشد شادمانی اش درباره ی خداوند فزونی می یابد و حقاً وجود و مقدسش قره العین و چشم روشنی اش می گردد و به جایی می رسد که هم نوا با مولایش امام علی (علیه السلام) می شود که: «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا أَنْتَ كَمَا أَحَبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ. برای من همین عزت بس که عبد تو باشم و برایم همین افتخار بس که تو رب من باشی! تو همان گونه هستی که دوستت دارم من را نیز آن گونه قرار بده که دوستم داشته باشی.»

(خصال: ۴۲۰/۲) این برترین مناجاتی است که یک انسان با خداوند خویش نموده است!

## دعای روز چهاردهم

«اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقْلِبْنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۴۰۷</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا به لغزش‌هایم مؤاخذه مفرما و عذر خبط و خطاهایم بپذیر و مرا هدف تیر بلاها و آفت‌ها قرار مده به حق عزت و جلالت ای عزت بخش اهل اسلام.

۱۴.۱ \* «اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ» ای خدا در این روز مرا به

لغزش‌هایم مؤاخذه مفرما!

## برخورد با لغزش‌ها

عثرات به معنای لغزش‌ها است.

انسان گاهی تصمیمی بر گناه می‌گیرد بر این اساس مقدمات آن را آماده می‌سازد و گاهی تصمیمی بر گناه ندارد بلکه به ناگاه خودش را در وضعیتی می‌بیند که مقدمات گناه خودبه‌خود آماده شده و او به صورت غافلگیرانه مرتکب معصیت می‌شود.

نام گناه نوع دوم لغزش است. انسان پس از ارتکاب لغزش به

<sup>۴۰۷</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند گویا با پیامبران و شهداء و صالحین روزه گرفته است!

زودی پشیمان شده و از خداوند طلب عفو می‌کند.

خداوند انسانی را که لغزیده است می‌بخشد به شرط آن که:  
 اولاً: زمینه‌ی لغزشش را بررسی کند تا دوباره مبتلا به آن نشود  
 «اجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعُتْرَةِ، از محافلی که موجب لغزش می‌شود اجتناب نما.»  
 (وسائل الشیعه: ۳۰۷/۱۲)

دوما: کار خوبی را انجام دهد زیرا خداوند می‌فرماید: «این کار خوب است که کار بد از بین می‌برد. إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود: ۱۱۴)

کار خوب در اولویت نخست باید مرتبط با کار زشتی باشد که انجام داده است. مثل این که از کسی عذرخواهی کند و یا تاوان مال از بین رفته‌ای را پرداخت نماید.

سوما: حق مؤاخذه را برای خداوند محفوظ بداند و او را در عقاب نمودن عادل بداند. اگر این شرط نباشد هیچ گناهی بخشوده نمی‌شود حتی اگر بسیار کم باشد و یا کارهای خوب بسیاری پس از آن انجام گیرد.

۱۴.۲ \* «وَأَقْلَنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ» و عذر خبط و خطاهایم

بپذیر!

خطا و عثره و هفوه همه به یک معنا است و آن گناهایی است که با تصمیم قبلی همراه نبوده است. این نوع از گناهان را باید مهم تلقی کرد زیرا مقدمه‌ی ورود به گناهان بزرگ هستند.

قرآن زیاد شدن و احاطه‌ی همین نوع از گناهان به ظاهر کم اهمیت را بر انسان، سبب خلود و جاودانگی او در آتش دوزخ می‌داند:

« بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ »  
(بقره: ۸۱)

در نهج البلاغه حکمت ۷۸ دعایی از امام علی (علیه‌السلام) نقل شده است که در آن مصادیق گناهان لغزشی تبیین شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاطِ وَسَقَطَاتِ الْأَلْفَاطِ وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَهَفَوَاتِ اللِّسَانِ» شاید با نگاهی کسی بترسد و با واژه‌ای کسی آزرده شود و در قلب با تصویری از گناه شهوتی افروخته گردد و زبان لغزشی کند و با ترجیحی که سکوت دارد اما سخنی گفته شود! خدایا همه را ببخش!

لغزش‌ها باعث می‌شود تا انسان‌ها همیشه احساس کنند نیازمند به عنایت خدایند و در هیچ زمان نمی‌توانند این خاطر جمعی را داشته باشند که دیگر آسیبی از ناحیه‌ی شیطان نمی‌بینند.

انبیا نیز از این لغزش‌ها ایمن نیستند آنها هم باید خود را مدام در حصن خداوند قرار دهند و همچنین پیروان آنها نیز نباید درباره‌ی آنها معتقد به الوهیت شوند زیرا آنها نیز اگر مورد محافظت قرار نگیرند وسوسه شده و می‌لغزند.

امام علی (علیه‌السلام) هفوات و لغزش‌های انبیا را کاری خدایی می‌داند با این استدلال که انبیا به خاطر معجزاتی که می‌آوردند ممکن است در قلب اطرافیان خود آنقدر بزرگ جلوه کنند که درباره‌ی آنها معتقد به الوهیت شوند آن‌گونه که درباره‌ی حضرت عیسی معتقد شدند. (احتجاج: ۲۴۹/۱)

۱۴۳ \* « وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ » و مرا هدف تیر بلاها

و آفت‌ها قرار مده!

## ضعف انسان

غرض به معنای سیبیل است. سیبیل هدفی است که به آن تیر می‌اندازند.

انسان موجود به شدت ضعیفی است. او باید با قدرت عقلش بر ضعفش فائق آید. دین به انسان کمک می‌کند تا عقلش را قوی کند. خداوند با محول نمودن تکالیفی بر عهده‌ی انسان در نظر دارد زندگی انسان را سامان بخشیده و راه رشد را برای او آسان کند: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸) این آیه نمی‌خواهد بگوید ما تکالیف ساده‌ای را برای انسان تدارک دیدیم زیرا او موجود ضعیفی است بلکه می‌خواهد بگوید چون او موجود ضعیفی است و ما می‌خواهیم برخورد با مشکلات برای او آسان باشد تکالیفی را بر عهده‌اش گذاشتیم تا با کمک آن عقلش را رشد دهد و خود را از خطرات برهاند. در آیه‌ی دیگری نیز خداوند همین مطلب را می‌خواهد القاء نماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) کار دیگری خداوند برای انسان انجام داده است این است راه دعا را بر انسان گشوده است تا او بتواند از قدرت خداوند برای حل مشکلاتش خارج از مجاری طبیعی جهان بهره ببرد. خداوند انسان را تنها نگذاشته است و به او نگفته است که خودت باید همه‌ی مشکلاتت را به کمک عقل و شرع حل کنی! خیر او با مهربانی به انسان گفته است اگر من را برای حل مشکلاتت بخوانی من کمکت خواهم کرد. البته تا جایی که استجابت دعا به ضررت تمام نشود و تو



را از رشد عقلی و ایمانی باز ندارد!

همه‌ی دعاهایی که برای دفع مرض‌ها است مربوط به همین فراز از دعاست. مانند: دعایی که ابن طاووس در کتاب الامان نقل نموده است که هر زمان دردمندی را دیدی دستت را بر دست راست او بگذار و بگو: «أَسْكُنُ أَيُّهَا الْوَجَعُ وَارْتَحِلِ السَّاعَةَ مِنْ هَذَا الْعَبْدِ الضَّعِيفِ سَكُنْتُكَ وَرَحَلْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (الامان ص: ۱۶۳) آرام شو ای درد! و همین الان از این بنده ضعیف کوچ کن! من تو را آرام نموده و به کوچ وادار می‌کنم به واسطه‌ی کسی که آنچه در شب و روز هستند (یعنی همه‌ی موجودات) در محضر او رام هستند و او شنوا و بینا است.»

۱۴.۴ \* «بِعِزَّتِكَ» به حق عزت و جلالت!

مضامین دعای روز چهاردهم با استمداد از نام عزیز مورد درخواست قرار گرفته است.

«عزیز» به معنای غالب و قاهری است که هیچ مغلوب نمی‌شود. به نظر می‌رسد ارتباطی که بین این نام خداوند با مضامین دعای روز چهارم باشد این است که: انسان با مدیریت درست خطاها و لغزش‌هایش می‌تواند آنها را به حداقل برساند و به این وسیله خود را از تیرس بلایا و آفات دور نموده و عزت خودش را تضمین نماید. خصوصاً با توجه به فراز آخر دعا (یا عز المسلمین) اگر مسلمین توجهی به خطاها و لغزش‌هایشان نداشته باشند و فکری نکنند دچار انواع بلایا و آفات شده و طبیعی است که در این صورت عزت خود را بین دیگر مردم جهان از دست می‌دهند. آن‌گونه که همینک نیز کم و

بیش در این چنین وضعیتی به سر می‌برند!

۱۴۵ \* « يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ » ای عزت بخش اهل اسلام!

### راز عزت مسلمانان

قرآن می‌فرماید: أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)  
 مسلمانان برتر خواهند به شرط آن که به مرحله‌ی ایمان برسند.  
 متأسفانه از صدر اسلام این توهم وجود داشت که صرف مسلمانی  
 بدون رعایت موازین ایمانی گروهی برتر هستند. و حال آن که قرآن  
 بالصراحه می‌گوید از این توهم خارج شوید و ایمانی را که هنوز داخل  
 قلب‌هایتان نشده است را مدعی نشوید. « قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ  
 لَكِنْ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِنْ تَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا  
 يَلْتَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا » (حجرات: ۱۴) مسلمانی به اطاعت خدا و رسول  
 است و مهمترین مصداق اطاعت از رسول التزام به ولایت ائمه‌ی  
 معصومین و در پی آن ولایت فقیه است.

بر همین اساس بارها خداوند در قرآن مدعیان ایمان را مورد  
 خطاب قرار می‌دهد و به آنها یادآور می‌شود که باید چه کارهایی را  
 انجام داده و چه کارهایی را ترک کنند و اندیشه‌ی خود را چگونه  
 تصحیح نمایند حتی در آیه‌ی ۱۳۶ سوره نساء می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ. ای مؤمنین! مؤمن باشید! »

بر مسلمانان فرض است با رعایت آداب مسلمانی و ایمانی از هر  
 نظر برتری خود را بر کفار ثابت کنند زیرا خداوند این تضمین را  
 نموده است که با عمل به اسلام عزیز هیچ راه نفوذ و برتری برای کفار

بر مسلمانان وجود ندارد. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»  
(نساء: ۱۴۱)

آنچه امروز ما شاهد آن هستیم چیز دیگری است. از عزتی که خداوند برای مسلمانان در نظر گرفته است خبری نیست! نه این که خداوند خلف وعده نموده باشد! خیر این مسلمانان هستند که تنها به یک اسم اکتفاء نمودند و با شعار «حسبنا کتاب الله» نه به کتاب خداوند توجهی نمودند و نه از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) معرفتی کسب نمودند.

اگر قرار باشد تنها نسبت به یک اسم تعصب نشان دهیم چرا باید به یهودیان این حق را ندهیم که آنها از ما برتر باشند و حال آن که دین آنها قدیمی‌تر از دین ماست. قرآن بارها یهودیان را به خاطر تعصب نسبت به یک اسم توخالی و ادعای بی‌دلیل پیروی از حضرت موسی توبیخ می‌کند. آنها خودشان را نجات یافته از آتش دوزخ می‌دانند و حال آن که به تورات عمل نمی‌کنند! «قَالُوا لَنْ نَمَسَّ النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَ غَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ»<sup>۴۰۸</sup> (آل عمران: ۲۴)

آیا می‌توان به مسلمانان این حق را داد که خود را تافته‌ی جدا بافته بدانند و حال آن که به قرآن عمل نمی‌کنند؟! متأسفانه شیعیان نیز این چنین هستند. آنها به صرف احساس محبت نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) توقع دارند بهشتی شده و مورد شفاعت قرار گیرند و حال آن که غالب آنها هیچ تلاشی برای عصمت و طهارت خویش نمی‌کنند! مگر کسی هست که نسبت به انسان‌های

<sup>۴۰۸</sup> آنان [به پندار خود] گفتند: «هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید»، و بر ساخته‌هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است.

کامل احساس محبت نکند؟! گل را چه کسی دوست ندارد؟! مهم آن است که این محبت افزایش یابد و به حد تبعیت و الگوبری برسد: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران: ۳۱) آمرزش خداوند تنها نصیب کسانی می‌شود که محبتشان به خداوند آنها را به اطاعت از پیامبر خداوند دعوت کند.»

### دعای روز پانزدهم

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْتَبِينَ بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.»<sup>۴۰۹</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز طاعت بندگان خاشع خود را نصیب من گردان و شرح صدر عنایتم کن به حق تضرع برگزیدگان به حق امان دادنت ای ایمنی دل‌های ترسان!

۱۵.۱ \* «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ» ای خدا در این روز طاعت

بندگان خاشع خود را نصیب من گردان!

### حقیقت خشوع

<sup>۴۰۹</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند هشتاد حاجت از حوائج دنیایی او را و بیست حاجت از حاجت‌های اخروی او را برآورده می‌سازد و برایش هزار شهر را که مال اوست تا همسایگی انبیاء بالا می‌برد؛ شهرهایی که از نور می‌درخشد. در هر شهری یک میلیون خانه وجود دارد و در هر خانه یک میلیون اطاق است و در هر اطاق هرچه نفس میل داشته باشد و چشم از آن لذت ببرد وجود دارد!

خشوع به معنای فروتنی درونی و قلبی است در مقابل خضوع که به فروتنی بیرونی و رفتاری اطلاع می‌شود.

طاعت خاشعانه تنها طاعتی است که مقبول خداوند بوده در نتیجه می‌تواند زندگی انسان را متحول سازد. ولی اگر طاعت خاشعانه نباشد یقیناً به خاطر نداشتن تداوم، جامعیت، خلوص و معرفت نمی‌تواند نقش عمده‌ای را در تحول انسان باعث شود و صد البته خداوند نیز آن را قبول نمی‌کند.

خشوع در یکی از مشهورترین طاعات را بررسی می‌کنیم: قرآن نماز بدون خشوع را سنگین معرفی می‌کند « وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ » (بقره: ۴۵) سنگین بودن نماز تنها ذهنی است. زیرا چند رکعت نماز خواندن کار زیادی را نمی‌برد. این سنگینی ذهنی سبب خواهد شد تا کیفیت نماز پایین آمده و نمازگزار در پی اتمام سریع آن باشد و حتی انجام آن را به انتها وقت بیاندازد و در پی صحت آن نبوده و آن را همیشه به جای نیابد مگر این که عادت به خواندن نماز داشته باشد و عادت نیز نماز را از روح تهی می‌سازد. با این حساب نمی‌توان از این چنین نماز انتظار داشت که ناهی از فحشاء و منکر باشد و موجب معراج مؤمن گشته و او را به مقام قرب برساند.

خشوع و فروتنی درونی وقتی به وجود می‌آید که انسان نسبت به خداوند هراس و محبت داشته باشد. هراس و محبت، با تقوا و کیفیت بخشی به طاعات به دست می‌آید. گناهان را ترک کنیم و آداب مربوط به هریک از واجبات را رعایت کنیم.

## سوره‌ی انشراح

شرح صدر به معنای وسعت روح و بالا رفتن ظرفیت و عمق پیدا نمودن تفکر و دریافت بصیرت است.

قرآن در سوره‌ی انشراح، یکی از نعمت‌های بزرگی که به پیامبرش اعطا نموده است را شرح صدر معرفی می‌کند. «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ، وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ، الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ»<sup>۴۱۰</sup> شرح صدر موجب می‌شود تا بار مشکلات کمر شکن روی دوش انسانی سنگینی نکند. همچنان که حضرت موسی برای آغاز مأموریت خود و رفتن سراغ فرعون برای نجات بنی اسرائیل از خداوند می‌خواهد که: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه: ۲۵ و ۲۶)

شرح صدر سبب می‌شود تا انسان به راحتی بتواند مسئولیت‌های اجتماعی را به انجام برساند چیزی که کمتر مسئولین سیاسی و اجتماعی کشورها از آن برخوردار هستند بسیار از حاکمان نه تنها باری از دوش مردم خود بر نمی‌دارند بلکه بیشتر بر دوش آنها بار می‌گذارند و خودشان را نیز به انواع زشتی‌های آلوده می‌سازند.

عمل به دستورات اسلام عزیز می‌تواند این شرح صدر را ایجاد نماید «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام: ۱۲۵) راز برتری دین اسلام و تفوق مسلمانان واقعی بر دیگران نیز در همین است. در سوره‌ی انشراح ثمره داشتن شرح صدر بلند آوازه شدن بیان شده

<sup>۴۱۰</sup> و بار گرانت را از [دوش] تو برداشتیم؟ [باری] که [گویی] پشت تو را شکست.

است. « وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ »

۱۵.۳ \* « بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ » به حق تضرع برگزیدگان!

### تأثیر تضرع برای دیگران!

« انابه » به معنای تضرع و زاری به درگاه خداوند است و محبتین به معنای برگزیدگان است.

انسان‌ها به شدت تحت تأثیر یکدیگر قرار دارند. بیماری‌های روحی و جسمی آنها به یکدیگر سرایت نموده و معنویت و نشاطشان نیز می‌تواند روی دیگران تأثیر مثبت بگذارد.

نماز شب یک مؤمن می‌تواند تا چهل خانه را از اطراف لایق رحمت خاص پروردگار بنماید. یکی از راه‌های تعاون بر خوبی و پارسایی صرف خوب بودن است. لازم نیست حتما پند و اندرز در کار باشد انسان با خوب بودن خود عطر خوبی را در اطراف خود منتشر می‌سازد.

انابه و تضرع انسان‌های پاک می‌تواند این تأثیر را داشته باشد که انسان‌های پیرامون آنها خاشع شده و روحشان وسعت یافته و نگاهشان به دنیا و آخرت عمیق شود.

دایره‌ی این تأثیر بسته به میزان برگزیده شده‌گی آنها و خلوص در تضرع آنهاست. قطعاً ناله‌های نیمه شب امام زمان (عجل الله تعالی - فرجه الشریف) سرچشمه‌ی احساس‌های معنوی انسان‌ها و تسبیح همه‌ی موجودات جهان هستی است. یک قطره اشک او برکتی می‌یابد که هزاران چشمه از آن می‌جوشد و باران باران اشک مهربانی و معنویت از چشمان مردم دنیا جاری می‌گردد.

خداوند از تأثیر زبور خواندن حضرت داوود روی حیوانات اطرافش سخن می‌گوید: « وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ <sup>۴۱۱</sup> » (سبأ: ۱۰) در احادیث روایات زیادی از این تأثیر سخن گفته‌اند. مثلاً یکی از آداب نماز این ادب است که لباس بیشتری را در هنگام نماز مورد استفاده قرار دهید زیرا لباس‌های شما نیز با شما تسبیح می‌گویند!

۱۵.۳ \* «بِأَمَانِكَ» به حق امان دادنت!

### امنیت موجودات هستی

مضامین دعای روز پنجم با استمداد از نام امین مورد درخواست قرار گرفته است.

امین به کسی می‌گویند که دیگران با اتکا به سخن او و قدرت او احساس امنیت و آرامش می‌کنند. خداوند برنامه‌های مختلفی را برای حفظ و یا ایجاد امنیت موجودات جهان هستی تدارک دیده است. نحوه‌ی بقاء نسل موجودات، ساز و کار رزق دهی به آنها، بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی برای ایجاد امنیت روانی، وجود قوانین تخلف ناپذیر و ... همه و همه موجب شده است تا زمین با این همه‌ی تباهی که توسط خود انسان‌ها در آن انجام می‌پذیرد قابل سکنی بوده و انسان‌ها و همه‌ی موجودات بتوانند در مسیر رشد خود حرکت کنند. فرشتگان بیشترین مخلوقات جهان آفرینش هستند که از تعداد قطرات باران نیز بیشترند. فرشتگان بدون هیچ کندی و با دقت زیاد و

<sup>۴۱۱</sup> و به راستی داوود را از جانب خویش مزیت‌ی عطا کردیم. [او گفتیم: ای کوه‌ها، با او [در تسبیح خدا] هم‌صدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]



علم کامل همه‌ی اوامر خداوند را در جهت تدبیر جهان هستی و ایجاد امنیت اطاعت می‌کنند.

۱۵.۴ \* « يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ » ای ایمنی دل‌های ترسان!

### حقیقت ترس از خدا

ترس موجب ناامیدی است. و طبق ضرب‌المثل معروف که «در ناامیدی بسی امید است» هیچ انسانی در اوج ناامیدی نمی‌تواند منکر روزنی امید باشد. این روزن امید همان احساس خوشایندی است که خداوند در انسان‌ها ایجاد می‌نماید.

قرآن از قول حضرت نوح که قومش را نصیحت می‌کرد نقل می‌کند که: «فَقَرُّوا إِلَيَّ إِلَهِي اللَّهُ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (ذاریات: ۵۰) هشدار در انسان ترس ایجاد می‌کند هرچند این ترس از خداوند و عذاب‌های اوست ولی باز خود او آغوش می‌گشاید و برای آنها که ترسیده‌اند پناهگاه می‌شود و امنیت ایجاد می‌کند. مادری که فرزند خود را تنبیه می‌کند، همو آغوش می‌گشاید تا فرزندش در پناه او احساس امنیت و آرامش کند.

ترس از خداوند در واقع ترس از خود است ترس از دشمنی است که در درون ما خانه کرده است و جز به هلاکت ما راضی نمی‌شود. و الا خدا که ترس ندارد. خدایی که جامع همه‌ی صفات جمال و کمال است ترس دارد؟! اگر خدا ترس دارد پس دیگر چه ترس ندارد؟! ترس از خدا ترس از عدالت اوست. عدالتی که بخششی در آن نیست! «الهی عاملنا بفضلك و لا تعاملنا بعدلك یا کریم!»

## دعای روز شانزدهم

«اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنَّبْنِي فِيهِ مِرَاقَقَةَ الْأَشْرَارِ وَآوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ بِالْهَيْتِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ»<sup>۴۱۲</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا بر موافقت نیکان موفق بدار و از رفاقت اشرار جهان دور گردان و مرا در بهشت دارالقرار به رحمت منزل ده به حق الهیت و معبودیت ای خدای عالمیان!

۱۶.۱ \* «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُؤَافَقَةِ الْأَبْرَارِ» ای خدا در این روز مرا بر

موافقت نیکان موفق بدار!

## هماهنگ بودن با ابرار

قرآن اولی الالباب را کسانی معرفی می‌کند که از خداوند می‌خواهند تا لحظه مرگ همراه با ابرار باشند: «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»<sup>۴۱۳</sup> (آل عمران: ۱۹۳)

موافقت با خوبان همیشه کار آسانی نیست زیرا ابرار کسانی هستند که از هر آنچه بیشتر دوست دارند در راه خداوند هزینه

<sup>۴۱۲</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند زمانی که از قبرش خارج می‌شود نوری با پرتوی زیاد به او داده می‌شود تا با آن راهش را بیابد و لباسی فاخر به او داده می‌شود و شتری که سوارش شود، از آب بهشت سیراب خواهد شد.

<sup>۴۱۳</sup> پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را ببامرز، و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران.

می‌کنند «لَنْ تَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲) و اگر شخصی بخواهد با آنها همراهی کند باید این چنین اهل ایثار باشد.

اولین گام جهت موافقت با خوبان موافقت قلبی است یعنی این که کار آنها را درست بداند. متأسفانه در مرحله نخست موافقت با ابرار نیز خیلی‌ها مردود می‌شوند. یعنی بسیاری نه تنها زحمت همراهی عملی با خوبان را به خود تحمیل نمی‌کنند بلکه اصلاً با کارهای آنها موافق هم نیستند...

ابرار امر به معروف می‌کنند آنها این کار را فضولی می‌دانند. ابرار مالشان را ایثار می‌کنند آنها این را هدر دادن مال می‌شناسند.

ابرار با اطرافیان مسلمان با نرم‌خویی و عفو گذشت و تساهل برخورد می‌کنند آنها این کار را ساده‌لوحی می‌بینند.

ابرار با کفار شدید و از موضع قدرت برخورد می‌کنند آنها این را تهور و گستاخی ناپجا می‌دانند.

راضی بودن به هر کاری انسان را در ثواب و عقاب آن کار شریک می‌کند. این شرکت سبب می‌شود تا به مرور فرد از نظر رفتاری نیز آمادگی همراهی را پیدا کند.

۱۶.۲ \* « وَ جَنَّبِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ » و از رفاقت اشرار جهان دور

گردان!

### تفاوت ابرار با اشرار

رفیق به معنای همراه در سفر است و چون مسیر زندگی مانند سفری است که همه ناگزیر از حرکت در آن هستند به همراهان در

زندگی نیز رفیق گفته می‌شود.

اشرار همچون راهزنانی هستند که همراهی با آنها نتیجه‌ای جز به سرقت رفتن همه‌ی دارایی‌های انسانی و ایمانی نمی‌تواند ثمری داشته باشد.

اشرار از نظر فکری و رفتاری در تقابل با ابرار هستند. بنابراین شناخت این دو گروه متوقف بر یگدیگر است. می‌توان با دقت در آیات قرآن به تفاوت فاحشی که بین ابرار و اشرار وجود دارد پی برد:

۱. ابرار از مسائل جنجالی بی‌ثمر دوری گزیده و در

هیاهوهای فتنه‌انگیز اجتماعی تنها مواظب ایمان خود هستند

(بقره: ۱۷۷) در مقابل اشرار به‌خصوص منتظر این چنین

جریان‌هایی هستند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

۲. ابرار برای رسیدن به هر هدفی از راه‌های معقول و

مشروع آن اقدام می‌کنند (بقره: ۱۸۹) ولی اشرار تنها به هدف

خود می‌اندیشند و با آنها ستم‌ها و بدعت‌ها تلاش می‌کنند تا به

آن برسند آنها معتقدند که هدف وسیله را توجیه می‌کند.

۳. ابرار تحت هیچ شرایطی دست از نیکویی در حق دیگران

بر نمی‌دارند ولی اشرار با اولین ناسپاسی که در حقشان می‌شود

سوگند یاد می‌کنند که دیگر به کسی خوبی نخواهند کرد!

(بقره: ۲۴۴).

۴. ابرار برای خوب بودن و خوب ماندن حاضر هستند

عزیزترین دارایی خود را ایثار کنند (آل عمران: ۹۲) ولی اشرار

همین که مجبور شوند برای خوب بودن هزینه‌گرافی بپردازند از

خوب بودن انصراف می‌دهند.

۵. ابرار فریب جلوه‌های دنیوی کفار را نمی‌خورند (آل عمران: ۱۹۸ - ۱۹۶) ولی اشرار به محض مشاهده‌ی زندگی پر زرق و برق کفار شگفت‌زده شده و سعی در همانندی با آنها می‌کنند.

۶. ابرار یگدیگر کمک به خوب بودن می‌کنند و اشرار یگدیگر را ترغیب به شرارت می‌نمایند. (مائده: ۲)

۷. ابرار بیشترین خوبی و احسان را در حق والدین خود روا می‌دارند (مریم: ۱۴ و ۳۲) و اشرار اولین شرارت و بیشترین آن را در رابطه‌ی با والدینشان روا می‌دارند.

۸. ابرار همه‌ی گفتگوهایشان در محور انجام بهتر اعمال صالح می‌گردد (مجادله: ۹) ولی اشرار هر زمان گرد هم می‌آیند تنها از کارهای زشتی که کرده‌اند یا انجام خواهند داد سخن می‌گویند.

۹. ابرار با مخالفین خود که اظهار دشمنی دینی نمی‌کنند به نیکویی برخورد نموده و خیرشان را به آنها می‌رسانند (ممتحنه: ۸) ولی اشرار با هر کس که با آنها مخالف باشد بدی می‌کنند.

۱۶.۳ \* « وَ آوِنِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ دَارِ الْقَرَارِ » و مرا در بهشت دار

القرار به رحمت پناه ده!

## دارالقرار

« دار قرار » خانه آخرت است در مقابل دار دنیا که خانه نیست

بلکه گذرگاهی که باید از آن گذر نمود.

همیشه انبیا به مردم خود گوشزد می‌کردند که در دنیا به دنبال آرامش نباشید زیرا آرامش آن فریبی بیش نیست. *يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ* (غافر: ۳۹)

ولی مردم غالباً فریب دنیا را خوردند و این باعث نشد نه دنیا روی آرامش را ببینند و نه در آخرت به قرار و امنیت و آرامشی برسند. همه‌ی فریب شیطان در این است که به انسان وعده‌ی آرامش بدهد و انسان برای رسیدن به این آرامش به هر وسیله‌ای دست می‌زند و در آخر هم، او می‌ماند با قلبی پر از اضطراب و انسانیت‌ها و ایمان‌های بر باد رفته و بال‌هایی که از اوج محروم مانده و پرونده‌ای که مملو از تبه‌کاری است و آخرتی پر از عذاب که انتظارش را می‌کشد.

در این فراز از دعا مؤمن از خداوند می‌خواهد تا آخرت او را جایی برای آرامش ابدی او قرار دهد. آرامش داشتن در جهان آخرت برای همه‌ی ملل و ادیان از اهمیت زیادی برخوردار است. ولی این اهمیت سبب نمی‌شود تا آنها با استفاده از توصیه‌های اصیل و حقیقی خداوند به این مهم دست یابند بلکه با توصیه‌هایی ابداعی و انحرافی تلاش در فریب بیشتر خود و دیگران دارند و گمان کنند که مردگان‌شان به آرامش رسیدند! مثلاً تابوتشان را زیبا قرار می‌کنند و قبرش را در جایگاه خاص قرار می‌دهند و برایشان مراسمی با شکوه می‌گیرند و یا مردمان گذشته زنان مردگان را به صورت زنده با آنها دفن می‌کردند که در جهان برزخ با آنها همدم باشند و یا عرب جاهلی شتری که صاحبش مرده است را با او دفن می‌کردند تا روز قیامت وقتی از قبر

برخواست بدون مرکب نمانند!! و صدها رسم و آیین دیگر.  
ولی اسلام به انسان آموخته است با مسئله «دارالقرار» بودن  
آخرت شوخی نکند و با خرافه با این مسئله برخورد ننماید زیرا هیچ  
مسئله‌ای مهم تر از این نیست. همه‌ی تلاش اسلام عزیز صرف این  
می‌شود که انسان بتواند در زندگی جاودان آخرت آرامش داشته باشد.

۱۶.۴ \* « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ كُنْ بِهٖ حَقَّ الْهَيْتِ وَ مَعْبُودِيَّتِ! »

مضامین دعای روز شانزدهم با تمسک به نام «اله» مورد  
درخواست قرار گرفته است.

«اله» نام ذات مقدسی است که همه‌ی موجودات جهان  
سرگردان و واله و شیدای او هستند.

مضامین دعا همه در موضوع رفاقت و آرامش است. رفاقت با ابرار  
و پرهیز از اشرار و تلاش برای آرامش در آخرت، همه در گرو شیدایی  
نسبت به ذات حق است. او تنها حقیقتی است که باید کرنش انسان  
را برانگیزاند و محبتش به گونه‌ای و خشمش به نحوی انسان را  
بشوراند. دل به چشم او گره خورد که با هر کرشمه و هر خروشی دل  
از کف برود.

رسالت همه‌ی انبیا موحد نمودن انسان‌هاست و این که خداوند را  
مبدأ و مرجع همه چیز معرفی کنند. «انا لله و انا الیه راجعون»  
الله که تنها اسم علم خداوند است از «اله» مشتق شده است و الله  
آنچنان پر معناست که همه‌ی اسماء خداوند را در خود جای داده  
است.

۱۶.۵ \* « يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ » ای خدای عالمیان!

توضیح این فراز در دعای روز اول گذشت.

## دعای روز هفدهم

« اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَاقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ »<sup>۴۱۴</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا به اعمال صالح راهنمایی کن و حاجت‌ها و آرزوهایم برآورده ساز ای کسی که نیازمند به شرح و سؤال بندگان نیستی ای خدایی که به سراپر خلق آگاه است. درود فرست بر محمد و آل اطهار او.

۱۷.۱ \* « اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ » ای خدا در این روز مرا به

اعمال صالح راهنمایی کن!

### ملاک عمل صالح

انجام اعمال صالح لازمه‌ی ایمان به خداوند است. خداوند به شدت با این تفکر مخالفت نموده است که: «ایمان صرفاً یک مسئله قلبی است و ضرورت ندارد در رفتار انسان تغییر ایجاد کند!» و یا «ایمان را باید به خانه‌ها برد و از ظهور آن در اجتماع و تأکید بر باید اجتناب کرد» این تفکرات، سکولار نمودن دین در همه‌ی ابعاد است

<sup>۴۱۴</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند آمرزیده خواهد شد هر چند از زمره زیانکاران محشور شود!



جدا ساختن دین از سیاست، از پزشکی، از روانشناسی، از هنر و از اقتصاد و ...

در قرآن اعمال صالح و پرهیز از رفتارهای فاسد همیشه همراه ایمان ذکر شده است. در سوره‌ی عصر انسان‌های این زمانه در خسران و زیانکاری توصیف شده‌اند مگر آنها که ایمان داشته و اعمال صالح انجام می‌دهند و یکدیگر را مدام به حقیقت و صبر بر آن توصیه می‌نمایند. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

اعمال صالح اعمالی است که فاسد نیست. در صورتی که عملی از سه خصوصیت برخوردار باشد از فساد ایمن خواهد شد: صحیح، خالص و به‌جا.

صحت عمل شرط اول صالح بودن یک کار است. اگر کاری غلط انجام شود و با علم و آگاهی صورت نگیرد ضررش بیش از نفع او خواهد بود. بزرگان گفته‌اند کسی که کاری را بدون علم انجام می‌دهد مانند تیراندازی است که کمانی برای پرتاب تیرهایش ندارد و به همین سبب در حدیث است که کلام ملحون (یعنی غلط) به آسمان نمی‌رود.

خلوص شرطی مهم برای قبولی عمل است. اگر عملی خالص نباشد و مورد قبولی خداوند قرار نگیرد به آسمان نرفته و نزد خود فرد می‌ماند و جزء دارایی‌های او می‌گردد و انسان بعد از چندی احساس می‌کند اعمال زیادی انجام داده و همین موجب خودپسندی او می‌شود. عجب و خودپسندی به سر شیطان آن آورد که او را که تا کنار عرش خداوند سیر کرده بود به یک‌باره سرنگون در دوزخش

نمود آن هم در عمیق‌ترین جای دوزخ!

اما قید «به‌جا» نکته‌ی دقیقی در صالح بودن یک عمل است. صرف خوب بودن یک عمل دلیل بر انجام آن نیست زیرا فرصت انسان محدود و امکاناتش محدودتر است. باید از فرصت‌ها برای انجام اعمالی استفاده نمود که از اولویت برخوردار هستند.

اولویت نخست مربوط به اعمال واجب است زیرا بدون انجام واجبات هیچ تقرب و رشدی توسط مستبحات حاصل نمی‌شود «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوْافِلِ إِذَا أُضْرَتْ بِالْفَرَائِضِ» (وسائل‌الشیعه: ۲۸۶/۴)

اولویت بعدی مربوط به کارهایی است که دارای ثمری بیشتری از دیگر کارها است. رسیدگی به وضع خویشان و همسایگان نیازمندان یقیناً اولویت دارد بر ساختن مسجد و حسینیه‌ای که در محدوده‌ی آن مسجد و حسینیه ای دیگر وجود دارد.

۱۷.۲ \* «وَأَقْضِ لِي فِيهِ الْحَوَائِجَ وَالْأَمَالَ» و حاجت‌ها و آرزوهایم

برآورده ساز!

## حاجات

حاجت‌ها و آرزوها پیوند بین بنده و مولاست. بر همین اساس در حدیث آمده است که خداوند حاجت اولیای خود را دیرتر برآورده می‌کند زیرا با برآورده شدن حاجات رابطه‌ی انسان با خداوند کاهش می‌یابد.

وقتی انسان مشکلی ندارد و روزی‌اش فراخ است و در رفاه به سر می‌برد زمینه‌های طغیان و ناسپاسی در او به وجود می‌آید: «كَلَّا إِنَّ

الْإِنْسَانَ لَيْطَعِي / أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى<sup>۴۱۵</sup>» (علق: ۶ و ۷) و زمانی هم که زندگی‌اش دچار تزلزلی می‌شود و بعد از مدتی زندگی‌اش سامان می‌یابد تصور می‌کند دیگر با مشکلی که قبلاً برایش پیش آمده برخورد نخواهد کرد: «لَكِنَّ أَذْقَنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ<sup>۴۱۶</sup>» (هود: ۱۰)

با این وصف خداوند از انسان‌ها خواسته است تا حوائجشان را با او در میان بگذارند ولی از کندی اجابت دعایشان ناامید نشوند زیرا خداوند آنچه به مصلحتشان باشد عمل می‌کند. البته هستند افرادی که خداوند به خاطر زشتی‌های فراوانی که مرتکب شده‌اند توجهی به مصلحتشان نداشته و دعایشان را به سرعت مستجاب می‌کند و حتی خداوند ممکن است این افراد دچار استدراج کند یعنی در مقابل زشتی‌های بیشترشان دنیای بیشتری را به آنها می‌دهد. استدراج اعطای نعمت در مقابل زشت کاری است.

لذا در حدیثی آمده است که خداوند مؤمن را با بهشتی که به او می‌دهد تکریم می‌کند و کافر را با دنیایی که به او داده است توهین می‌نماید!

۱۷.۲ \* «يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَ السُّؤَالِ» ای کسی که نیازمند به

شرح و سؤال بندگان نیستی!

چرا دعا؟!

<sup>۴۱۵</sup> حقاً که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز پندارد.

<sup>۴۱۶</sup> و اگر - پس از محنتی که به او رسیده - نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت: «گرفتاری‌ها از من دور شد!» بی‌گمان، او شادمان و فخر فروش است.

تفسیر در این فراز با قرینه‌ی «سؤال» به معنای توضیح مشکلات است یعنی خداوند نیاز ندارد تا به او توضیح داده شود که ما چه مشکلاتی داریم. خداوند همه چیز را می‌داند. در قرآن آیاتی زیادی تأکید بر علم خداوند دارد. این همه تأکید به خاطر این است که انسان اگر باور کند که خدا می‌بیند و می‌شنود و می‌داند، با او برخورد شایسته‌تری دارد. اولیای خداوند در اوج عرفانی خویش لال می‌شوند و از طرح هر خواسته‌ای باز می‌مانند و تنها به ذکر اسماء خداوند لب می‌گشایند. بی آن که بعد از صدا زدن خداوند از او چیزی را بخواهند. حضرت ابراهیم هنگامی که در آتش افکنده می‌شد درخواست هیچ یک از ملائک را برای نجات خودش نپذیرفت و وقتی جبرائیل از او خواست لاقل از خداوند بخواهد که کمکش کند او در پاسخ فرمود: خدا به وضعیت من آگاه است! در اینجا بود که خداوند به آتش دستور داد که بر ابراهیم سرد و پر از سلامت شو!

طرح مشکل با خداوند تنها بهانه‌ای برای سخن گفتن با اوست. حضرت موسی، کلیم الله است. مگر خداوند با او چه سخنی گفت که او کلیم الله شد. اگر این سخنان وحی بوده باشد که باید همه‌ی انبیا کلیم الله می‌شدند. بلکه سخن خداوند با موسی این سؤال بود که از او پرسید: «وَمَا تِلْكَ بَيِّنَاتِكَ يَا مُوسَى (طه: ۱۷) ای موسی این چیست به دست؟ حضرت موسی پاسخ داد: هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيْهَا وَ أَهْشُ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَ لِي فِيهَا مَآرِبٌ أُخْرَى (طه: ۱۸) این عصای من است که بر آن تکیه می‌کنم و برگ درختان را برای گوسفندانم می‌ریزم و خواص دیگری نیز برای من در آن هست.» اصلاً چرا خداوند باید از حضرت موسی این چنین سؤالی بکند سؤالی که هیچ انسان معمولی نیز از کسی

نمی‌پرسد چون پاسخ بسیار روشن است! مهم هم صحبتی با خداوند است لذا حضرت موسی هم به «هی عصای» اکتفا نکرد بلکه از این فرصت استفاده نمود و برای خداوند توضیح داد و به این وسیله با خداوند هم‌صحبت شد.

درست است که خداوند نیاز به تفسیر و توضیح و حتی سؤال ندارد ولی مهم هم‌صحبتی با خداوند است. مناجات به معنای پچ پچ کردن است. دوستان وقتی کنار یگدیگر می‌نشینند با هم نجوا می‌کنند. دعا باید این چنین رابطه‌ای را بین خداوند و بنده‌اش ایجاد نماید.

ذکر انسان را تربیت می‌کند که فقط نام او را بخوان! بی آن که طمع چیزی را داشته باشی و مناجات انسان را تربیت می‌کند که با او صمیمی باشد و همه‌ی هر حرف دلت را با او بزن!

۱۷.۳ \* « يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ » ای خدایی که به سرایر خلق

است آگاهی!

### گستره‌ی علم خداوند

انحصاری‌ترین مصداق علم خداوند آگاهی از درون سینه انسان‌هاست. چیزی که حتی ممکن است خود انسان نیز نسبت به آگاهی نداشته باشد چه رسد به دیگران. بارها در قرآن این حقیقت بیان شده است که خداوند «علیم بما فی الصدور» است.

نه تنها خداوند از سینه‌ی انسان‌ها آگاه است که از درون همه‌ی موجودات خبر دارد. از همه‌ی تصمیماتی که دارند و انگیزه‌هایی که

این تصمیمات را باعث شده‌اند و از احساسی که نسبت به کارهای گذشته‌یشان دارند و رؤیاهایی که هنوز درباره‌ی آنها تصمیمی نگرفته‌اند و از نظری که درباره‌ی حوادث پیرامونشان دارند، نظریاتی که خیلی از وقت‌ها بر زبان نمی‌آورند.

طبق کاربرد «صدر» در قرآن این نکته قابل فهم است که صدر محلی برای تجمع همه‌ی عواطف ظریف و ناپیدای انسان و یا همان ضمیر ناخودآگاه اوست. قرآن می‌گوید: آنچه در سینه‌هاست بزرگتر و گسترده از چیزی است که انسان آن را اظهار می‌کند « مَا تُخْفِي صُ \_\_\_\_\_ دُورُهُمْ

أَكْبَرُ آلَ» (عمران: ۱۱۸)

حال با این آگاهی عمیق و گسترده‌ی خداوند دیگر چه جای می‌ماند برای اینکه انسان از حال خودش برای خداوند توضیح دهد و تلاش کند که الفاظ مناسب را برگزیند که سوء تفاهمی پیش نیاید!! خیر، همانطور که در فراز قبل گفته شد هدف از طرح مشکل با خداوند تنها صحبت کردن با اوست و همین که خداوند حال این صحبت را به انسان بدهد خودش استجابت دعای اوست زیرا انسان در نهایت که همه‌ی خواسته‌هایش برآورده شد می‌خواهد به کجا برسد جز این است که او می‌خواهد تا ارتباطش را با خداوند اصلاح کند و با او صمیمی بوده و محبتش را نسبت به او افزایش دهد؟! آری توفیق دعا خود استجابت بزرگ‌ترین دعا و برآورده شده اساسی‌ترین خواسته‌ی انسان است.

۱۷.۴ \* « صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ » درود فرست بر محمد و آل

اطهار او!

## ارزش صلوات

بدون صلوات هیچ دعایی به آسمان نمی‌رسد و خداوند بدون واسطه‌ی محمد و آل محمد به هیچ دعایی گوش نمی‌دهد و هر کس احساس کند می‌تواند در ارتباط با خداوند اهل بیت (علیهم‌السلام) را دور بزند در گمراهی است و اگر با این وجود احساس کند حالات عرفانی خوبی دارد تصور نکند با خداوند ارتباط پیدا نموده است خیر این شیطان است که برای او شبیه سازی نموده است. شیطان برای همه خداسازی می‌کند.

عرفای سنی چگونه بدون ولایت پذیری ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) به معرفت خداوند نائل شده اند؟! خداوند در قرآن می‌فرماید: « وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ » (مائده: ۳۵) « وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا » (اعراف: ۱۸۰) « فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى » (بقره: ۲۵۶) « اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا » (آل عمران: ۱۰۳) در روایت ذیل از آیات ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) فرموده‌اند منظور از وسیله‌ای که همه باید در پی آن باشند تا به توسط آن به قرب خداوند نائل شوند ما هستیم. اسماء نیکوی خداوند که باید در دعا از آنها بهره گرفت ما هستیم. طناب محکمی که تمسک به آن باید نمود ما هستیم. حبل الله که موجب اتحاد بوده و از تفرقه در مسیرهای غیر خدایی انسان را نجات می‌دهد ما هستیم.

دعای روز هیجدهم

«اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ  
أَغْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ»<sup>۴۱۷</sup>

ترجمه: ای خدا مرا در این روز برای برکات سحرها بیدار و متنبه ساز  
و دلم را به روشنی انوار سحر منور گردان و تمام اعضا را برای آثار و  
برکات این روز مسخر فرما به حق نور خود ای روشنی بخش دل‌های  
عارفان.

۱۸.۱ \* «اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ» ای خدا مرا در این روز برای

برکات سحرها بیدار و متنبه ساز!

### برکت سحر

برکت سحر برای بعضی به خوابیدن در آن است و برای بعضی به  
شب‌نشینی‌های آن است و برای بعضی با استغفار در آن وقت است.  
خداوند در وصف متقین می‌فرماید: «بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»  
(ذاریات: ۱۸) تقوا و پرهیز از گناه سبب می‌شود تا آنها توفیق پیدا  
کنند تا در آخر شب که تازه خواب شیرین شده است بیدار شوند و از  
خدای خویش راز بشنوند و به او اظهار نیاز کنند.

در آیه‌ی دیگری که باز در وصف متقین است استغفار در سحر در  
کنار مطلق عبادت آمده است تا به این حقیقت اشاره کند در میان  
عبادت استفاده از برکت سحر و استغفار در آن عبادتی شاخص میان  
دیگر عبادات است که هدیه‌ی خداوند به آنهاست که خود را لذت

<sup>۴۱۷</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند ثواب عمل هزار پیامبر به او داده می-  
شود!



حرام نگه‌داشتند و این که به لذت سخن گفتن با خداوند مفتخر می‌گردند. «الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الثَّقَاتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران: ۱۷)

در ماه مبارک رمضان که خوابیدن در آن هم عبادت است بین بیدار بودن در سحرهای آن چه برکتی دارد؟! دعای معروف سحرهای ماه مبارک رمضان پر رازترین دعایی است که تنها آنها که توفیق بهره‌وری از سحرهای این ماه مبارک را پیدا کنند می‌توانند کمی از آن درک کنند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءٍ وَ كُلِّ بَهَائِكَ بِهِيُّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ...»

۱۸.۲ \* « وَ نَوَّرَ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ » و دلم را به روشنی انوار سحر

منور گردان!

### فرازی سخت

در مناجات شعبانیه آمده است که: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْتِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. ای خدا مرا انقطاع کامل به سوی خود عطا فرما و روشن ساز دیده‌های دل ما را به نوری که به آن نور تو را مشاهده کند تا آنکه دیده‌ی بصیرت ما حجاب‌های نور را بدرد و به نور عظمت واصل گردد و جان‌های ما به مقام قدس عزت بپیوندد.»

خدایا آیا روزی می‌شود ما هم از این جملات سر در بیاوریم و احساس انس با این فرازهای از دعا و مناجات بنماییم؟! شاید. توضیحی دیگر برای این فراز ندارم! فقط همین قدر بگویم که

امید داریم روزی برسد تا با ولایت پذیری کامل از «الله» سبب شود تا او ما را از همه‌ی تاریکی‌ها به سوی نور رهنمون سازد. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)

۱۸.۳ \* «وَ خَذُ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ» و تمام اعضا را برای آثار و

برکات این روز مسخر فرما!

وقتی فرد خدایی شود همه‌ی اعضایش خلیفه‌ی خداوند می‌شود چشم و دستش عین الله و ید الله می‌گردد چشم معرفت و دست برای قدرت. رفتن در مسیر خدا نیازمند معرفت و قدرت است. این هر دو را خداوند برای خلیفه خودش مهیا می‌سازد آن‌گونه که انگار این خداوند است که می‌بیند و می‌رود.

### حقیقت «بسم الله»

امام رضا (علیه‌السلام) در تفسیر «بسم الله» می‌فرمایند: «أَسْمَ نَفْسِي بِسْمَةِ مَنْ سَمَاتِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُوَ الْعُبُودِيَّةُ» (بحارالانوار: ۲۳۰/۸۹) بر خود نشانی از نشان‌های خداوند را می‌زنم که آن نشان عبودیت است. در زمان قدیم بعضی بر قسمتی از بدن بندگان خود مهری را داغ می‌کردند تا این شخص فرار نکند و خود را آزاد معرفی نکند. امام در این حدیث می‌فرمایند من با «بسم الله» می‌گویم مهر بندگی را بر خود کوبیده‌ام و هیچ‌گاه احساس آزادی در محضر مولایی‌اش نمی‌کنم.

۱۸.۳ \* «بُنُورِكِ» به حق نور خود!

نور خداوند

مضامین این دعا همه با تمسک به اسم نور مطرح شده است. نور خداوند همان وجودی از که همه چیز را از عدم به هستی کشانده است.

نور خداوند همان رشدی است که هر موجودی در مسیر زندگی‌اش به آن دست می‌یابد.

نور خداوند همان احساس امنیتی است که به هر موجودی در اوج بحران و وجود مشکلات کمر شکن دست می‌دهد.

نور خداوند همان مهربانی است که روشنایی و گرمی می‌بخشد. روشنایی برای دیدن راه، گرمی برای امید جهت حرکت در راه.

در فراز ۴۷ جوشن کبیر می‌خوانیم: « يَا نُورَ النَّوْرِ يَا مُنَوَّرَ النَّوْرِ يَا خَالِقَ النَّوْرِ يَا مُدَبِّرَ النَّوْرِ يَا مُعَدِّرَ النَّوْرِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ.»

۱۸.۴ \* « يَا مُنَوَّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ » ای روشنی بخش دل‌های عارفان!

### حقیقت معرفت

معرفت، بازشناسی چیزی است که قبلاً آموخته شده است.

معرفت برگشت به معلومات است.

معرفت تلاش برای باور همان چیزهایی است که قبلاً قبولشان

نموده است.

معرفت تصدیق حقیقت و تسلیم شدن در مقابل آن است.

قلبها همه‌ی استعداد عارف شدن و دریافت معرفت را دارد.

انسان باید تلاش کند تا رضایت خداوند را بدست بیاورد آن‌گاه خداوند نور را به قلب او می‌تاباند. وقتی نور بر قالی بتابد نقش و نگار

او خودنمایی می‌کند. قلب انسان همه‌ی نقش نگار ملکوت دارد. وقتی خداوند بر انسان لبخند زند از این لبخند نوری لطیف ساطع می‌شود و نگار قلب انسان را نما می‌دهد.

### دعای روز نوزدهم

«اللَّهُمَّ وَقِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ وَ سَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ يَا هَادِيَا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ.»<sup>۴۱۸</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز بهره‌ی مرا از برکاتش وافر گردان و به‌سوی خیراتش راهم را سهل و آسان ساز و از حسنات مقبول آن مرا محروم مساز ای راهنمای بسوی دین حق آشکار.

۱۹.۱ \* «اللَّهُمَّ وَقِّرْ فِيهِ حَظِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ» ای خدا در این روز بهره‌ی مرا از

برکاتش وافر گردان!

برکت به چیست؟

مردم درباره‌ی این که حظ و کیفشان به چیست با هم تفاوت دارند. قارون هر وقت به میان مردم می‌آمد با کبکبه و دبدبه می‌آمد همه‌ی زینتش را با خود همراه می‌ساخت و شکوهی شاهی به خودش می‌داد. بعضی که تنها به دنبال زندگی بهتر بودند وقتی قارون را در این وضعیت می‌دیدند می‌گفتند: «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو

<sup>۴۱۸</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند ملائک آسمان‌ها و زمین برایش استغفار نموده و دعایش می‌کنند.

حَظٌّ عَظِيمٌ / ای کاش برای ما هم مثل آنچه قارون دارد بود او کیف زیادی می‌کند!» آنانی که اهل علم و تفکر بودند می‌گفتند: وای بر شما ثواب خداوند برای آنانی که ایمان به او داشته و عمل صالح انجام دهند بهتر است! البته خوب فهمیدن این سخن نیاز به صبر و شکیبایی داشت که غالباً از آن بی‌بهره‌اند و بعد که زمین قارون را بلعید و در خود جای داد همان‌ها که قبلاً جایگاه قارون را آرزو می‌کردند گفتند: وای! مثل این که واقعا روزی دست خداست! اگر خدا به ما لطف نکرده بود ما هم الآن در قعر زمین بودیم! (سوره قصص آیات ۷۰۹ تا ۸۲)

این فراز از دعا می‌گوید: باید کام خود را عوض نمود و آن را آخرتی کرد. کام دنیایی با برکت آشنایی ندارد. کام دنیایی عقلش در همان چیزی است که می‌چشد. برکت را کسانی می‌فهمند که بارها آن را تجربه کرده‌اند و حظّ معنوی زیادی برده‌اند.

انسان‌هایی که فقط به مال حلال فکر می‌کنند بارها تجربه کرده‌اند چطور با درآمدی اندک که بعضی وقت‌ها کمتر هم می‌شده است توانسته‌اند به مدد خداوند زندگی‌یشان را آبرومندان بگذرانند. خانواده‌اشان را همیشه خوشحال نگه داشتند، بدون این که آنها را با جلوه‌های دنیا قلقلک بدهند و شادی مصنوعی برایشان فراهم آورند.

برکات مادی و معنوی برای مؤمن یکسان است او لذتش از هر دوی آنها از یک سنخ است! او همه چیز را هدیه خدا می‌داند. از همسری که دارد و لذتی که از بودن با او می‌برد تا غذای ساده‌ای که می‌خورد تا نماز شبی که می‌خواند تا اشکی که برای امام شهیدان می‌ریزد. او نام خدا را برای همه‌ی کارهای معنوی و مادیش به

صورتی یکسان می‌برد.

۱۹.۲ \* « وَ سَهَّلْ سَبِيلِي إِلَىٰ خَيْرَاتِهِ » و بسوی خیراتش راهم را سهل و

آسان ساز!

خداوند راه خیر را از شر به انسان‌ها نمایانده است و این تصمیم انسان‌هاست که راه خیر را بروند و یا راه شر را برگزینند « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا » (انسان: ۳) این همان هدایت عمومی خداوند است.

وقتی انسان راه خیر را برمی‌گزیند یقیناً تازه مشکلاتش شروع می‌شود و هرچه در این راه بیشتر پیش می‌رود با مسائل زیادتری دست و پنجه نرم خواهد کرد در اینجاست که خداوند به کمک او می‌آید و دست بنده به راه آمده‌اش را می‌گیرد و او را تا رسیدن به مقصد همراهی می‌کند. این هدایت اختصاصی است. هدایت نخست نشان دادن راه است و این هدایت به مقصد رساندن فرد است. هدایت عمومی مال عموم مردم است ولی هدایت اختصاصی مخصوص سالک است. راه افتادن از انسان، راه بردن از خداوند. از تو حرکت از خدا برکت.

آسان شدن مسیر کمال نیازمند به عزم و اراده‌ی زیاد است. این خداوند است که اراده انسان را تقویت می‌کند تا او از پس سختی راه برآید.

۱۹.۲ \* « وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ » و از حسنات مقبول آن مرا

محروم مساز!

قبول عمل

وقتی حضرت ابراهیم و اسماعیل مشغول بازسازی خانه‌ی خداوند شدند مدام از او می‌خواستند که اعمالشان را قبول کند: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره: ۱۲۷) دقت کنید! دو پیامبر بزرگ خداوند مشغول بهترین کار هستند ولی همچنان دغدغه‌ی پذیرش عمل خود توسط خداوند را دارند.

دغدغه‌ی پذیرش عمل بیشتر از خود عمل ارزش دارد. وقتی کسی به خانه‌ی خداوند مشرف می‌شود و یا برای زیارت به مدینه‌ی منور و یا دیگر مکان‌های مقدس می‌رود اولین خواسته‌اش باید این باشد که: خدایا عملم را بپذیر. این گونه تصور نکند که صرف رفتن به مکه و مدینه و دیگر مکان‌ها مقدس، توفیق است! خیر رفتن به این مکان‌ها زمینه‌ی توفیق است. تا خداوند عملی را قبول نکند هیچ توفیقی حاصل نشده است!

اولین جنایتی که در بدو آفرینش انسان صورت گرفت توسط قابیل بود که از قبول نشدن قربانیش ناراحت بود. این ناراحتی او را واداشت تا برادرش را تهدید به قتل کند برادرش به او گفت: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده: ۲۷) خداوند تنها از متقین می‌پذیرد.

اثر قبولی عمل کمتر شدن رغبت انسان به معصیت و بیشتر شدن میل انسان به طاعت است. وقتی قابیل پس از بردن قربانی به درگاه خداوند میل به کشتن برادرش پیدا می‌کند معلوم است که عملش قبول نشده است. وقتی عملی قبول نشود و انسان تصور کند قبول شده است جرأت معصیت در انسان افزایش می‌یابد. یعنی قبول نشدن عمل به معنی مردود شدن آن است. کسی که مردود می‌شود تنها جایزه‌ی قبولی را از دست نداده است بلکه ننگ مردودی هم به

پیشانی‌اش خورده است. کسی که به بهشت نمی‌رود، به دوزخ می‌رود. کسی که عملش قبول نمی‌شود مردود می‌شود و مردود شدن عمل دور شدن فرد از خداوند است و خاصیت این دور شدن میل به بیشتر به معصیت است.

خدایا دغدغه قبولی عمل را در ما زیاد فرما!

۱۹.۳ \* « يَا هَادِيَا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ » ای راهنمای به سوی دین حق آشکار! مبین بودن صفت توضیحی حق است زیرا حق همیشه مبین و آشکار است. ممکن است چند صباحی باطل همچون کف روی آب حقیقت را می‌پوشاند ولی در نهایت باطل می‌رود و حق نمایان می‌گردد. « جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا » (اسراء: ۸۱)

با همه‌ی روشن بودن حق اگر کسی در تاریکی به سر ببرد فرقی بین رنگ روشن و تیره نمی‌گذارد. هر چه رنگ روشن باشد باز نیازمند به نور است تا روشنی آن مشخص گردد. خداوند همه‌ی راه برون رفت از تاریکی را به همه‌ی انسان‌ها توسط عقل و شرع نشان داده است این انسان‌ها هستند که باید تصمیم به خروج از آن بگیرند. منتها زمانی که تصمیم گرفتند و راه افتادن خداوند کمکشان می‌کند تا از پس مشکلات خروج از تاریکی برآیند. « قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ، يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ » (مائده: ۱۵ و ۱۶)

<sup>۴۱۹</sup> قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشن‌گر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند.



## دعای روز بیستم

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَ اغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّيرانِ وَ وَقِّفْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴۲۰</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز به روی من درهای بهشت‌ها بگشا و درهای آتش دوزخ ببند و مرا توفیق تلاوت قرآن عطا فرما ای فرود آورنده‌ی وقار و سکینه بر دل‌های اهل ایمان.

۲۰.۱ \* «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَانِ» ای خدا در این روز به روی من

درهای بهشت‌ها را بگشا!

## درب‌های بهشت

دوزخ دارای هفت درب است (حجر: ۴۴) ولی بهشت دارای هشت درب است از یک درب آن انبیا و تصدیق کنندگان آنها داخل می‌شوند و دربی دیگر شهدا و انسان‌های صالح وارد خواهند شد و از پنج درب آن شیعیان داخل می‌شوند و از درب باقیمانده دیگر مسلمین می‌توانند وارد شوند. (خصال: ۴۰۸/۲)

<sup>۴۲۰</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند برایش به تعداد هر یک از روزه‌گیران ماه رمضان هفتاد سال عبادت قبول شده نوشته می‌شود! و خداوند بین او و بین دوزخ هفتاد خندق قرار می‌دهد که طول هر خندق فاصله بین و آسمان و زمین است!

دقت در فهم حدیث فوق دو نکته را برای ما تبیین می‌کند:  
 اول این که زیادتر بودن درب بهشت به معنای پیشی گرفتن  
 رحمت خداوند بر غضب اوست. در حدیثی به همین نکته اشاره شده  
 است و گفته شده است که به خداوند حسن ظن داشته باشید زیرا  
 بهشت هشت درب دارد و وسعت هر درفش طول مسیر چهل سال راه  
 است!

دوم این که اختصاص داشتن ابوابی بیشتر به شیعیان به معنای  
 این است که شیعیان با بهره‌وری از هدایت‌ها ائمه‌ی بزرگوار خویش  
 زمینه‌ی ورود به بهشت را بیشتر یافته‌اند ولی دیگر مسلمانان که خود  
 را محروم از این هدایت‌ها کرده‌اند فرصت‌های زیادی را از دست  
 داده‌اند.

درباره‌ی تعدد درب‌های بهشت این نکته را نیز باید متذکر شویم  
 که هر دربی مخصوص اعمالی خاص است به معنای این که همه  
 زمینه برای انجام هر کار صالحی را ندارند. مثلاً شهدا و صالحین که  
 زمینه‌ی شهادت در راه خداوند را داشته و یا اصلاحات مهمی را در  
 سطح جوامع بشری انجام داده‌اند از دربی مخصوص به خود وارد  
 می‌شوند و در رتبه‌ای از بهشت مستقر می‌شوند که دیگرانی که از  
 درب‌های دیگر وارد می‌شوند نمی‌توانند به آن رتبه راه یابند.

۲۰.۲ \* « وَ أَغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ » و درهای آتش دوزخ ببند!

## درب‌های دوزخ

در ماه مبارک رمضان درب‌های دوزخ بسته شده است و شیطان

به غل و زنجیر گرفتار آمده است و عملاً در جوامع مسلمانان می‌بینیم که در ماه مبارک رمضان از سطح بزهکاری‌ها کاسته شده و سطح عمومی معنویت رشد می‌یابد.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در خطبه‌ی شعبانیه فرمودند: مردم درب‌های بهشت به روی شما در این ماه باز شده است از خداوند بخواهید آن را به روی شما نبندد و درب‌های دوزخ به روی شما بسته شده است از خداوند بخواهید که آنها به روی شما باز نکند! (فضائل اشهر الثلاثة ص: ۷۸).

در این فراز از دعای روز بیستم ما از خداوند می‌خواهیم که بعد از ماه مبارک رمضان نیز همچنان درب دوزخ به رویمان بسته بماند همانطور که در فراز قبل می‌گفتیم درب‌های بهشت که به رویمان باز شده است بعد از ماه مبارک رمضان نیز باز بماند. با فرصتی که خداوند در این ماه به بندگانش داده است اگر کسی آمرزیده نشود و در نتیجه درب دوزخ به رویش باز و درب بهشت به رویش بسته شود به شدت باید احساس بدبختی کند زیرا در حدیث آمده است اشقی الاشقیاء و بدبخت‌ترین انسان کسی است که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او آمرزیده نشود.

در حدیثی آمده است که فرصت بعدی برای آمرزیده شدن بعد از ماه رمضان حضور در صحرای عرفات روز عرفة است.

آمرزیده شدن به معنای از بین رفتن آثار گناه است و مهم‌ترین اثر گناه اعتیاد به گناه و تمایل به انجام دوباره‌ی آن است. باید تلاش کنیم تا با تغییر در شیوه‌ی زندگی زمینه‌های بسیاری از گناهان را در خود از بین ببریم.

۳۰.۳ \* « وَ وَفَّقَنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ » و مرا توفیق تلاوت قرآن عطا

فرما!

## رمضان بهار قرآن

امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: « برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است: لِكُلِّ شَيْءٍ رَيْعٌ وَ رَيْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ »  
(کافی: ۲/۶۳۰)

از ارزش تلاوت قرآن و آداب تلاوت و تدبیر در آیات الهی نمی توان در چند سطر سخن گفت هر چند در کتاب هم نمی توان از پس حق آن برآمد. نه این که فرصتی نیست که در این باره سخن گفته شود بلکه معرفتی نیست تا حرفی در این موضوع زده شود.

قلب ما انسان ها آنقدر قسی و تأثیر ناپذیر شده است که هیچ احساس خاصی وقتی پای قرآن و سخن خداوند می نشینیم نداریم! ای افسوس برما! افسوس!

حضرت داوود وقتی زبور کتاب آسمانی و سخن خداوند را می خواند کوه ها و پرندگان با او هم آوا شده و تسبیح خداوند را می گفتند (انبیاء: ۷۹).

زمانی که اولین آیات الهی بر پیامبر نازل شد آنچنان لرز بر پیامبر مستولی شد که تبی شدید نمود و به خانه رفت و گلیمی را بر خود پیچید آن گاه جبرئیل بر او وارد شد و آیاتی دیگر بر او نازل کرد که: ای به خود گلیم پیچیده برخیز و مردم را هشدار بده « يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ » (مدثر: ۱ و ۲)

خداوند کوه را که از سنگ است و سنگ در قساوت و سختی

مثال است اثر پذیرتر از انسان می‌داند چه آنجا که قلوب بنی اسرائیل را با سنگ مقایسه می‌کند و قلب‌های آنها را از سنگ نیز سخت‌تر می‌داند «فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» (بقره: ۷۴) و چه آن زمان که می‌فرماید اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم او تاب نمی‌آورد و از هم می‌پاشید! «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (حشر: ۲۱) چرا چون خشیت و هراس و ابهت خداوند آنچنان او را می‌گرفت که دیگر نمی‌توانست تاب بیاورد.

البته بعضی مؤمنین عالم و عارف هستند که وقتی قرآن می‌شنوند با چانه بر زمین می‌افتند و به شدت می‌گریند!

«إِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا... وَ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَ يَزِيدُهُمْ خُشُوعًا» (اسراء: ۱۰۷ و ۱۰۹).

در ماه مبارک رمضان باید با قرآن آشتی کرد و به تلاوت قرآن همراه با تدبیر انیس شد.

۲۰۴ \* «يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» ای فرود آورنده‌ی وقار و

سکینه بر دل‌های اهل ایمان!

### سکینه

باز شدن درب بهشت و بسته شدن درب دوزخ در پرتو قرآن کریم همان سکینه و آرامشی است خداوند در قلب مؤمنین فرود می‌آورد.

قرآن، همه یاد خدا است. و یاد خدا آرامش بخش دل‌هاست. پس قرآن همان سکینه‌ای است که خداوند آن را نازل نموده است. منتها گاهی قرآن بر روی کاغذ فرود می‌آید کاغذی که آن را می‌فروشند و هرکس بخواهد آن را می‌خرد و گاهی بر قلب فرود می‌آید. اگر بر قلب

فرود بیاید قلب آرام می‌شود. قلب بشر همیشه در تلاطم است تا صاحبش را بیابد و وقتی یافت دیگر آرام می‌شود. قلب حرم الهی است و در حرم الهی جز سخن قرآن نباید سخنی شنیده شود. به همین خاطر است که قرآن حتی برای آنها زبانش را نمی‌فهمند و حتی مسلمان نیستند آرام بخش است. کفار و مشرکین دور از چشم یکدیگر بارها و بارها به تلاوت قرآن در نیمه‌های شب گوش فرا می‌دادند و احساس آرامش می‌کردند هر چند این آرامش را به سحر قرآن نسبت می‌دادند!

کدام کتاب است که اینچنین نقشی را برای همه‌ی انسان‌ها داشته باشد؟!

آرامشی که خداوند در قلب مؤمنین ایجاد می‌نماید ایمان مؤمنین را افزایش می‌دهد «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح: ۴) آن گونه که وقتی انسان تحت تأثیر قرآن گرفت بر خشوع و فروتنی‌اش نسبت به عظمت قرآن افزایش می‌یابد. (اسراء: ۱۰۷ و ۱۰۹).

### دعای روز بیست و یکم

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِيْمَانًا وَإِيْمَانًا وَ لا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَ اجْعَلْ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَ مَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.»<sup>۴۲۱</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی

<sup>۴۲۱</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند قبرش را پر از نور می‌کند و صورتش را سفید نموده و او از صراط همچون برق خاطف می‌گذرد («برق خاطف» برقی است که به خاطر سرعتش چشمان را می‌خواهد پاره کند!)

کن و شیطان را بر من مسلط مگردان و بهشت را منزل و مقامم قرار ده ای  
برآورنده حاجات طالبان.

۲۱.۱ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا» ای خدا در این روز مرا

به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن!

### عوامل رضایت

رضایت و خشم خداوند در همه‌ی کامروایی‌ها و محرومیت‌های  
جهان هستی ظهور پیدا می‌کند. مثلاً باران چون ظهور رحمت و  
رضایت خداوند دعا در آن هنگام مستجاب می‌شود.

خداوند ما را راهنمایی نموده است که رضایت و خشمش به  
چيست اصلا دين نقشی جز همین راهنمایی ندارد.

با این وجود انسان در فتنه‌ها می‌ماند که رضایت خداوند در  
چيست. مثلاً در مسائل سیاسی پیدا نمودن موضعی که رضایت  
خداوند در آن باشد کار آسانی نیست. امام علی (علیه‌السلام) در قصه‌ی  
جمل و نهروان می‌فرماید من چشم فتنه را کور نمودم و اگر من  
نبودم اهل جمل و نهروان از بین نمی‌رفتند. (بحارالانوار: ۳۰۴/۳۲)  
سران جنگ جمل همه از اصحاب رسول خدا بودند به پیشوایی عایشه  
همسر رسول خدا و سران نهروان همه از عابدان و زاهدان و قاریان  
قرآن و بسیاری از آنان نیز جزء اصحاب رسول خدا بودند.

واقعا برای آنانی که در آن زمان زندگی می‌کردند تشخیص این  
که رضایت خداوند در چه موضع‌گیری است بسیار سخت بوده است.  
هر چند با تبعیت از ولی امر زمانشان حضرت امام علی (علیه‌السلام)

تشخیص رضایتمندی خداوند آسان می‌شده است همچنان که در این زمان نیز نعمت رهبری وجود دارد و انسان در با وجود ایشان نمی‌تواند خود را برای تردیدها و یا اشتباهات سیاسی‌اش معذور بداند. تردید در حوزه‌ی مسائل شخصی هم از موضوعاتی است که بسیار گریبانگیر ما می‌شود و ما می‌مانیم که تکلیفان چیست؟ و رضایت خداوند چگونه قابل تحصیل و اطمینان است؟ در این مواقع باید ابتدا از آموزه‌های اسلامی بهره برد و طبق ملاک‌های الهی تکلیف خود را مشخص نمود و اگر راه به جایی برده نشد باید مشورت کرد و در آخر استخاره نمود.

البته در همه‌ی تحیرها چه در حوزه سیاست و چه در قلمروی مسائل شخصی همراه با طی نمودن راه‌های مشخص باید مدام از خداوند این استمداد را نمود که ما را به رضایت خودش رهنمون سازد. زیرا دعا و استمداد جای تلاش فردی را نمی‌گیرد و تلاش نیز جای دعا را اشغال نمی‌کند بلکه با استمداد از خداوند باید مدام مورد عنایت خداوند قرار داشت تا راه مشخص شود و توان حرکت برای پیمودن راه به وجود بیاید.

۲۱.۲ \* «وَلَا تَجْعَلْ لِّلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلاً» و شیطان را بر من مسلط

مگردان!

### نفوذ شیطان

راه‌های نفوذ شیطان به صورت قوانین کلی در اسلام عزیز دقیقاً مورد ارزیابی قرار گرفته است. و از طرفی تجارب شخصی نیز برای شناخت بهتر راه‌های نفوذ شیطان وجود دارد. هر کسی با شناختی که



از خودش دارد می‌تواند به‌خوبی دریابد که در چه مواقعی و با چه شرایطی شیطان در او نفوذ می‌کند. اگر هم جهلی در این مورد وجود دارد باید با بررسی درست زمینه‌های گناهان و وسوسه‌هایی که انجام گرفته است این جهل را از بین برد.

در این فراز از دعا مؤمن از خداوند می‌خواهد که با اراده‌ی تکوینی بین من و شیطان حائل ایجاد کن و راه نفوذ او را به روی من ببند! البته این درخواست می‌تواند به صورت مقطعی قابل استجاب باشد همچنان که خداوند در ماه مبارک رمضان شیطان را در غل و زنجیر دارد و تا اندازه‌ی زیادی راه‌های نفوذ شیطان را به روی بندگانش بسته است.

ممکن است فردی از خداوند بخواهد در سفر زیارتی شیطان را از او کاملاً دور کند تا بتواند به معرفت دست یابد و توشه‌ای از این سفر معنوی برگیرد و خداوند هم دعایش را مستجاب کند و به طور موقت در فلان سفر زیارتی مثلاً شیطان از او دور شود و در نتیجه احساس‌های معنوی خوبی به فرد دست دهد.

ولی خداوند به طور مداوم و به صورت کامل هیچ‌گاه شیطان را از هیچ شخصی دور نمی‌کند مگر این که او به مقام مخلصین رسیده باشد. خداوند به نقل از شیطان می‌فرماید که او خود را در مقابل مخلصینی که خداوند آنها را مورد هدایت خاص قرار داده و خالصشان نموده است هیچ شانس نداشته و هیچ نمی‌تواند بر آنها مسلط شود.

« قَالَ رَبِّ بِمَا أَعُوذْتَنِي لِأَزِينََنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُعْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ » (حجر: ۳۹ و ۴۰)

ممکن است معنای این فراز از دعا رسیدن به مقام مخلصین باشد

و در نتیجه این خواسته، تعبیری دیگر از این دعا باشد که: «خدایا به من خلوص عطا فرما تا شیطان را از خودم ناامید گردانم».

یکی از ذکرهایی که توصیه شده هنگام وسوسه شیطان زیاد خوانده شود این ذکر است: «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم صل علی محمد و آل محمد»

۲۱.۳ \* « وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَ مَقِيلًا » و بهشت را منزل و مقام قرار

ده!

### تنها بهشت جای آرامش

تقاضای ورود به بهشت بعد از درخواست تشخیص راه‌های کسب رضایت خداوند و عدم نفوذ شیطان، بیشتر این نکته را تأکید می‌کند که شرط ورود به بهشت راضی نگه‌داشتن خداوند و خشمگین نمودن شیطان است.

نکته دوم در این فراز بیان این حقیقت است که تنها بهشت می‌تواند منزل و مقیل (محل استراحت) باشد. و دنیا تنها گذرگاهی است که باید از آن عبور نمود و در نتیجه به همه‌ی داشته‌های دنیایی می‌بایست نگاهی عبوری داشت.

یکی از فلسفه‌های بلاها در دنیا این است که کسی هوس نشستن و ماندن در این گذرگاه را نکند و همیشه این نکته را آویز گوشش کند به باید رفت و باید نماند.

کافر چون آخرتی ندارد همین دنیا را برای خودش بهشت می‌سازد و خداوند نیز پاداش همه‌ی خوبی‌هایش را در همین دنیا به او می‌دهد تا بیشتر مشغول به دنیا شود. ولی مؤمن دنیا را برای

خودش زندان می‌نماید و از هرآنچه دوست دارد در راه آبادانی آخرتش هزینه می‌کند تا آن را آبادتر و بهشتش را بیشتر آذین ببندد. وقتی بهشت منزل و مأوای کسی شد دیگر از مرگ هراسی ندارد بلکه به مرگ مشتاق‌تر از کودک به پستان مادرش می‌باشد آن‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) اشتیاق خود را به مرگ توصیف می‌کند.

کافر برای ماندن بیشتر در این دنیا و رفاه افزون‌تر دست به هرکاری می‌زند و پا روی هر ارزشی می‌گذارد ولی مؤمن راضی نمی‌شود در عوض همه‌ی گنج‌های دنیا کوچک‌ترین ستمی بکند کوچک‌تر از ستم به موربانه به این که پوسته‌ی جویی را از او بگیرد آن‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند.

این فراز از دعا تعبیری دیگر از این خواسته است که خدایا! کمکم کن تا به جای دنیا آخرتم را آباد سازم! و به جای اینجا آنجا را محل قرارم بسازم.

۲۱.۴ \* « يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ » ای برآورنده‌ی حاجات طالبان!

### مشکل استعجابت!؟

خداوند همه‌ی حاجت‌های مادی و معنوی را برآورده می‌سازد منتها خواسته‌های مادی غالباً در تضاد با خواسته‌های دیگران است لذا برآورده شدن آنها ممکن است امکان نداشته باشد و یا با تأخیر و پس از وقوع حوادثی خاص و ایجاد تغییر در خواسته‌ها و یا مصالح دیگران مستجاب شود.

مثلاً پسری از خداوند می‌خواهد که با دختری خاص ازدواج کند و هم‌زمان آن دختر از خداوند می‌خواهد که او را به عقد کسی دیگر

در بیاورد. خب در اینجا خداوند چاره ای ندارد جز آن که دعای یک نفر را مستجاب کند. کشاورز از خداوند می‌خواهد که باران بیاید ولی باغدار می‌داند اگر باران بیاید شکوفه‌ی درختانش بر زمین می‌ریزد و دیگر درختانش بار نخواهند داد لذا از خداوند می‌خواهد که باران نیارد. دانشجویی از خداوند می‌خواهد در امتحان قبول شود ولی پذیرش دانشگاه محدود است لذا اگر خداوند بخواهد دعای این دانشجو را مستجاب کند دانشجوی دیگر را باید از لیست قبول شده‌ها خارج کند. فروشنده‌ای از خداوند می‌خواهد مشتری پیدا شود که جنسش را خوب و با سود بالا بفروشد و از طرفی مشتری از خداوند می‌خواهد فروشنده‌ای یافت شود که جنسش را ارزان بفروشد. خداوند باید یک نفر را یا ناامید کند و یا او را در انتظار بگذارد تا شرایط به نحوی تغییر کند که بتواند دعای هر دو را مستجاب نماید.

ولی خواسته‌های معنوی همه مستجاب می‌شوند زیرا هرچه تزامم وجود دارد مربوط به دنیای مادیات است در عالم معنویات هیچ کس جای دیگری را تنگ نمی‌کند.

## دعای روز بیست و دوم

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَ وَقِّنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَ أَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

۴۲۲»

۴۲۲ هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند سکرات (و ترسهای مست کننده) مرگ و سؤالات نکیر و منکر را برای او آسان می‌کند و او را با کلام حق ثابت قدم می‌دارد.

ترجمه: ای خدا در این روز به روی من درهای فضل و کرمیت بگشا و بر من برکاتت را نازل فرما و بر موجبات رضا و خوشنودیت موقم بدار و در وسط بهشت‌هایت مرا مسکن ده ای پذیرنده‌ی دعای مضطر پریشان.

۲۲.۱ \* «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ» ای خدا در این روز به روی

من درهای فضل و کرمیت بگشا!

### ابواب فضل (شش نکته)

توجه به شش نکته ما را در فهم این فقره از دعا ان شاء الله موفق می‌کند:

نکته‌ی اول: به داشته‌های دیگران هرگز نباید حسادت کرد زیرا هر آنچه دیگران دارند خداوند از فضلش به آنها داده است. به جای حسادت می‌توان از خداوند درخواست نمود که به او هم از فضلش عطا نماید.

البته باید توجه داشت که دقیقاً همان چیزی که به دیگری داده است را نخواهد زیرا آنچه خداوند به دیگران می‌دهد بر اساس مصالحی است که منطبق بر استعدادها و تلاش‌های افراد است و شاید مصلحت نباشد دقیقاً همان چیز به دیگری داده شود بلکه باید از خداوند خواست تا او را هم مورد تفضلش قرار دهد منتها به هر نحو که خودش صلاح می‌داند. «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ

اللَّهُ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا<sup>۴۲۳</sup>» (نساء: ۳۲)

نکته‌ی دوم: از طرفی وقتی خداوند ابواب فضلش بر کسی گشود او نباید بخل ورزیده و آنچه را که خدا به او تفضل نموده به دیگران انفاق ننماید. لذا در آیات مربوط به انفاق بارها این نکته آمده است که از آنچه خداوند به شما روزی نموده است انفاق کنید یعنی آنچه دارید تفضل خداست؛ لذا بخل چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد. «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>۴۲۴</sup>» (آل عمران: ۱۸۰)

نکته‌ی سوم: ابواب فضل خداوند اگر بسته شود سنگ روی سنگ نمی‌ماند و انسان‌ها در فاصله‌ی چند روز در آتش گناهان خود و گناهان دیگران خواهند سوخت «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ<sup>۴۲۵</sup>» (نور: ۱۴)

لذا خداوند هم از بسیاری از گناهان انسان‌ها چشم پوشی می‌کند «ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ<sup>۴۲۶</sup>»

<sup>۴۲۳</sup> و زنه‌ار، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست.

<sup>۴۲۴</sup> و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

<sup>۴۲۵</sup> و اگر فضل خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، قطعاً به [سزای] آنچه در آن به دخالت پرداختید، به شما عذابی بزرگ می‌رسید.

<sup>۴۲۶</sup> سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً از زیانکاران بودید.

(بقره: ۶۴) و هم آنان را که دست از گناهان خود بر ندارند و مدام به شرارت پرداخته و زندگی را بر دیگران تنگ کنند از بین می‌برد. «لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»<sup>۴۲۷</sup> (بقره: ۲۵۱)

نکته‌ی چهارم: زمانی انسان می‌تواند از خداوند بخواهد که درب‌های تفضلش را به‌روی او بگشاید که او هم تلاش مناسب را برای بدست آوردن آن چیزی که می‌خواهد انجام دهد. لذا خداوند در قرآن بارها از «جستن فضل خداوند» سخن می‌گوید یعنی باید فضل خدا جست و تنها به دعا اکتفا نمود: «لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» (جاثیه: ۱۲، نحل: ۱۴، اسراء: ۶۶، قصص: ۷۳، روم: ۴۶، فاطر: ۱۲)، «(جمعه اِبْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ: ۱۰)

نکته‌ی پنجم: گشوده شدن ابواب فضل الهی نیازمند شکرگذاری فراوان است نمی‌توان تنها به این دعا اکتفا کرد و از خداوند توفیق شکرگذاری نعمت‌ها را نخواست: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ»<sup>۴۲۸</sup> (نمل: ۴۰)

نکته‌ی ششم: انسان با اتکای به گشوده شدن درب‌های فضل الهی باید به وظایف الانش عمل کند به این معنا که نباید به خداوند بگوید: تو اول من را مورد تفضل قرار بده بعد من وظایفم عمل می‌کنم!!  
قسمتی از معاش مسلمانان مکه از طریق داد و ستد با مشرکین تأمین شد وقتی خداوند دستور داد که مشرکین نجس بوده و حق

<sup>۴۲۷</sup> اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید. ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد.  
<sup>۴۲۸</sup> این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم.

ورود به مسجد الحرام را ندارند مسلمانان برایشان این هراس به وجود آمد که از نظر اقتصادی بازارشان از رونق بیافتد خداوند به آنها فرمود شما از ورود مشرکین به مسجدالحرام جلوگیری کنید خداوند فضلش را در آینده شما نشان خواهد داد. وعده تفضل در آینده و عدم تفضل در همان زمان آموزشی است برای مؤمنان که میزان اعتمادشان به خداوند سنجیده شود.

مثال دیگر مسئله‌ی ازدواج است. بعضی می‌گویند تا امکانات نداشته باشیم ازدواج نمی‌کنیم و خداوند می‌گوید تا ازدواج نکنید من به شما امکانات نخواهم داد. « وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ<sup>۴۲۹</sup> » (نور: ۳۲)

البته عده ای بدون توجه به توصیه‌ی خداوند ابتدا امکانات زندگی را برای خود فراهم می‌کنند آن‌گاه ازدواج می‌نمایند ولی این گروه باید توجه کنند که اولاً قسمتی از فرصت‌های زندگی را ازدست داده و ثانیاً کمتر آنانی که در سن بالا ازدواج کرده‌اند از انتخاب همسر خود راضی هستند. و ثالثاً بسیاری به‌خاطر شتاب در کسب درآمد بیشتر از راه‌های غیر قانونی و غیر شرعی به ثروت دست پیدا می‌کنند. آری زندگی آنها بر اساس اعتماد به خداوند پایه‌ریزی نشده است لذا توقع احساس خوشبختی نداشته باشند. آنها باید از خداوند به‌خاطر این بی‌اعتمادی‌یشان عذرخواهی کنند و البته خداوند آنها را خواهد بخشید.

<sup>۴۲۹</sup> بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست.



۲۲.۲ \* « وَ أَنْزَلَ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ » و بر من برکاتت را نازل فرما!

## رمضان، ماه مبارک

ماه رمضان ماه مبارک است. مبارک بودن به این معنی است که با تلاش کم سود بسیار و غیر قابل انتظار را از آن خود نمود. اعمال واجب و مستحب در این ماه چند برابر همین اعمال در دیگر ماه‌ها دارای اجر پاداش است.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در یکی از جمعه‌های آخر ماه شعبان خطبه‌ای ایراد نمودند و در آن از برکات ماه مبارک رمضان گفتند. از آن جمله فرمودند که خواب شما در این ماه عبادت است و یک آیه تلاوت شما برابری با ختم قرآن می‌کند. در پایان خطبه، امام علی (علیه‌السلام) سؤال کردند: « يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ » برترین عمل در این ماه چیست؟ حضرت پاسخ دادند: يَا أَبَا الْهَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ /بهترین اعمال پرهیز از محرمات الهی است.» (وسائل الشیعة: ۳۰۳/۱۰)

مبارک بودن این ماه این پیام مهم را دارد که ای انسان‌های مؤمن که به دنبال زیاد نمودن عبادات خود هستید! به کیفیت اعمال خود بیاندیشید نه کمیت آن زیرا اگر اعمال خود را کیفی کنید مشکل کمیت آنها نیز برطرف خواهد شد. خداوند ماه‌هایی را قرار می‌دهد که اعمال شما را در آن چندین برابر می‌نویسند. و شب‌هایی را برایتان در نظر می‌گیرند که اعمال در آن شب‌ها برابر با هزار ماه برایتان ثبت می‌شود « لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ » شما نگران حجم اعمالتان نباشید نگران این باشید که آیا اعمالتان قبول شد یا خیر! و

بدانید که خداوند تنها از متقین می‌پذیرد: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»  
(مائده: ۲۷)، «لَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنتَكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه: ۵۳)

برکت نام دیگر «رزق غیر مُحْتَسَب» است. رزقی که فراتر از حساب و کتاب‌های مادی و دنیوی است. قرآن این رزق را از آن متقین می‌داند: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»  
(طلاق: ۲ و ۳)

مقین زندگی‌یشان آکنده از برکت است با مقداری درآمد، آبرومندانه زندگی می‌کنند و با مقداری اعمال صالح اجر زیادی می‌برند. ولی آنها که در پی گناه هستند هر چند کارهای خوبی انجام دهند و هر چند برای رفاه زندگی خود تلاش زیادی را انجام دهند ولی از زحمات خود کمتر نتیجه می‌گیرند.

برکت مضاعف شدن ثمره یک تلاش است. در مقابل برکت، «حبط» است. حبط عمل یعنی از بین رفتن آن و بی‌خاصیت گشتن آن. قرآن همانطور که به متقین وعده‌ی برکت می‌دهد در مقابل برای آنها که باورهای ایمانی خود را منکر شده‌اند و از گنهکاری دست نمی‌شویند وعده‌ی «حبط» داده است: «مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»  
(مائده: ۵)

۲۲.۳ \* « وَ وَقَفِّي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ » و بر موجبات رضا و

<sup>۴۳۰</sup> هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. (۲)  
و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.

خوشنودیت موقم بدار!

### اهمیت جلب رضایت خداوند

هر چند خداوند سریع‌الرضا است ولی رضایتش بدون علت نیست یعنی خداوند به‌خاطر این که خیلی مهربان است همین‌طوری از کسی راضی نمی‌شود.

ما انسان‌ها ممکن است با گذشت زمان احساس نارضایتی که به افراد داریم از دست بدهیم و حتی در قوانین کشورها این قانون وجود دارد که پرونده‌های محاکم قضایی بعد از چند سال پی‌گیری، چنانچه نتیجه نداد مختومه اعلان می‌شوند.

ولی خشم خداوند این‌گونه نیست. برای خداوند زمان معنی ندارد. اگر خداوند از کسی خشمکین شده است او باید موجبات رضایتش را فراهم آورد. هر چه سریع‌تر این کار را بکند زندگی‌اش کمتر دچار لطمه می‌شود. زیرا خشم خداوند موجب خشم همه‌ی فرشتگان و همه‌ی موجودات جهان هستی می‌شود و به همین خاطر فرد مدام زندگی‌اش دچار مشکل می‌گردد و در طرف مقابل هم اگر کسی کاری کند که رضایت خداوند حاصل شود همه‌ی موجودات، حتی ماهیان دریا هم برای او طلب آمرزش نموده و در درگاه خداوند شفیع او می‌شوند تا همه‌ی آثار گناهانش از بین برود. روایات زیادی بر این مطلب دلالت می‌کند.

۲۲.۴ \* « وَ أَسْكِنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ » و در وسط بهشت‌های مرا

مسکن ده!

وسط بهشت کجاست؟

قرار گرفتن در بحبوحه و وسط بهشت حکایت از این دارد که درجات بهشت روی هم نیست بلکه درون هم است. چون مؤمن در این دعا بالا رفتن درجه‌اش را در بهشت می‌خواهد. زیرا وسط بهشت بدون رفتن به درجات بالای آن نمی‌تواند شوقی مضاعف را برانگیزاند. چنانچه در حدیث آمده است که بهشتیان به درجات بالاتر خود آن‌گونه می‌نگرند که زمینان به ستارگان آسمان چشم می‌دوزند. می‌دانیم که ستارگان در مجموعه جهان هستی دارای مهندسی فضایی هستند و مهندسی فضایی جهان را به صورت حلقه‌های عظیم درون هم تفسیر می‌کند.

از تعبیر «قاب قوسین او ادنی» نیز این بر می‌آید که بیشترین جلوه خداوند در نقطه مرکزی جهان هستی متمرکز است. نقطه‌ای که در آنجا آنقدر حلقه‌ی پیرامونش تنگ می‌شود که انگار به اندازه قوس کمانی با نقطه‌ی مرکزی فاصله دارد شاید هم کمتر.

شواهدی دیگر نیز بر این مطلب دلالت می‌کند که در جایی دیگر باید آن را بسط داد.

خداوند با سکنی دادن انسان در ابتدای آفرینش به او فهماند که جای تو در بهشت است و بعد به خاطر خطای آدم که مقدر شد انسان چند صباحی را در زمین سپری کند به او گفت که جاییت در بهشت محفوظ است.

طبق نظر قرآن هر انسانی جایی محفوظ در بهشت دارد و زمانی که انسانی راضی نشد با طلب آمرزش از خداوند رضایت او را به دست بیاورد و وارد بهشت گردد جای او به دیگری واگذار می‌شود. در واقع دیگری این جا را از دیگری ارث می‌برد. قرآن می‌فرماید: «نُودُوا أَنْ

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>۴۳۱</sup>» (اعراف: ۴۳) به بهشتیان خطاب می‌رسد که این است بهشتی که آن را ارث بردید به خاطر کارهایی که انجام دادید.

البته در حدیث آمده است که جای مؤمن را در دوزخ، کفار به ارث می‌برند. یعنی برای همه‌ی انسان‌ها هم جایی در بهشت تدارک دیده شده است و هم در دوزخ و مؤمنین و کفار جای یکدیگر را در بهشت و دوزخ به ارث می‌برند.

۲۲.۵ \* « يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ » ای پذیرنده دعای مضطر پریشان!

### اضطرار، شرط استجاب

شرط استجاب دعا اضطرار است. این شرط مقدم بر دیگر شرایط است. این شرط حتی مقدم بر ایمان به خداوند است! زیرا کفار و مشرکین هم وقتی به اضطرار برسند و خدا را بخوانند خداوند کمکشان می‌کند هر چند آنها وقتی پا به ساحل امن بگذارند و مشکلشان حل شود به کفر و شرک خود ادامه خواهند داد. « قُلْ مَنْ يُنجِيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ، قُلِ اللَّهُ يُنجِيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ<sup>۴۳۲</sup> » (انعام: ۶۳ و ۶۴)

<sup>۴۳۱</sup> تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند به میراث می‌دهیم.  
<sup>۴۳۲</sup> بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می‌رهاند؟ در حالی که او را به زاری و در نهد می‌خوانید: که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، البته از سپاسگزاران خواهیم بود.» بگو: «خداست که شما را از آن [تاریکیها] و از هر اندوهی می‌رهاند، باز شما شرک می‌ورزید.»

بسیاری از صاحبان ایمان نیز وقتی دچار مشکل می‌شوند از خداوند می‌خواهند مشکلات را حل کند و آنها هم در مقابل قول می‌دهند تا دست از زشت کاری‌هایشان بردارند و یا کارهای خوبی را انجام دهند ولی وقتی مشکلشان حل می‌شود به عهد خود وفا نمی‌کنند. «وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ۴۳۳» (اسراء: ۶۷)

«أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل: ۶۲) آیا کسی است که پاسخ بیچاره را بدهد و گرفتاری را بر طرف نماید. خداوند این سؤال را در کنار چند پرسش دیگر از فطرت خدایی انسان‌ها می‌پرسد. و فطرت پاسخ مثبت خواهد بود زیرا همه‌ی انسان‌ها دارای فطرتی توحیدی هستند.

انسان زمانی می‌تواند به مراحل بالای توحید برسد که خود را در مقابل او بیچاره و مضطر ببیند. احساس فقر در عین غنی و ترس در عین امنیت و عجز در عین توانمندی و جهل در عین دانشمندی، و ذلت در عین عزت، و .. «أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الدَّلِيلُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ وَ أَنْتَ السَّيِّدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ أَنْتَ الْغَافِرُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ وَ أَنْتَ الْعَالِمُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ وَ أَنْتَ الْحَلِيمُ وَ أَنَا الْعَجُولُ وَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ وَ أَنْتَ الْمُعَافَى وَ أَنَا الْمُبْتَلَى وَ أَنْتَ الْمُجِيبُ وَ أَنَا الْمُضْطَّرَّ...» (بحار الانوار: ۳۳۰/۸۳).

## دعای روز بیست و سوم

۴۳۳ و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد، هر که را جز او می‌خوانید ناپدید او فراموش می‌گردد، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهنماید، رویگردان می‌شوید، و انسان همواره ناسپاس است.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي وَحُطَّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ يَا رءُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ»<sup>۴۳۴</sup> «۴۳۵»

ترجمه: ای خدا در این روز فضیلت لیلۃ القدر را نصیب من گردان و تمام امور و کارهای مشکل مرا آسان گردان و عذرهایم بپذیر و وزر و گناهم محو و نابود ساز ای رئوف و مهربان در حق صالحان

۲۳.۱ \* «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ای خدا در این روز فضیلت

لیله القدر را نصیب من گردان!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تَنزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

### فضیلت شب قدر

هزار بار تلاوت سوره‌ی قدر در شب‌های ماه مبارک رمضان به‌خصوص شب‌های قدر مستحب است. این سوره تنها حول یک موضوع دور می‌زند آن‌هم مسئله‌ی شب قدر. یک شب در سال است که آنچنان اهمیتی دارد که برایش یک سوره اختصاص یافته است! هیچ روز و شب و ماه و سالی از این مقدار اهمیت برخوردار نبوده است. اصلاً ارزش ماه مبارک رمضان به لیله‌ی مبارکه‌ی قدر است: «إِنَّا

<sup>۴۳۴</sup> مطبق مذهب شیعه مناسب است که دعای روز بیست و سوم و دعای روز بیست و هفتم جابجا شوند. برای توضیح بیشتر به بخش سند دعا‌های هر روز مراجعه شود.

<sup>۴۳۵</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند برای او هزار شهر از طلا و نقره و زمرد و مروارید ساخته می‌شود.

أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان: ۳) و ارزش شب قدر نیز به نزول قرآن و همه‌ی کتاب‌های آسمانی در این شب است.

در حدیث است که سوره براءت و توحید با هفتاد هزار صف از ملائک نازل شده است حال هر صفی چقدر فرشته در خود جای می‌دهد خدا می‌داند! شاید ابتدا و انتهای هر صفی را ابتدا و انتهای عرضی ملکوت باشد. حال وقتی در شب قدر همه‌ی قرآن بر پیامبر دفعتاً نازل می‌شود باید چه میزان از ملائک بر زمین بیایند؟! همه‌ی ملائک بر زمین می‌آیند. خداوند از قطرات باران نیز بیشتر فرشته آفریده است!

اگر در شبی ساعتی باران ببارد لطیف شدن هوا را همه می‌فهمند، و در حدیث است که خداوند با هر قطره‌ی باران فرشته‌ای را همراه می‌کند و آن فرشته قطره‌ی باران را جای خودش قرار می‌دهد. حال اگر در شبی همه‌ی فرشتگان بر زمین فرود آیند و حتی روح که بزرگ آنهاست نیز بیاید! از پیامبر درباره‌ی «روح» سؤال شد خداوند فرمود: به آنها بگو روح جزء امور ربوبی است و مربوط به شما نمی‌شود.

این شب پر حماسه، شب قدر است. سخن گفتن از این شب اصلاً در چند سطر امکان پذیر نیست که در دفتری به اندازه‌ی همه‌ی هستی هم امکان ندارد زیرا که گوینده‌ای هست که بگوید و نه شنونده‌ای که بشنود زیرا پیامبر خدا نیز از درک آن عاجز است. « ما أدراك ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ »

به هر حال در شب قدر انسان می‌تواند به اندازه‌ی یک عمر توشه بگیرد زیرا هزار ماه، هشتاد و سه سال و چهار ماه می‌شود. سال‌های



اول زندگی تا پانزده - شانزده سال، دوران قبل و حین بلوغ است که جزء عمر مفید انسان محسوب نمی‌شود. با احتساب این مقدار لیله قدر برابر با صد سال عمر انسان است. یعنی انسان می‌تواند در شب قدر ره صد ساله را یک شبه طی کند. آیا فضیلتی بیش از این قابل تصور است؟!

نکته آخر این که روز قدر نیز ارزشی همانند شب قدر دارد. لذا در روز بیست سوم بنده از خداوند می‌خواهد که او را از فضیلت شب قدر محروم نکند.

۲۳.۲ \* « وَ صَبِّرْ أُمُورِي فِيهِ مِنْ أَلْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ » و تمام امور و

کارهای مشکل مرا آسان گردان.

### زندگی آسان

یکی از کارهایی که در شب قدر با حضور همه‌ی ملائک صورت می‌پذیرد تعیین مقدرات همه‌ی انسان‌هاست. لذا در این فراز از دعا خواسته شده است تا مقدرات دعا کننده اگر سخت رقم خورده است آسان شود.

خداوند به انسان توصیه می‌کند تا در قالب دعاهای مختلف را از او بخواهد تا سختی‌های زندگی برای او آسان شود مثل این که بیماری‌اش شفا پیدا کند، روزی‌اش زیاد شود، دوستانش بیشتر شده و از دشمنانش کاسته گردد و او از شر دشمنانش ایمن باشد، حیوانات موذی به او آسیبی نزنند، مالش از دزد محفوظ بماند، زایمان همسرش آسان شود، بدهکاری‌هاش پرداخت گردد و طلب‌هایش وصول شود، آبرویش محفوظ بماند، مشکلات ازدواجش حل گردد،

مسکنی مناسب برایش فراهم شود، از اندوهش کاسته شود، از شر اجنه حفظ گردد، تا آخر عمرش با عزت زندگی کرده و دچار «ارذل العمر» و دردمندی‌های آخر عمر نگردد، مرکبش راهوار باشد، کسبش رونق داشته باشد، اموال از آتش گرفتن محفوظ ماند ...

هرچند سختی‌ها انسان را رشد می‌دهند ولی سختی‌هایی این تأثیر را دارد که انسان چاره‌ای جز مواجهه با آنها را نداشته باشد. در قرآن و حدیث بارها از این موضوع سخن به میان آمده است که مؤمن بیشتر از کافر مبتلا می‌شود. ولی این ابتلا دو علت دارد:

علت نخست آن است که قسمتی از مشکلات زندگی هزینه‌ی دین‌داری است. کسی که دنبال مال حلال است، کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، کسی که زیر بار زور نمی‌رود و در مقابل طاغوت‌ها سر خم نمی‌کند خب زندگی‌اش دچار چالش‌های زیادی می‌گردد. کافر با فروختن دینش نمی‌گذارد در زندگی برایش مشکلی فراهم شود. ولی مؤمن محکم‌تر از کوه جلوی مشکلات می‌ایستد و در عوض همه‌ی دنیا از مقداری از دین خود نیز نمی‌گذرد و صفات انسانی و ایمانی‌اش را چون دری‌گران‌بها حفظ می‌کند. کسی به امام علی (علیه‌السلام) اظهار محبت مرد و گفت: «دوستت دارم». حضرت فرمود: پس برو و منتظر بلا باش!

علت دیگر این است که اشتباهات انسان با هجوم مشکلات تصحیح شده و بخشیده می‌شود. زندگی انسان پر از خطا و گناه و اشتباه است. بالاخره اگر در دنیا عقوبت زشتکاری‌ها و کوتاهی‌ها خود را نبیند باید هزار برابر آن را در آخرت کیفر ببیند. هر چه انسان به خداوند نزدیک‌تر باشد اشتباهاتش را زودتر به او گوشزد می‌کنند

مانند دانش آموز درس خوانی اگر کمی نمره‌اش افت کند بیشتر و زودتر از دیگر دانش‌آموزان مورد توبیخ قرار می‌گیرد. یکی از یاران امام صادق(علیه‌السلام) به محضر امام مشرف شد و روی صندلی که آنجا بود نشست. پایه‌ی صندلی شکست و او بر زمین افتاد، سرش به گوشه‌ای خورد و زخم برداشت و از آن خون جاری شد. معلوم بود که حادثه طبیعی نیست. حضرت در حالی که زخم او را درمان می‌کردند فرمودند: وقتی روی صندلی نشستی «بسم الله» نگفتی!

این فراز از دعا به انسان این تعلیم را می‌دهد که هیچ وقت به دنبال مشکلات نرو ولی اگر آنها سراغت آمدند صبوری کن و ناشکیبا نباش!

۲۳.۳ \* «وَأَقْبِلْ مَعَاذِيرِي» و عذرهایم بپذیر!

### عذرهای بنده!

در حدیث آمده است که وقتی دوستت دچار خطایی در رابطه با تو انجام داد از او بخواه که عذرش را بگوید، اگر عذری نگفت خودت برای اشتباه او توجیهی بیاور و عذری بتراش!

در این فراز از دعا بنده به خداوند می‌گوید: خدایا من اگر بگویم شیطان فریبم داد تو خواهی گفت می‌خواستی فریب نخوری! اگر بگویم مشکلات اقتصادی من را وادار به گناه کرد تو خواهی گفت می‌خواستی قناعت کنی اگر بگویم: شهوت بر من فشار آورد تو خواهی گفت می‌خواستی ازدواج کنی و یا روزه بگیری و بالاخره یوسف‌وار با وسوسه‌ها باید می‌جنگیدی! اگر بگویم خب طرف دیگر هم مقصر بود تو خواهی گفت می‌خواستی او را ببخشی اگر بگویم

قدر زحماتم را نمی‌دانستند تو خواهی گفت مگر قدر زحمات من را می‌دانند؟! اگر بگویم: والدینم از من توقعات زیادی دارند تو خواهی گفت تو هم وقتی بچه بودی آنها را دچار زحمتهای زیادی کردی. اگر بگویم ... تو خواهی گفت ...

در این فراز از دعا بنده از خداوند می‌خواهد عذرم را بپذیر هر چه من گفتم تو پاسخم را مده زیرا خود می‌دانم این عذرها هیچ کدام قابل قبول نیست! اما تو کریمی و من لئیم! لئیم بهانه می‌آورد و کریم قبول می‌کند؛ مگر کسی غیر از کریم لئیم را می‌بخشد؟! خدایا تو خودت گفתי زندگی با مردم یک سومش تحمل است و دو سومش تغافل! پس تحملم کن و بسیاری از زشتی‌هایم را نبین! بالاخره با هم زندگی می‌کنیم من هم به مرور آن می‌شوم که تو می‌خواهی!

با خدا باید صمیمی حرف زد! خیلی باید با خدا حرف بزنید، آن‌هم خیلی صمیمی!

۲۳.۴ \* « وَ حُطَّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ » و وزر و گناهم محو و نابود

ساز!

### اسباب ریزش گناه

هر دعا کننده‌ای باید پی‌گیر استجاب دعا باشد. پی‌گیر بودن استجاب دعا به دو چیز است: یک به تکرار دعا و اصرار بر آن و دوم به انجام عملی در راستای تحقق خواسته‌ی مطرح شده.

طبق احادیث بعضی از کارهایی که موجب ریزش گناه می‌شود از این قرار است:

۱. سجده‌های طولانی موجب سبک شدن بار گناه می‌شود. انگار که گناه روی دوش انسان است که با سجده کردن آنچه روی دوشش قرار گرفته است پایین می‌غلطد طبیعی است هر چه زمان سجده بیشتر طولانی باشد گناهان زیادتری بر زمین می‌غلطد.
۲. به ازای هر گامی که برای برآوردن حاجت مؤمن برداشته شود خداوند یک گناه از او را می‌ریزد.
۳. هر کس وقتی آب می‌خورد به یاد امام حسین (علیه‌السلام) باشد و قاتلین ایشان را لعن کند خداوند صد هزار گناه او را می‌ریزد.
۴. هر بار که از انداختن آب دهان در فضای مسجد خودداری کند یک گناه از او ریخته می‌شود.
۵. طواف و نماز طواف موجب ریزش هفتاد هزار گناه می‌شود.
۶. هر گام به سوی زیارت امام حسین (علیه‌السلام) موجب ریزش یک گناه می‌گردد.
۷. تشیع جنازه مؤمن موجب ریزش بیست و پنج گناه کبیره می‌گردد.
۸. هر کس هر روز صبح ده بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ده گناه از او می‌ریزد.
۹. هر گامی که در راه اطاعت خداوند برداشته شود یک گناه او ریخته می‌شود.

...۱۰

تا انسان زیر بار گناهان باشد نمی‌تواند اوج بگیرد زیرا تنها سبک‌باران می‌توانند از گردنه‌ها عبور کرده و معراج کنند.

۲۳.۵ \* « يَا رءُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ » ای رؤوف و مهربان در حق

صالحان!

### جلوه‌های رأفت

جلوه‌های مختلفی از رأفت خداوند به بندگانش در قرآن آمده است:

« وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رءُوفٌ بِالْعِبَادِ »

(بقره: ۲۰۷) این آیه وقتی نازل شده که امام در شب هجرت به جای پیامبر در بستر ایشان خوابید. امام کاملاً حاضر برای شهادت بود. رأفت خداوند به بنده‌اش این گونه بود که جان بنده‌اش را بخرد و باز او را به او برگرداند! عجب تجارت پر سودی!

خداوند در موضوع تغییر قبله که واقعا سبب فتنه‌ای بین مسلمین شده بود با روشنگری‌ها و آیات مختلفش آنها را از لغزیدن در این مسئله محفوظ داشت. (بقره: ۱۴۳)

خداوند در لحظات سخت جنگ که زمینه زلزله در آن زیاد است با امداد غیبی، به مؤمنین آرامش می‌دهد. (توبه: ۱۱۷)

خداوند زمین را برای زیست مناسب انسان آماده نموده و همه‌ی آنچه در زمین است را در تسخیر انسان قرار داده است. (نحل: ۷، حج: ۶۵)

خداوند بعضی از عذاب‌ها را به صورت تدریجی نه به یک‌باره فرو

می‌فرستد تا زمینه‌ی تنبه و توبه برای آنها که اهل هدایتند فراهم شود. (نحل: ۴۷)

خداوند با تشریح احکام نورانی اسلام جلوی رفتارهای زشت انسان‌ها را می‌گیرد و به این وسیله زندگی امنی را برای انسان‌ها به وجود می‌آورد. (نور: ۲۰)

خداوند با فروفرستادن کتاب‌های آسمانی انبیا را واداشته است تا انسان‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت کنند. (حدید: ۹)

خداوند با هدایت مؤمنین کینه را از دل آنها بیرون برده و آن را با خیرخواهی و دعای خیر به حال یکدیگر جایگزین می‌کند. (حشر: ۱۰)

### دعای روز بیست و چهارم

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ أُطِيعَكَ وَلَا أُعْصِيكَ يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ»<sup>۴۳۶</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز از تو درخواست می‌کنم آنچه را که رضای تو در اوست و به تو پناه می‌برم از آنچه تو را ناپسند است و از تو توفیق می‌خواهم که در این روز همه را به فرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم ای جود و عطا بخش سؤال کنندگان.

۲۴.۱ \* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ» ای خدا در این روز از تو

<sup>۴۳۶</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند به تعداد هر مویی که بر سر و بدن اوست هزار خادم (از فرشتگان) و هزار نوجوان (از غلمان بهشتی) که همانند مرجان و یاقوت هستند می‌دهد.

درخواست می‌کنم آنچه را که رضای تو در اوست!

## رضایت از خداوند

خواهش از خداوند برای راضی شدن بارها در این دعاها تکرار شده است. راضی نمودن و راضی نگه‌داشتن خداوند مهم‌ترین کاری است که باید انسان‌ها انجام دهند.

برای کسب رضایت خداوند باید از خداوند راضی بود! «رَضِيَ اللَّهُ

عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده: ۱۱۹، توبه: ۱۰۰، مجادله: ۲۲، بینه: ۸)

راضی بودن از خداوند کار سختی است زیرا خداوند کارهایی می‌کند که از درک عقل‌های رشد نیافته بیرون است. باید عقل آنقدر رشد کند و انسان از پلکان کمال آنقدر بالا بیاید تا راضی به رضای او بشود. امام حسین (علیه‌السلام)، وقتی در گودی قتلگاه تیغ بر گودی حلقومش گمارده بودند می‌فرمود: «رَضِيَ بَرِضًا تَسْلِيمًا لَا مَرْكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ!»

در حدیث است که خداوند می‌فرماید من نزد گمان بنده خویشم! یعنی او اگر نسبت به من خوش‌گمان باشد من هم نسبت به او این چنین هستم. اگر نسبت به رفتار و گفتار من تردید کند و سوء ظن داشته باشد من هم درباره‌ی او بد می‌اندیشدم! «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُوْمِنِ بِي إِِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا» (کافی: ۷۲/۲)

بنابراین این فراز از دعای روز بیست و چهارم تعبیری دیگر از خواهش است که خدایا: گمانم را نسبت به خودت نیکو گردان. اگر دعایم را دیر اجابت می‌کنی، اگر رزق را به کندی به من می‌رسانی نه



این که به فکر من نیستی و دوستم نداری بلکه مصلحتم را در این می‌بینی.

گناهانی که انسان‌ها انجام می‌دهند و به این وسیله خداوند را از خود ناخشنود می‌سازند همه بر می‌گردد به عدم باورش‌ان نسبت به حکیمانه بودن توصیه‌های خداوند و دلسوز بودن و خیر خواه بودن او. و این یعنی همان ناراضی بودن از خدا!

۲۴.۲ \* « وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُؤْذِيكَ » و به تو پناه می‌برم از آنچه تو را

ناپسند است!

### آزار خداوند!

انسان در پناه تعالیم اسلام عزیز می‌تواند از ستم نمودن به خداوند خود را ایمن نماید. واقعا انسان چه موجودی است؟! خدای جهان هستی را آزار می‌دهد!! این چه گستاخی و نادانی و حماقتی است. آزار دادن خداوند، بریدن شاخه‌ی زیر خود است. بزرگ‌ترین خودآزاری است. خودکشی محض است. شوخی انگاشتن فلسفه خلقت است. خداوند هیچ کاری نکرد و هیچ سخنی نگفت مگر آن که جدی بود و اهدافی بلند را تعقیب می‌کرد.

خداوند از دوزخی شدن انسان‌ها اذیت می‌شود! امام علی (علیه‌السلام) از کشته شدن طلحه در جنگ جمل آنقدر متأسف شدن که حتی اشک ریخت شمشیر او را بوسید و فرمود: این شمشیر غبار غم را از چهره رسول خدا می‌زدود!

در دعای کمیل می‌خوانیم: « فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ

تَغْذِيبِ جَاهِدِيكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ

مَا كَانَ لِأَخَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا / من به یقین قاطع می دانم که اگر تو بر منکران خدایت، حکم به آتش قهر خود، نکرده و فرمان همیشگی عذاب دوزخ را به معاندان نداده بودی محققاً تمام آتش دوزخ را سرد و سالم می کردی و هیچکس را در آتش جای و منزل نمی دادی.»

گناهان ما سبب دوزخی شدن ما می شود و این خدا را آزار می دهد. خصوصاً ما شیعیان وقتی گناه می کنیم و به این وسیله خود را دچار انواع مشکلات می کنیم امامان خویش را آزار می دهیم زیرا آنها نمی توانند ببینند که ما اینقدر دچار مشکل شده ایم. وقتی فرزندی والدین خود را وامی دارد تا تنبیهش کنند آنها را به کاری واداشته است که به شدت از انجام آن رنج می برند. پدری وقتی فرزند خودش را تنبیه می کند و او را می زند قلبش آنچنان به درد می آید که انگار چند برابر خودش را زده است!

از این که خدا را با آزار دیدن خود بیزاریم به او پناه ببریم!

۲۴.۳ \* « وَ أَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنْ أُطِيعَكَ وَ لَا أُغْصِبَكَ » و از تو توفیق

می خواهم که در این روز همه را به فرمان تو باشم و هیچ نافرمانی نکنم!

### ارزش یک روز بی معصیت!

توفیق طاعت و ترک معصیت در روز بیست و چهارم چیزی است بنده از خداوند می خواهد. آیا تنها یک روز معصیت نکردن و اطاعت نمودن برای با تقوا بودن کافی است؟! بله کافی است! اگر یک روز بدون معصیت طی شود و به پایان برسد و سراسر آن طاعت باشد و اطاعت، یقین بدانید دیگر روزها هم به همین منوال خواهد گذشت.

دایره‌ی گناهان را بسیار محدود می دانیم در نتیجه یک روز گناه

نکردن برایمان ساده می‌نماید. دایره گناهان آنقدر وسیع است که دامن انبیا را هم گرفته است. خداوند از خطای آدم در بهشت تعبیر به معصیت می‌کند. «عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱) آری آدم هم معصیت کرد! آدمی که خداوند خودش معلمش شد و همه‌ی اسماء و حقایق جهان هستی را به او آموخت! و بعد به فرشتگانش گفت که همه بر او سجده کنند و شیطان را به خاطر این که آدم را تعظیم نکرده بود بعد از آن همه ریاضت‌ها و عبادت‌ها از کنار عرشش بیرون کرد و در قعر دوزخش جایش داد.

هر چند آدم آنقدر گریست تا در نهایت توبه‌اش قبول شد ولی نکته‌ی مهم اینجاست وقتی شیطان آدم را در بهشتی که همه چیز برای لذت حلال بردن فراهم است می‌فریبد دیگر برای وسوسه‌ی ما که اصلا لازم نیست تلاشی بکند.

توفیق در معصیت نکردن در یک روز نشان وجود مرتبه‌ای از کمال است که یقیناً این مرتبه در روزهای بعد هم باقی می‌ماند بنابراین ترک معصیت در یک روز توفیقی بزرگ است. ماندن یک روز در قفس حیوانات درنده کافی است تا انسان مطمئن باشد که می‌تواند همیشه این کار را انجام دهد. در حدیث آمده است یک روز را بدون وسوسه و کوچکترین گناه پشت سر گذاشتن بیست بار مزه‌ی مرگ را به کام انسان می‌چشانند!

۲۴.۴ \* « يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ » ای جود و عطا بخش سؤال‌کنندگان!

چرا بخل؟!

جواد به کسی گفته می‌شود هیچ بخلی ندارد « یا جواد لا یبخل عمّن

رجا ثوابه « ای بخشنده‌ای که بخل نمی‌ورزی نسبت به کسی که امید ثوابت را دارد.

یکی از مصادیق جود خداوند این است که: در احادیث شیعه آمده است « هر کس بشنود خداوند برای فلان عمل ثوابی را مشخص نموده است و آن عمل را به امید ثواب انجام دهد و حال آن که آن چه او شنیده است، واقعیت نداشته باشد خداوند به او آن ثواب را خواهد داد!» این احادیث به عنوان احادیث «مَنْ بَلَغَ» مشهور شده است و فقهای شیعه بر اساس احادیث «من بلغ» در رابطه با سند مستحبات خیلی وسواس به خرج نمی‌دهند و طبق مضمون بسیاری از آنها فتوا می‌دهند.

کسی بخل دارد که دارایی‌اش محدود است و با بخشش آن می‌ترسد تمام شود! ولی خداوند مالک همه‌ی گنج‌های زمین و آسمان است. «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (شوری: ۱۲) گنج‌هایی که هر چه از آن بردارند کم نمی‌شود. این مضمون بارها و بارها در ادعیه تکرار شده است.

### دعای روز بیست و پنجم

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَتًّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ »<sup>۴۳۷</sup>

ترجمه: ای خدا مرا در این روز محب دوستانت و عداو دشمنانت قرار

<sup>۴۳۷</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند برای او در بهشت صد قصر می‌سازد که بر روی هر قصر خیمه‌ای سبز برپا شده است!

ده و در راه و روش به طریقه و سنت خاتم پیغمبرانت بدار ای عصمت  
بخش دل‌های پیغمبران.

۲۵.۱ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ» ای خدا مرا

در این روز محب دوستان و عدو دشمنانت قرار ده!

## تولی و تبری

تولی و تبری به عنوان دو اصل اساسی ایمان است. دوستی با  
دوستان خدا و دشمنی با دشمنان او.

دوستی با خداوند ادعایی است که همه آن را مطرح می‌کنند. جز  
عده‌ای معدود که شیطان پرست بوده و اظهار دشمنی با خداوند  
می‌کنند همه‌ی انسان‌ها نسبت به خداوند اظهار دوستی نموده و او را  
تعظیم می‌کنند. ولی با این وجود قرآن اکثریت انسان‌ها را کافر،  
گمراه و بدون شعور می‌داند! چرا؟ مردم دارای هر دینی باشند خداوند  
در آن دین از جایگاه رفیعی برخوردار است. اما با این وصف تنها دین  
اسلام - آن هم از نوع ناب و خالصش که مکتب تشیع باشد - است  
که مورد قبول خداوند است. چرا؟

محبت فطری که بیشتر انسان‌ها نسبت به خداوند دارند مثل  
دیگر امور فطریشان رشد نکرده است. انسان نمی‌تواند به امور فطری  
که خداوند در او قرار داده است بسنده نموده و حتی افتخار کند. امور  
فطری تنها زمینه‌ی رشد هستند نقطه‌های آغازی می‌باشند که  
خداوند در انسان قرار داده است. محبت خداوند باید رشد کند و به

محبت به پیامبران سرایت نماید و از آنجا هم باید بگذرد و به محبت جانشینان پیامبران برسد. به آنجا هم نباید محدود مانده، باید به محبت صالحان و خیرخواهان منجر شود. محبت محبوس و راکد ثمری ندارد. محبت مثل آب است. آب اگر تنها در سفره های زیر زمینی بماند چه ثمری دارد. باید از زمین بجوشد و خود را به دشت و چمن برساند تا همه جا را سرسبز نماید.

در صورتی خداوند دوست دارد مدعیان محبتش از انبیا تبعیت کنند: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱)

محبت ورزیدن به دوستان خدا، نشان صدق محبت به خداوند است. یهودیانی که دستشان به خون پیامبران و دیگر اصلاح گران «يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ» (آل عمران: ۲۱) آغشته است و الان هم به زنان و کودکان فلسطینی رحم نمی کنند، چطور ادعای محبت انحصاری خداوند را می کنند!؟

خداوند به پیامبرش می فرماید به یهودیانی که خود را دوستان خداوند معرفی می کنند و حتی ادعا می کنند تنها آنها دوستان خداوند هستند و دیگر مردم بهره از محبت او ندارند بگو: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (جمعه: ۶) ای یهودیان! اگر تصورتان بر این است که تنها شما دوستان خدایید نه دیگر مردم، اگر راست می گوئید آرزوی مرگ کنید! مرگ شما را به لقاء خداوند می رساند همان خدایی که ادعای محبت انحصاری اش را داشتید. مگر هر محبی مشتاق وصال محبوبش نیست؟!» در آیهی بعد می فرماید: شما هیچ وقت آرزوی مرگ نمی کنید. (از مرگ به شدت وحشت دارید) زیرا آنچه برای آخرت

خود فرستادید (و کارهای زشتی که مرتکب شدید): «و لَا يَتَمَنَّوْنَهُ  
أَبْدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ»

دشمنی با دشمنان خداوند نیز طرف دیگر سکه محبت به  
دوستان خداوند است زیرا دشمن دوست، دشمن ما است همان‌گونه  
که دوست دوست، دوست ماست. دشمن دشمن، دوست ماست و  
دوست دشمن، دشمن ماست. آیا کسی با این قانون مخالفت می‌کند؟!  
نمی‌شود هم نوکر امام بود و هم چاکر یزید! ولایت و برائت دلیل  
صدق یکدیگر هستند. و حتی برائت مهم‌تر است زیرا همه خوبی و  
خوبان را دوست دارند ولی به‌خاطر بد بودنشان و حب نفسی که دارند  
نمی‌توانند با بدها دشمنی کنند زیرا باید نخست با خودشان دشمنی  
ورزند و حال آنها هیچ‌گاه این چنین نمی‌کند.

انسان در راه محبت خداوند حتی از فرزند کافر خود نیز می‌گذرد  
و با او دشمنی می‌ورزد. که باید این چنین کند. نه فرزند بلکه همه‌ی  
عزیزان را باید فدای محبت خداوند و پیامبر و جنگیدن با دشمنان  
آنها نمود: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَ  
أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ  
وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الْفَاسِقِينَ»<sup>۴۳۸</sup> (توبه: ۲۴)

ما شیعیان مفتخر هستیم که محبت بهترین دوستان خداوند را

<sup>۴۳۸</sup> بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد  
آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد  
شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر  
باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد.» و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی  
نمی‌کند.

در سینه داریم و با قبول مکتب تشیع - اعتقادات و احکام فقهی آن - دوستی خویش را با خداوند ثابت نمودیم، دیگران باید فکری به حال خود کنند!

۲۵.۲ \* « مُسْتَنَّا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَاءِكَ » و در راه و روش به طریقه و

سنت خاتم پیغمبرانت مدار!

### ملاک سنی بودن!

سنی بودن یعنی پیروی نمودن از سنت و سخنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و شیعه بودن یعنی تبعیت نمودن از پیامبر اسلام و ائمه بزرگوار (علیهم السلام). اگر سنی بودن اهل تسنن و شیعه بودن اهل تشیع واقعیت عینی پیدا کند وضعیت مسلمانان جهان به صورتی دیگر می‌بود.

این تأسف مربوط به صاحبان دیگر ادیان نیز هست. اگر مسیحیان به تعالیم انجیل و یهودیان به تعالیم تورات عمل کنند - به انجیل و تورات کنونی با همه‌ی تحریفی که در آن دو صورت گرفته است - یقیناً همه به سوی حقی واحد رهنمون خواهند شد. « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران: ۶۴) بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را



به جای خدا به خدایی نگیرد.»

اصولا التزام کامل به یک حقیقت ما را به دیگر حقایق هدایت خواهد نمود و راه رشد را برویمان روشن خواهد کرد. حتی اگر آن حقیقت، حقیقتی ارزشی - انسانی مثل پرهیز از دروغ باشد. اگر انسانی در آن طرف دنیا و به دور از هرگونه دین و مذهب تنها تلاش کند دروغ نگوید، یقین بداند خداوند او را با تعالیم انبیا آشنا نموده و در آینده‌ای نزدیک او را وارد جرگه‌ی اهل ولایت ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) می‌نماید و اگر این وسط مرگش فرارسد مابقی رشد خود را در برزخ انجام خواهد داد!

این فراز از دعا انسان را دعوت می‌کند تا حقیقتا سنی باشد و پیامبر را برای خود الگو قرار دهد. پیامبر روشش این بود که دوستان خدا را دوست می‌داشت. ایشان به شدت به امام علی (علیه السلام) و دختر بزرگوارشان و به حسن و حسین دو فرزند بسیار عزیزشان علاقه داشتند و آنها را بیش از همه مورد تکریم قرار می‌دادند. آیا کسی از امت اسلامی منکر این حقیقت است؟! آیا امت اسلامی بعد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اهل بیت او را تکریم کردند؟! آیا پشت کردن به اهل بیت پیامبر و بهره نبردن از معارف ایشان توجه به سنت پیامبر است؟! آیا سنی بودن یعنی این؟!!

۲۵.۳ \* « يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ » ای عصمت بخش دل‌های پیغمبران!

### مقام عصمت

عصمت همان مقام «مخلص» است (به فتح لام). «مخلص» به کسی گفته می‌شود که خداوند او را خالص کرده است. انسان وقتی

تلاش بکند تا خالص بماند در نقطه‌ای از کمال خداوند جهشی بسیار به حرکت او می‌دهد و قلبش را از هرگونه رغبت به دنیا تهی نموده و تا آنجا که ظرفیتش اجازه دهد به او معرفت خودش را ارزانی می‌دارد! خداوند پیامبرش را گمراه دید لذا او را هدایت نمود « وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ » (ضحی: ۷) این نوع از ضلالت همان فاصله‌ی بین «مخلّص» و «مخلّص» است. انبیا در زمان وسوسه برهان رب خود را نه این که بیاد بیاورند و یا بشنوند بلکه آن را مشاهده می‌کنند لذا از معصیت ایمن هستند. آن‌گونه که حضرت یوسف برهان ربش را دید و از وسوسه زلیخا نجات یافت.

عصمت اختصاص به انبیا ندارد بلکه مراحلی از آن را دیگران هم می‌توانند داشته باشند ولی بالاترین حد آن اختصاص به چهارده معصوم (علیهم‌صلوات‌الله) دارد. در این مرحله از عصمت، هیچ‌گونه خطایی حتی در مسائل جزئی از او سر نمی‌زند یعنی حتی به اشتباه به کسی تنه نمی‌زند و یا پا روی لباس شخصی نمی‌گذارد. در سخن گفتن با دیگران مقداری بیشتر از واقعیت مبالغه نمی‌کند، کوچک‌ترین فضیلت اخلاقی را که حتی ممکن است به چشم خیلی‌ها نیاید رعایت می‌کند. آنی قلبش از اوج ذکر باز نمی‌ماند.

پیامبران اولوالعزم (علیهم‌السلام) غیر از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مرحله‌ی دوم عصمت هستند. لذا از آنها کارهایی سرزده است که موجب توبیخ خداوند شده است. کارهایی که بهتر بود انجام نمی‌گرفت. مثل شتابی که حضرت داوود در قضاوت کرد قبل از آن سخن طرف دیگر دعوا را هم بشنود. البته در این شتاب هم می‌توانست عذر داشته باشد ولی ایشان این عذر را از خودش

نپذیرفت و به خاطر این تعجیل به درگاه خداوند بسیار گریست!  
(آیات ۲۱ تا ۲۶ سوره ص)

دعای روز بیست و پنجم از اینجا شروع شده است که انسان هنگام طی نمودن مراحل رشد ابتدا باید با دوستان خداوند دوست شود و آنها به برائت از دشمنان آنها برسد و در ادامه پیامبران را الگوی خودش قرار دهد. وقتی به دوستان خدا دل می‌بندد و یا آنها را الگوی خودش قرار می‌دهد مطمئن باشد که در مسیر درستی گام برمی‌دارد زیرا خداوند قلب پیامبرانش را از هر گونه لغزشی ایمن نموده است.

### دعای روز بیست و ششم

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَ عَيْبِي فِيهِ مَسْتُورًا يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ»<sup>۴۳۹</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز سعیم را (در راه طاعتت) بپذیر و گناهانم را در این روز ببخش و عملم را مقبول و عیبم را مستور گردان ای بهترین شنوای دعای خلق

۲۶.۱ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا» ای خدا در این روز سعیم را

(در راه طاعتت) بپذیر!

**خداوند شکور!**

<sup>۴۳۹</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند روز قیامت به او ندا می‌شود که: نترس و محزون نباش زیرا تو آمرزیده شدی!

یکی از اسماء خداوند شاکر و شکور است. شکور مبالغه‌ی شاکر است. خداوند از بندگانش تشکر می‌کند! این نشان کرم غیر قابل وصف خداوند است. مولایی که طبق حق مولویتش اجازه دارد بنده‌ی خودش را به هر کاری فرمان دهد و بنده نیز باید فرمان ببرد. ولی رابطه‌ی بین خداوند و بندگانش غیر از آن است:

خداوند همه‌ی نیروی بنده‌اش را تأمین می‌کند.

بعد او را برای رشد خودش به کارهایی امر می‌کند.

بعد کمکش می‌کند تا با رغبت کارهایی را که به آن امر شده است انجام دهد.

در ضمن میزان و نوع تکالیف را نیز کمتر از حد توان بنده‌اش قرار می‌دهد.

اگر بنده در انجام تکالیف کوتاهی کند راه جبران آنها را برایش معین می‌نماید.

وقتی تکلیفی انجام گرفت نقص‌های آن را می‌پوشاند و غفلت‌هایی که در حین انجام تکالیف داشته است را می‌بخشد.

در نهایت از بنده‌اش به‌خاطر کارهایی که انجام داده تشکر می‌کند!

شما این چنین اربابی تا حال دیده‌اید؟! آیا نباید به داشتن چنین مولایی به خود بالید؟! «إِلَهِی كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا أَنْتَ.»

خداوند زمانی از کارهای بنده‌ی خویش تشکر می‌کند که:

اولاً: در کارها صالحی که انجام داده است جز آخرت را در نظر

نداشته باشد و با ایمان - به خدا و پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه-

ی معصومین (علیهم‌السلام) - کارهای خوبش را انجام داده باشد: « وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا<sup>۴۴۰</sup> » (اسراء: ۱۹)

ثانیا: از خداوند برای توفیقی که برای انجام کارهای خوبش پیدا نموده است تشکر کند: « مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا<sup>۴۴۱</sup> » (نساء: ۱۴۷)

همه‌ی تلاش‌های نیکوی انسان مورد تشکر خداوند قرار می‌گیرد « مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ » (شوری: ۲۳) خصوصاً تلاوت قرآن و اقامه‌ی نماز و انفاق « إِنْ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجْرَةً لَنْ تَبُورَ، لِيُؤْتِيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ<sup>۴۴۲</sup> » (فاطر: ۲۹ و ۳۰)

۲۶.۲ \* « وَ ذُنُوبِي فِيهِ مَغْفُورًا » و گناهانم را در این روز ببخش!

### فلسفه‌ی استغفار اولیاء الله

طلب آمرزش گناه در میان دیگر خواسته‌های انسان جایگاه ویژه‌ای دارد زیرا همه‌ی انسان‌ها از اولیای مقرب خداوند گرفته تا

<sup>۴۴۰</sup> و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد.

<sup>۴۴۱</sup> اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس‌پذیر [حق‌شناس] داناست

<sup>۴۴۲</sup> در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد. تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون‌بخشی خود در حق آنان بیفزاید که او آمرزنده حق‌شناس است.

انسان‌هایی که از درجه‌ی ایمان پایینی برخوردار هستند از خداوند تقاضای آمرزش دارند.

بر این اساس باید گناه معنای وسیعی داشته باشد تا آمرزش آن خواسته‌ی همه باشد! اگر گناهان را بخواهیم منحصر در تقصیر بکنیم نمی‌توانیم از استغفاری که اولیای خداوند می‌کنند دفاع کنیم ولی گناه منحصر در تقصیرها نیست بلکه شامل قصورها حتی قصورهای احتمالی هم می‌شود. «ذنب» احساس گناه است اعم از این که در واقعیت گناه باشد یا گناه نباشد.

در دعای کمیل امام علی (علیه‌السلام) ادعا می‌کند که به خود ستم نموده است و نادانی‌اش او را در مقابل خداوند گستاخ نموده است! «ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّاتُ بِجَهْلِي» این چه ستمی است؟! و این چه نادانی و گستاخی است؟! تا زمانی که خشیت و هراس از خداوند دل ما را در قبضه‌ی خود نگیرد از «احساس گناه» چیزی نمی‌فهمیم. ما هنوز بسیاری از گناهانمان را گناه نمی‌دانیم و مدام در فکر توجیه زشتی‌های خود هستیم و به دنبال کلاه شرعی برای خلافاکاری‌های خود می‌باشیم. چگونه با این رتبه از کمال می‌توانیم وضعیت روحی بزرگان را در رابطه‌ای که با خدای خود دارند بفهمیم؟!

خشیت موجب «احساس گناهکاری» می‌شود. هر چه شخصی از وسوسه‌ی شیطان دورتر شود، نسبت به وسوسه، وسواس بیشتری پیدا می‌کند و از کوچک‌ترین چیزی که احتمال ضعیف وسوسه داشته باشد هراسان می‌شود. درست مثل دیگر وسواس‌ها. وقتی کسی خیلی به نظافت شخصی و یا محیط زندگی‌اش بپردازد نسبت به نظافت وسواس پیدا می‌کند.

از آن طرف هرچه وسوسه بیشتر سراغ فرد بیاید او نسبت به فریب شیطان کمتری احساس نگرانی نموده و با غرور می‌گوید: من احساس نمی‌کنم فریب خوردم. اصل فریب خوردگی در احساس فریب نخوردن است! زمانی شیطان در فریبی که می‌دهد موفق عمل نموده است که توانسته باشد احساس فریب خوردگی را در فرد از بین ببرد.

قرآن خشیت و هراس از خداوند و در نتیجه «احساس گناه» را نتیجه‌ی علم و آگاهی می‌داند «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) علم و آگاهی به خطیر بودن مسئولیت انسان بودن و انسان ماندن و این که امر آخرت بسیار جدی است! پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ سَمُّوا فَإِنَّ الْأَمْرَ جَدُّ وَ تَاهَبُوا فَإِنَّ الرَّحِيلَ قَرِيبٌ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِيدٌ وَ حَفِّقُوا اتَّقَالَكُمْ فَإِنَّ وِرَاءَكُمْ عَقَبَةٌ كَثُودًا وَ لَهَا يَفْطَعُهَا إِلَّا الْمُخَفُّونَ. اى مسلمانان کمرها را ببندید قضیه جدی است! کوچ نزدیک است! توشه بگیرید که سفر طولانی است، بارها و گناهانتان را سبک کنید زیرا در وراء شما گرده‌ای سخت است که جز آنها که بارشان سبک است نمی‌تواند از آن عبور کنند» (بحارالانوار: ۱۱۸/۷۴)

۲۶.۳ \* « وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا » وَ عَمَلْمِ رَا قَبُول كُن!

کمی از عمل که قبول شود انسان بار خود را بسته است و از دوزخ رهیده و به بهشت وارد خواهد شد. در حدیث آمده است دو رکعت نماز و یا درهمی صدقه اگر پذیرفته شود شخص را بهشتی می‌کند!

دغدغه‌ی قبولی عمل باید بیشتر از انجام خود عمل باشد. انسان‌ها

غالبا به فکر حجیم نمودن اعمال خود هستند بدون آن که به کیفیت بخشیدن به آن با رعایت آداب عمل و نیت آن توجه کنند.

### شرایط قبول عمل

\* شرط اول قبول عمل مسلمان بودن است خداوند هیچ عملی را از کفار قبول نمی‌کند حتی اگر زمینی پر از طلا را انفاق کرده باشند «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا» (آل عمران: ۹۱) زیرا خداوند دینی غیر از اسلام را نمی‌پذیرد «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران: ۸۵)

\* شرط دوم ترک گناه است. (إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ مائدة: ۲۷)

\* شرط سوم داشتن روحیه‌ی شکر گذاری است. (احقاف: ۱۵ و ۱۶) در میان کارهای صالحی که انسان انجام می‌دهد توبه کردن بهترین آن است. و توبه نیز نیاز به قبول دارد زیرا توبه دارای شرایطی است که اگر محقق نشود، حقیقت توبه عینیت پیدا نمی‌کند. توبه یعنی برگشت از مسیری که منتهی به گناه شده است. این برگشت ممکن است به تغییر دادن شغل، دوستان، محل زندگی و نوع تفریحات باشد و همچنین توبه نیازمند جبران گذشته است. در صورتی که حقی از مردم از بین رفته است این حقوق برگشت داده شود و اگر آبرویی رفته است اعاده‌ی حیثیت نماید و اگر دلی شکسته شده است، آن را بدست آورد و نیز حقوق الهی که قابل جبران است، جبران کند مثل این که نماز و روزه‌اش را قضا بنماید. کفاره‌هایی که بر گردن دارد ادا نماید و مالش را از نظر خمس و زکات پاک نماید.

۲۶.۴ \* «وَعَبِي فِيهِ مَسْتُورًا» و عیبم را مستور گردان!



آبرو و حیثیت اجتماعی سرمایه‌ای بزرگ است که بدون آن، انسان امیدش را به خوب شدن از دست می‌دهد. در حدیث است: کسی که مورد توهین قرار می‌گیرد از شرش نمی‌توان ایمن بود: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (تحف العقول: ۴۸۳)

خداوند آبروی بنده‌اش را حفظ می‌کند زیرا او ستارالعیوب است. در حدیث است که تا هفت ساعت فرشتگانی که مأموریت نوشتن اعمال انسان را دارند نسبت به گناه او مطلع نمی‌شوند! اگر در این زمان شخص توبه کند آنها هرگز متوجه گنهکاری او نمی‌شوند. این که دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌های روز عرضه اعمال به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) است جای بسی امیدواری است زیرا انسان می‌تواند با توبه‌ای که می‌کند آبرویش را نزد امام زمانش حفظ نماید.

### عوامل رسوایی

البته اگر انسان خودش آبروی خودش را ببرد دیگر نباید بی‌آبرویی‌اش را به خداوند نسبت دهد. یکی از اموری که آبروی فرد را توسط خودش از بین می‌برد عیبجویی است. کسی در پی عیوب دیگران باشد دیگران نیز در پی عیوبش خواهند بود.

و یا گفتن راز خود به دیگری و اعتماد بی‌جا سبب خواهد شد بالاخره راز انسان افشا شود. گفته شده است که: «كُلُّ سِرٍّ جَاوَزَ الْإِثْنَيْنِ شَاعَ / هر راز که از دو بگذرد شیوع پیدا می‌کند.» منظور از «اثنین» دو نفر است و حتی ممکن است منظور از آن «دو لب» باشد!

تکرار و اصرار بر گناه هم پرده‌ی ستر خداوند را می‌برد. دزدی را نزد امام علی (علیه‌السلام) آورده بودند که بر او حد جاری شود دزد

اذعان می‌کرد این اولین باری است که دزدی نموده است! حضرت به او می‌فرمایند: یعنی خداوند تو را تنها برای یک بار دزدی رسوا نموده است؟! بعدا او اقرار می‌کند که بارها و شاید هفتاد بار دزدی کرده است.

۲۶.۵ \* « يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ » ای بهترین شنوای دعای خلق!

### خداوند می‌شنود!

این فراز رغبتی زیادی را برای دعا و سخن گفتن با خداوند در انسان به وجود می‌آورد. وقتی ما خواسته‌ای از دیگری داشته باشیم و او خوب به سخنان ما گوش دهد امید زیادی در ما به وجود می‌آید او خواسته ما را برآورده سازد. حتی اگر کاری برای ما انجام ندهد از او تشکر می‌کنیم که سخنانمان را به خوبی شنید و دردلمان را گوش کرد.

«درست گوش کردن، حسن الاستماع» ادبی است که خیلی از آن بی بهره هستند. هنوز سخن ما به میانه راه هم نرسیده است شنندگان ما با مدام تکان دادن سر خود از ما می‌خواهند که دهنمان را ببندیم با این بهانه که آنها متوجه منظور ما شده اند!

اما خداوند که از همه چیز آگاه است و اصلا نیاز به تفسیر و سؤال ندارد به خوبی به سخنانمان گوش می‌دهد و تنها در صورتی از گوش دادن ملول می‌شود که ما از گفتن ملول شویم. لذا در احادیث توصیه شده است که زمان خستگی و بی حالی از دعا بپرهیز چرا که خداوند حالش مطابق با حال توست. البته نه این که حال خداوند تغییر کند و یا مثلا ملول شود بلکه این تعبیر مفهومی این است که اگر حالی برای سخن گفتن به خدا ندارید و طبق عادت و با بدون توجه دارید با

خداوند سخن می‌گوید و دعا می‌خوانید توقع تأثیرات آنچنانه‌ای هم نداشته باش!

نام «اسمع السامعین» بودن استعداد ظهور کامل را دارد به شرط آن که این قابلیت در دعای بنده نیز باشد. هر چه شرایط دعا بهتر رعایت شود زمینه‌ی شنیده شدن آن بیشتر فراهم می‌گردد. به عبارت دیگر:

وقتی انسان رابطه‌اش را با خداوند نیکو کند و از خشمگین نمودن او بپرهیزد و در وقت دعا خلوص داشته و در پنهانی و با تضرع او را بخواند و با ذکر صلوات اعتقادات حقه‌ی خودش را اظهار نماید آن وقت از دعا لذت می‌برد و این لذت نشان این است که خداوند به دعایش گوش می‌دهد. در واقع لذت دعا به خاطر توجه خدا و ظهور اسم سمیع بودن اوست. آن گونه که معشوق با خوب شنیدنش عاشق را به شوق می‌آورد.

### دعای روز بیست و هفتم

«اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْغُيُوبِ وَ امْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ»<sup>۴۴۳</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک ساز و دلم در آزمایش، رتبه‌ی دل‌های اهل تقوی بخش ای پذیرنده‌ی عذر لغزش‌های گناهکاران.

<sup>۴۴۳</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند از صراط همانند برق خاطف همراه با انبیاء و شهدا و صالحین می‌گذرد

۲۷.۱ \* «اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ» ای خدا در این روز مرا از

گناهان پاکیزه گردان!

### فلسفه‌ی وضو و غسل

وقتی انسان وضو یا غسل می‌کند بدن خود را می‌شوید و این را تلاشی می‌داند برای تطهیر درون خود. هر چند ظاهر بدن انسان و تطهیر آن ربطی به پاکیزه شدن درون انسان ندارد ولی این عمل همراه با دعایی که بر زبان جاری می‌شود برای آمرزش گناهان و پاک شدن از آنها ترکیبی زیبا از نیایش را فراهم می‌سازد.

نیایش و دعا محدود به زبان و الفاظ نمی‌شود؛ دستی که بالا می‌رود، سری که پایین می‌آید، شکستگی که در صدا به وجود می‌آید، انگشتی که اشاره می‌کند و می‌لرزد<sup>۴۴۴</sup>، دویدنی که بین دو کوه صفا و مروه انجام می‌گیرد، طائفی که به گرد خانه خدا می‌گردد، وقوفی که در عرفات می‌شود، بیتوته‌ای که در منا صورت می‌پذیرد، سنگی که به جمرات زده می‌شود، احرامی که پوشیده می‌گردد، سجده‌ای که بر خاک باید بشود همه و همه رفتاری ترکیب یافته با دعاهای زبانی است که نیایش را به تصویر می‌کشد.

غسل نیایشی است که به تصویر کشده شده است. مؤمن در این فراز از دعا از خداوند می‌خواهد که خودت غسلم بده! که من هرچه غسل کردم از گناه پاک نشدم!

۲۷.۲ \* «وَطَهَّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ» و از هر عیب و نقص پاک ساز!

### رابطه‌ی عیب و گناه

<sup>۴۴۴</sup> مثل آنچه هنگام خواندن دعای ماه رجب انجام می‌شود.

گناه بر اساس عیوبی صورت می‌گیرد که در انسان نهادینه شده است. اگر انسان از عیوب پاک شود از گناهان نیز فاصله می‌گیرد. در مقابل اعمال صالح، اعمالی است که هماهنگ با فضائل اخلاقی هستند که در انسان ملکه گشته اند.

وقتی کسی سوء ظن داشته باشد دچار تجسس می‌شود و بعد از تجسس، نتیجه آن را به صورت بدگویی و غیبت به دیگران می‌گوید. درباره‌ی شان قضاوت کلی نموده و بر آنها بر چسب می‌زند و برایشان لقب می‌سازد. سوء ظن یک عیب است که اگر بر طرف نشود نهایتاً کار انسان را به غیبت و بهتان می‌کشاند. (با توجه به آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات)

تا انسان از عیب‌رهایی نیابد از گناه خلاصی ندارد. عیوب ریشه را خراب می‌کند؛ بدون اصلاح ریشه، دیگر تلاش‌ها پرداختن به شاخه است.

و همچنین زهد و بی‌رغبتی به اندوخته‌های دنیا سبب می‌شود تا انسان بدون منت به دیگران احسان کند و ببخشد و جود نماید. اگر بخشش، بدون فضیلت زهد صورت گیرد قطعاً فرد بخشنده چشمش به دنبال چیزی است که بخشیده است لذا همیشه بخشش‌هایش و نام‌آنها را که کم‌کشان نموده است به خاطر دارد و هر چند گاهی به آنها یادآور می‌شود که چه کارهایی برای آنها انجام داده است.

اعمال به ظاهر خوب هم می‌تواند به خاطر تهی بودن از فضائل اخلاقی تبدیل به اعمال فاسد شود همچنان که بخشش با منت انسان را فاسد می‌کند.

دل‌های اهل تقوی بخش!

## تقوای قلب

در این فراز مؤمن از خداوند می‌خواهد که دلش را در این ماه مبارک برای متقی بودن و رز داد و تمرین دهد. یعنی در این ماه زمینه‌ی تمرین کردن برای تقوای بیشتر را برای او فراهم سازد.

قرآن نشانه‌ی عمده‌ی تقوای دل را تعظیم شعائر می‌داند: «مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) شعائر به معنای نشانه هاست. مثل نماز که نشان عبودیت است و مثل حج که نشان وحدت است و مثل زکات که نشان همیاری است و همه‌ی اینها مقدمه‌ی تقوا و خدا ترسی است.

وقتی تقوا در دل نفوذ نکند شعائر دینی مورد تعظیم قرار نمی‌گیرد. نماز جدی گرفته نشده و از آن محافظت نمی‌گردد. زکات کم اهمیت انگاشته می‌شود و فلسفه‌ی حج که اتحاد مسلمین در مقابل کفار است و برائت از مشرکین ملازم با رمی جمرات است به فراموشی سپرده می‌شود.

ماه مبارک رمضان و اعمال و آداب مختلفی که در آن وجود دارد یکی از عمده‌ترین نشانه‌های تلاش انسان برای پاک‌ی از گناه و رسیدن به غفران الهی است. در ماه رمضان شب قدر نهاده شده است و در این شب قرآن نازل شده است و همه‌ی ملائک حتی روح بزرگ‌ترینشان به زمین می‌آیند! در این ماه اوج شقاوت انسان و ناسپاسی او نسبت به بهترین خلق خدا به عرصه ظهور رسیده است و علی‌کشته شده است.

این همه نشانه برای حضور رحمت خداوند و اندوه از کفران انسان،

زمینه را برای بسیاری از عروج‌ها و تفکرات آماده می‌سازد. و این همه، تمرین و ممارستی بزرگ برای نفوذ تقوا و خشیت و درک مقام در قلب و روح انسان است. عجب ماهی است این ماه!!

قرآن آنهایی را که صدایشان را نزد پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌شکنند و پایین می‌آورند این چنین توصیف می‌کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِيَتَّقُوا (حجرات: ۳) اینان کسانی هستند که خداوند قلب‌هایشان را برای تقوا تمرین داده است.»

قلبی که برای متقی بودن تمرین کرده و آماده شده عظمت پیامبر به جانش می‌نشیند و درک این عظمت در صدای شکسته‌اش پدیدار است. همانند انسان‌ها، روز قیامت که در مقابل عظمت خداوند صداهایشان لرزان و شکسته است و جز صدایی آهسته چیزی به گوش نمی‌رسد: «خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا» (طه: ۱۰۸)

۲۷.۴ \* « يَا مَعْيِلَ عَذْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ » ای پذیرنده‌ی عذر لغزش‌های گناهکاران!

### لغزش اثر گناه!

«ذَنْبٌ» به معنای دم حیوان است. به گناه «ذنب» گفته می‌شود زیرا آثار شوم آن همواره مثل دم در پی انسان است. یکی از آثار تأسفبار گناه لغزش‌های پی‌درپی در امور مختلف مادی و معنوی است. و این به خاطر کم نور شدن قلب است. گناه قلب را کدر می‌سازد لذا نور خداوند از آن منعکس نمی‌شود و قدرت تشخیص ضعیف می‌شود. خداوند نیروی فرق‌گذاری بین حق و باطل را تنها به پرهیزکاران داده است. «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹)

گناهکار لغزش‌هایش بسیار است. گناه سبب شده است تا قطار

زندگی اش از ریل تدبیر خارج شود و نتواند امور زندگی اش را به خوبی تدبیر نماید. در این فراز از دعا مؤمن از خداوند می خواهد که یکی از عمده ترین آثار گناهانش را که لغزش های فراوان اوست ببخشد و اقاله کند.

غفران به معنی پوشاندن گناه است. پوشاندن گناه به معنای جلوگیری از آثار آن است. وقتی از خداوند خواسته می شود تا از لغزش های گناهکارن در گذر یعنی گناهان آنها را مورد مغفرت قرار بده!

### دعای روز بیست و هشتم

« اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَ أَكْرِمْنِي فِيهِ بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْأَسْئَلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ إِحْضَاؤُ الْمُلْحِينِ »<sup>۴۴۵</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز به اعمال نافله و مستحبات مرا بهره وافر عطا فرما و به حاضر و آماده ساختن مسائل در حقم کرم فرما و وسیله ای مرا بین وسایل و اسباب به سوی حضرتت نزدیک ساز ای خدایی که سماجت و الحاح بندگان تو را باز نخواهد داشت.

۲۸.۱ \* « اللَّهُمَّ وَفَّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ » ای خدا در این روز به اعمال

نافله و مستحبات مرا بهره وافر عطا فرما!

### نوافل ماه رمضان

<sup>۴۴۵</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند آنچه به او در بهشت می دهند اگر با دنیا مقایسه کنند چهل برابر دنیا می شود.



«نوافل» جمع «نافله» به معنای اعمال مستحبی است که بیشتر برای نمازهای مستحبی بکار برده می‌شود. اعمال مستحبی در ماه مبارک رمضان بسیار زیاد است: نمازهای مستحبی، دعاها، ذکرها، تلاوت قرآن، احیاء و شب زنده‌داری و همچنین رسیدگی به فقراء که از جایگاه ویژه‌ای در این ماه برخوردار است.

مفاتیح الجنان منبع بسیار جامعی برای آشنا شدن با اعمال مستحبی ماه مبارک رمضان است. ما در این ذیل این فراز از دعا، به توضیح دو نماز از نمازهای مستحبی این ماه عزیز بسنده می‌کنیم و به‌خاطر این که از مرحوم محدث قمی (رحمة الله علیه) بیشتر یاد کرده باشیم متن توضیح این دو نماز را از کتاب ایشان نقل می‌کنیم:

«بدان که از اعمالی که در شب‌های ماه رمضان مستحب

است به‌جا آورده شود هزار رکعت نماز است در مجموع این ماه که مشایخ و اعظام علما در کتب خود که در فقه یا عبادات نوشته‌اند به آن اشاره نموده‌اند و اما کیفیت به‌جا آوردن آن؛ پس احادیث در باب آن مختلف است و آنچه موافق روایت ابن ابی قره است از حضرت جواد(علیه‌السلام) و مختار شیخ مفید در کتاب غریبه و اشراف بلکه مختار مشهور است آن است که در دهه‌ی اول و دهه‌ی دوم ماه رمضان در هر شبی بیست رکعت خوانده شود هر دو رکعت به یک سلام؛ به این طریق که هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و در دهه‌ی آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشاء و

مجموع این نمازها هفتصد رکعت می‌شود و باقیمانده را که سیصد رکعت است در شب‌های قدر بخواند یعنی شب نوزدهم صد رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سوم صد رکعت پس مجموع هزار رکعت شود و به ترتیب دیگر نیز وارد شده و تفصیل کلام در جای دیگر است و این مقام را گنجایش بسط نیست و امید که اهل خیر در عمل به این هزار رکعت نماز مسامحه و سهل‌انگاری نکرده از فیض آن خود را بهره‌مند نمایند و روایت شده که: می‌خوانی بعد از هر دو رکعت از نافله‌های ماه رمضان: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتَقْدَرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وَفِيْمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حَجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجَّتَهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيِهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۴۴۶</sup>

شیخ کفعمی در حاشیه بلد الامین از سید بن باقی نقل کرده که فرموده مستحب است در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و توحید سه مرتبه و چون سلام داد بگوید: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَفِيْظٌ لَا يَغْفُلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِيْمٌ

<sup>۴۴۶</sup> خدایا مقرر فرمای در قضا و قدرت که از امر حتمی است و در آنچه جدا فرمایی از امر حکیمانه در شب قدر که مرا از حاجیان بیت حرمت قرار دهی آنها که حششان درست و نیکو انجام شود و سعی آنها قدردانی و گناهانشان آمرزیده شود و از تو درخواست می‌کنم که عمرم در طاعت و عبادت دراز فرمایی و در روزیم وسعت مرحمت فرمایی ای مهربانترین مهربانان عالم.

لَا يَعْجَلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو. ۴۴۷»  
 پس بگوید تسبیحات اربع (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
 وَاللَّهُ أَكْبَرُ) را هفت مرتبه پس بگوید: «سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ  
 سُبْحَانَكَ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ» پس ده مرتبه صلوات  
 بفرستد بر پیغمبر و آل او (علیهم‌السلام) کسی که این دو  
 رکعت نماز را به‌جا آورد بیمارزد حق تعالی از برای او هفتاد  
 هزار گناه و ...»

۲۸.۲ \* «وَأَكْرَمُنِي فِيهِ بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ» و به حاضر و آماده ساختن

مسائل در حقم کرم فرما!

### مصدق تکریم انسان

قرآن درباره‌ی تکریم انسان‌ها می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ  
 حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (اسراء: ۷۹۰) خداوند دو نوع  
 تکریم درباره‌ی انسان‌ها اعمال نموده است: اول این که دریا خشکی  
 را در تسخیر آنها قرار داده است و دوم این که روزیشان را طیب و  
 پاکیزه قرار داده است.

تکریم دوم مناسب با این فراز از دعا است. خداوند به‌خاطر این که  
 رزق طیب را به انسان‌ها بدهد بعضی از خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را بر

۴۴۷ منزه است آن خدایی که او حافظ است و غفلت نکند. منزه است آن خدایی  
 که او مهربان است و شتاب نکند. منزه است آنکه او همیشه برپا و ثابت است و از  
 یاد نبرد. پاک و منزه است آنکه او جاوید است و ساحت کبریایش دور از لهو و  
 بازی است. منزهی تو منزهی تو منزهی تو ای خدای بزرگ گناه بزرگم را بیمارز

آن حرام ساخته و بعضی‌ها را مکروه نموده است. و همچنین برای بدست آوردن رزق حدود و قوانین اجباری و یا توصیه‌ای را وضع نموده است تا کسب و کار انسان را کرامت او تنافی پیدا نکند.

خداوند شرایطی را برای زندگی انسان در دنیا فراهم آورده است که کرامت و بزرگواری‌اش و تفوقی که بر دیگر موجودات دارد حفظ شود. انسان در این دنیا میهمان خداست. میزبان بعد از آماده نموده اسباب پذیرایی به میهمان می‌گوید: اگر چیز دیگری خواستید بگویید رودرواسی نداشته باشید. خدا نیز به انسان می‌آموزد که هر چه خواستی از من بخواه!

خداوند به انسان‌ها فرموده است ابتدا خواسته‌هایتان را با من مطرح کنید و بعد من انسان‌های خیر را با شما آشنا می‌سازم تا کارتان را راه بیاندازند. و به آنها هم می‌گویم مبادا به شما منت بگذارند بلکه بدون منت و با سرعت و مخفیانه و حفظ کرامت شما خواسته‌هایتان را برآورده سازند.

در قرآن و حدیث مستندات زیادی وجود دارد که انسان‌ها را علاوه بر کمک به دیگران به آنها گوشزد می‌کند که آداب کمک را به درستی یاد گرفته و ملتزم به آن باشید و مبادا احترام نیازمندان را نگه ندارید.

۲۸.۳ \* « وَ قَرَّبُ فِيهِ وَسِيَلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْأَوْسَائِلِ » و وسیله‌ی مرا بین

وسایل و اسباب به‌سوی حضرتت نزدیک ساز!

**چند راه به سوی خدا!؟**

جمله‌ای حکیمانه در بعضی از کتاب‌ها وجود دارد که درست

ترجمه نشده و در نتیجه اشتباه توضیح داده شده است، ان جمله این است: «الطرق إلى الله بعدد أنفاس الخلائق.» ترجمه‌ای که شده است این است: راه‌های رسیدن به خداوند به عدد همه‌ی خلائق است. بر اساس این ترجمه این نتیجه‌گیری اشتباه شده است که: هر انسانی به نحوی به خدای خود تقرب می‌جوید. نباید انسان‌ها را مجبور نمود تا از روش‌هایی خاصی پیروی کنند. این سخن در واقع شریعت را نفی می‌کند و به طریقت تأکید می‌کند و می‌گوید طریقت محدود در شریعت نیست بلکه هر راهی که بتواند سالک را به حقیقت برساند مقدس است.

این تفکر موجب به‌وجود آمدن مکتب‌های مختلف انحرافی شده است و در این زمان نیز با ادبیات جدید این گونه مطرح می‌شود که: دین تجربه‌ای درونی و شخصی است لذا نباید نسبت به آن تعصب داشت و تلاش نمود تا دیگران را هم رأی خود نمود. دین مال درون خانه‌هاست نه سطح خیابان‌ها!

اشتباهی که در ترجمه این جمله شده است این است که: «انفاس» جمع «نَفَس» است نه «نَفَس» جمع «نَفَس» نفوس است. نَفَس به همین معنایی است که در فارسی کاربرد دارد. اما نَفَس به معنای شخص و نفر است. این جمله می‌گوید: به عدد نفس‌هایی که انسان می‌کشد راه به سوی خداوند وجود دارد. توضیح این که در هر نَفَسی و لحظه‌ای از زندگی باید راهی را برای رسیدن به خداوند جست و راه را گم نکرد!

این جمله اگر آنطور که ما معنی کردیم تفسیر شود سخن حقی است و اگر غیر این باشد نمی‌تواند جمله درستی باشد و اصراری هم

نیست که حتما معنای درستی برای آن درست شود زیرا این جمله به هیچ یک از حضرات معصومین اسناد داده نشده است.

آنچه بنده در فراز فوق از خداوند می‌خواهد این است که خدایا: با توجه به شرایطی که در زندگی دارم راه و وسیله‌ی مناسب برای این که رضایتت را جلب کنم و به تو نزدیک شوم برایم مهیا کن و به من الهام کن که چه کنم!

بالاخره افضل اعمال برای هر کس فرق می‌کند. تفضیل یک عمل بر عملی دیگر با توجه به شرایط متفاوت است. زمان جنگ افضل اعمال جنگ است ولی در زمان صلح عملی دیگر است.

### مصادیق افضل اعمال

طبق احادیث، «افضل اعمال» می‌تواند هریک از امور ذیل باشد که هر فردی با توجه به شرایطی که دارد آنها را برای انجام دادن در اولویت قرار دهد:

۱. دین: فقه در دین، ایمان بدون شک، علم به خداوند و تفکر در قدرت او، تواضع برای او، توکل و رضا، توحید، ایمان و بعد جهاد و بعد حج.

۲. عمل: انجام طاعاتی که موجب بهشت و خلاصی از دوزخ می‌شود، عمل به سنت، مطلق عمل به آگاهی‌ها و عمل مداوم. عمل خالص، خصوصا در دادن‌ها و گرفتن‌های مالی، به ویژه عمل با انگیزه محبت خداوند، مخفی نمودن عمل، خصوصا صدقه. سخت‌ترین عمل مثل وضو در سرما و عملی که نفس از انجام آن کراهت دارد.

۳. تقوی: ترک معصیت، بخصوص ورع در ماه رمضان،

احتیاط نزد امور شبهه‌ناک، خصوصا در امور مربوط به خوراکی و جنسی. جهاد با نفس و جنگ با هوس و پشت نمودن به دنیا. خصوصا غلبه بر عادات، کوتاه نمودن آرزو، عزلت‌گزینی از مردم، بغض دنیا بعد از معرفت به خداوند، تسلیم و ورع، ایمان و نان حلال.

۴. عبادات:

الف) نماز در وقت، خصوصا اول وقت و با جماعت و انتظار تشکیل جماعت، گریه در نماز، خواندن نماز شب.

ب) جهاد

ج) حج همراه با اعمال نیک (حج مبرور)

د) استدامت به ذکر، به خصوص لا اله الا الله، و همچنین اضافه نمودن: لاحول و لا قوه الا بالله به آن، خصوصا هنگام مرگ، و نیمه شب و یاد مرگ.

ه) دعا، بخصوص استغفار، همراه با ندامت و ذکر صلوات، به خصوص صلوات عصر جمعه.

و) تلاوت قرآن تا دم مرگ.

۵. ولایت: حب و بغض فی الله، خصوصا حب امام علی (علیه‌السلام)، اکرام اظهار کنندگان محبت اهل البیت (علیهم‌السلام)، زیارت قبر امام حسین (علیه‌السلام)، انتظار فرج، همراهی با حق، معرفت داشتن نسبت به اهل البیت (علیهم‌السلام) در شروع و ختم همه‌ی کارها.

۶. اخلاق: خوش خلقی خصوصا مروّت، صبر بر اذیت مردم و مدارات با آنها، تواضع، مواسات، قناعت، سکوت،

خصوصاً صَمْت (صمت به معنای سکوت کردن در جایی که نباید سخن گفت)، صمت در مقابل شبهه، پوشاندن عیوب مسلمان، ایمان و بعد صله‌ی رحم و بعد امر به معروف، اطعام، نیکو نمودن سخن، دوست داشتن اطفال به‌خاطر فطرت توحیدی، جلوگیری از اتهام بخل (با میهمانی دادن).

۷. افضل اعمال در موضوع خاص: نماز و قرائت قرآن هنگام گرفتگی ماه.

موارد فوق برداشت شده از هفتاد و یک روایت با موضوع: «افضل الاعمال» از مستندات مختلف حدیثی است.

۲۸.۴ \* « يَا مَنْ لَا يَشْعَلُهُ إِحْسَاحُ الْمُلْحِينِ » ای خدایی که سماجت و

الحاح بندگان تو را باز نخواهد داشت.

### خداوند فقط مال تو!!

توجه به این نکته که خداوند برای هر کسی توجه مخصوص خود را دارد موجب رغبت بیشتر به دعا نمودن است.

خداوند منزله از هر گونه نقصی است. انسان‌ها هر چند خیر باشند و به کار دیگران رسیدگی کنند وقتی سرشان شلوغ شود خصوصاً این که چند نفر اصرار زیادی برای حل مشکلشان داشته باشند از رسیدگی به دیگران باز می‌مانند. ولی خداوند این‌گونه نیست. او به رزق همه‌ی موجودات هستی با همه‌ی فراوانی که از نظر عدد و نوع دارند رسیدگی می‌کند آن‌گونه که هر موجودی تصور می‌کند انگار خداوند، فقط خدای اوست!

البته این فراز از دعا این تذکر را نیز به انسان می‌دهد که وقتی



می‌خواهی به کار دیگران رسیدگی کنی مواظب باش برای همه‌ی مراجعین وقت کافی را بگذاری و زیاد شدن فعالیت‌ها تو را از رسیدگی عادلانه باز ندارد. ضروت دارد از ابتدا به میزانی کار قبول کنی که توان ایجاد عدالت بین آنها را برای وقت‌گذاری و اعمال دقت نظر، داشته باشی.

در سیره‌ی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام آمده است که حضرت به اطرافیان خود به گونه‌ای توجه می‌کرد که هر کسی تصور می‌نمود که ایشان بیشتر از همه به او علاقه‌مند است!

### دعای روز بیست و نهم

«اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيمًا بَعِيدَهُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴۴۸</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز مرا به رحمت خود درپوشان و هم توفیق و حفظ از گناهان روزی فرما و دلم را از تاریکی‌های شکوک و اوهام باطل پاک دار ای خدای مهربان بر اهل ایمان

۲۹۱. \* «اللَّهُمَّ غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ» ای خدا در این روز مرا به رحمت

خود درپوشان!

### بارش رحمت

<sup>۴۴۸</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند گویا هر گرسنه‌ای را سیر نموده و هر تشنه‌ای را سیراب ساخته و هر زن و مرد مؤمنی را که در دنیا بودند لباس پوشانده است.

رحمت‌های خداوند همچون باران همه را فراگرفته است «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» فقط باید ظرفی پشت به باران نکرده باشد و الا هیچ از باران به او نخواهد رسید.

این فراز از دعا با توجه به فراز بعدی آن اشاره به این نکته دارد که انسان باید زمینه‌ی استفاده از رحمت‌های خداوند را در خودش ایجاد کند. «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۱۵۶) آنانی که با تقوی هستند و به نیازمندان بخشش می‌کنند و ایمان به آیات الهی دارند مستحق رحمت خداوند می‌شوند. ایمان و تقوا و زکات زمینه‌های جلب رحمت خداوند هستند.

قرآن می‌فرماید: خداوند آنانی را که به او ایمان دارند از تاریکی به نور می‌آورد ولی آنانی که به او ایمان ندارند از نور به تاریکی می‌روند «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷) درست مثل زمین و خورشید. خورشید غروب و طلوع ندارد این زمین است که به هر میزان که رو به خورشید کند از نورش بهره می‌گیرد و به هر میزان که از آن روی برتابد در تاریکی فرو می‌رود.

اعراض از ذکر خداوند همان روی برتافتن از خورشید است. اعراض از ذکر خداوند زندگی انسان را در تنکنای شدیدی قرار می‌دهد «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴) این شخص خودش باعث محرومیت از رحمت خداوند شده است.

خداوند که انسان را آفرید به او گفت که با همسرش در بهشت سکنی گزیند و از آنچه در بهشت است به هر میزان که می‌خواهد

بخورد و لذتش را ببرد و تنها یک میوه را استثنا نمود: «یا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵) ولی انسان به خاطر حرصش خود را از بهشت خارج ساخت و در زمین قرار داد.

۲۹.۲ \* «وَ ارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَ الْعِصْمَةَ» و هم توفیق و حفظ از

گناهان روزی فرما!

### رابطه‌ی توفیق و عصمت

توفیق به معنای هماهنگ بودن اعمال انسان با اوامر خداوند است (توحید صدوق: ۲۴۲) و عصمت به معنای یافتن قدرتی درونی برای پرهیز از نواهی پروردگار است.

طاعت و موافق نمودن همه‌ی کارها با دستورات خداوند انسان را به عصمت می‌رساند.

خداوند ایمان فطری را در همه‌ی انسان‌ها نهادینه نموده است و او را نسبت به مصادیق تقوا و فجور آگاه نموده است. حال نوبت انسان است که با توفیق خواهی از خداوند به عمل پردازد. عمل ایمان را تقویت می‌کند و ایمان تقویت شده، عمل بیشتر را باعث می‌شود و همانطور ایمان و عمل یکدیگر را تقویت می‌کنند و مثل دو بال انسان را تا سدره‌المنتهی پیش برده و او را به شاخه طوبی می‌نشانند. و انسان این‌گونه به عصمت می‌رسد.

هر چند انسان نمی‌تواند به مراحل بالای عصمت برسد ولی به مرحله‌ی نخست آن هم نایل شود به کمال مطلوب خود دست یافته

است.

۲۹.۳ \* « وَ طَهَّرَ قَلْبِي مِنْ غِيَاهِبِ التُّهْمَةِ » و دلم را از تاریکی‌های

شکوک و اوهام باطل پاک دار!

### رهایی از وهم!

«غیاهب» جمع «غیهب» به معنای تاریکی شدید است. «تُهْمَه» به معنای وهم و (باطل را حق و حق را باطل) تصور کردن است. تاریکی‌ها وقتی زیادتر از نور باشد انسان دچار وهم می‌شود به سایه‌ای روی دیوار می‌نگرد خیال می‌کند واقعا موجودی روی دیوار است و از طرفی موجودی روی دیوار حرکت می‌کند خیال می‌کند سایه‌ای بیش نبوده است.

کلمه‌ی تطهیر در فراز دعای فوق نشان از این است که برای رهایی از وهم و شبهه باید خود را از گناهان پاک نمود. توهم نشان آلوده شدن است. کسی که از گناه پرهیز دارد دارای نیروی فرق‌گذاری بین حق از باطل است «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹) بنابراین هیچ‌گاه دچار وهم نمی‌شود. متقی کسی است که تنها ولایت خداوند را پذیرفته است و دل به غیر خدا نداده است لذا از همه‌ی تاریکی‌ها خارج است و با نور خداوند که در عقل و شرع تابیده است راه را از چاه، حق را از باطل، سره را از ناسره تشخیص می‌دهد و از فتنه‌ها آگاه که حق و باطل به هم پیچ می‌خورد به سلامت عبور می‌کند.

کسی که از تاریکی به نور هدایت شود چنگ به ریسمانی محکم می‌زند که هیچ پاره نمی‌شود. خود را از چاه همه‌ی ظلمت‌ها رهایی

می‌بخشد و در امواج متلاطم بر کشتی نجات سوار می‌شود و همچون کودکی که می‌خواهد از خیابانی شلوغ بگذرد دستش را در دست والدینش می‌گذارد و نه جلوتر از آنها و نه عقب‌تر از آنها بلکه همراه و ملازم با آنها از فتنه‌ها و خطرهای وسوسه‌ها و عبور می‌کند و تا آنجا می‌رود که خود را ملحق با راهیان نور می‌سازد و «منا اهل البیت» می‌گردد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ يَا مَنْ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» (فرازی از صلوات شعبانیه)

۲۹۴ \* « يَا رَحِيمَا بَعَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ » ای خدای مهربان بر اهل ایمان!

### تفاوت رحمان و رحیم

رحمت خداوند شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود ولی چون مؤمنین از آن بیشتر بهره می‌برند، اسم «رحیم» برای آنها ظهور می‌یابد. رحمتِ رحیم، نعمت معنوی است و رحمتِ رحمان، نعمت مادی است. همه‌ی موجودات از رحمت رحمان استفاده می‌کنند لذا خداوند برای همه‌ی موجودات رحمن است ولی از رحمت رحیم فقط مؤمنین بهره می‌برند لذا خداوند تنها برای آنها رحیم است.

انسان‌هایی که از تعالیم انبیا دور مانده بودند و غرق در زندگی مادی شده بودند تنها تصویری که از خداوند و نعمت‌های او داشتند امور مادی بود. لذا آنها خداوند را تنها به نام رحمن می‌شناختند. و نسبت به نام رحیم بیگانه بودند: « قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ

الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ<sup>۴۴۹</sup>» (یس: ۱۵) آنها چون تصویری از رحمت‌های معنوی نداشتند تصور می‌کردند هر کس که از مادیات بیشتری برخوردار باشد همو مقرب درگاه خداوند است و اگر قرار باشد خداوند پیامبری داشته باشد باید از میان متولین و اغنیاء انتخاب گردد لذا در مقابل انبیا می‌گفتند ما از شما اموال و اولاد بیشتری داریم چرا شما که ثروتی ندارید پیامبر شده‌اید؟!

شیطان با نام رحیم خیلی عداوت می‌ورزید به همین خاطر تلاش زیاد کرد تا از تکرار «بسم الله الرحمن الرحيم» در قرآن جلوگیری کند. کمی هم موفق شد تا جایی که بعضی از اهل سنت جز بسم الله سوره نمل که در نامه‌ی حضرت سلیمان به ملکه‌ی سبا آمده است دیگر بسم الله‌ها را از قرآن نمی‌دانند و می‌گویند مسلمانان آنها را در ابتدای سوره‌ها به‌خاطر تیمن و تبرک نوشته‌اند! ولی شیعه برای مبارزه با این تحریف آشکار قرآن با توصیه‌ی امامان بزرگوارش بسم الله را نه تنها جزء قرآن می‌داند بلکه اصرار دارد آن را حتی در نمازهای اخفاتی (نماز ظهر و عصر) با صدای بلند بخواند.

## دعای روز سی‌ام

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَ الْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأَصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

<sup>۴۴۹</sup> [ناباوران آن ديار] گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید، و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده، و شما جز دروغ نمی‌پردازید.»

الْعَالَمِينَ»<sup>۴۵۰</sup>

ترجمه: ای خدا در این روز روزه‌ی مرا با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده که پسند حضرتت و پسند رسولت گردد و فروع آن را به واسطه‌ی اصول آن محکم اساس گردان به حق سید ما حضرت محمد و آل اطهارش و ستایش خدای را که پروردگار عالمیان است.

۱. ۳۰ \* «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْأَصُولِ» ای خدا در این روز روزه‌ی مرا با جزای خیر و مقبول حضرتت قرار ده که پسند حضرتت و پسند رسولت گردد و فروع آن را به واسطه‌ی اصول آن محکم اساس گردان!

### رابطه‌ی تشکر و قبول

خداوند وقتی عملی را قبول می‌کند در واقع از انجام آن تشکر نموده است!

در دعای آخر، مؤمن از خداوند می‌خواهد که روزه‌اش را مورد تشکر قرار داده و قبول کند. اگر این اتفاق بیافتد خداوند از بنده‌اش راضی خواهد شد و پیامبر نیز به خاطر رضایت خداوند خرسند خواهد گشت.

حال اگر خداوند بگوید: روزه‌ی تو نقص دارد و من عمل ناقص را قبول نمی‌کنم! بنده می‌گوید: خدایا من اعتراف می‌کنم عملم نقص دارد. ولی اصول عملم محکم است. من این عمل را طبق شرع مقدس

<sup>۴۵۰</sup> هر کس در این روز این دعا را بخواند خداوند او را همانند انبیا و اوصیا تکریم خواهد نمود. (این ثواب بالاترین و جامع‌ترین ثواب در میان همه ثواب‌ها است).

اسلام و فقه جعفری انجام دادم. من مسلمان و شیعه هستم. حال از تو می‌خواهم شاخه‌های لرزان عملم را به خاطر استحکام ریشه‌اش محکم کنی.

روزه‌دار امید دارد با استجابت این دعا و قبولی روزه‌اش درختی با ریشه‌ای محکم و شاخ و برگ گسترده برای خود غرس نموده باشد؛ درختی که سایه خنکش او را از شر دوزخ ایمن کرده باشد. درختی که همگی بهشتش را سایه دهد.

درختان بهشت و دیگر نعمت‌های آنجا را بهشتیان، خود باید بسازند. زیرا دنیا مزرعه آخرت است.

۳۰.۱ \* « بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ » به حق سید ما حضرت

محمد و آل اطهارش!

### حقیقت شفاعت

شفاعت پیامبر اسلام و اهل بیت او پرتوهای گسترده‌ای دارد. از پرتوهای شفاعت این بزرگواران استجابت دعا است. یعنی ما از خداوند می‌خواهیم به خاطر اعترافی که به حق رسالت و ولایت داریم دعایمان مورد استجابت قرار گیرد. شفاعت به معنای جبران نقص عمل به وسیله‌ی کمال ایمان است. منتها این فرد شفاعت کننده است که باید تأیید که ایمان کمال داشته و صحیح است. اهل البیت (علیهم‌السلام) در عالم ملکوت وقتی ایمان دعا کننده را مورد تأیید قرار دادند آن وقت مراحل اجرایی استجابت دعا آغاز می‌شود. بدون تأیید اینان هیچ عملی قبول نشده و هیچ دعایی شنیده نمی‌گردد.



این اهل البیت هستند که راه را از چاه می‌شناسند و به انسان‌ها آموخته‌اند دیگران آنچه از شریعت دارند ساختگی خودشان است. عمل به شریعت ساختگی جز تباهی انسان را به دنبال ندارد. بر این اساس شفاعت به معنایی تأیید صحت عمل طبق نظر خداوند است.

۳۰.۱ \* «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و ستایش خدای را که پروردگار

عالمیان است!

### الحمد لله رب العالمين

آخر دعا به حمد الهی ختم شده است زیرا بهشتیان هم آخر هر سخنشان «الحمد لله رب العالمين» است: «آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (یونس: ۱۰)

این جمله کامل‌ترین سخن برای تشکر زبانی از خداوند است. آنچنان پر مغز است که هیچ نمی‌توان در چند سطر از عهده‌ی توضیحش برآمد هر چند شناخت و معرفت‌مان در بیش از چند سطر هم نمی‌گنجد!

نخستین وظیفه‌ی بندگان آن است که به یاد مبدأ بزرگ عالم هستی و نعمت‌های بی‌پایانش بیفتند، همان نعمت‌های فراوانی که راهنمای ما در شناخت پروردگار و انگیزه مادر راه عبودیت است.

اینکه می‌گوییم: انگیزه، به خاطر آن است که هر انسانی به هنگامی که نعمتی به او می‌رسد فوراً می‌خواهد، بخشنده‌ی نعمت را بشناسد، و طبق فرمان فطرت به سپاسگزاری برخیزد و حق شکر او را ادا کند به همین جهت علمای علم کلام (عقائد) در نخستین بحث این علم «وجوب شکر منعم» را که یک فرمان فطری و عقلی است به

عنوان انگیزه خدانشناسی، یادآور می‌شوند.

و اینکه می‌گوییم: راهنمای ما در شناخت پروردگار نعمت‌های اوست، زیرا بهترین و جامع‌ترین راه برای شناخت مبدأ، مطالعه در اسرار آفرینش و رازهای خلقت و مخصوصاً وجود نعمت‌ها در رابطه با زندگی انسان‌ها است.

به این دو دلیل سوره فاتحه‌الکتاب با این جمله شروع می‌شود  
«حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است  
/ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

«حمد» در لغت به معنی ستایش کردن در برابر کار یا صفت نیک اختیاری است.

۱- هر انسانی که سرچشمه‌ی خیر و برکتی است و هر پیامبر و رهبر الهی که نور هدایت در دل‌ها می‌پاشد، هر شخص سخاوتمندی که بخشش می‌کند، و هر طبیبی که مرهمی بر زخم جانکاهی می‌نهد، ستایش آنها از ستایش خدا سرچشمه می‌گیرد، چرا که همه‌ی این مواهب در اصل از ناحیه ذات پاک او است، و نیز اگر خورشید نورافشانی می‌کند، ابرها باران می‌بارند، و زمین برکاتش را به ما تحویل می‌دهد، همه از ناحیه‌ی او است.

۲- جالب اینکه «حمد» تنها در آغاز کار نیست، بلکه پایان کارها نیز چنانکه قرآن به ما تعلیم می‌دهد با حمد خواهد بود، در مورد بهشتیان می‌خوانیم: «سخن آنها در بهشت نخست منزه شمردن خداوند از هر عیب و نقص و تحیت آنها سلام، و آخرین سخنشان  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ است» (یونس: ۱۰)

۳- اما کلمه «رب» در اصل به معنی مالک و صاحب چیزی است

که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد.

۴- کلمه «الْعَالَمِينَ» جمع «عالم» است و عالم به معنی مجموعه‌ای است از موجودات مختلف و هنگامی که به صورت «عالمین» جمع بسته می‌شود اشاره به تمام مجموعه‌های این جهان است.

در روایتی از علی (علیه‌السلام) چنین می‌خوانیم که در ضمن تفسیر آیه‌ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فرمود: «رَبِّ الْعَالَمِينَ اشاره به مجموع همه‌ی مخلوقات است اعم از موجودات بی‌جان و جاندار.»

## منابع

العروة الوثقى	قرآن
عيون اخبار الرضا	اجوبة الاستفتاءات, آيت الله خامنه‌ای
فضائل اشهر الثلاثة	بحار الانوار
الكافي	تحرير الوسيلة
مستدرک وسائل الشيعه	تحف العقول
مصباح الشريعه	ترجمه المراقبات
مفاتيح الجنان	تفسير نمونه, آيت الله مكارم شيرازى
منهاج الصالحين, آيت الله تبريزى	توحيد صدوق
منهاج الصالحين, آيت الله سيستانى	توضيح المسائل مراجع
منهاج الصالحين, آيت الله وحيد	توضيح المسائل, آيت الله تبريزى
ميزان الحكمة	توضيح المسائل, آيت الله سيستانى
هداية العباد, آيت الله صافى	توضيح المسائل, آيت الله صافى
وسائل الشيعه	توضيح المسائل, آيت الله وحيد
وسيلة النجاة, آيت الله بهجت	جامع المسائل, آيت الله فاضل
	الخصال

## آثار نویسنده

## تا بهار ۱۳۸۸

۱. آب بی حسین تشنه ماند- مجموعه ۱۰۰ جمله کوتاه در موضوع کربلا با خط نستعلیق- پالتویی خوابیده- ۱۱۲ صفحه- ۱۰۰۰ تومان.
۲. آیین مهربانی- بر اساس ۱۴۰۰ سند از قرآن و حدیث- وزیری، ۳۴۰ صفحه- ۳۴۰۰ تومان.
۳. از عشق چه میدانی؟- تحلیل روانی و اسلامی پدیده‌ی عشق- وزیری- ۲۰۸ صفحه- چاپ دو رنگ- ۲۸۰۰ تومان.
۴. اندیشه‌های مشترک- مجموعه ۵۰۰ جمله‌ی ناب- جیبی- ۹۶ صفحه- ۷۰۰ تومان.
۵. ایمان در ثریا- سیری در سیره‌ی عملی امام خمینی (ره)- وزیری- ۱۶۰ صفحه- ۱۶۰۰ تومان.
۶. چهل پاسخ درباره‌ی نماز- پالتویی رقی- ۷۶ صفحه- دو رنگ- ۴۰۰ تومان.
۷. حقیقت علی (علیه‌السلام)- بر اساس ۱۲۰۰ سند- رقی- ۱۶۰ صفحه- ۱۶۰۰ تومان.

۸. زیارت امام حسین (علیه السلام) - بررسی ۱۶۶ ثواب زیارت حضرت -  
رقعی - ۲۵۶ صفحه - ۲۵۰۰ تومان.

۹. سی پاسخ درباره‌ی «بسم الله» - پالتویی وزیری - ۹۶ صفحه -  
۷۰۰ تومان.

۱۰. المراقبات (ترجمه و تحقیق بخش ماه رمضان) - وزیری - ۲۴۰  
صفحه - ۲۴۰۰ تومان.

۱۱. مصیبه‌الدهور - خلاصه کتاب شفاء الصدور - رقی - ۱۵۶ صفحه -  
۱۵۰۰ تومان.

۱۲. مطلع نور - تفسیر بزرگترین آیه قرآن (بسم الله الرحمن الرحیم) -  
وزیری - ۳۵۲ صفحه - ۳۰۰۰ تومان.

۱۳. یاد خداوند - مجموعه دعاها‌ی مورد نیاز - جیبی - ۲۲۴ صفحه -  
چاپ دو رنگ - شومیز: ۱۵۰۰ تومان - گالینگور: ۲۰۰۰.

کلیه‌ی کتاب‌ها بسته به میزان خرید مشمول تخفیف تا ۵۰ درصد  
می‌شود.

انتشارات ورع - انتشارات فائز